

۴۸۰

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۳۰ شهریور تا ۵ مهر ۱۴۰۳ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۴۶



معادله‌ای که حل آن بامعامله ممکن نیست!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

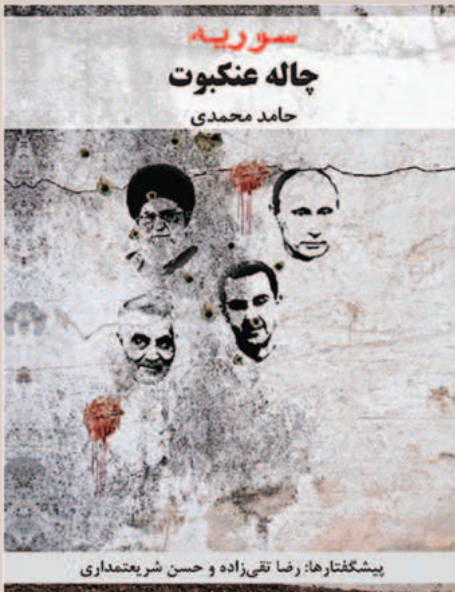
آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه : جاله عنکبوت
به قلم حامد محمدی (افسر خلیان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم

کیهان شماره ۱۹۴۶ (۴۸۰)

جمعه ۳۰ شهریور تا ۵ مهر ۱۴۰۳
۲۰ تا ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴



کیهان

فهرست مطالب

سر مقاله - حکومت بعدی ایران / الاهی بقراط ۴
 تیر هفته - معادله‌ای که حل آن با معامله ممکن نیست! ... / ۴-۵
 نصر الله و «پیجر» اش! ... / بهنام محمدی ۵

۶
 ۷
 ۸-۹
 ۹
 ۱۰-۱۱
 ۱۱
 ۱۲-۱۴
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۰-۲۱
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۲-۲۳
 ۲۳
 ۲۴-۲۵
 ۲۶-۲۷
 ۲۷
 ۲۸-۲۹
 ۲۹
 ۳۰-۳۱
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۴-۳۵
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۷
 ۳۷
 ۳۸-۳۹
 ۳۹
 ۴۰-۴۱
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۲-۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶-۴۷
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰-۵۱
 ۵۱-۵۲
 ۵۲-۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸-۵۹
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲-۶۳
 ۶۴
 پشت جلد - عکس هفته / نیکا ... /

بازنشر
بازنشر



معادله‌ای که حل آن با معامله ممکن نیست!

حکومت بعدی ایران

ایران مدت‌هاست از مرحله‌ی ذکر مصیبت و حرف زدن درباره‌ی فساد و خیانت و جنایت جمهوری اسلامی و زمامدارانش گذر کرده و به دوران تثبیت ایده‌ها و مسیر و اهدافی رسیده که خود جامعه در تحركات اعتراضی خود دست‌کم از سال ۱۳۸۸ با صدای بلند فریاد زده است.

یکی از شاخص‌ترین ایده‌ها که به شکل شعار در همان سال سر داده شد و رژیم را چنان نگران ساخت که برخی با دروغ به تحریف آن پرداختند «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران!» بود. این شعار حامل هم مخالفت مریخ با سیاست‌های جمهوری اسلامی و هم دفاع از منافع ملی است که با اعلام خود، آزادی و

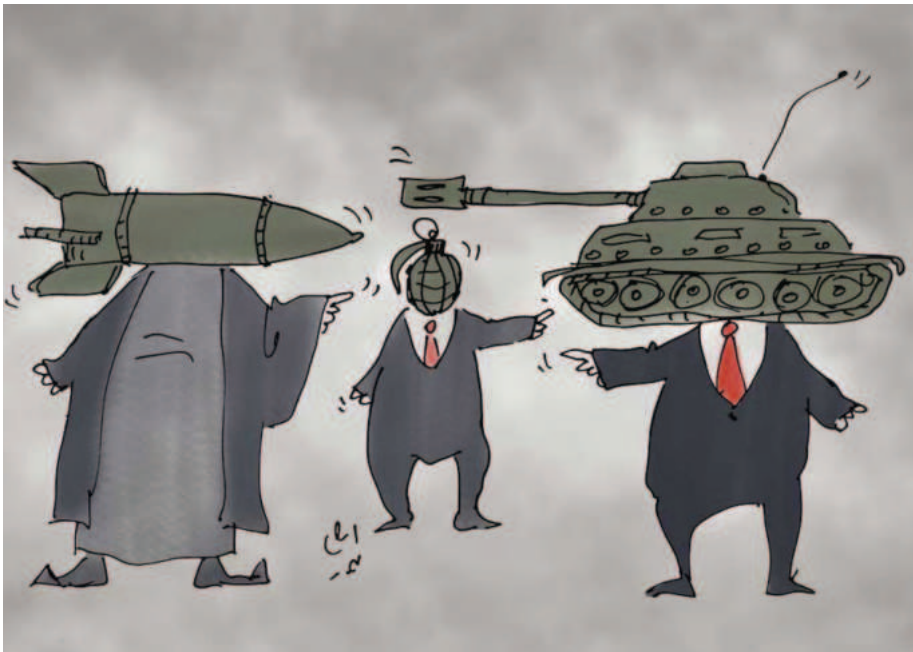


حق اعتراض به حکومت را نیز به نمایش می‌گذارد. اکنون در دومین سالگرد گسترده‌ترین و مریخ‌ترین اعتراضات آزادیخواهانه ایرانیان که قتل حکومتی مهسا امینی جرقه‌ای بود که آتش زیر خاکستر آن را شعله‌ور ساخت، خواست‌ها و صف‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی روشن‌تر از همیشه است. همانطور که حکومت اسلامی به رهبری خمینی یک ایده‌ی مشخص داشت که با تکیه بر همان با هر راه و روشی از جمله ترور و جنایت و اعدام و دروغ توانست آن را با پشتیبانی خارجی و برخی جریان‌های سیاسی خود ایران در آن دوران به قدرت برساند و تثبیت کند، حکومت ایران آینده نیز یک ایده‌ی مشخص دارد که برعکس ۵۷ نه از رسوبات فکری و گل و لای سمج قرون وسطایی در جامعه که مشروطه و پهلوی نتوانستند آنها را لایروبی کنند بلکه از مدرن‌ترین اندیشه‌ها و تمایلات قرن بیست و یکم سرچشمه می‌گیرد.

آنچه این خیزش آزادیخواهانه را رهبری می‌کند، مشابه انقلاب مشروطه، بیش از همه، ایده است! هیچ رهبری عینی بدون ایده و ذهن شکل نمی‌گیرد! ایده است که حاملان خود را پیدا می‌کند و رهبری عینی را به آنها می‌سپارد. همانطور که در سال ۵۷ ایده‌ی ارتجاعی اسلام سیاسی در برابر مشروطه و پهلوی، مرتجع‌ترین فرد را نیز برای رهبری خود یافت تا به غرب ارائه و به زیر درخت سیب در حومه پاریس منتقل شود.

اکنون اما جهان بسیار تغییر کرده و غرب نیز که خود با بنیادگرایی اسلامی در معرض تهدید قرار گرفته، به دنبال دفع این ایده و حاملانش و تقویت ایده‌های ملی و دموکراتیک در مرزهای خود است. اما این کار بدون خشکاندن سرچشمه‌ی اسلام سیاسی سلطه‌جو و تروریست‌پرور در خاورمیانه که مرکز ثقل آن ۵۷ و جمهوری اسلامی است، امکان ندارد. ایرانیان برای این جایگاهی می‌بایست آماده باشند چرا که هم از ایده و هم از حاملان این ایده که بتوانند آن را رهبری کنند برخوردارند. تلاش‌های مذبوحانه برای «رهبرسازی» در زندان و خارج کشور نیز با وجود شعارهای تند علیه «جمهوری اسلامی»، به دلیل نداشتن «ایده»‌ای که فراتر از حکومت فعلی باشد، تاکنون ناکام مانده‌اند.

تأکید بر ایده از این نظر مهم است که ایده می‌تواند رهبر یا رهبران را بازتولید کند اما رهبر بدون توجه کافی به ایده، ضربه‌پذیر است. آنچه از شعارهای اعتراضی ایرانیان در ۱۵ سال گذشته شنیده می‌شود، صرف نظر از ظرف و شکل نظام سیاسی، محتوا و ایده‌ی آزادی و دموکراسی، ملی‌گرایی و تعهد به منافع ملی و همزیستی با کشورهای منطقه و جهان است که خود را به برخی جریان‌های سیاسی نیز تحمیل کرده و سبب چرخش دست‌کم لفظی آنها به سوی ایده‌ی ملی‌گرایی شده است. آنها اما می‌بایست در نهایت تکلیف خود را با رهبری این ایده یعنی پهلوی نیز تعیین کنند وگرنه جامعه‌ی جامع‌اند آنها را نیز مانند جمهوری اسلامی پشت سر خواهد گذاشت.



● برای اسرائیل حساب حزب‌الله که از همان ابتدا به عنوان بازوی نظامی- عقیدتی جمهوری اسلامی نه تنها در لبنان بلکه در منطقه و برای جنگ با اسرائیل تأسیس شد، از دیگر نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی جداست و هرگونه حمله اسرائیل به حزب‌الله را می‌توان جنگ مستقیم با جمهوری اسلامی به حساب آورد.

انفجارها را اقدامی پیشگیرانه برای کاهش تنش‌ها در مرزهای شمالی این کشور به حساب آورد، زیرا حزب‌الله در این روزها زیر شوک قرار دارد و نخواهد توانست واکنشی سختی از خود نشان دهد.

عدم حمله به خاک لبنان همزمان با انفجار پیجرها و بیسیم‌های کادری حزب‌الله نظریه عاموس یادلین را تقویت می‌کند. اگر اسرائیل در نظر داشت درگیری با حزب‌الله را گسترش دهد، بهترین زمان برای یک حمله زمینی در روزهای گذشته بود. عملیات انفجاری گسترده روزهای گذشته از ماه‌ها پیش تدارک دیده شده بود و می‌توانست فرصت مناسبی برای حملات غافلگیرکننده اسرائیل به جنوب لبنان و مناطق تحت نفوذ حزب‌الله باشد. بنا بر اطلاعاتی که در این رابطه منتشر شده، پیجرها و بیسیم‌ها حدود دو ماه پیش بین اعضای حزب‌الله پخش شده بودند و اسرائیل در انتظار زمان مناسب برای منفجر کردن آنها بود.

حزب‌الله بازوی نظامی- عقیدتی جمهوری اسلامی

برای اسرائیل حساب حزب‌الله از دیگر نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی جداست. در حالی که حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و یا انصار حزب‌الله در یمن سازمان‌هایی هستند که سال‌های پس از آغاز فعالیت زیر پرچم جمهوری اسلامی و حمایت مالی و تسلیحاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفتند، حزب‌الله در دفتر علی‌اکبر محتشمی‌پور سفیر وقت جمهوری اسلامی در دمشق، در سال ۱۳۶۴ متولد شد، و از همان ابتدا به عنوان بازوی نظامی- عقیدتی جمهوری اسلامی نه تنها در لبنان بلکه در منطقه و به ویژه در جنگ با اسرائیل فعالیت‌هایش را آغاز کرد. هرگونه حمله اسرائیل به حزب‌الله را می‌توان جنگ مستقیم با جمهوری اسلامی به حساب آورد.

دو روز انفجارهای متعدد ولی هماهنگ در لبنان بار دیگر منطقه را یک قدم به جنگی فراگیر نزدیک‌تر ساخت. انفجار بیش از ۵۰۰۰ هزار پیجر و بیسیم در یک روز و انفجار چند صد دستگاه دیگر در روز بعد، جنگ فرسایشی بین حزب‌الله و اسرائیل را که بعد از ورود نظامیان اسرائیلی به باریکه غزه آغاز شده بود وارد مرحله جدیدی کرد. امروز همه در انتظار واکنش حزب‌الله هستند که اعلام شده است طی دو روز بیش از ۲۰ درصد از نیروهای خود را از دست داده است. انفجار پیجرها تاکنون دست‌کم ۱۲ کشته و بیش از ۲۸۰۰ زخمی که ۳۰۰ نفر از آنها در وضعیت وخیم بصری برنند برجای گذاشته است. شمار کشته شدگان انفجار بیسیم‌ها نیز از ۲۰ نفر عبور کرده و تعداد زخمی‌های حمله دوم ۴۵۰ نفر تخمین زده می‌شود. اکثر قربانیان این حملات شبه‌نظامیان حزب‌الله در مناطق جنوبی لبنان و حملات حاشیه‌ای بیروت چون ضاحیه هستند.

حزب‌الله در شوک

حزب‌الله که هنوز در شوک بصری می‌برد و مشخص نیست چه واکنشی از خود نشان خواهد داد، در بیانیه‌ای صحبت از «تغییر قواعد درگیری» و «فصلی تازه در جنگ با اسرائیل» می‌کند. در انتظار واکنش حزب‌الله، اسرائیل لشکر ۹۸ خود را از غزه به مرز با لبنان منتقل ساخته است. از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و حمله تروریستی حماس به خاک اسرائیل، تنها لشکر ۳۶ اسرائیل در این منطقه حضور داشت. وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرده است که تمرکز ارتش این کشور دیگر در غزه نخواهد بود بلکه بر مرز با لبنان متمرکز خواهد شد. عاموس یادلین مدیر سابق «امان»، نهاد اطلاعاتی ارتش اسرائیل، معتقد است که این انفجارها پیامی روشن برای حزب‌الله داشت. این مقام امنیتی سابق معتقد است که باید این



می‌رود، بلکه نقش آن به عنوان بزرگترین خریدار گندم و غلات استان اشغالی زاپروژیا در اوکراین نیز در تناقض با سیاست‌های غرب قرار دارد. بسیاری از کشورها تا قبل از آغاز جنگ در اوکراین، گندم و غلات استان‌های جنوبی این کشور را که امروز تحت اشغال روسیه هستند خریداری می‌کردند. ولی برخی چون مصر، اسرائیل و لبنان، قراردادهای خود را پس از آغاز جنگ فسخ کردند. در حال حاضر تنها نام جمهوری اسلامی و یمن در فهرست خریداران محصولات استان‌های اشغالی اوکراین به چشم می‌خورد.

روابط جمهوری اسلامی با روسیه، با وجود اظهارات مسعود پزشکیان و عباس عراقچی مبنی بر قصد از سر گرفتن گفتگو با کشورهای اروپائی، روز به روز گسترش می‌یابد. در ۴۰ روز گذشته سرگئی شویگو وزیر سابق دفاع و دبیر شورای امنیت ملی روسیه دو بار به تهران سفر کرده است. سرگئی شویگو در جریان سفر اخیرش در دیدار با مسعود پزشکیان آمادگی ولادیمیر پوتین را برای امضای «توافق جامع همکاری» که متن آن در سال ۱۴۰۰ آماده شده بود اعلام کرد. احتمالاً این توافق در حاشیه نشست «بریکس» که در ماه اکتبر در شهر کازان، در روسیه، برگزار خواهد شد به امضای مسعود پزشکیان و ولادیمیر پوتین خواهد رسید.

به این ترتیب، تصویر کنونی که فقط منطقه را در بر نمی‌گیرد چنین است: سیاست‌های تنش آفرین و درگیری‌ها از خاورمیانه تا روسیه که جمهوری اسلامی ایران از جمله حلقه‌های اتصال آن در حفظ منافع همسایه شمالی به شمار می‌رود، کل منطقه را با خطر یک جنگ دیگر روبرو کرده و کشورهای غربی را در برابر معادله‌ای قرار داده که تجربه نشان می‌دهد حل آن با معامله ممکن نیست.

بار است که اتحادیه اروپا، دقیقاً پس از آغاز جنگ اوکراین، فردی را به عنوان مسئول سیاست‌های دفاعی تعیین کرده است.

➔ انفجار پیجرها و بیسیم‌های اعضای حزب‌الله توسط اسرائیل، که البته به زخمی شدن شماری از وابستگان و نمایندگان جمهوری اسلامی در لبنان، چون مجتبی امانی سفیر و علی حجازی نماینده علی خامنه‌ای نیز انجامید،



دیدار پزشکیان و پوتین در پائیز
در رابطه با جنگ اوکراین، جمهوری اسلامی نه تنها با فروش اسلحه شریک روسیه در تجاوز به اوکراین به شمار

تحقیر مستقیم این گروه شبه‌نظامی است و عدم پاسخگویی به اصطلاح «جبهه مقاومت» به آن پیامدهای بسی گسترده‌تر از عدم واکنش به ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس در تهران برای این جبهه خواهد داشت.

در کشورهای غربی واهمه از گسترش درگیری‌ها در خاورمیانه و به ویژه آغاز جنگی فراگیر بین حزب‌الله و اسرائیل در حدیست که دیپلمات‌های ارشد آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا برای یک نشست اضطراری به پاریس سفر کردند.

نصرالله و «پیجر» اش!

در یک اقدام پیچیده عملیاتی و بی‌سابقه، صدها نفر از اعضای حزب‌الله لبنان، روز سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریورماه) بر اثر انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌هایی که از آنها برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند، کشته و یا به شدت مجروح شدند.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

جمهوری اسلامی ایران شریک روسیه در جنگ اوکراین

در این نشست که پنجشنبه ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴ در پایتخت فرانسه آغاز شد، چند پرونده دیگر هم در رابطه با جمهوری اسلامی در دستور کار قرار دارد که مهم‌ترین آنها گسترش همکاری نظامی- تسلیحاتی تهران با مسکو است. ارسال موشک‌های بالستیک «فتح ۳۶۰» به روسیه برای استفاده در جنگ با اوکراین در پایتخت‌های اروپائی تهدیدی جدیدی برای امنیت این قاره به حساب می‌آید و واقعیتی است که کشورهای اروپائی نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. تغییر لحن کشورهای اروپائی در قبال جمهوری اسلامی در چند ماه اخیر، و اعلام تحریم‌های جدید، حکایت از نگرانی غرب از سیاست‌های جمهوری اسلامی، نه تنها در منطقه بلکه از حضور در کنار روسیه در جنگ اوکراین دارد.

کمیسیون جدید اروپا که از ابتدای سال آینده میلادی در بروکسل آغاز به کار خواهد کرد، دو مسئولیت مهم را به نمایندگان از کشورهای بالتیک واگذار کرده که امنیت و استقلال کشورهای خود را پس تجاوز روسیه به اوکراین در خطر می‌بینند و نمی‌توانند همکاری تهران با مسکو را تحمل کنند. از ابتدای سال آینده میلادی کابا کالاس نخست وزیر سابق استونی جانشین جوزپ بورل مسئول کنونی امنیت و سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواهد شد. همزمان آندریوس کوبیلیوس نخست وزیر سابق لیتوانی هم مسئولیت سیاست‌های دفاعی اروپا را عهده‌دار خواهد شد. این اولین

جو بایدن اجرای «قانون مهسا» را به دولت آمریکا ابلاغ کرد؛ آبرام پیلی: آمریکا از مردم ایران برای رسیدن به آزادی حمایت می‌کند



پاسخ داد، که شامل بازداشت‌های گسترده، خشونت جنسی، اعتزافات اجباری، شکنجه و اعدام در پی محاکمه‌های ساختگی بود.»

پیلی در ادامه با اشاره به اقدامات دولت ایالات متحده در قبال رژیم ایران افزود «آمریکا به همراه شرکایش در واکنش به این اقدامات حکومت جمهوری اسلامی، آن را از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد اخراج کردند. این تلاش به رهبری آمریکا، جمهوری اسلامی را به نخستین حکومتی تبدیل کرد که از این کمیسیون اخراج شد.»

وی همچنین اضافه کرد «آمریکا همچنان به مسئول دانستن جمهوری اسلامی در قبال رفتارهای به شدت ضد حقوق بشری خود، از جمله با اقداماتی که این هفته علیه جمهوری اسلامی اعلام می‌کند، ادامه خواهد داد. آمریکا به حمایت از مردم ایران برای رسیدن به آرزویشان که یک ایران آزاد و مبتنی بر دموکراسی است ادامه می‌دهد.»

جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا ۲۴ آوریل ۲۰۲۴ (پنجم اردیبهشت ۱۴۰۳) طرحی را که شامل «قانون مهسا» برای اعمال تحریم علیه مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله علی خامنه‌ای است امضاء کرد. این بسته همچنین شامل طرح دیگری با عنوان «قانون کشتیرانی» می‌شود که بنادر و پالایشگاه‌هایی را مشمول تحریم خواهد کرد که نفت ایران را حمل یا فراوری می‌کنند.

با همه اینها اما جمهوریخواهان و همچنین مخالفان آزادیخواه جمهوری اسلامی بارها هشدار دادند که دولت بایدن با نادیده گرفتن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی به توانایی رژیم در سرکوب مردم، نقض حقوق بشر، تأمین مالی تروریسم و پیشرفت برنامه‌های اتمی و موشکی تهران کمک می‌کند.

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» ۲۴ آوریل (پنجم اردیبهشت) گزارش داد که دستگاه اجرایی «بایدن-هریس» مهلت ۹۰ روزه برای ارائه گزارش درباره نحوه اجرای «قانون مهسا» را که بر اساس آن مقامات ارشد جمهوری اسلامی به دلیل نقض حقوق بشریت باید مورد تحریم قرار بگیرند نقض کرده است.

تفویض می‌شود که «مسدود کردن دارایی‌ها و سود ناشی از اموال اشخاص خارجی تحریم شده در آمریکا» را در بر می‌گیرد.

همچنین بر اساس این دستور، اجرای «قانون مبارزه و مقابله با صادرات گسترده موشک‌های ایران» نیز به وزیر خزانه‌داری تفویض شد که این بخش شامل «اعمال تحریم‌ها بر صادرات قطعات و فناوری به ایران» است. بخش دیگری از این دستور مربوط به «قانون حساسی به دلیل حقوق بشر و امنیت» است که به قانون «مهسا امینی» مشهور شده است.

این بخش شامل بررسی لیست‌های تحریمی و اعمال تحریم‌های جدید و نیز ارائه گزارش دوره‌ای به کنگره در مورد فهرست‌های تحریمی می‌شود.

در این بخش در مورد شرایط افرادی که تحت تحریم قرار می‌گیرند، آمده است: «هر فردی که از طرف علی خامنه‌ای، دفتر خامنه‌ای، رئیس جمهور یا دفتر رئیس جمهور به سمت مقام رسمی ایران یا به عنوان رئیس هر مؤسسه واقع در ایران یا هر مؤسسه واقع در خارج از ایران که تحت مالکیت یا کنترل یک یا چند مؤسسه در ایران است، مشمول تحریم می‌شود.»

یک سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده پنجشنبه ۲۲ شهریورماه به بخش فارسی «صدای آمریکا» گفت دولت جو بایدن، همچنان به اجرای «سختگیرانه» تحریم‌های وضع شده علیه حکومت ایران متعهد است.

آبرام پیلی: آمریکا به حمایت از مردم ایران ادامه می‌دهد

از سوی دیگر آبرام پیلی معاون نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران یکشنبه ۲۵ شهریورماه به مناسبت دومین سالگرد قتل مهسا امینی در بازداشتگاه «گشت ارشاد» در یک پیام ویدیویی گفت: «دو سال پس از کشته شدن مهسا امینی سرکوب‌های جمهوری اسلامی علیه زنان و دختران و اقلیت‌های دینی و قومی ادامه دارد.»

او در بخشی از این پیام عنوان کرد: «جمهوری اسلامی اعتراضات به کشته شدن مهسا امینی را با سرکوب بی‌رحمانه

● همزمان با دومین سالگرد خیزش ۱۴۰۱ جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا برخی اختیارات مربوط به تحریم‌های حکومت ایران را به وزارت خارجه، خزانه‌داری و دفاع ایالات متحده تفویض کرد.

● طبق گزارش وبسایت کاخ سفید، جو بایدن ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) دستور داد «قانون توقف خرید نفت ایران» شامل «مسدود کردن دارایی‌ها و سود ناشی از اموال اشخاص خارجی تحریم شده در آمریکا» اجرا شود.

● همچنین بر اساس این دستور، اجرای «قانون مبارزه و مقابله با صادرات گسترده موشک‌های ایران» نیز به وزیر خزانه‌داری تفویض شد که این بخش شامل «اعمال تحریم‌ها بر صادرات قطعات و فناوری به ایران» است.

● آبرام پیلی معاون نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران یکشنبه ۲۵ شهریورماه به مناسبت دومین سالگرد قتل مهسا امینی در بازداشتگاه «گشت ارشاد» در یک پیام ویدیویی گفت: «جمهوری اسلامی اعتراضات به کشته شدن مهسا امینی را با سرکوب بی‌رحمانه پاسخ داد، که شامل بازداشت‌های گسترده، خشونت جنسی، اعتزافات اجباری، شکنجه و اعدام در پی محاکمه‌های ساختگی بود.»

● وی همچنین اضافه کرد «آمریکا همچنان به مسئول دانستن جمهوری اسلامی در قبال رفتارهای به شدت ضد حقوق بشری خود، از جمله با اقداماتی که این هفته علیه جمهوری اسلامی اعلام می‌کند، ادامه خواهد داد. آمریکا به حمایت از مردم ایران برای رسیدن به آرزویشان که یک ایران آزاد و مبتنی بر دموکراسی است ادامه می‌دهد.»

همزمان با دومین سالگرد خیزش ۱۴۰۱ جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا برخی اختیارات مربوط به تحریم‌های حکومت ایران را به وزارت خارجه، خزانه‌داری و دفاع ایالات متحده تفویض کرد.

طبق گزارش وبسایت کاخ سفید، جو بایدن ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) دستور داد بر اساس اختیاراتی که توسط قانون اساسی و قوانین آمریکا به عنوان رئیس جمهور به وی اعطا شده «قانون توقف خرید نفت ایران» به وزیر خزانه‌داری

گزارش کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد در آستانه دومین سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱

حقایق درباره سرکوب شهروندان به ویژه زنان و کودکان در جریان اعتراضات جنبش ملی را پیگیری و جمع‌آوری کند. سارا حسین از بنگلادش، شهین صدرعلی از پاکستان و ویوین کرسٹیچویچ از آرژانتین سه عضو اصلی این کمیته هستند. سارا حسین ریاست این کمیته را بر عهده دارد.

این کمیته در گزارشی که جمعه هشتم مارس ۲۰۲۴ (۱۸ اسفندماه ۱۴۰۲) منتشر شد، اعلام کرد جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات سال ۱۴۰۱ مرتکب موارد جدی نقض حقوق بشر و «جنایات علیه بشریت» شده است.

در این گزارش آمده بود که موارد نقض حقوق بشر و جنایات تحت قوانین بین‌المللی در بستر اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» که در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ و پس از کشته شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد آغاز شد، شامل «قتل، اعدام‌های فراقضایی و مرگ‌های غیرقانونی، استفاده غیرضروری و بی‌رویه از قوای قهریه، سلب خودسرانه حق آزادی، شکنجه، تجاوز، ناپدیدسازی‌های قهری و تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت است.»

کمیته حقیقت‌یاب همچنین تأکید کرده بود که «نقض حقوق بشر به شکل خاص زنان، کودکان و اقلیت‌های اقلیتی و دینی و مذهبی را تحت تأثیر قرار داده است» و می‌افزاید: «تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت با تبعیض مبتنی بر هویت اقلیتی و دینی درهم تنیده شده است.»

اعضای کمیته اعلام کرده بودند بر مبنای «دلایل معقول» از «کلیت رفتار مقامات حکومت [ایران]، از جمله، بیانیه‌های مقامات دولتی، تداوم نقض حقوق بشر توسط عوامل حکومت و معافیت آنها از مجازات و عدم محکومیت چنین رفتارهایی از سوی حکومت نشان می‌دهد خشونت‌ها و سرکوب‌های صورت گرفته در جهت پیشبرد سیاست حکومت بوده است.»

در بخشی از این گزارش آمده بود که «کمیته به ویژه مجاب شده است که این حملات توسط و با هماهنگی نهادهای مختلف حکومتی و سرمایه‌گذاری مقادیر قابل توجهی از منابع کشور، برنامه‌ریزی و هدایت شده و سازمان یافته‌اند.»

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل اعلام کرده بود بر این باور است که «مرگ مهسا امینی ناشی از علل خارجی بوده است. برای کمیته، وجود شواهدی مبنی بر تروما بر بدن مهسا که در زمان بازداشت ایشان در دست پلیس امنیت اخلاقی وارد شده، مشخص شده است.»

کمیته حقیقت‌یاب افزوده بود که «بر اساس شواهد و الگوهای خشونت پلیس امنیت اخلاقی در اعمال حجاب اجباری برای زنان، کمیته متقاعد است که خانم امینی مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته که منجر به مرگ او شده است. بر این اساس، حکومت مسئول مرگ غیرقانونی اوست.»

این گزارش افزوده بود که «نیروهای امنیتی، با دستگیری‌های خودسرانه، از جمله دستگیری اشخاص برای صرفاً رقصیدن، شعاردادن، شعارنویسی بر روی دیوار، بوق زدن در ماشین، یا انتشار مطالب در شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با مطالبات شان، همچون حقوق زنان، تساوی و برابری و پاسخگو نگاه داشتن مسئولین نقض حقوق بشر، معترضین را سرکوب کردند، بسیاری را چشم‌پند زدند و در خودروهای بدون شماره و نشان، از جمله آمبولانس منتقل کردند.»



اعتراضات و آزادی محروم شده‌اند و به ویژه زنان و کودکان، را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کند؛ و تمامی سیاست‌ها و اقدامات نهادی سرکوبگرانه که به منظور سرکوب زنان و دختران و تداوم خشونت و تبعیض علیه آنان از جمله لایحه «حجاب و عفاف» طراحی شده‌اند را متوقف کند.»

این کمیته همچنین از کشورهای عضو سازمان ملل متحد خواسته که تلاش‌های خود را برای تضمین حقوق قربانیان و خانواده به عدالت، حقیقت و جبران خسارت افزایش دهند. این خواسته به دلیل ناتوانی جمهوری اسلامی در پاسخگو کردن عاملان [جنایات] و گسترش مصونیت از مجازات که در سراسر ایران برای نقض فاحش حقوق بشر و جرایم تحت قوانین بین‌المللی از جمله جنایات علیه بشریت حاکم است، مطرح شده است.

همچنین تأکید شده که «کشورها باید همچنان وضعیت زنان و دختران در جمهوری اسلامی را در اولویت بالای دستور کار بین‌المللی قرار دهند.»

کمیته مستقل حقیقت‌یاب با اشاره به دومین سالگرد اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ از کشورها خواست تا عاملان جنایات علیه زنان و دختران را که در چارچوب جنبش «زن، زندگی، آزادی» رخ داده است، تحت پیگرد قانونی قرار داده و مجازات کنند.

این کمیته تأکید کرده که «این اقدامات باید در دادگاه‌های داخلی کشورهای مربوطه و بر اساس اصل صلاحیت جهانی و بدون محدودیت‌های آیینی انجام شود.

کمیته حقیقت‌یاب از کشورهای دیگر نیز خواسته تا روند بررسی درخواست‌های پناهندگی را تسریع کرده و ویزاهای بشردوستانه به قربانیان نقض حقوق بشر، به ویژه افرادی با جراحات جدی یا کسانی که با آزار و اذیت شدید مواجه هستند، به خصوص زنان و کودکان، ارائه دهند.

کمیته حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل مدتی پس از سرکوب خونبار شهروندان معترض توسط جمهوری اسلامی در اعتراضات جنبش ملی سال ۱۴۰۱ آغاز به کار کرد.

این کمیته اواخر آذرماه ۱۴۰۱ از سوی توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تشکیل و مأموریت یافت تا

● در این گزارش تأکید شده که نیروهای امنیتی الگوهای خشونت فیزیکی علیه شهروندان را تشدید کرده‌اند؛ از جمله ضرب و شتم و لگد زدن و سیلی زدن به زنان زنان و دخترانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند.

● این گزارش ۱۱ صفحه‌ای روز جمعه ۲۳ شهریور و در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ منتشر شده است.

کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد درباره ایران، در آستانه دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ با انتشار گزارشی نسبت تشدید فشارهای امنیتی و قضایی بر زنان توسط جمهوری اسلامی هشدار داده است.

کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد درباره ایران، جمعه ۲۳ شهریور و در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ گزارشی ۱۱ صفحه‌ای از تداوم آزار شهروندان از سوی جمهوری اسلامی خبر داده و نسبت به تشدید فشارهای امنیتی و قضایی علیه زنان هشدار داده است. این کمیته همچنین نگرانی خود را از الگوی جدید صدور احکام اعدام برای زنان ابراز و تأکید کرد که از مجازات اعدام به عنوان ابزار بازدارنده و ارعاب مردم ایران استفاده می‌شود.

در این گزارش تأکید شده که نیروهای امنیتی الگوهای خشونت فیزیکی علیه شهروندان را تشدید کرده‌اند؛ از جمله ضرب و شتم و لگد زدن و سیلی زدن به زنان زنان و دخترانی که به عدم رعایت قوانین حجاب اجباری متهم می‌شوند در بسیاری از ویدیوهای بررسی شده توسط هیئت حقیقت‌یاب مشاهده شده است.

این گزارش تأکید کرده در «لایحه حجاب و عفاف» که در مراحل نهایی تأیید از سوی شورای نگهبان قرار دارد، مجازات‌های شدیدتری مانند جریمه‌های مالی، محرومیت‌های شغلی و تحصیلی و حتی حبس طولانی‌مدت برای زنانی که از قوانین حجاب اجباری سرپیچی کنند، پیش‌بینی شده است.

در بخش دیگری از این گزارش تأکید شده مقامات جمهوری اسلامی با استفاده از فناوری‌های پیشرفته نظارتی، از جمله پهپادها، قوانین سختگیرانه‌تری را برای رعایت حجاب در فضاهای عمومی و خصوصی اجرا می‌کنند.

کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد درباره ایران همچنین تأکید کرده که «پاسخگویی معنادار برای نقض‌های فاحش حقوق بشر و قوانین بین‌المللی از جمله جنایات علیه بشریت برای قربانیان و بازماندگان، به ویژه زنان و کودکان، دور از دسترس است.»

این گزارش افزوده «بدون ایجاد بازدارندگی برای دولت در رابطه با افزایش موارد نقض حقوق بشر علیه زنان و دختران، نمی‌توان به طور واقع‌بینانه امیدوار بود که قربانیان و بازماندگان بتوانند به طور جامعه و معناداری به حقوق بنیادین و آزادی‌هایی که حق آنهاست و جمهوری اسلامی موظف به رعایت آنهاست دسترسی یابند.»

کمیته مستقل حقیقت‌یاب از جمهوری اسلامی خواسته «فورا تمامی اعدام‌های معترضان را متوقف کرده و یک توقف موقت در استفاده از مجازات اعدام با هدف لغو آن ایجاد کند؛ تمامی افرادی که بطور خودسرانه در چارچوب

بیانیه سازمان عفو بین الملل در آستانه دومین سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱



به عمل می‌آورند.

سازمان عفو بین‌الملل نوشته همچنان خواستار اجرای توصیه‌های هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل به تمام دولت‌ها است تا بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی، صرفنظر از اینکه متهم در قلمرو آنها حاضر باشد یا نباشد، تحقیقات کیفری درباره مقامات جمهوری اسلامی را که به شکلی معقول، مظنون به ارتکاب جنایات بین‌المللی هستند و «تحقیقات ساختاری درباره وضعیت کلی مرتبط با اعتراضات ۱۴۰۱ بدون داشتن متهم خاص»، را شروع کنند.

این بیانیه افزوده با گذشت دو سال از این اعتراضات، مقامات حملات خود به حقوق بشر را تشدید کرده و از طریق سرکوب فزاینده خشونت‌آمیز علیه کسانی که قوانین تبعیض‌آمیز حجاب اجباری را به چالش می‌کشند، «جنگ علیه زنان و دختران» به راه انداخته‌اند و استفاده از مجازات اعدام برای خاموش کردن اعتراضات را افزایش داده‌اند.

در بخشی از این بیانیه به راه‌اندازی «طرح سراسری نور» با هدف سرکوب دختران و زنان اشاره شده و آمده از زمان راه‌اندازی این طرح در فروردین امسال حضور گشت‌های امنیتی پیاده، موتورسوار، اتومبیل‌ها و ون‌های پلیس برای اجرای قوانین حجاب اجباری در فضاهای عمومی، به صورت چشمگیری افزایش یافته است. این سرکوب شامل تعقیب و گریز خطرناک اتومبیل‌های زنان، مصادره گسترده وسایل نقلیه آنها، احکام زندان و شلاق برای آنها و سایر مجازات‌هایی است که به عنوان شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز تلقی می‌شود.

این بیانیه افزوده «یکم مرداد ۱۴۰۳ برابر با ۲۲ ←

کنون، ۱۰ مرد را در رابطه با اعتراضات خیزش ۱۴۰۱ بطور خودسرانه اعدام کرده‌اند، از جمله رضا (غلامرضا) رسایی که ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ برابر با ششم آگوست ۲۰۲۴ بطور مخفیانه اعدام شد. این اعدام‌ها پس از محاکمه‌های نمایی به شدت ناعادلانه‌ای انجام شد که به «اعترافات» اخذ شده زیر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله خشونت جنسی، متکی بود. شکایات مبنی بر شکنجه مورد تحقیقات رسمی مستقل و بی‌طرفانه قرار نگرفته‌اند.

بیانیه عفو بین‌الملل تأکید کرده اکنون بیش از دوازده نفر از جمله مجاهد کورکور در ارتباط با اعتراضات در معرض خطر اعدام یا صدور حکم اعدام هستند. شدید روند اعدام‌ها، زنانی را هم شامل شده که با اتهام فعالیت‌های سیاسی با مجازات اعدام روبرو شده‌اند. به تازگی دادگاه انقلاب، شریفه محمدی، فعال حقوق کارگری و پخش‌کننده عریزی، فعال حقوق زنان و مددکار اجتماعی، را به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیزشان به اتهام «بغی» به اعدام محکوم کردند. گزارشهای نگران‌کننده حاکی از آن است که آنها در دوران بازداشت مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته‌اند. دستکم دو زن دیگر به نام‌های وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمپاری نیز بطور جداگانه با اتهام «بغی» روبرو شده و در حال محاکمه هستند.

سازمان عفو بین‌الملل افزوده که شورای حقوق بشر سازمان ملل، در آوریل ۲۰۲۴ مأموریت هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد در مورد ایران را تمدید کرد، اما مقامات جمهوری اسلامی همچنان از همکاری با این نهاد مستقل خودداری کرده و از دسترسی اعضای آن به کشور ممانعت

● عفو بین‌الملل نوشته مصونیت سیستماتیک از مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی در ایران همچنان ادامه دارد و مردم این کشور هنوز با پیامدهای ویرانگر ناشی از سرکوب وحشیانه اعتراضات دست و پنجه نرم می‌کنند.

● این بیانیه تأکید کرده هیچ تحقیقات کیفری موثر، بی‌طرف و مستقلی درباره نقض جدی حقوق بشر و جنایات بین‌المللی توسط جمهوری اسلامی از جمله استفاده گسترده و غیرقانونی نیروهای امنیتی از قوای قهریه و سلاح گرم علیه معترضان انجام نشده است.

● این بیانیه نوشته از زمان اعتراضات ۱۴۰۱ مقامات جمهوری اسلامی استفاده از مجازات اعدام را تشدید کرده‌اند، بطوری که در سال ۲۰۲۳ بیشترین تعداد اعدام‌ها در هشت سال گذشته ثبت شده است.

سازمان عفو بین‌الملل در آستانه دومین سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای اعلام کرده مردم ایران در حالی در برابر ده‌ها ظلم و تبعیض ایستادگی کردند که مصونیت سیستماتیک از مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی در ایران همچنان ادامه دارد.

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای مطبوعاتی به مناسبت دومین سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ نوشته دومین سالگرد اعتراضاتی که مردم سراسر ایران علیه ده‌ها ظلم و تبعیض جنسیتی ایستادگی کردند در حالی فرا رسیده که مصونیت سیستماتیک از مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی در ایران همچنان ادامه دارد و مردم این کشور هنوز با پیامدهای ویرانگر ناشی از سرکوب وحشیانه‌ای که مقامات جمهوری اسلامی در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» مرتکب شدند، دست و پنجه نرم می‌کنند.

این بیانیه تأکید کرده هیچ تحقیقات کیفری موثر، بی‌طرف و مستقلی درباره نقض جدی حقوق بشر و جنایات بین‌المللی، از جمله استفاده گسترده و غیرقانونی نیروهای امنیتی از قوای قهریه و سلاح گرم، که مقامات جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات سراسری از ۲۵ شهریور تا دی‌ماه ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) مرتکب شدند، انجام نشده است.

عفو بین‌الملل نوشته نیروهای امنیتی از اسلحه‌های جنگی، شات‌گان‌های پر از ساچمه‌های فلزی و کپسول‌های گاز اشک‌آور استفاده کرده و معترضان را به شدت با باتوم مورد ضرب و شتم قرار دادند، مجموعه اقداماتی که منجر به کشتار صدها معترض و رهگذر، از جمله ده‌ها کودک شد و به بسیاری دیگر هم آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کرد.

همچنین مقامات سعی کرده‌اند خانواده‌هایی را که در جستجوی حقیقت و اجرای عدالت به خاطر کشته شدن عزیزان‌شان هستند، از طریق بازداشت‌های خودسرانه، پیگرد ناعادلانه، تهدید به مرگ و آزار و اذیت‌های مداوم ساکت کنند. در بخش دیگری از این بیانیه به افزایش روند اعدام‌ها پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ اشاره شده و آمده از آن زمان مقامات جمهوری اسلامی استفاده از مجازات اعدام را تشدید کرده‌اند، بطوری که در سال ۲۰۲۳ بیشترین تعداد اعدام‌ها در هشت سال گذشته ثبت شده است. مقامات از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب و ترساندن مردم، از جمله اقلیت تحت آزار بلوچ که به نسبت جمعیت‌شان بسیار بیشتر تحت تاثیر اعدام‌ها قرار گرفته‌اند، استفاده کرده‌اند.

بر این اساس مقامات جمهوری اسلامی از دسامبر ۲۰۲۲ تا

ابراز نگرانی رهبران آمریکا و بریتانیا از ارسال «تسلیحات مرگبار» جمهوری اسلامی به روسیه



دیدار رهبران آمریکا و بریتانیا در کاخ سفید / سپتامبر ۲۰۲۴

● کاخ سفید در بیانیه‌ای که ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) منتشر شد، اعلام کرد که جو بایدن و کی‌یر استارمر رهبران آمریکا و بریتانیا درباره طیف وسیعی از موضوعات از جمله جنگ روسیه علیه اوکراین، بحران خاورمیانه و ضرورت آزادی گروگان‌های اسرائیلی و برقراری آتش‌بس در غزه گفتگو کردند.

● بایدن و استارمر به «حمایت تزلزل‌ناپذیر» خود از اوکراین برای دفاع در برابر تجاوز روسیه تأکید کردند. آنها همچنین نگرانی عمیق خود را درباره ارائه تسلیحات مرگبار رژیم‌های ایران و کره شمالی به روسیه و حمایت جمهوری خلق چین از زیرساخت‌های صنایع نظامی روسیه ابراز نمودند.

● یک منبع اوکراینی به شبکه «اسکای نیوز» گفته است کشتی روسی «پورت اولیا ۳» حدود ۲۲۰ فروند موشک از طریق دریای کاسپین به روسیه ارسال کرده است تا برای جنگ در اوکراین مورد استفاده قرار گیرد.

● وزارت خارجه اوکراین روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) اعلام کرد که روسیه از ابتدای تجاوز خود به اوکراین، در مجموع هشت هزار و ۶۰ پهپاد شاهد ساخت ایران به کار برده است. در پیام وزارت خارجه اوکراین در شبکه «ایکس» آمده: «مشارکت روسیه و ایران منجر به نابودی خانه‌ها و از دست رفتن جان‌ها شده است».

کاخ سفید در بیانیه‌ای که ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) منتشر شد، اعلام کرد که جو بایدن و کی‌یر استارمر رهبران آمریکا و بریتانیا درباره طیف وسیعی از موضوعات از جمله جنگ روسیه علیه اوکراین، بحران خاورمیانه و ضرورت آزادی گروگان‌های اسرائیلی و برقراری آتش‌بس در غزه گفتگو کردند.

بایدن و استارمر به «حمایت تزلزل‌ناپذیر» خود از اوکراین برای دفاع در برابر تجاوز روسیه تأکید کردند. آنها همچنین نگرانی عمیق خود را درباره ارائه تسلیحات مرگبار رژیم‌های ایران و کره شمالی به روسیه و حمایت جمهوری خلق چین از زیرساخت‌های صنایع نظامی روسیه ابراز کردند.

در بخشی از بیانیه کاخ سفید آمده، آمریکا و بریتانیا با اشاره تعهد خود به امنیت اسرائیل، بر ضرورت آتش‌بس فوری در غزه و آزادی گروگان‌ها تأکید کردند. آنها از اسرائیل خواستند از غیرنظامیان محافظت کند و نسبت به وضعیت وخیم انسانی در غزه هشدار دادند.

رئیس جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر بریتانیا همچنین حملات حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ را محکوم کردند.

➔ ژوئیه ۲۰۲۴ مأموران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به اتومبیلی که آرزو بدری ۳۱ ساله راننده آن بود با اسلحه جنگی شلیک کردند که باعث جراحت شدید او شد. بر اساس گزارش رسانه‌ها، مأموران قصد داشتند اتومبیل او را به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری مصادره کنند.

همچنین ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ برابر با ۲۰ آگوست ۲۰۲۴ ویدئویی نگران‌کننده در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد چندین مأمور امنیتی دو دختر ۱۴ ساله را که حجاب اجباری بر سر نداشتند به طرز خشونت‌آمیزی مورد حمله قرار می‌دهند.

اوکراین، در مجموع هشت هزار و ۶۰ پهپاد شاهد ساخت ایران به کار برده است. در پیام وزارت خارجه اوکراین در شبکه «ایکس» آمده: «مشارکت روسیه و ایران منجر به نابودی خانه‌ها و از دست رفتن جان‌ها شده است».

در این پیام که به نقل از «نیروی هوایی اوکراین» منتشر شد آمده «روسیه و شرکای آن در جنایت متوقف نخواهند شد مگر اینکه پاسخی قوی دریافت کنند».

در بخش دیگری از این پیام نیز با اشاره به ضرورت پشتیبانی از اوکراین در برابر حملات هوایی روسیه تأکید شده «رزمندگان ما ۲۴ ساعته از آسمان محافظت می‌کنند، بنابراین جهان نیز باید ۲۴ ساعته و هفت روز هفته کنار ما بایستد».

حکومت ایران بطور رسمی ارسال تسلیحات به روسیه را انکار می‌کند. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران پیش از این در واکنش به تحریم‌های جدید وضع شده از جانب آمریکا و اروپایی‌ها گفت، «یک‌بار دیگر آمریکا و اروپا بر اساس اطلاعات غلط و منطقی معیوب عمل کردند. ایران به روسیه موشک‌های بالستیک ارسال نکرده است، تمام!» این ادعای حق به جانب در حالیست که قبل از وی احمد بخشایشی اردستانی نماینده عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی اعتراف کرده بود، «موشک و پهپاد می‌دهیم، سویا و ذرت می‌گیریم».

دیانا الطحاوی، معاون مدیر منطقه‌ای عفو بین‌الملل در خاورمیانه و شمال آفریقا درباره فرارسیدن دومین سالگرد اعتراضات سال ۱۴۰۱ گفته «سالگرد خیزش زن، زندگی، آزادی، یادآوری دردناکی برای شمار زیادی از مردم ایران است که همچنان از پیامدهای سرکوب وحشیانه مقامات رنج می‌برند. قربانیان، بازماندگان و خانواده‌های آن‌ها همچنان از دستیابی به حقیقت، اجرای عدالت و جبران خسارت برای جنایات بین‌المللی و سایر نقض‌های جدی حقوق بشر که مقامات جمهوری اسلامی در جریان خیزش و پس از مرتکب شدند، محروم هستند».

این دیدار در حالی برگزار شد که آمریکا و سه قدرت اروپایی در روزهای اخیر ارسال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد جمهوری اسلامی به روسیه را تأیید کردند و به تلافی آن شماری از نهادها و مقامات ایران را در فهرست تحریم‌های خود قرار دادند.

منابع غربی می‌گویند جمهوری اسلامی صدها فروند موشک «فاتح ۳۶۰» به روسیه ارسال کرده است. در همین ارتباط شرکت فناوری اطلاعاتی «مکسار» تصاویر ماهواره‌ای منتشر کرده که بر اساس آنها یک کشتی باری روسی به نام «پورت اولیا ۳» مظنون به حمل موشک‌های بالستیک ایران به «بندر اولیا» در آستراخان روسیه است.

یک منبع اوکراینی به شبکه «اسکای نیوز» گفته است کشتی «پورت اولیا ۳» حدود ۲۲۰ فروند موشک از طریق دریای کاسپین (مازندران/ خزر) به روسیه ارسال کرده است تا برای جنگ در اوکراین مورد استفاده قرار گیرد. مشخص نیست موشک‌های بالستیک پس از رسیدن به بندر روسیه به کجا منتقل شدند. مقامات اوکراینی احتمال دادند این موشک‌ها برای آزمایش قبل از استفاده در میدان نبرد، به یک منطقه نظامی به نام «آشولوک» منتقل شده باشند.

همچنین وزارت خارجه اوکراین روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) اعلام کرد که روسیه از ابتدای تجاوز خود به

اختصاصی کیهان لایف؛ گزارشگر سابق سازمان ملل سفر به آمریکا را به دنبال تهدیدهای رژیم ایران به تعویق انداخت



جاوید رحمان

عنوان گزارشگر ویژه، این سازمان در ۱۵ فوریه نیز به ژنو دعوت کرده بود. رویدادی که با آگاهی کامل و تأیید دفترم در سازمان ملل متحد در آن شرکت کردم.» رحمان همچنین گفت: «من این حمایت را بطور واضح و شفاف در گزارش «جنایت‌های وحشیانه» خود بیان کرده‌ام. با این حال، مهم است که هیچ مسئله‌ای در مورد شرکت من در رویداد ۱۵ فوریه مطرح نشد. بعد از انتشار گزارش «جنایت‌های وحشیانه» [آخرین گزارش جاوید رحمان در مقام گزارشگر ویژه که در آن جمهوری اسلامی را متهم به «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» کرده است] شاهد این تحرکات از سوی رژیم و طرفداران آن هستم.»

سر دیوید آلتون در همین ارتباط حمایت خود را از رحمان در پستی در شبکه «ایکس» به تاریخ ۲۷ اوت اعلام کرد و نوشت: «رژیم ایران باید فوراً حملات شخصی و ساختگی علیه پروفیسور جاوید رحمان را متوقف کند.» وی همچنین افزود: «دولت بریتانیا باید عدالت، پاسخگویی و پایان دادن به مصونیت از مجازات را همانطور که پروفیسور رحمان در گزارش مهم خود توصیه کرده است، تضمین کند.»

از جمله سخنرانان کنفرانسها و گردهمایی‌های سازماندهی شده توسط خود مجاهدین خلق می‌توان از رودی جولینانی دادستان کل سابق ایالات متحده و مایک پنس معاون رئیس جمهور سابق ایالات متحده و لیز تراس نخست وزیر سابق بریتانیا نام برد.

طبق گزارشی که در سال ۲۰۱۶ توسط «پولیتیکو» منتشر شد، گفته می‌شود که جولینانی حداقل ۲۰۰۰۰ دلار از سوی مجاهدین خلق برای شرکت در رویدادهای آن و لابی کردن در کنگره آمریکا برای حذف این گروه از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی (FTO) دریافت کرده است.

او شد، در بیانیه‌ای به تاریخ ۵ سپتامبر گفت که مقامات ایرانی او را به دریافت پول برای سخنرانی در این مراسم متهم کرده‌اند.

رحمان در همین ارتباط به کیهان لایف گفت که به عنوان گزارشگر سابق سازمان ملل در این مراسم شرکت کرده و «مقررات اجرایی سازمان ملل متحد به من اجازه می‌دهد تا هزینه‌های سفر و اقامت خود را به شرط افشای همه این اطلاعات به درستی مطالبه کنم.» وی افزود: «من همیشه این کار را با شفافیت انجام داده‌ام.»

دکتر رحمان در این بیانیه که در اختیار کیهان لایف نیز قرار گرفته است، گفت: «این اتهامات واهی و ساختگی مبنی بر دریافت هر نوع حق‌الزحمه، حق کنفرانس یا هزینه سخنرانی برای شرکت در همایش را کاملاً رد می‌کنم. اتهامات نادرستی علیه من مبنی بر دریافت بودجه برای حضور در این جلسه بر اساس ادعاهای مختلف مبنی بر پرداخت پول به افراد شاخص برای شرکت در چنین رویدادهایی وجود دارد.»

این کنفرانس به میزبانی مرکز غیرانتفاعی عدالت برای قربانیان کشتار ۱۳۶۷ در ایران (JVMI) مستقر در لندن برگزار شد که توسط خانواده‌های قربانیان، زندانیان سیاسی سابق و وکلای بین‌المللی اداره می‌شود که برای پاسخگو کردن حکومت جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشتارها و جنایت‌ها تلاش می‌کنند.

هیئت مدیره این مرکز شامل رئیس JVMI و کارشناس سابق سازمان ملل، طاهر بومدرا (که همچنین در این مراسم سخنرانی کرد)، کرسی بریملو وکیل بریتانیایی و سر دیوید آلتون قانونگذار بریتانیایی است.

رحمان به کیهان لایف گفت: «در زمان مأموریت من به

دکتر جاوید رحمان گزارشگر سابق سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، پس از تهدید از سوی مقامات رژیم ایران به دلیل شرکت در کنفرانس پاریس در مورد قتل زندانیان سیاسی در ایران در سال ۱۳۶۷ در یک گفتگوی اختصاصی با کیهان لایف گفت که سفر برنامه‌ریزی شده خود را به آمریکا در ماه سپتامبر به تعویق می‌اندازد.

رحمان در همین ارتباط به کیهان لایف گفت که به عنوان گزارشگر سابق سازمان ملل در این مراسم شرکت کرده و «مقررات اجرایی سازمان ملل متحد به من اجازه می‌دهد تا هزینه‌های سفر و اقامت خود را به شرط افشای همه این اطلاعات به درستی مطالبه کنم.» وی افزود: «من همیشه این کار را با شفافیت انجام داده‌ام.»

وی درباره پروژه‌های آینده‌ی خود گفت: «من به عنوان استاد حقوق به مبارزه‌ی خود جهت اجرای عدالت برای قربانیان نقض حقوق بشر در ایران ادامه خواهم داد و درباره مشکلات نظام حقوقی و قانونفندی در جهان اسلام از جمله در ایران همچنان تحقیق کرده و خواهم نوشت.»

ناتاشا فیلیپس (کیهان لایف) - دکتر جاوید رحمان گزارشگر سابق سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، پس از تهدید از سوی مقامات رژیم ایران به دلیل شرکت در کنفرانس پاریس در مورد قتل زندانیان سیاسی در ایران در سال ۱۳۶۷ گفت که سفر برنامه‌ریزی شده‌ی خود را به آمریکا در ماه سپتامبر به تعویق می‌اندازد.

رحمان در گفتگوی اختصاصی با کیهان لایف گفت: «همه اشکال سوء استفاده شخصی و اتهامات غیرمستند علیه من از جمله سوگیری، فساد سیاسی، دریافت رشوه و پرداخت غیرقانونی برای بدنام کردن من و تضعیف استقلال کارم علیه صورت من گرفته است.» وی افزود: «من به پشتیبانی و حمایت از حقوق قربانیان و عدالت و پاسخگویی ادامه خواهم داد. با این حال، با توجه به خطرات مداوم و حملات لفظی یا فیزیکی رژیم و هوادارانش، مجبور شدم سفر برنامه‌ریزی شده‌ی خود را به ایالات متحده در سپتامبر ۲۰۲۴ به تعویق بیاورم.»

رحمان گفت که در آینده قابل پیش‌بینی با قربانیان نقض حقوق بشر و سازمانهای حقوق بشری از طریق پلتفرم‌های آنلاین صحبت خواهد کرد.

جاوید رحمان به عنوان سخنران در مراسم ۲۴ اوت پاریس شرکت کرد تا در مورد گزارش ژوئیه سازمان ملل در مورد اعدام هزاران زندانی سیاسی توسط جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۷ که بیشتر آنان از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند سخنرانی کند. سازمان مجاهدین در حال حاضر در آلبانی مستقر است و اغلب مراسمی را در فرانسه برگزار می‌کند.

آخرین گزارش جاوید رحمان یکی از محوره‌های کنفرانس پاریس بود که توسط خانواده‌های قربانیان، زندانیان سیاسی سابق و وکلای بین‌المللی سازماندهی شده بود. رحمان در این گزارش، «جنایت وحشیانه» و اعدام‌های خودسرانه و فرافرونی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ و همچنین در سال ۱۳۶۷ را «جنایت علیه بشریت» خوانده است.

رحمان که در تاریخ ۱ اوت مأموریت وی به عنوان گزارشگر سازمان ملل پایان یافت و دکتر مای ساتو جانشین

پانزدهم

گره وات!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۹۶) اسفندماه ۱۳۸۴



اسدالله میرزا شهاب الدوله

خطری برای انقلاب و اسلام به شمار آورد و نگران بود همچنان که روزنامه «پالئارات» ابراز نگرانی کرده است. پالئارات (از این بهتر اسمی برای يك روزنامه در کشور گل و بلبل و رودکی و فردوسی پیدا می‌شود؟) هشدار داده است که ای مسلمانان! چه نشسته‌اید که دین از دست رفت و در بوتیک‌های مردانه و روی میز دستفروشیهای خیابانی کراوات عرضه می‌شود.

به نوشته این روزنامه «استقبال از کراوات تا جایی پیش رفته که يك فروشگاه زنجیره‌ای برای فروش کراوات در روزنامه ها آگهی می‌کند و تبلیغات وسیع روزنامه‌ها باعث فروش روزافزون کراوات شده است.»

دو کلمه از تاریخچه و شناسنامه کراوات بگوئیم: کراوات در اصل کروات بوده و کروات یعنی آنچه به «کرواسی» تعلق دارد. سرزمینی که این روزها بر سر آن بین صرب‌ها و کروات‌ها دعواست. در ازمنه قدیمه، سوارکاران کروات و دستمالی دور گردن می‌بستند که قرن‌ها بعد، با کمی تغییر شکل در فرنگستان و سپس در سراسر جهان متداول شد و اگر چه از غرب به جاهای دیگر رفت ولی امروزه دیگر يك پدیده غربی محسوب نمی‌شود. برعکس، در دنیای غرب حالا دیگر کراوات بستن، مثل گذشته‌ها، لازمه «اتیکت» یا علامت شیک پوشی نیست. حتی رهبران سیاسی و مدیران اداری و اقتصادی هم در مجالس و مجامع عمومی الزاماً کراوات به گردن نمی‌بندند.

آخوندها از روز اولی که فکل و کراوات به ایران آمد آن را به چشم يك «ضد ارزش» نگاه می‌کردند. به کراوات می‌گفتند «گره وات» لاید به این دلیل که گره می‌خورد و به قول پائین شهریها «گره تمدن» محسوب می‌شد:

حال فارغ گشته از هر دغدغه

تنگتر بسته کراوات و یقه

در اولین مجلس مشروطیت که وکلا از طرف طبقات هفتگانه برگزیده شدند شاهزاده شهاب الدوله وکیل شاهزادگان بود. این شاهزاده که در اواخر عمر چندین دوره به سناتوری رسید آن زمان يك جعفرخان از فرنگ برگشته بود. جوانی خوش قد و بالا که کت و شلوار دوخت فرنگ می‌پوشید، عینک يك چشم «مونوکل» به چشم می‌زد، کراوات به گردن می‌بست و به سبک ناطقان فرنگستان دست به کمر نطق می‌کرد.

در مجلسی که اکثریت وکلای آن را یا معممین تشکیل می‌دادند یا نمایندگان تجار و کسبه و مالکین، که آنها هم کت و شلوار نبودند، شهاب الدوله جوان با آن سر و پُز، هم‌رنگ جماعت محسوب نمی‌شد و جماعت هم از «قرطیماسی» او و فرنگ رفته‌هایی مثل او خوششان نمی‌آمد. آنها راه خودشان را می‌رفتند، اینها راه خودشان را ولی با نگاهشان احساس ناموافق خود را به یکدیگر منتقل می‌کردند.

روزی شاهزاده ایستاده و دست به کمر زده در حال نطق بود. در آن دوره، مجلس میز و صندلی هم نداشت. وکلا روی زمین می‌نشستند، بعضی همان طور نشسته نطق می‌کردند، بعضی که متجددتر بودند ایستاده. شاهزاده در توجیه مطلبی که مورد نظرش بود گفت: «حکمت این کار این است که...» ناگهان فریاد حاج آقای شیرازی، یکی از وکلای معمم، زیر سقف تالار مجلس طنین انداخت که: «ملعون! خجالت نمی‌کشی؟... ریش می‌تراشی، فکل می‌بندی و در مجلس اسلامی از حکمت هم حرف می‌زنی؟!»

امروز هم مثل آن روز، از نظر فقهای عظام و مروّجان احکام و اعوان و اتباع آنان کسی که ریش بتراشد و کراوات بزند و از فلسفه و حکمت و حقوق بشر و این قبیل لاطائلات سخن بگوید در جامعه انقلابی و اسلامی وصله ناجور محسوب می‌شود. پس اگر این قبیل افعال و اقوال رایج شود آن را باید

علاوه بر این، روزنامه «گاردین» در گزارشی در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق ایالات متحده ظاهراً بیش از ۱۸۰۰۰۰ دلار برای شرکت در مراسم مجاهدین خلق به عنوان سخنان دریافت کرده است. بر اساس گزارش «گاردین»، تخمین‌ها از ۳۰ تا ۵۰ هزار دلار در هر سخنرانی متغیر است.

سازمان مجاهدین خلق در سال ۲۰۱۲ از فهرست سازمان های تروریستی خارجی آمریکا خارج شد. مریم رجوی رهبر این سازمان که «رئیس جمهور منتخب» توسط «شورای ملی مقاومت» خوانده می‌شود، سخنان اصلی کنفرانس پاریس بود.

دیگر سخنرانان از جمله عبارت بودند از دکتر شیلی ابو اوسوجی رئیس سابق دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱، پروفیسور لیلیا نادیا سادات مشاور ویژه دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در جرائم علیه بشریت از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۳، کنت لوئیس وکیل سازمان مجاهدین خلق در محاکمه حمید نوری در سوئد که به خاطر نقشش در اعدام‌های دهه شصت خورشیدی به حبس ابد محکوم و البته پس از مدت کوتاهی با زندانیان سوئدی که توسط جمهوری اسلامی در ایران به گروگان گرفته شده بودند، مبادله شد و همچنین چندین کارشناس سابق سازمان ملل و قانونگذاران سابق آمریکا و آلمان.

جاوید رحمان همچنین در بیانیه ۵ سپتامبر خود گفت که سیدرسول موسوی مدیرکل بخش غرب آسیای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در سخنانی او را متهم کرده است که رجوی را «رئیس جمهور منتخب ایران» خوانده است.

موسوی با پست متنی در شبکه «ایکس» نوشت: برای سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر رسوایی بزرگتر از این نیست که گزارشگر آنها پس از ۶ سال گزارش در مورد ایران، مریم رجوی رهبر تروریست‌ها را رئیس جمهور منتخب ایران خوانده است.

به نظر می‌رسد موسوی به اظهار نظری اشاره می‌کند که در سخنرانی افتتاحیه رحمان در این مراسم بیان شد: «متشکرم، ظهر بخیر، خانم مریم رجوی، رئیس جمهور منتخب، همکاران و دوستان ارجمند، ابتدا از شما به خاطر این دعوت تشکر می‌کنم.» این سخنرانی در ویدئویی از این رویداد که در ۲۹ اوت در یوتیوب JvMI منتشر شده، در دسترس است.

جاوید رحمان در پاسخ به این اتهام در بیانیه خود گفت: اصطلاح «رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت» دقیقاً عنوانی است که در دستور کار کنفرانس برای من ارائه شده است. این موضوع توسط جمهوری اسلامی ایران و وابستگان آن برای پیشنهاده‌ها یا اصطلاحاتی که من استفاده نکرده‌ام، کاملاً اشتباه تعبیر شده است.»

رحمان افزود: «باید به جامعه بین‌المللی هشدار دهم که از طریق این کمپین برای بدنام کردن من، مقامات ایرانی (و هواداران آنها) سعی در فرار از پاسخگویی در مورد جنایات خود دارند.»

رحمان در گفتگو با پروژه‌های آینده‌ی خود با تمرکز بر نقض حقوق بشر در ایران، به کیهان لایف گفت: «من به عنوان استاد حقوق به مبارزه‌ی خود جهت اجرای عدالت برای قربانیان نقض حقوق بشر در ایران ادامه خواهم داد و درباره مشکلات نظام حقوقی و قانونمندی در جهان اسلام از جمله در ایران همچنان تحقیق کرده و خواهم نوشت.»

*منبع: کیهان لایف

*گزارشگر: ناتاشا فیلیس

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

شاه پیغام داد که در سمینار سازمان زنان نباید مسائل خلاف اسلام مطرح شود

ما نمی‌توانستیم تعدد زوجات را که شرعاً مجاز بود مشمول منع قانونی قرار دهیم اما کاری کردیم که گرفتن زن دوم برای مرد آسان نبود

کتابهای درسی ما قبل از بازساختن حقوق زن در ایران، بر اساس داده‌های جوامع مردسالار بود و زنان را در جایگاهی پایین قرار می‌داد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهرماه تا بهمن ماه ۱۳۸۲ - شماره ۹۹۰-۹۷۶)

بازنش



جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۳)

خاطرات مهناز افخمی
ناشر: بنیاد مطالعات ایران

«جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» عنوان خاطرات مهناز افخمی است؛ چهارمین دبیرکل سازمان زنان و اولین وزیرمشاور در امور زنان که در دولت هویدا و دولت آموزگار عضویت داشت. مهناز افخمی «امیرابراهیمی» پس از آنکه تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در آمریکا به پایان رساند در ۲۶ سالگی به ایران بازگشت و در دانشگاه ملی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۷ او به سازمان زنان پیوست و در سال ۱۳۵۰ دبیرکل سازمان شد. درین بخش از خاطرات مهناز افخمی، او از چگونگی انتخاب شدن به دبیرکلی و مسائلی که در این مقام با آنها روبرو بود سخن می‌گوید. یادآور می‌شویم که خاطرات مهناز افخمی براساس مصاحبه وی با خانم فرشته نورانی تدوین شده و از سوی بنیاد مطالعات ایران انتشار یافته است.

به زندگی خصوصی افراد نمی‌شد، مربوط به محیط داخل مدرسه می‌شد.

● یعنی زن با چادر بیاید تا مدرسه و داخل مدرسه چادر را بردارد؟

- در داخل مدرسه، که مدرسه دخترانه بود، خانم پارسا موافق این موضوع بود و دستورالعمل فرستاد برای تمام مدارس و این هم یکی از مواردی بود که موجب مجازات خانم پارسا و موجب از دست دادن ایشان شد. البته مطمئناً اگر این نبود، یک چیز دیگر برایش پیدا می‌کردند. اما ایشان نهایت همکاری را همیشه داشت. باز باید برگردم به زمان اولی که کارم را در سازمان شروع کردم و خانم پارسا آمد به دیدن من.

پزشکی که معلمی را برگزید

● خانم پارسا آن وقت وزیر آموزش بود؟

- بله، وزیر آموزش بود. آمد به دیدن من، به‌عنوان تشریفات خوش آمد گفتن. من قبلاً با همکارانم در سازمان صحبت کردم که چی از ایشان بخواهم. به ایشان گفتم که بیش از هر چیز همکاری وزارت آموزش و پرورش را می‌خواهیم و همکاری و حمایت شخص ایشان را می‌خواهیم. خانم پارسا خیلی مورد احترام بود. زنی بود که تمام مراحل را طی کرده بود. از اینکه به‌عنوان طبیب تحصیلاتش را تمام کند و بعد تصمیم بگیرد که معلم بشود، برای اینکه بهترین راه خدمت را معلمی تشخیص داده بود، و بعد رئیس دبیرستان شده بود و در آن سمت تعداد زیادی از زنان جوان را زیر نظر خودش گرفته بود و کمک کرده بود که شخصیتشان شکل بگیرد، و بعد رفته بود در وزارت آموزش و پرورش در کادر اداری و مراحل را طی کرده بود تا سمت وزارت، و مضافاً قبل از خودش مادرش در زمینه فعالیت‌های زنان بسیار کوشا و شجاع بود. فرخو پارسا کسی بود که ما همه برایش نهایت احترام را داشتیم و خودم شخصاً به او علاقه زیاد و احترام زیاد داشتم. می‌خواستیم که شخصاً حامی من باشد و در ضمن به پیشبرد کارم کمک کند. او هم در نهایت لطف و محبت گفت هر کاری که از عهده‌اش برآید خواهد کرد، ولی، به من گفت، یادت باشد که من وزیر آموزش نه وزیر زنان، و مسئولیت اولیه من آموزش عام است و در قالب آن هر چه که بتوانم برای نقش زن کمک می‌کنم، ولی اگر که می‌خواهی در این زمینه قدرت و تأکید بیشتری باشد، وزیر زنان باید بگذاریم. وزیر آموزش در این زمینه محدود ←

او را با مشورت گروههایی از خودمان که از مدیران مدارس بودند، و یا معلم بودند، و یا با وزارت آموزش و پرورش تماس داشتند، تصویب کردیم، با خانم پارسا صحبت کردیم راجع به اینکه کمیته‌ای تشکیل بشود برای تجدید نظر در کتابهای درسی. خانم پارسا موافقت کرد و این تجدید نظر شروع شد که البته کار مشکل و دامنه‌داری بود که ادامه داشت. متأسفانه یکی از مسائلی که بعد از انقلاب برای خانم



پارسا به‌عنوان جرم شناخته شد، همین بود. مسأله دیگرش باز به ما مربوط می‌شد. تعداد قابل توجهی از دبیران شعب سازمان زنان، معلم مدرسه بودند و به ما می‌گفتند که دلشان می‌خواهد بتوانند آزادانه و بی چادر به مدرسه بروند. ولی محیطشان و خانواده‌شان اجازه نمی‌دهد که رأساً این تصمیم را بگیرند. اگر دستورالعمل از وزارت آموزش و پرورش می‌آمد که در داخل محیط مدرسه شاگرد و معلم نمی‌توانند چادر به سر بگذارند، کار معلمین را خیلی آسان می‌کرد. ما این موضوع را با خانم پارسا مطرح کردیم. برای اینکه خیلی طبیعی به نظر می‌رسید، چون به هر حال، لباس مناسب محیط کار را می‌توانست هر کارفرمایی تعیین کند و چیزی نبود که بشود به آن ایراد زیادی گرفت. این مربوط

مهناز افخمی - در بعضی زمینه‌ها مجبور می‌شدیم که در بعضی موارد در سطح بالاتری کار کنیم. مثلاً در تغییر متون کتابهای درسی. این یکی از مسائل عمده بود. در دانشسرای تربیت معلم، ما سعی می‌کردیم همین برنامه‌های آگاه‌سازی را برای معلمین مطرح کنیم که خوشبختانه دو نفر از اعضای هیأت انامی ما و شورای مرکزی ما استادان دانشسرای تربیت معلم بودند - خانم فخری امین و خانم پروین بوذری - که بعداً هر دو معاونین وزارت آموزش و پرورش شدند و زنان فوق‌العاده کارآمد و مسئولی بودند. در ضمن سعی می‌کردیم روی کتابهای درسی اثر بگذاریم. کتابهای درسی ما مثل کتابهای درسی همه ممالک، خصوصاً ممالک جهان سوم، بر اساس داده‌های جوامع مردسالار تهیه شده بود. تقریباً در سراسر کتابها بیشتر تصاویر از مردها و یا پسرچه‌ها بود و تصاویر کمی از زنان، و اگر تصویری از زن وجود داشت او را در یک نقش سنتی نشان می‌داد: آشپزی می‌کرد، ظرف می‌شست، اطو می‌کرد یا کار دیگری مربوط به مشاغل زنان در داخل خانه. همیشه دخترچه مسأله ایجاد می‌کرد و پسرچه مسأله را حل می‌کرد. دخترچه توپ را انداخته بود توپ درخت، پسرچه می‌رفت بالای درخت و توپ را می‌آورد پایین. یادم است در یکی از جلساتی که داشتیم با آقایان مسئولین وزارت آموزش و پرورش، به مسخره می‌گفتند بله، این عکس نشان می‌دهد یک خروس دارد جلو می‌رود و مرغها دنبالش می‌روند و لابد آن عکس را هم باید عوض کنیم. در واقع در تمام اینها، نه تنها در تصاویر، بلکه در ارائه مطالب، تصمیمات را همیشه پدر یا مرد خانواده، یا معلم مرد، می‌گرفت و زنان همیشه در یک نقش طراز پایین انفعالی بودند. در نتیجه نمی‌شود انتظار داشت که دخترچه یا پسرچه‌ای که در این فضای درسی فکر می‌کند و شکل می‌گیرد بعد به‌آسانی طرز فکرش را عوض کند. در نتیجه، هدف ما این بود که برویم به مرکز آن آموزش اولیه و در کتابهای درسی تجدید نظر کنیم. خوب، آن مطلبی نبود که در سطح پایین‌تر بشود با آن کار کرد. در این مورد رفتیم پیش خانم فرخو پارسا، که آن زمان وزیر آموزش بود. البته بعد از اینکه مطالعات نسبتاً وسیع و دقیقی انجام داده بودیم، خانم نیک‌چهره محسنی، که عضو شورای مرکزی سازمان بود و در دانشگاه تهران درس می‌داد، مطالعه جالبی راجع به نقش زنان در کتابهای درسی کرده بود برای سازمان و پیشنهادات خیلی جالبی داشت. بعد از اینکه کار

می‌تواند کار کند.

● خوب، این مطلب فوق‌العاده‌ای است که بعد، شاید اتفاقاً وزیر زنان تعیین شد؟

- البته بگویم، آن زمان تصور نمی‌کنم که خانم پارسا پیش بینی وزارت زنان را می‌کرد. برای اینکه اصلاً این ایده وزیر زنان هنوز وجود نداشت در دنیا. ولی فکر جدیدی بود، برای اینکه گفتن این موضوع خودش در فکر آدم این ایده را به وجود می‌آورد که بایستی یک نوع محل با نفوذ و با قدرت برای طرح مسأله زنان در یک قالب با معنی به وجود بیاید. حالا این بعداً در فرانسه شد وزارت زنان، و بعد هم ما در ایران چنین سمتی را ایجاد کردیم. ولی در آن زمان به این نحو مطرح نبود.

قانون حمایت خانواده (1346)

● درباره قوانین حمایت خانواده اگر ممکن باشد توضیحاتی بدهید

- مهمترین قسمت در قانون حمایت خانواده، حقوقی بود که به زنان در امر طلاق، ازدواج و رابطه با فرزندان داده شد. قبل از گذشتن این قانون، طلاق یکطرفه بود، فقط از طرف مرد بود، مگر در مواردی واقعاً استثنایی. زن به هیچ قیمتی نمی‌توانست از طلاق جلوگیری کند و یا در این زمینه حقی داشته باشد. کلیه اختیارات مربوط به قطع رابطه زناشویی فقط و به سادگی به شخص شوهر داده می‌شد و قاضی و دادگاه و یا مرجعی برای رسیدگی به این امر وجود نداشت. حق زن در ارتباط با بچه هم بسیار محدود بود. در حقیقت مرد بود که اختیار داشت و حق ولایت بچه بعد از مرگ پدر، به خانواده پدری، جد پدری، به عمو و غیره داده می‌شد.

زمینه‌های مشابه مردان به زن نیز داده شد، تصمیم درباره حق نگهداری بچه هم به دادگاه واگذار شد.

البته در قانون اول حمایت خانواده مسأله شغل هنوز مطرح بود، به این معنی که مرد می‌توانست زن را از کاری که به اصطلاح خلاف «شرافت» او فرض می‌شد، بازدارد. شاغل شدن زن در قانون اول هنوز مربوط می‌شد به اجازه شوهر، به این معنا که مرد می‌توانست زنش را از ادامه حرفه‌ای باز دارد اگر تشخیص بدهد که داشتن آن حرفه برای زن خلاف حیثیت خانواده است. در مرحله دوم تجدید نظر در قانون حمایت خانواده به این مسأله توجه شد و با اینکه نتوانستیم این ماده را حذف کنیم، ولی موفق شدیم این شرط را شامل هم مرد و هم زن کنیم. به این معنا که مرد یا زن هر کدام می‌توانست دیگری را از کاری باز دارد که به تشخیص او خلاف حیثیت خانواده باشد. در تجدید نظر و اصلاح قانون حمایت خانواده امکان و فرصت پیدا شد که اگر هم نتوانیم ماده‌ای را حذف کنیم که خلاف اصل تساوی حقوقی زن و مرد باشد، اقلاً نتوانستیم ترتیبی دهیم که حقی که به مرد داده شده تا حد امکان برای زن هم در نظر گرفته شود.

● قانون اول حمایت خانواده در چه سالی تصویب شد؟
- در سال 1346، چهار سال بعد از سال 1342 که سال اعطای حق رأی سیاسی به زنان بود.

● چه کسانی آن را پیشنهاد کردند؟
- پیشنهاد از کمیته حقوقی سازمان زنان آمده بود. سالها در دست مطالعه و بررسی بود. گروههای مختلف همکاری کرده بودند، ولی البته مثل بسیاری دیگر از قوانین که بعدها مطرح شد، جو بین‌المللی نیز مؤثر بود. یعنی مسائلی که در

زن به وجود آمد. از زمانی که قانون به زنان حق رأی و شرکت در فعالیتهای سیاسی داد، زندگی سیاسی زنان کاملاً عوض شد. البته یکی از مسائلی که خوب است به آن توجه کنیم، این است که درست قبل از موضوع حق رأی، وضع زنان در قوانین ایران طوری بود که زنان با اطفال، مجانبین، و کسانی که به دلیل ارتکاب جنحه یا جنایتی عمده حقوقشان را از دست داده بودند، در یک ردیف قرار می‌گرفتند. کوچکترین حق سیاسی، اجتماعی و غیره به زنان تعلق نمی‌گرفت و این وضع تا سال 1342 ادامه داشت. تمام دورانی که زنان امکان و فرصت فعالیت سیاسی و اجتماعی متشکل یافتند، کمتر از بیست سال بود. یعنی در واقع پانزده سال بیشتر طول نکشید (تا زمان انقلاب) در این دوران و با در نظر گرفتن مدت کوتاه فرصتها، کارنامه زنان و توسعه فعالیتهاشان واقعاً شایان توجه بود.

● از نظر آموزشی، البته زنان از سالها قبل فرصت پیدا کرده بودند؟

- بله، از نظر آموزشی زنان در همه رشته‌ها غیر از الهیات مطالعه می‌کردند. ولی به جز این مورد و در زمینه اقتصادی که اجازه داشتند ملکی را که متعلق به خودشان بود اداره کنند، و یا به آنچه از پدرشان به ارث رسیده حق تملک داشتند جز این دو مورد، در کلیه موارد دیگر واقعاً شخصیت حقوقی و سیاسی به زن داده نشده بود و آن وقت در یک دوران کوتاه از 1342 تا 1357 فعالیت زنان در زمینه‌های مختلف گسترش پیدا کرد.

● در عرض پانزده سال؟

- بله، تمام این برنامه‌ها و ایجاد فرصتها و امکانات در



مهناز افخمی همراه با شاهدخت اشرف پهلوی در بازدید از کلاسهای آموزشی سازمان در مشهد، (۱۳۵۳). شمسی امیری کلالی، دبیر سازمان زنان در خراسان در وسط دیده می‌شود.

پانزده سال اتفاق افتاد که ده سال آن را من شاهد فعالیتهای بودم. این دوره در تاریخ ایران دوره‌ای هیجان‌انگیز و بسیار آموزنده بود.

● قدرت حمایتی قانون حمایت خانواده چه بود؟

- مثل بیشتر مسائل مشابه، قانون حمایت خانواده قانونی بود که زمانش رسیده بود. در این ارتباط، آمادگی خود زنان بسیار اهمیت داشت. زنان از نظر آموزشی، آگاهیها و نیاز به مشارکت، به سطحی رسیده بودند که واقعاً جز این را قبول نمی‌کردند و من فکر می‌کنم فشار گروههای خود زنان، بعضی متشکل و بعضی با تشکل کمتر، امکان این را داد که گروههای وسیعی در به وجود آوردن قانون همکاری کنند. البته ←

سازمان ملل مطرح می‌شد و مقاوله‌نامه‌هایی که دولت ایران به آن ملحق شده بود و همچنین وضع حقوق زن در جوامع مجاور مشابه بر شیوه و شانس توفیق کار برای تغییر قوانین اثر می‌گذاشت. در تهیه پیش‌نویس قوانین با مراجع مذهبی بحث و مشورت می‌شد و نظر آنها گرفته می‌شد، و با وزارت دادگستری و دیگر دستگاههایی که با قوانین سر و کار داشتند بطور مستمر مذاکره می‌شد. در حقیقت گرداننده اصلی زنان بودند ولی عوامل و دستگاهها و سازمانهای مختلف نظر می‌دادند، تحقیق می‌کردند، همکاری می‌کردند که قوانین شکل گیرد. از سال 1346 که قانون حمایت خانواده از مجلس گذشت، تغییر اساسی و کلی در حقوق اجتماعی

آنها بر مادر بچه ارجح بودند و مادر نمی‌توانست ولی فرزندش بشود. در خیلی موارد دیگر زن حقوقی نداشت. مثلاً در زمینه شغلی زن نمی‌توانست کار کند مگر آنکه از شوهرش اجازه داشته باشد. مسأله تعدد زوجات بود که مرد می‌توانست چهار زن قانونی داشته باشد و هر زمانی که بخواهد زن دیگری بگیرد و می‌توانست بدون هیچ نوع اطلاعی به زن اولش یا دومش زن دیگری بگیرد و ضمناً انتظار هم داشته باشد که آنان در یک محیط و با هم زندگی کنند. در این موارد هیچ حقی به زن داده نمی‌شد. قانون حمایت خانواده این شرایط را عوض کرد. یعنی تصمیم‌گیری در مورد طلاق به دادگاه واگذار شد و ضمناً حق طلاق در

انفجار زنجیره‌ای بیسیم صدها نفر از اعضای حزب‌الله طی یک عملیات پیچیده سایبری



وضعیت بهم ریخته خیابان‌های بیروت پس از انفجارهای زنجیره‌ای

را در حومه بیروت در محله «ضاحیه» دیده‌اند که بر اثر جراحات دچار خونریزی شده‌اند.

برخی از اعضای حزب‌الله از ناحیه دست و صورت مجروح شدند و برخی از ناحیه میانی و تناسلی زیرا بیسیم داخل جیب شلوار آنها بوده است. ویدیوهای زیادی از دوربین‌های مداربسته در شهر بیروت مشخص شده که مربوط به لحظه انفجار بیسیم‌های اعضای حزب‌الله هستند.

بر اساس گزارش شبکه الجزیره، تا حدود ساعت ۱۷:۰۰ به وقت تهران تعداد زخمی‌ها در بین نیروهای حزب‌الله در این عملیات بی‌سابقه به بیش از ۱۲۰۰ نفر رسید.

آن‌بی‌سی نیز در اینباره می‌نویسد، «اسرائیل هدف جنگی جدیدی دارد که علامت افزایش احتمال درگیری با حزب‌الله لبنان است.» در عین حال، مقامات اسرائیل به آمریکا پیام داده‌اند که «اقدام نظامی» احتمالاً تنها راه برای مقابله با حزب‌الله است و دیپلماسی بی‌فایده است.

همزمان آژانس امنیت داخلی اسرائیل (شین بت) اعلام کرد که توطئه‌ی حزب‌الله برای کشتن یک مقام ارشد سابق در تشکیلات امنیتی اسرائیل خنثی شده است.

بر اساس اطلاعات منابع غیررسمی، انفجارهای زنجیره‌ای در لبنان با استفاده از یک تکنولوژی پیشرفته سایبری با حمله همزمان به سیستم‌های رادیویی و ارتباطی بین اعضای حزب‌الله صورت گرفته است که باعث انفجار باتری داخلی بیسیم‌ها و پیچیده‌های آنها در نقاط مختلف شده است. برخی نیز ادعا کردند داخل این بیسیم‌ها چاشنی انفجاری کار گذاشته شده بود.

نوشته‌های مذهبی مطرح شده منافات نداشته باشد. مثلاً در مورد تعدد زوجات، که صریحاً گفته شده بود که مرد می‌تواند چهار زن بگیرد. در نتیجه ما هیچ وقت نمی‌توانستیم بگوییم که مرد حق ندارد چهار زن بگیرد ولی شرایط گرفتن همسر دوم را طوری پیشنهاد می‌کردیم که براحتی برای مرد امکان‌پذیر نبوده‌ک زن دوم بگیرد. (دنباله دارد)

● در یک اقدام پیچیده عملیاتی و بی‌سابقه، صدها نفر از اعضای حزب‌الله لبنان، روز سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریورماه) بر اثر انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌هایی که از آنها برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند، به شدت مجروح شدند.

● خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام حزب‌الله که نخواست نامش فاش شود، نوشت انفجار بیسیم‌ها «بزرگترین ضعف امنیتی» است که این گروه طی نزدیک به یک سال جنگ با اسرائیل در معرض آن قرار گرفته است. ● بر اساس گزارش شبکه الجزیره، تا حدود ساعت ۱۷:۰۰ به وقت تهران تعداد زخمی‌ها در بین نیروهای حزب‌الله در این عملیات بی‌سابقه به بیش از ۱۲۰۰ نفر رسید.

در یک اقدام پیچیده عملیاتی و بی‌سابقه، صدها نفر از اعضای حزب‌الله لبنان، روز سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریورماه) بر اثر انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌هایی که از آنها برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند، به شدت مجروح شدند.

خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام حزب‌الله که نخواست نامش فاش شود، نوشت انفجار بیسیم‌ها «بزرگترین ضعف امنیتی» است که این گروه طی نزدیک به یک سال جنگ با اسرائیل در معرض آن قرار گرفته است.

هرچند گفته می‌شود تدارکات این عملیات از سوی اسرائیل بوده اما مقامات این کشور هنوز واکنشی به این انفجارها نشان نداده‌اند.

یک خبرنگار رویترز گفت که دست‌کم ۱۰ عضو حزب‌الله

اعتقادات ملتی که این مسائل برایش مطرح بود. تا زمانی که در فکر آن ملت برای پذیرش خواسته‌های ما آمادگی پیدا نمی‌شد، مطرح کردن فکر یا ارائه راه حل به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نبود. به همین جهت همیشه سعی می‌کردیم در هر موردی که قانونی مطرح می‌شد، آن را در چهارچوبی ارائه دهیم و به زبانی بگوییم که آشکارا با آنچه صریحاً در

من شخصاً در قانون اول مشارکت نداشتیم، ولی در تجدید نظر قانون حمایت خانواده، سازمان زنان نقش عمده‌ای داشت و من در مراحل مختلف دست اندرکار و ناظر بودم که چه عواملی کمک می‌کنند و چه عواملی بازدارنده هستند و ما و دیگران هر کدام با چه مشکلاتی روبرو هستیم.

نقش شاه

● می‌توانید توضیحاتی راجع به این مشکلات بدهید؟

- در افکار عمومی این طور مطرح شده که در ایران دهه پنجاه شمسی هرچه را محمدرشاه می‌خواست، می‌شد و آنچه را که نمی‌خواست نمی‌شد. تجربه شخصی من در مورد مسائل زنان به من ثابت کرد که مسأله به این صورت مطرح نبود. در بیشتر موارد مشکلات و مسائل و نظراتی وجود داشت که اگر در نظر گرفته نمی‌شد، مانع می‌شد که کاری انجام بگیرد. البته نظر اعلیحضرت خیلی مهم بود، ولی به‌تنهایی تعیین‌کننده نبود. برای اینکه خود ایشان توجهی خاص داشتند به اینکه گروهها و طبقات مختلف چه نیازهایی دارند و بین آنها چه اصطکاک می‌مکن است وجود داشته باشد که احتمالاً مشکل و مسأله‌ای برای همه مردم پیش آورد.

● منظورتان ملاحظات مذهبی است؟

- ملاحظات مذهبی، سیاسی، سنتی و اجتماعی و غیره. البته بعد هم باید به خود ایشان ثابت می‌شد. البته در مورد زنان می‌گویم، در مورد مسائل دیگر بعدها در دولت تاحدی شاهد بودم و بعضی مسائل نیز در حیطه اطلاعات من نبود. ولی در مورد زنان، اعلیحضرت در مسائلی که مشخص می‌شد به پیشرفت و نوسازی ایران مربوط می‌شود، علاقمند بودند. با توجه به طرز فکر اعلیحضرت و برای اینکه ایشان را به مسائل زنان متعهد کنیم، سعی ما این بود که مسأله نهضت زنان را با مسائل ایران پیشرفته مرتبط کنیم. زمانی که نوسازی ایران و پیشرفت زنان در فکر ایشان یکی شد، و وقتی این دو را در یک رده‌بندی دیدند، آن وقت ما توانستیم در بسیاری از زمینه‌ها روی حمایت ایشان حساب کنیم و آن هم باز تا حدودی. جنگها را باید خودمان می‌کردیم، یعنی به وزارت دادگستری، قضات و گروههای صاحب نفوذ ثابت می‌کردیم که مسأله زنان مهم است یا منطقی است، یا انسانی است. اینها همه کار و وظیفه خود ما بود. البته از نظر حمایتی از پشتیبانی اعلیحضرت می‌خواستیم استفاده کنیم، ولی در بعضی زمینه‌ها مطلقاً نمی‌شد. به‌عنوان مثال، در اولین سمینار حقوقی مربوط به زنان که من مسئول تشکیل آن بودم، در سازمان زنان، مشغول برنامه‌ریزی سمینار بودم که آقای علم، که در آن زمان وزیر دربار بود، تلفن کرد و گفت پیغامی دارم از اعلیحضرت برای سازمان زنان. پرسیدم که پیغام چیست؟ ایشان گفتند اعلیحضرت فرمودند در سازمان زنان برنامه‌ریزی برای سمیناری می‌شود که قرار است در آن مسائل خلاف اسلام مطرح شود، و اگر چنین بشود، اشخاصی که این برنامه را ترتیب می‌دهند از نظر من شخصاً مسئول و مردود هستند. پرسیدم مثلاً چه مسائلی؟ آقای علم گفتند مثلاً مسأله ارث. خوب، ما متوجه شدیم که به ایشان گزارش داده‌اند که ممکن است مشکلاتی در سطح جامعه پیش آید که سابقه‌اش هم وجود داشت. در برنامه پانزده خرداد آقای خمینی، مسأله زنان یکی از دو مسأله زیربنایی شورش بود و در نتیجه به حساسیت مسأله توجه می‌شد. البته ما به هیچ وجه نظر مطرح کردن مسأله ارث را نداشتیم، چون خودمان متوجه بودیم جایی که اصطکاک پیدا می‌شد بین نص صریح قرآن و آنچه که ما از نظر مساوات حقوقی زن و مرد می‌خواستیم، شکست صددرصد با طرفی بود که علناً و به‌وضوح در موضعی متضاد با متن قرار می‌گیرد. البته شکست هم نه تنها به‌خاطر نظر مراجع مذهبی، بلکه همچنین به‌خاطر

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

در حل مسائل پادمانی با ایران به بن‌بست رسیدیم



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۲۶ شهریورماه طی سخنانی در نخستین روز شصت و هشتمین کنفرانس عمومی آژانس در وین با ابراز نگرانی از عدم همکاری جمهوری اسلامی گفت: «چندین سال است مسائل پادمانی با ایران حل نشده و به نظر می‌رسد که ما به بن‌بست رسیده‌ایم».

● رافائل گروسی افزود، «ما همچنان فعالانه درگیر انجام مأموریت‌های ضروری آژانس هستیم و برای ما بسیار مهم است آژانس بتواند تضمین‌های معتبری مبنی بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران ارائه دهد».

● مسائل پادمانی مرتبط با NPT روند نظارت بر برنامه‌های تسلیحاتی اتمی جمهوری اسلامی است که رژیم ایران آن را مخفی گذاشته است. کشف آثار ذرات اورانیوم ممنوعه با منشاء انسانی در چهار سایت اعلام نشده از جمله تورقوزآباد بخشی از این مسائل حل نشده است که جمهوری اسلامی پاسخی برای آن نداده است. همچنین آژانس از مقامات ایران خواسته تا اعلام کنند تجهیزات آورده به اورانیوم ممنوعه را به کجا منتقل کرده‌اند.

● گروسی در «ایکس» نوشت: «با محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در مورد اهمیت حفظ گفتگوها توافق کردیم. به زودی برای دیدارهای مهم سیاسی و فنی به تهران سفر خواهیم کرد».

● اغلب خبرگزاری‌های دولتی جمهوری اسلامی مهم‌ترین بخش‌های صحبت گروسی از جمله «به بن‌بست رسیدن در مورد مسائل پادمانی ایران» را سانسور و تلاش کرده‌اند روی صحبت‌های مدیرکل آژانس در مورد سفر احتمالی او به ایران و دیدار با مسعود پزشکیان مانور بدهند.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دوشنبه، ۱۶ سپتامبر (۲۶ شهریورماه) طی سخنانی در نخستین روز شصت و هشتمین کنفرانس عمومی آژانس در وین با ابراز نگرانی از عدم همکاری جمهوری اسلامی گفت: «به نظر می‌رسد که ما به بن‌بست رسیده‌ایم».

رافائل گروسی در این کنفرانس به تشریح عملکرد آژانس در رابطه با راست‌آزمایی از فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی پرداخت و عنوان کرد: «در طول مدت تصدی خود [در آژانس] بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل به نظارت و راست‌آزمایی از فعالیت‌های اتمی ایران و اجرای پادمان‌های NPT ادامه دادیم اما نگران‌کننده است که هنوز مسائل پادمانی چندین سال است حل نشده باقی مانده و به نظر می‌رسد که ما به بن‌بست رسیده‌ایم».

وی با اشاره به محدود شدن نظارت بازرسان آژانس بر تأسیسات غنی‌سازی ایران تأکید کرد، «مکاتبات من تا کنون با دولت جدید سازنده و علنی بوده است و امیدوارم در آینده‌ای نه چندان دور به ایران سفر کنم».

گروسی افزود، «ما همچنان فعالانه درگیر انجام

ایران شده‌اند. شخم‌زدن‌های آژانس در تاریخ فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی!

همچنین میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در آژانس، طی سخنانی در نشست فصلی شورای حکام ابراز امیدواری کرده بود که روند مذاکرات میان آژانس و دولت جدید ایران سریع‌تر از سر گرفته شود.

او توصیه کرده بود، «ما [روسیه] از کشورهای غربی می‌خواهیم که در این زمینه خویشتنداری کنند، هیچ حرکت ناگهانی و عجولانه انجام ندهند و به مدیرکل آژانس و طرف ایرانی اجازه دهند که بدون فشار خارجی یک روندی را ایجاد کنند».

اولیانوف همچنین در بخشی از صحبت‌های خود به مدیرکل آژانس توصیه کرد که به «شخم‌زدن» در تاریخ فعالیت‌های هسته‌ای ایران پایان دهد. او گفت: «ما با یک موضوع سی ساله سر و کار داریم و آژانس باید رویه معیوب کاوش در تاریخ برنامه هسته‌ای ایران و احیای داستان‌های قدیمی را متوقف کند. این روند نتیجه معکوس دارد».

سفیر آمریکا در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین نیز در سخنانی گفته، «فعالیت‌های هسته‌ای ایران عمیقاً نگران‌کننده است. همانطور که گزارش مدیرکل آژانس به وضوح نشان می‌دهد، ایران بجای پرداختن به نگرانی‌های جامعه بین‌المللی، به حرکت بیشتر در مسیر اشتباه ادامه می‌دهد. این کشور به گسترش برنامه هسته‌ای خود، نصب آبشارهای سانتی‌فیوژ پیشرفته اضافی و تولید اورانیوم بسیار غنی شده که هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری برای آن ندارد، ادامه می‌دهد».

مأموریت‌های ضروری آژانس هستیم و برای ما بسیار مهم است آژانس بتواند تضمین‌های معتبری مبنی بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران ارائه دهد».

مسائل پادمانی مرتبط با NPT روند نظارت بر برنامه‌های تسلیحاتی اتمی جمهوری اسلامی است که رژیم ایران آن را مخفی گذاشته است. کشف آثار ذرات اورانیوم ممنوعه با منشاء انسانی در چهار سایت اعلام نشده از جمله تورقوزآباد بخشی از این مسائل حل نشده است که جمهوری اسلامی پاسخی برای آن نداده است. همچنین آژانس از مقامات ایران خواسته تا اعلام کنند تجهیزات آورده به اورانیوم ممنوعه را به کجا منتقل کرده‌اند.

بازرسان آژانس پس از آنکه آرشيو اتمی جمهوری اسلامی توسط مأموران موساد سرقت شد، از این مراکز بازدید کردند و آثار اورانیوم توسط آنها شناسایی شد.

گروسی دوشنبه شب در «ایکس» نوشت: «با محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در مورد اهمیت حفظ گفتگوها توافق کردیم. به زودی برای دیدارهای مهم سیاسی و فنی به تهران سفر خواهیم کرد».

اغلب خبرگزاری‌های دولتی جمهوری اسلامی مهم‌ترین بخش‌های صحبت گروسی از جمله «به بن‌بست رسیدن در مورد مسائل پادمانی ایران» را سانسور و تلاش کرده‌اند روی صحبت‌های مدیرکل آژانس در مورد سفر احتمالی او به ایران و دیدار با مسعود پزشکیان مانور بدهند.

سه قدرت اروپایی و آمریکا ۲۱ شهریورماه در نشست فصلی شورای حکام که پیش از نشست دوره‌ای آژانس در وین برگزار شد، خواستار انتشار عمومی گزارش‌های محرمانه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های اتمی

تشکیل «گروه ویژه» برای تعقیب یحیی سنوار؛ گالانت: او صدای بولدوزرهای ارتش اسرائیل را می شنود



نقش یحیی سنوار رهبر گروه تروریستی حماس بر دیواری در تهران / عکس: رویترز

در ذات اوست. او ترجیح می‌دهد در پناهگاه خود بماند. بن باراک معاون سابق موساد نیز با این موضوع موافق است. او نیز به گادیرین گفته «من فکر نمی‌کنم که سنوار وارد مصر شود، زیرا زمانی که مردم بدانند او در غزه نیست، کل عملیات [حماس] - روحیه افراشد و... از بین می‌رود. به همین دلیل است که فکر نمی‌کنم او این کار را انجام دهد. او ترسو نیست.» این روزنامه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریور) در گزارشی نوشت، مرگ یا دستگیری سنوار بدون شک به عنوان یک موفقیت نظامی بزرگ توسط دولت بنیامین نتانیاهو ستایش خواهد شد. او نابودی «توانایی‌های نظامی و حکومتی» حماس را به هدف اصلی جنگ تبدیل کرده است. ولی اینکه آیا جنگ را متوقف می‌کند یا نه، موضوع دیگریست.

بن باراک همچنین معتقد است، «وقتی سنوار بازداشت شود، وضعیت بسیار بهتر خواهد شد، شاید برای چند هفته اما در نهایت بعد از آن، شخص دیگری می‌آید. این یک جنگ ایدئولوژیک است، نه جنگی درباره سنوار.»

مایکل میلشتاین رئیس سابق بخش امور فلسطین در اطلاعات نظامی اسرائیل می‌گوید: «پس از تقریباً ۵۰ سال ترور، می‌دانیم که این بخش اساسی بازی است. گاهی لازم است یک رهبر بسیار برجسته ترور شود. اما اگر فکر کنید که این کار بازی را تغییر می‌دهد و یک سازمان ایدئولوژیک به علت کشتن یکی از رهبران آن سقوط خواهد کرد، کاملاً اشتباه است. من اطمینان دارم که اگر سنوار کشته شود شخص دیگری جانشین او خواهد شد... شما نمی‌توانید خیال‌پرووری کنید. این جنگ [با کشتن سنوار] تمام نمی‌شود.»

روزنامه انگلیسی «میرور» ۲۵ اوت (چهارم شهریور) به نقل از چند مقام امنیتی اسرائیل گزارش داده بود که یحیی سنوار رهبر حماس در آن روزها از تونل‌های زیرزمینی بیرون آمده و برای اینکه شناسایی نشود، با پوشش زنانه [حجاب] خود را در بین سایر فلسطینی‌ها پنهان کرده است.

مخفی است یا از آنجا فرار کرده اما برخی منابع گفته‌اند و معمولاً برای مدت طولانی در یک مکان نمی‌ماند و مدام در حال حرکت است و مخفیگاه خود را تغییر می‌دهد.

میچا کوبی که در گذشته ساعت‌های زیادی از سنوار در زندان‌های اسرائیل بازجویی کرده است، می‌گوید: «سنوار مانند یک قاتل حرفه‌ای رفتار می‌کند، او می‌خواهد خودش را نجات دهد و همه را فریب می‌دهد. می‌داند چگونه از اطلاعات و دانسته‌های خود در مورد اسرائیل و خطوط فکری ارتش اسرائیل به خوبی استفاده کند. او خود را به خوبی آماده کرده و تونل‌هایی را که دوست داشت در آنجا پنهان شود آماده کرده بود... ولی بالاخره پیدا می‌شود و خودش را نشان می‌دهد. ما باید بسیار قوی‌تر و صبور باشیم؛ این قضیه زمانبر است چنانکه شکار بن‌لادن ۱۰ سال طول کشید.»

یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل در مورد رهبر حماس می‌گوید، «سنوار اکنون صدای بولدوزرهای ارتش اسرائیل و بمب‌های نیروی هوایی را می‌شنود، او به زودی با لوله‌های اسلحه ما آشنا خواهد شد.»

با اینکه سنوار در ارتباطات خود به شدت محتاطانه عمل می‌کند اما رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی ۲۳ شهریورماه گزارش دادند که او در نامه‌ای به حسن نصرالله از حملات موشکی حزب‌الله به اسرائیل تقدیر کرد و گفت، «از اقدامات مبارک شما در جبهه‌های محور مقاومت در راستای حمایت و پشتیبانی در این نبرد که با احساسات راستین و والای شما همراه است، تشکر می‌کنیم.»

برخی منابع می‌گویند او از تونل‌ها گریخته و به سرزمین‌های مجاور و احتمالاً مصر فرار کرده است.

یوسی مِلْمَن روزنامه‌نگار اسرائیلی در اینبار به روزنامه «گاردین» می‌گوید، «ارزیابی شخصی من این است که احتمال این گزینه بسیار کم است. ماندن در غزه و جنگیدن تا مرگ

● در آستانه اولین سالگرد حمله تروریستی «هفت اکتبر» سازمان اطلاعات داخلی اسرائیل (شاباک) واحد اطلاعاتی ویژه‌ای برای شناسایی و ترور یحیی سنوار رهبر گروه تروریستی حماس تشکیل داده است.

● «کانال ۱۲» تلویزیون اسرائیل در گزارشی به تشریح عملیات تعقیب یحیی سنوار پرداخته است. طبق این گزارش این گروه ویژه عملیاتی ۲۴ ساعته در حال رصد اطلاعاتی است که منجر به شناسایی مخفیگاه یحیی سنوار شود.

● میچا کوبی که در گذشته ساعت‌های زیادی از سنوار در زندان‌های اسرائیل بازجویی کرده است، توضیح می‌دهد: «سنوار مانند یک قاتل حرفه‌ای رفتار می‌کند، او می‌خواهد خودش را نجات دهد و همه را فریب می‌دهد... ولی بالاخره پیدا می‌شود؛ باید صبور بود؛ بن‌لادن ۱۰ سال طول کشید تا شکار شود.»

در آستانه اولین سالگرد حمله تروریستی «هفت اکتبر» سازمان اطلاعات داخلی اسرائیل (شاباک) واحد اطلاعاتی ویژه‌ای برای شناسایی و ترور یحیی سنوار رهبر گروه تروریستی حماس تشکیل داده است.

● «کانال ۱۲» تلویزیون اسرائیل در گزارشی به تشریح عملیات تعقیب یحیی سنوار پرداخته است. طبق این گزارش این گروه ویژه عملیاتی ۲۴ ساعته در حال رصد اطلاعاتی است که منجر به شناسایی مخفیگاه یحیی سنوار شود.

در این گزارش آمده سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل منابع هنگفتی را برای تعقیب سنوار اختصاص داده‌اند اما او فعلاً «هربار توانسته چند ساعت قبل از دسترسی به وی فرار کند.»

سنوار مدت‌هاست از تلفن همراه و وسایل ارتباطی الکترونیکی استفاده نمی‌کند و بجای آن از شبکه متعدد خبرسازانها برای مدیریت عملیات‌های نظامی حماس استفاده می‌کند. هنوز مشخص نیست سنوار در تونل‌ها

نگاهی به سفر ناکام مسعود پزشکیان به عراق

ریال ایرانی یا دینار عراقی استفاده شود. پیشنهادی که مورد قبول مقامات اقتصادی و سیاسی عراق واقع نشد. پیشنهاد دیگری که عراقی‌ها نپذیرفتند واردات کالا از ایران و صدور آنها به کشورهای سوم به عنوان محصولات عراق بود، تا به این ترتیب جمهوری اسلامی بتواند تحریم‌ها را دور بزند. عراق حاضر نیست روابط سیاسی و اقتصادی خود با ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی را قربانی روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی کند.

رشید عرفان خبرنگار سیاسی در بغداد به کیهان لندن می‌گوید «جمهوری اسلامی انتظار دارد که دولت شیعه عراق منافع ملی خود را زیر پای جمهوری اسلامی مانند گوسفند قربانی کند. کشور ما در شرایطی نیست که بتواند ریسک زیر پا گذاشتن تحریم‌ها و عواقب آن را بپذیرد و بنابراین با وجود وابستگی سیاسی و عقیدتی به حکومت تهران تلاش دارد حداقل روابط با آمریکا و غرب را حفظ کند.» این روزنامه‌نگار عراقی می‌افزاید «مسعود پزشکیان و هیات همراه او تلاش کردند چندین توافقنامه را با دولت عراق امضا کنند، ولی در این زمینه نیز پاسخ منفی گرفتند. در جریان این سفر تنها ۱۴ یادداشت تفاهم امضاء شد که فاصله‌ای نجومی با توافقنامه‌های اجرائی دارند.»

سفر مسعود پزشکیان به اقلیم کردستان عراق بدون شک

یکی دیگر از اختلافات کنونی دو دولت در رابطه با مرز آبی این کشور است. دولت عراق جمهوری اسلامی را متهم می‌کند که مرزهای بین‌المللی شط‌العرب را، که در ایران ابرودرد خوانده می‌شود، رعایت نکرده است. ماه‌هاست که این پرونده باز است و هنوز راه حلی برای این اختلاف پیدا نشده است. در جریان سفر اخیر مسعود پزشکیان نیز این پرونده روی میز قرار داشت، ولی هر دو کشور بر مواضع خود پافشاری کردند و حتی در مورد لایروبی این رودخانه نیز توافقی به دست نیامد. عراق اخیراً در رابطه با برخی نشانه‌گذاری‌های جمهوری اسلامی در مرزهای خاکی نیز به شورای امنیت شکایت کرده است.

در رابطه با خیالپردازی مسعود پزشکیان در ارتبا با برداشتن مرزها بین کشورهای اسلامی و ایجاد منطقه‌ای روی مدل «شنگن» در اروپا، مقامات عراقی نیز مانند دیگر کشورهای اسلامی، آن را نادیده گرفتند. مهم‌ترین هدف این سفر یافتن راه حلی برای مسائل مالی بین دو کشور بود که هیچ‌گونه توافقی در این رابطه نیز به دست نیامد. عراق واردکننده برق و گاز از ایران است ولی نمی‌تواند به دلیل تحریم‌هایی که آمریکا وضع کرده است بهای آن را بطور نقد پرداخت کند. عراق حتی برای خرید گاز و برق از جمهوری اسلامی نیز باید مجوز معافیت دریافت کند و هر شکل پرداخت

● در نجف آیت‌الله علی سیستانی و دیگر مراجع شیعه حاضر نشدند با مسعود پزشکیان ملاقات کنند. منابع روحانی در نجف می‌گویند مراجع نمی‌خواهند نام آنها در کنار جمهوری اسلامی قرار گیرد.

● اختلافات مرزی و حملات موشکی و پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اقلیم کردستان عراق از جمله پرونده‌هایی هستند که در سفر مسعود پزشکیان روی میز قرار گرفتند.

● مقامات عراقی مانند دیگر کشورهای اسلامی، خیالپردازی مسعود پزشکیان درباره برداشتن مرزها بین کشورهای اسلامی و ایجاد منطقه‌ای با مدل اروپائی «شنگن» را نادیده گرفتند.

● مهم‌ترین هدف سفر مسعود پزشکیان یافتن راه حلی برای مسائل مالی بین دو کشور بود که هیچ‌گونه توافقی در این رابطه به دست نیامد.

● تنها بخش موفق سفر مسعود پزشکیان برای جمهوری اسلامی، دیدار از اقلیم کردستان عراق و گفتگو با رهبران احزاب کرد عراقی و رئیس دولت اقلیم بود.

احمد رأفت - مسعود پزشکیان که به زودی برای شرکت و سخنرانی در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد راهی نیویورک خواهد شد، در اولین سفر خارجی خود، به عراق رفت ولی با دستان خالی به تهران بازگشت. دولت شیعه عراق به هیچ‌کدام از درخواست‌های جمهوری اسلامی پاسخ مثبت نداد. در نجف نیز آیت‌الله علی سیستانی و دیگر مراجع شیعه حاضر نشدند با مسعود پزشکیان ملاقات کنند. شاید بتوان سفر مسعود پزشکیان به اقلیم کردستان عراق و ملاقات او با نجیروان بارزانی و دیگر رهبران کرد را تنها نکته مثبت سفر وی برای جمهوری اسلامی ارزیابی کرد.

یکی از روحانیون ایرانی که در نجف زندگی می‌کند و با دفتر آیت‌الله علی سیستانی همکاری دارد به کیهان لندن می‌گوید «عدم ملاقات مراجع نجف با مسعود پزشکیان ربطی به شخص رئیس جمهور ندارد. هر فردی به نمایندگی رسمی از جمهوری اسلامی هم به نجف سفر کند نخواهد توانست در شرایط کنونی با مراجع و به ویژه آیت‌الله العظمی سیستانی دیدار داشته باشد.» این روحانی در ادامه می‌افزاید «مراجع شیعه و به ویژه آیت‌الله العظمی سیستانی نمی‌خواهند که نام آنها در کنار جمهوری اسلامی قرار گیرد و معتقدند که این نزدیکی می‌تواند باعث فاصله گرفتن شیعیان از مراجع شود، زیرا عملکرد حکومت ایران در سال‌های اخیر از هیچ نظر قابل دفاع نیست و این مراجع حتی برخی سیاست‌های جمهوری اسلامی را در تضاد با روح و آموزش‌های اسلامی می‌دانند.»

روابط جمهوری اسلامی با روی کار آمدن دولت کنونی عراق به ریاست محمد الشیاع سودانی در مقایسه با دولت‌های قبلی سردتر است. در حال حاضر در رابطه با چندین پرونده بین دو دولت اختلافاتی وجود دارد که عراق برای رفع برخی از آنها به مراجع بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و شورای امنیت رجوع کرده است. دولت عراق در پیامد حملات موشکی و پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به ویژه حملاتی که پس از آغاز خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» صورت گرفت رسماً اقدام به اعتراض کرده و به شورای امنیت سازمان ملل متحد به علت «نقض تمامیت ارضی» خود شکایت کرده است.



بی‌سابقه بوده، او اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران است که به اقلیم کردستان سفر کرده است. محافل نزدیک به دولت اقلیم کردستان این سفر را بسیار پراهمیت ارزیابی می‌کنند ولی حاضر نیستند در رابطه با توافقات احتمالی صحبت کنند. حدس زده می‌شود که مسعود پزشکیان در دیدار با رئیس دولت اقلیم کردستان عراق و رهبران دو حزب اصلی این منطقه (حزب دموکرات و جبهه میهنی) از آنها خواسته است که محدودیت حضور و فعالیت احزاب کرد ایرانی را افزایش دهند. محدودیت‌هایی که در ماه‌های گذشته احزاب کرد ایرانی را مجبور کردند پایگاه‌های قبلی خود را تخلیه کرده و بخشی از سلاح‌های خود را تحویل دهند. اقلیم کردستان برای ادامه صدور غیر قانونی نفت خود با همکاری جمهوری اسلامی و ترکیه مجبور شده است چنین امتیازاتی به این دو دولت بدهد.

نیز محتاج مجوز دیگری است. در گذشته مجوزی که عراق برای پرداخت بدهی‌های خود به ایران دریافت کرده بود محدودیت‌هایی داشت که با وجود درخواست مسعود پزشکیان بجا خواهند ماند. عراق می‌تواند برای پرداخت بدهی خود جهت واردات گاز و برق، کالاهای محدودی را خریداری و به ایران تحویل دهد. این مجوز تنها برای خرید دارو، تجهیزات پزشکی، مواد غذایی و کشاورزی صادر شده است. در حال حاضر بدهی عراق به جمهوری اسلامی بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار است که در حساب‌هایی در بانک‌های عراقی نگهداری می‌شوند.

عبدالنصر همتی، وزیر اقتصاد دولت چهاردهم که مسعود پزشکیان را در این سفر همراهی می‌کرد، در دیدار با همتای عراقی خود پیشنهاد داده بود که داد و ستد بین دو کشور دیگر بر مبنای دلار صورت نگیرد و از

خراج شش دیپلمات بریتانیا از روسیه در جریان بحران موشکها



دیدار بایدن و استارمر در واشنگتن / ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۴ / رویترز

بطور اساسی ماهیت درگیری را دگرگون خواهد ساخت. وی افزود که در این صورت، پاسخ روسیه نیز متناسب با این تهدیدهای جدید تلقی و اجرا خواهد شد.

دولت آمریکا هنوز تصمیمی درباره اجازه استفاده اوکراین از موشکهای دوربرد که توسط آمریکا و بریتانیا در اختیار این کشور قرار گرفته، نگرفته است.

ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین روز پنجشنبه دوازدهم سپتامبر، با انتقاد از تأخیر قدرت‌های غربی در این زمینه، تأکید کرد که این تعلل موجب شده روسیه حملات خود را به اهدافی در عمق خاک اوکراین افزایش دهد که هزینه‌های جبران‌ناپذیری به این کشور تحمیل و موقعیت دفاعی آن را تضعیف کند.

او روز جمعه این هفته نیز طی کنفرانسی در کی‌یف گفت: «غرب حتی از مطرح کردن موضوع سرنگونی موشکها و پهپادهای روسی در خاک اوکراین، با اینکه به اسرائیل در چنین کاری کمک می‌کند، بسیار بیمناک است.» او همچنین با طرح این پرسش که «اگر متحدان بطور مشترک موشکها و پهپادها را در مناطقی در خاورمیانه سرنگون می‌کنند، چرا تصمیم مشابهی برای سرنگونی مشترک موشکهای روسیه و پهپادهای شاهد ایرانی در آسمان اوکراین وجود ندارد؟»

وی افزوده بود: «آنها حتی می‌ترسند بگویند که ما روی آن کار می‌کنیم.»

تهدید ولادیمیر پوتین علیه کشورهای غربی در شرایطی مطرح شده است که حکومت تهران موشکهای بالستیک خود را به روسیه ارسال کرده و این اقدام با واکنش‌های تند و نگرانی عمیق قدرت‌های غربی و اروپایی روبرو شده است. به گفته منابع واشنگتن، جمهوری اسلامی به تازگی ۲۰۰ موشک بالستیک از نوع «فتح ۳۶۰» به روسیه تحویل داده و دهها نظامی روس برای استفاده از این موشکها در ایران آموزش دیده‌اند.

دولت آمریکا احتمال می‌دهد که پوتین در هفته‌های آینده از این موشکهای ایرانی علیه زیرساخت‌های اوکراین و اهداف غیرنظامی استفاده کند.

داده بود که در صورت استفاده اوکراین از موشکهای دوربرد غربی برای حمله به خاک روسیه، کشورهای عضو ناتو عملاً وارد جنگ با روسیه شده‌اند. این هشدار در شرایطی مطرح شده که تنش‌ها میان مسکو و غرب بر سر حمایت نظامی از اوکراین به اوج خود رسیده است.

رویترز به نقل از سه منبع غربی گزارش داده که از دیدگاه واشنگتن، ارسال موشکهای ایرانی به روسیه تنش‌ها و جنگ میان روسیه و اوکراین را تشدید و به مذاکرات پیرامون استفاده اوکراین از موشکهای دوربرد غربی علیه روسیه سرعت بخشیده است. به گزارش نیویورک تایمز، آمریکا آمادگی خود را برای موافقت با استفاده اوکراین از موشکهای بالستیک علیه روسیه اعلام کرده، به شرطی که این موشکها توسط ایالات متحده تأمین نشده باشند.

سرویس‌های امنیتی روسیه، روز جمعه سیزدهم سپتامبر، اعلام کردند که بخش اروپای شرقی و آسیای میانه در وزارت امور خارجه بریتانیا بطور فعال مأموریت دارد تا تنش‌های سیاسی و نظامی را علیه روسیه تشدید کرده و شکست راهبردی این کشور را رقم بزند. بر همین اساس، مسکو ادعا کرده که فعالیت‌های شش دیپلمات اخراج شده بریتانیایی، تهدیدی جدی برای امنیت ملی روسیه به شمار می‌رفت.

از سوی دیگر، اوکراین از کشورهای غربی خواسته است که برای فشار به روسیه جهت پذیرش آتش بس و مقابله با حملات موشکی این کشور، اجازه دهند تا با استفاده از موشکهای دوربرد که غرب در اختیارش قرار داده، پایگاه‌های نظامی و هوایی روسیه را در عمق خاک این کشور هدف قرار دهد. این درخواست به منظور تقویت توان دفاعی اوکراین و ایجاد فشار بر مسکو برای پایان دادن به درگیری‌ها، مطرح شده است. در واکنش به این درخواست بود که ولادیمیر پوتین به صراحت هشدار داد که اگر قدرت‌های غربی به اوکراین اجازه دهند با استفاده از موشکهای دوربرد به روسیه حمله کنند، این اقدام به معنای دخالت مستقیم ناتو در جنگ اوکراین و به منزله اعلان جنگ کشورهای عضو این پیمان علیه روسیه خواهد بود. پوتین تأکید کرد که چنین تغییری در معادلات جنگ،

دیدار و گفتگوی رهبران ایالات متحده و بریتانیا در کاخ سفید با ابراز نگرانی آنها از ارسال تسلیحات مریگبار حکومت تهران به روسیه همراه بود.

● جمهوری اسلامی ۲۰۰ موشک بالستیک از نوع «فتح ۳۶۰» به روسیه تحویل داده و دهها نظامی روس برای استفاده از این موشکها در ایران آموزش دیده‌اند.

سرویس‌های اطلاعاتی روسیه شش دیپلمات انگلیسی را به اتهام جاسوسی در آن کشور اخراج کردند. این اقدام ساعاتی پیش از دیدار نخست وزیر بریتانیا، کی‌یر استارمر با جو بایدن رئیس جمهور آمریکا، در واشنگتن صورت گرفته است. گفته می‌شود این ملاقات نقش مهمی در کسب حمایت آمریکا از به کار گرفتن موشکهای دوربرد اوکراین علیه روسیه خواهد داشت.

با این حال، بریتانیا اتهامات مطرح شده علیه دیپلمات‌های خود را بی‌اساس خوانده و این اقدام مسکو را پاسخی تلافی‌جویانه به اخراج وابسته دفاعی روسیه از لندن دانسته است. بریتانیا در ماه مه گذشته جواز دیپلماتیک برخی املاک روسیه در لندن را نیز باطل کرده بود.

در دیداری که روز جمعه سیزدهم سپتامبر در کاخ سفید برگزار شد، جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده و کی‌یر استارمر، نخست وزیر بریتانیا نگرانی خود را از ارسال تسلیحات مریگبار جمهوری اسلامی ایران به روسیه بیان کردند. بر اساس بیانیه‌ای که از سوی کاخ سفید منتشر شده، دو رهبر در مورد موضوعات مختلف گفتگو کردند و بر حمایت ثابت خود از اوکراین در برابر تهاجم مسکو تأکید کردند.

همچنین در این دیدار رهبران دو کشور از ارسال تسلیحات مریگبار ایران و کره شمالی به روسیه، و همچنین کمک‌های چین به بنیان صنعت دفاعی مسکو، ابراز نگرانی نمودند. در آغاز این نشست جو بایدن، اعلام کرد که کشورش «به تصمیم جدی برای حمایت از اوکراین در برابر حملات تجاوزکارانه روسیه» ایستاده است و افزود: «پوتین نمی‌تواند در این جنگ پیروز شود.»

کی‌یر استارمر هم با تأکید بر پشتیبانی بی‌وقفه کشورش از اوکراین در مقابل تهاجم روسیه، هفته‌های آینده را برای این جنگ «بسیار حیاتی و مهم» دانست. این بیانات نشان می‌دهد که آمریکا و بریتانیا بجز حمایت تسلیحاتی و پشتیبانی سیاسی، روحیه مقاومت نیز را در مردم اوکراین تقویت می‌کنند.

بر اساس گزارش‌ها، مقامات آمریکا و سه کشور اروپایی در روزهای گذشته تأیید کرده‌اند که موشکهای بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه ارسال شده‌اند و برنامه‌هایی برای اعمال تحریم‌های تشبیهی علیه تهران در دستور کار قرار دارد. در حالی که مقامات جمهوری اسلامی ایران ارسال موشکهای بالستیک به روسیه را تکذیب می‌کنند، وزارت خارجه اوکراین با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت دومین سالگرد سرنگونی نخستین پهپاد ایرانی در خاک اوکراین، اعلام کرد که در این مدت، روسیه بیش از هشت هزار و ۶۰۰ پهپاد «شاهد» به سمت اوکراین فرستاده است.

به گفته وزارت خارجه اوکراین، همکاری بین روسیه و رژیم ایران منجر به نابودی خانه‌ها و مرگ بسیاری از مردم در این منطقه شده است. این بیانیه نشان می‌دهد که اوکراین به شدت نگران فعالیت‌های نظامی و تأمین اسلحه از سوی حکومت تهران و روسیه در مناطق جنگی است. ولادیمیر پوتین روز پنجشنبه دوازدهم سپتامبر هشدار

دومین سوء قصد به جان دونالد ترامپ طی دو ماه؛ «من هرگز تسلیم نمی شوم»



مأموران در حال پاکسازی محل تیراندازی اطراف مجموعه گلف ترامپ

ایلان ماسک مالک شبکه اجتماعی «ایکس» نوشته بود: «من می‌خواهم از شما یک موشک بخرم. می‌خواهم آن را به کلاهکی مجهز کرده و برای پناهگاه عمارت پوتین در دریای سیاه استفاده کنم تا به زندگی او پایان دهم.» این دومین سوء قصد به جان دونالد ترامپ طی دو ماه گذشته است. در ماه ژوئیه (اواخر تیرماه) در جریان تجمع انتخاباتی ترامپ در شهر باتلر ایالت پنسیلوانیا، فردی ۲۰ ساله به نام توماس ماتئو کروکس با سلاح نیمه‌خودکار چند گلوله به سمت ترامپ شلیک کرد که یکی از آنها گوش وی را خراش داد و سه گلوله دیگر به حاضران اصابت کرد. در جریان این واقعه، دو نفر از جمله فرد تیرانداز کشته و دو نفر دیگر مجروح شدند.

منابع اطلاعاتی آمریکا ۱۶ ژوئیه (۲۶ تیرماه) گزارش دادند که مقامات ایالات متحده در هفته‌های اخیر به اطلاعاتی دست یافته بودند که حاکی از توطئه جمهوری اسلامی برای ترور دونالد ترامپ بوده است. ولی مقامات جمهوری اسلامی هرگونه دخالت در سوء قصد علیه ترامپ را رد کردند.

دی‌ماه ۱۴۰۰ در دومین سالگرد ترور قاسم سلیمانی، نهادهای تبلیغاتی حکومتی در ایران برای ترور ترامپ در باشگاه گلف یک انیمیشن ساخته و یک پوستر نیز طراحی کرده بودند.

این انیمیشن با عنوان «انتقام حتمی است» در پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR متعلق به دفتر رهبر جمهوری اسلامی بازنشر شد.

جان کربی سخنگوی پنتاگون در گفتگو با «فاکس نیوز» درباره واکنش به این موضوع گفته بود، «پنتاگون از ویدئوی انیمیشن منتشر شده در وبسایت مقامات رسمی ایران که ترور دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا را به تصویر می‌کشد، آگاه است.»

وی تأکید کرده بود، «وزارت دفاع بر تهدید [رژیم] ایران متمرکز خواهد ماند و مطمئن خواهد شد که توانایی محافظت از نیروهای آمریکایی در خاورمیانه را در جریان حملات مداوم شبه‌نظامیان در عراق و سوریه دارد.»

است و آسیبی ندیده، نفس راحتی کشیدند و لحظه به لحظه آخرین تحولات را در این رابطه دریافت می‌کنند.» کامالا هریس معاون رئیس‌جمهوری و نامزد حزب دموکرات نیز در توییتری ضمن اعلام اینکه در جریان جزئیات حادثه قرار می‌گیرد نوشته است: «خشونت جایی در آمریکا ندارد.»

همچنین چاک شومر رهبر دموکرات‌ها در سنا نیز گفت:



دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا و نامزد حزب

جمهوریخواه در انتخابات ۲۰۲۴

«خشونت سیاسی در آمریکا هیچ جایی ندارد.» گفته می‌شود رایان وسلی روث فردی که به اتهام توطئه علیه ترامپ دستگیر شده در سال ۲۰۲۲ چندین ماه را در کی‌یف پایتخت اوکراین گذرانده و به نیویورک تایمز درباره تلاش‌های خود برای استخدام سربازان سابق افغان جهت شرکت جنگ در اوکراین گفته است. او همچنین با نشریه نیوزویک در مورد تلاش‌هایش جهت استخدام داوطلبان برای «لژیون» بین‌المللی اوکراین صحبت کرده بود. به گزارش «نیویورک پست»، وسلی نورث در پیامی به

● دو ماه پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا یک فرد مسلح پس از درگیری مسلحانه در اطراف باشگاه گلف دونالد ترامپ نامزد حزب جمهوریخواه بازداشت شد.

● روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۵ شهریور) در اطراف باشگاه گلف ترامپ در پالم‌بیچ غربی در ایالت فلوریدا تیراندازی شد. به گفته مقامات پلیس یک فرد مسلح در بوته‌های اطراف باشگاه گلف مخفی شده بود، که مأموران سرویس مخفی وی را شناسایی کردند. فرد مسلح پس از تیراندازی تلاش کرد از صحنه فرار کند اما مدتی بعد در جاده‌ای نزدیک شهر مجاور بازداشت شد.

● کلاتر منطقه «پالم‌بیچ» به خبرنگاران گفت مأموران سرویس مخفی هنگام بررسی‌های خود در اطراف زمین گلف، یک قبضه اسلحه کلاشنیکف (AK-47) مجهز به دوربین را در بوته‌ها و در فاصله ۳۵۰ تا ۴۵۰ متری محل حضور دونالد ترامپ دیدند.

● در واکنش به این رویداد، کاخ سفید اعلام کرد «رئیس‌جمهوری و معاونش وقتی دریافتند که آقای ترامپ سالم است و آسیبی ندیده، نفس راحتی کشیدند و لحظه به لحظه آخرین تحولات را در این رابطه دریافت می‌کنند.»

● دی‌ماه ۱۴۰۰ در دومین سالگرد ترور قاسم سلیمانی، نهادهای تبلیغاتی حکومتی در ایران برای ترور ترامپ در باشگاه گلف یک انیمیشن ساخته و پوستر طراحی کرده بودند. این انیمیشن با عنوان «انتقام حتمی است» در پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR متعلق به دفتر رهبر جمهوری اسلامی بازنشر شد.

دو ماه پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا یک فرد مسلح پس از درگیری مسلحانه در اطراف باشگاه گلف دونالد ترامپ نامزد حزب جمهوریخواه بازداشت شد.

روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۵ شهریور) در اطراف باشگاه گلف ترامپ در پالم‌بیچ غربی در ایالت فلوریدا تیراندازی شد. به گفته مقامات پلیس یک فرد مسلح در بوته‌های اطراف باشگاه گلف مخفی شده بود که مأموران سرویس مخفی وی را شناسایی کردند. فرد مسلح پس از تیراندازی تلاش کرد از صحنه فرار کند اما مدتی بعد در جاده‌ای نزدیک شهر مجاور بازداشت شد.

ترامپ در پیامی که توسط ستاد انتخاباتی او منتشر شد اعلام کرد که حالش خوب است و گفت: «هرگز تسلیم نمی‌شوم و هیچ چیز نمی‌تواند مرا متوقف کند.»

ریک برادشاو کلاتر منطقه «پالم‌بیچ» به خبرنگاران گفت مأموران سرویس مخفی هنگام بررسی‌های خود در اطراف زمین گلف، یک قبضه اسلحه کلاشنیکف (AK-47) مجهز به دوربین را در بوته‌ها و در فاصله ۳۵۰ تا ۴۵۰ متری محل حضور دونالد ترامپ دیدند.

مأموران سرویس مخفی با فرد مسلح درگیر شدند و پس از شلیک چهار گلوله، آن فرد با رها کردن اسلحه، دو کوله‌پشتی و سایر وسایل خود با ماشین اقدام به فرار کرد.

فرد بازداشت شده ۵۸ ساله و صاحب یک شرکت ساختمانی از ایالات کارولینای شمالی است. منابعی به شبکه «سی‌ان‌ان» اعلام کرده‌اند که «مقامات آمریکایی معتقدند دونالد ترامپ هدف اصلی تیراندازی بوده است.»

در واکنش به این رویداد، کاخ سفید اعلام کرد «رئیس‌جمهوری و معاونش وقتی دریافتند که آقای ترامپ سالم

اعضای «گروه هفت» ارسال موشک از ایران به روسیه را محکوم کردند؛ «با تدابیر جدید پاسخ خواهیم داد»

جمهوری اسلامی با وجود درخواست‌های مکرر بین‌المللی برای توقف، نشان‌دهنده تشدید بیشتر حمایت نظامی ایران از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین است. وزرای خارجه گروه هفت همچنین گفته‌اند، روسیه از تسلیحات ایرانی مانند پهپادها برای کشتن غیرنظامیان اوکراینی و ضربه زدن به زیرساخت‌های حیاتی آنها استفاده کرده و تجاوز روسیه نقض آشکار قوانین بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل است. آنها از جمهوری اسلامی درخواست کردند که «باید فوراً تمام حمایت‌های غیرقانونی و غیرقابل توجیه خود از روسیه از متوقف کند.»

وزرای خارجه آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و کانادا به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این بیانیه مشترک همچنین بر ادامه تعهد خود مبنی بر «پاسخگو کردن ایران» به دلیل پشتیبانی غیرقابل قبول از روسیه در جنگ با اوکراین تأکید کرده و گفته‌اند در راستای

منابع اطلاعاتی آمریکا: روسیه از ایران موشک می‌گیرد و در ازای آن «اطلاعات محرمانه اتی» می‌دهد



تأسیسات اتمی نطنز



رومیزی از موشک‌های ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● پایگاه خبری بلومبرگ روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریور) گزارش داد، همکاری محرمانه روسیه و جمهوری اسلامی در زمینه اطلاعات و فناوری اتمی در ازای انتقال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه، باعث نگرانی شدید آمریکا و بریتانیا شده است.

● به گفته سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید، دولت بایدن عمیقاً نگران فعالیت‌های هسته‌ای [رژیم] ایران است. بایدن به صراحت اعلام کرده که ایالات متحده آماده است تا از تمام عناصر قدرت ملی برای جلوگیری از هرگونه تشدید تنش هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران استفاده کند. وزارت خارجه روسیه و نماینده رژیم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به درخواست بلومبرگ برای اظهار نظر پاسخ ندادند.

توسعه فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی همزمان با توسعه موشکی و ارسال تسلیحات از ایران به روسیه، دولت‌های غربی را به شدت نگران کرده است.

پایگاه خبری بلومبرگ روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریور) گزارش داد، همکاری محرمانه روسیه و جمهوری اسلامی در زمینه اطلاعات و فناوری اتمی در ازای انتقال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه، باعث نگرانی شدید آمریکا و بریتانیا شده است.

در این گزارش آمده، روسیه «دانش اتمی» خود را با جمهوری اسلامی ایران به اشتراک می‌گذارد که این

بیانیه‌های پیشین در همین رابطه، آنها با تدابیر جدید و قابل توجهی به این اقدام جمهوری اسلامی پاسخ داده خواهد شد.

کشورهای گروه هفت پیش از این نیز بارها با محکوم کردن ارسال تسلیحات از ایران به روسیه تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کردند اما در عمل پشتیبانی حکومت تهران از روس‌ها در جنگ علیه اوکراین متوقف نشد. مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله عباس عراقچی وزیر خارجه نظام ارسال موشک برای روسیه را انکار می‌کنند اما احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی تأیید کرد که جمهوری اسلامی به روسیه موشک و پهپاد ارائه می‌دهد و بجای آن مواد خوراکی از جمله سویا و ذرت می‌گیرد!

همچنین ابوالفضل ظهروند عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز گفته «اگر به من باشد، در جنگ اوکراین به روسیه سلاح می‌دهم، چون پیروزی روسیه را پیروزی خودمان می‌دانم.»

او افزود: «ما و روسیه در جایی که لازم باشد، همه با هم می‌جنگیم و اگر لازم شد، همه با هم صلح می‌کنیم.» وزارت خزانه‌داری آمریکا روز سه‌شنبه ۲۰ شهریور در یک ارزیابی اعلام کرد که وزارت دفاع روسیه «از کشتی پورت اولیوا-۳ برای انتقال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از ایران به روسیه استفاده کرده است.»

● وزرای خارجه هفت قدرت صنعتی موسوم به «گروه هفت» (G7) و همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) در بیانیه‌ای مشترک ارسال موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه را به «شدیدترین وجه ممکن» محکوم کردند.

● در بیانیه G7 آمده روسیه از تسلیحات ایرانی مانند پهپادها برای کشتن غیرنظامیان اوکراینی و ضربه زدن به زیرساخت‌های حیاتی آنها استفاده کرده و تجاوز روسیه نقض آشکار قوانین بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل است. ● در این بیانیه مشترک تأکید شده برای «پاسخگو کردن ایران» به دلیل پشتیبانی غیرقابل قبول از روسیه در جنگ با اوکراین با تدابیر جدید و قابل توجهی به این اقدام پاسخ داده خواهد شد.

● ابوالفضل ظهروند عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید، «اگر به من باشد، در جنگ اوکراین به روسیه سلاح می‌دهم، چون پیروزی روسیه را پیروزی خودمان می‌دانم.»

وزرای خارجه هفت قدرت صنعتی موسوم به «گروه هفت» (G7) و همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) در بیانیه‌ای مشترک ارسال موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه را به «شدیدترین وجه ممکن» محکوم کردند. در این بیانیه آمده، ادامه ارسال تسلیحات به روسیه توسط

هیچگونه تلفات جانی گزارش نشد. این حمله ساعتی پیش از سفر مسعود پزشکیان به بغداد اتفاق افتاد. در بیانیه سفارت آمریکا در بغداد آمده، «این حمله توسط گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به [حکومت] ایران که آزادانه در عراق فعالیت می‌کنند، انجام شده است.»

آمریکا از عراق خواست تا از پرسنل و همچنین مراکز و تأسیسات مرتبط به این کشور محافظت کند. در این بیانیه مشخصاً به نام هیچ گروهی اشاره نشده است.

طبق گزارش منابع آمریکایی ساختمانی که توسط گروه‌های نیابتی هدف قرار گرفت در فرودگاه بغداد قرار دارد و مأموریت آن پشتیبانی و ارائه خدمات پزشکی است. این مرکز وابسته به سفارت آمریکا در بغداد فعال است.

جعفر الحسینی سخنگوی گروه «کتاب حزب‌الله عراق» هرگونه ارتباط با این حمله را رد و آن را «محکوم» کرده است. یک هفته پیش از این گزارش شد که آمریکا و عراق در مورد طرح خروج نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا از این کشور به

سفارت آمریکا انفجار در فرودگاه بغداد را کار گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی دانست



یک مرکز دیپلماتیک آمریکا در عراق

توافق رسیدند. خبرگزاری رویترز به نقل از منابع متعدد آگاه به این موضوع نوشته بود که این طرح بطور کلی مورد توافق



نخستین سفر خارجی
پزشکیان به عراق با توهّم «برداشت
مرزهای کشورهای اسلامی» و ضرورت
«خشکاندن ریشه صهیونیست»!

قرار گرفته اما نیاز به تأیید نهایی از سوی پایتخت‌های دو کشور و تاریخی برای اعلام خروج این نیروها دارد. گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی و همچنین مقامات رژیم به شدت خواهان خروج نظامیان آمریکا از منطقه هستند.

● سفارت آمریکا در عراق جمعه ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) اعلام کرد گروه‌های شبه‌نظامی مرتبط با حکومت ایران «مسئول حمله» به یک ساختمان دیپلماتیک آمریکا در فرودگاه بغداد هستند. در این بیانیه تأکید شده این سفارت «حق دفاع از خود» را حفظ کرده است.

● شامگاه سه‌شنبه ۲۰ شهریور (۱۰ سپتامبر) یک مرکز دیپلمات ایالات متحده در بغداد هدف حمله راکتی قرار گرفت، اما هیچگونه تلفات جانی گزارش نشد. این حمله ساعتی پیش از سفر مسعود پزشکیان به بغداد اتفاق افتاد.

● طبق گزارش منابع آمریکایی، ساختمانی که توسط گروه‌های نیابتی هدف قرار گرفت در فرودگاه بغداد قرار دارد که مأموریت آن پشتیبانی و ارائه خدمات پزشکی است. این مرکز وابسته به سفارت آمریکا در بغداد فعال است.

● جعفر الحسینی سخنگوی گروه «کتاب حزب‌الله عراق» هرگونه ارتباط با این حمله را رد و آن را «محکوم» کرده است.

سفارت آمریکا در عراق جمعه ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) اعلام کرد گروه‌های شبه‌نظامی مرتبط با حکومت ایران «مسئول حمله» به یک ساختمان دیپلماتیک آمریکا در فرودگاه بغداد هستند. در این بیانیه تأکید شده این سفارت «حق دفاع از خود» را حفظ کرده است.

شامگاه سه‌شنبه ۲۰ شهریور (۱۰ سپتامبر) یک مرکز دیپلمات ایالات متحده در بغداد هدف حمله راکتی قرار گرفت، اما

می‌تواند توانایی تهران در ساخت سلاح اتمی را افزایش دهد. مقامات غربی می‌گویند کرملین در ماه‌های اخیر در ازای دریافت موشک، همکاری‌های خود را با ایران بر سر جاه‌طلبی‌های این کشور برای دستیابی به تسلیحات اتمی افزایش داده است.

به گفته سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید، دولت بایدن عمیقاً نگران فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. بایدن به صراحت اعلام کرده که ایالات متحده آماده است تا از تمام عناصر قدرت ملی برای جلوگیری از هرگونه تشدید تنش هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران استفاده کند. وزارت خارجه روسیه و نماینده رژیم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به درخواست بلومبرگ برای اظهار نظر پاسخ ندادند. گفته می‌شود در دیدار اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر بریتانیا در کاخ سفید، هر دو طرف درباره افزایش همکاری‌های نظامی میان ایران و روسیه ابراز نگرانی کرده‌اند.

هرچند که مقامات جمهوری اسلامی با استناد به «فتوای علی خامنه‌ای» مبنی بر حرام بودن ساخت و استفاده از بمب اتمی ادعا می‌کنند که به دنبال سلاح اتمی نیستند اما مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها گفته غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در ایران هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد.

حکومت ایران هم ارسال موشک به روسیه را رد کرده و هم تلاش برای دستیابی به بمب اتمی را انکار می‌کند. این در شرایطی است که کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۹ اردیبهشت‌ماه در مصاحبه با شبکه «الجزیره» تهدید کرده بود، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم». این اظهار نظر نشان می‌دهد مقامات جمهوری اسلامی دست یافتن به بمب اتمی را راهی برای «تضمین بقای نظام» می‌دانند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ در جمع مدیران و کارکنان برنامه اتمی جمهوری اسلامی با طرح این پرسش که «چرا غربی‌ها به فعالیت‌های اتمی ایران گیر داده‌اند؟» گفت «ما روی مبنای اسلامی مان نمی‌خواهیم طرف سلاح [هسته‌ای] برویم و الا اگر این نبود، جلوی طرف را نمی‌توانستند بگیرند! همچنانکه جلوی پیشرفت‌های هسته‌ای ما را تا الان نتوانستند بگیرند!»

وزرای خارجه هفت قدرت صنعتی موسوم به «گروه هفت» (G7) و همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) در بیانیه‌ای مشترک ارسال موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه را به «شدیدترین وجه ممکن» محکوم کردند.

وزرای خارجه گروه هفت همچنین گفته‌اند، روسیه از تسلیحات ایرانی مانند پهپادها برای کشتن غیرنظامیان اوکراینی و ضربه زدن به زیرساخت‌های حیاتی آنها استفاده کرده و تجاوز روسیه نقض آشکار قوانین بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل است.

وزیران خارجه گروه هفت تأکید کردند که انتقال موشک، پهپاد و سایر فناوری‌های نظامی جمهوری اسلامی به روسیه یک «تهدید مستقیم» برای مردم اوکراین است و «امنیت اروپا و جامعه بین‌الملل را نیز به مخاطره می‌اندازد.»

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا، پیش از این در سفر به لندن در دیدار با دیوید لمی وزیر خارجه بریتانیا گفته بود همکاری تهران و مسکو یک «خیابان دو طرفه» است و جمهوری اسلامی در قبال تحویل موشک‌های بالستیک «فاتح ۳۶۰» به روسیه، فناوری هسته‌ای از روسیه دریافت می‌کند. بلینکن گفت [رژیم] ایران به دنبال دریافت این نوع فناوری‌های اتمی است.

سخنگوی وزارت خارجه دولت بایدن: تا کنون بیش از ۵۰۰ نهاد و مقام جمهوری اسلامی را تحریم کردیم



متیو میلر

● **متیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ۲۶ شهریورماه در کنفرانس خبری درباره «تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی» و «اجرای قانون مهسا» به خبرنگاران گفت که دولت بایدن تا کنون بیش از ۵۰۰ نهاد و مقام جمهوری اسلامی را تحریم کرده که بخشی از این تحریم‌ها «به دلیل نقض حقوق بشر» بوده است.**

● **بخشی از صحبت‌های میلر درباره وضعیت کمک‌های آمریکا به اوکراین و همچنین انتقال موشک و تسلیحات از ایران به روسیه بود. وی در پاسخ یکی از خبرنگاران گفت: «ما قبل از تهاجم ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین کمک‌های امنیتی می‌کردیم و [تا کنون] ده‌ها میلیارد دلار کمک کردیم که ادامه دارد.»**

● **او اشاره کرد که بخشی از این کمک‌ها شامل تقویت سیستم پدافندی اوکراین برای مقابله با موشک‌های بالستیک یا پهپادهای ارسالی جمهوری اسلامی است.**

متیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ۲۶ شهریورماه در کنفرانس خبری درباره «تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی» و «اجرای قانون مهسا» به خبرنگاران گفت که دولت بایدن تا کنون بیش از ۵۰۰ نهاد و مقام جمهوری اسلامی را تحریم کرده که بخشی از این تحریم‌ها «به دلیل نقض حقوق بشر» بوده است.

میلر با دفاع از عملکرد دولت بایدن در اعمال

بلومبرگ: بریتانیا «امپراتوری نفت» پسر علی شمخانی را هدف قرار می‌دهد

● **وایز» همکاری می‌کنند. افرادی که خواسته‌اند نام‌شان فاش نشود، گفتند که این اقدام دولت بریتانیا که هفته‌ها در حال انجام است، همزمان با تلاش گسترده‌تر واشنگتن و لندن برای هدف نهایی یعنی مقابله با دور زدن تحریم‌ها توسط جمهوری اسلامی است.**

● **خبرگزاری «بلومبرگ» روز جمعه ۳۰ اوت (نهم شهریورماه) گزارش داده بود که «گروه میلاوس» مستقر در دوبی با همکاری مخفیانه‌ی یک تاجر به نام «هکتور» بخشی از نفت ایران را به صورت قاچاق به فروش**



حسین شمشانی پسر علی شمشانی

می‌رساند.

● **در این گزارش آمده بود حسین شمشانی است که با نام مستعار «هکتور» به عنوان یکی از سلاطین فروش نفت ایران شناخته می‌شود.**

● **شرکت «میلاوس» از محل استقرار خود در دوبی، از فروش کالاهایی که مقصد آن ایران، روسیه و سایر نقاط بوده میلیاردها دلار درآمد داشته است.**

● **تحقیقات چند ماهه بلمبرگ، گفتگو با بیش از ۳۰ نفر از افراد آشنا به تجارت و بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که پسر شمشانی در رأس این مافیای نفتی قرار دارد.**

● **شماری از شرکت‌ها و کشتی‌های فعال در این شبکه قبلاً توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا در دولت دونالد ترامپ شناسایی و تحریم شده بودند.**

● **حسین شمشانی قبلاً به بلمبرگ گفته بود که پدرش علی شمشانی «هیچوقت با فعالیت‌های تجاری من کاری نداشته و ندارد.»**

● **پسر علی شمشانی تحت تحریم‌های آمریکا نیست و قوانین امارات نیز مانع از تجارت شرکت‌ها با نفت ایران یا روسیه نمی‌شود. همچنین افرادی که در شبکه او هستند، با خریداران چینی تجارت قابل توجهی انجام می‌دهند. ارز استفاده شده در بسیاری از این معاملات به «یوان» چین است.**

● **به گفته‌ی «افراد مطلع»، دولت بریتانیا در پی مسدود کردن «امپراتوری تجارت نفت قاچاق ایران» تحت اختیار حسین شمشانی پسر علی شمشانی دبیر سابق شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی است.**

● **پایگاه خبری «بلومبرگ» روز ۱۶ سپتامبر (۲۶ شهریورماه) با اعلام این خبر گزارش داد این باند مافیایی شامل شبکه‌ای از شرکت‌هاست که با هدایت حسین شمشانی اقدام به انتقال غیرقانونی نفت خام ایران و روسیه به سراسر جهان می‌کند.**

● **در این گزارش آمده، نهاد ثبت شرکت‌ها در لندن پس از گزارش‌هایی درباره ارتباط شرکتی تحت عنوان «نست وایز تریدینگ» (Nest Wise) با شبکه حسین شمشانی خواستار ارائه اطلاعات از سوی این شرکت شد و اعلام کرد که در صورت انجام ندادن اقدامات لازم ظرف چند ماه، منحل خواهد شد.**

● **این اقدام به دلیل ارائه نشدن اطلاعات کافی از سوی این شرکت به نهادهای نظارتی انجام شده و آنها را به این نتیجه رسانده که مالک اصلی این شرکت حسین شمشانی است.**

● **شرکت «نست وایز» در حوزه فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، سنگ معدن، فلزات و مواد شیمیایی فعالیت می‌کند.**

● **پسر علی شمشانی با نام مستعار «هکتور» تحت تحریم‌های آمریکا نیست و قوانین امارات نیز مانع از تجارت شرکت‌ها با نفت ایران یا روسیه نمی‌شود. همچنین افرادی که در شبکه او هستند، با خریداران چینی تجارت قابل توجهی انجام می‌دهند. ارز استفاده شده در بسیاری از این معاملات به «یوان» چین است.**

● **به گفته‌ی «افراد مطلع»، دولت بریتانیا در پی مسدود کردن فعالیت‌های «امپراتوری تجارت نفت قاچاق ایران» تحت اختیار حسین شمشانی پسر علی شمشانی دبیر سابق شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی است.**

● **پایگاه خبری «بلومبرگ» روز ۱۶ سپتامبر (۲۶ شهریورماه) با اعلام این خبر گزارش داد این باند مافیایی شامل شبکه‌ای از شرکت‌هاست که با هدایت حسین شمشانی اقدام به انتقال غیرقانونی نفت خام ایران و روسیه به سراسر جهان می‌کند.**

● **در این گزارش آمده، نهاد ثبت شرکت‌ها در لندن پس از گزارش‌هایی درباره ارتباط شرکتی تحت عنوان «نست وایز تریدینگ» (Nest Wise) با شبکه حسین شمشانی خواستار ارائه اطلاعات از سوی این شرکت شد و اعلام کرد که در صورت انجام ندادن اقدامات لازم ظرف چند ماه، منحل خواهد شد.**

● **این اقدام به دلیل ارائه نشدن اطلاعات کافی از سوی این شرکت به نهادهای نظارتی انجام شده و آنها را به این نتیجه رسانده که مالک اصلی این شرکت حسین شمشانی است.**

● **شرکت «نست وایز» در حوزه فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، سنگ معدن، فلزات و مواد شیمیایی فعالیت می‌کند. بریتانیا به این نتیجه رسیده که شمشانی مالک نهایی برخی مؤسسات و شرکت‌هایی هست که با شرکت «نست**

وبسایت وزارت بازرگانی و تجارت انگلیس روز دوشنبه ۱۶ سپتامبر (۲۶ شهریورماه) گزارش داد، تحریم‌های جدید «کالاها و فناوری‌هایی» را هدف قرار می‌دهد که لندن نسبت به آنها نگرانی‌های استراتژیک دارد.

به این ترتیب صادرات، تأمین، تحویل و یا در دسترس قرار دادن آنها برای ایران در کنار ارائه کمک‌های فنی، خدمات مالی یا وجوه مربوط به آنها ممنوع است.

وزارت بازرگانی و تجارت انگلیس همچنین اعلام کرد، این اقدامات تولید و عرضه پهباد و موشک‌های ایران را مختل و فشار بر صنایع نظامی ایران را بیشتر می‌کند.

این وزارتخانه همچنین اعلام کرد که تحریم‌های جدید، «با اقدامات مشابهی که توسط شرکای بین‌المللی بریتانیا انجام شده است، همخوانی دارد.»

نحوه تحریم «ایران ایر»

وزارت خارجه بریتانیا نیز در توضیح نحوه اجرای تحریم شرکت «ایران ایر» توضیح داد که به مدیران این شرکت اخطار «۱۲ ماهه» داده شده و بعد از آن تمامی توافقاتی که هوایی بین دو کشور لغو خواهد شد.

در بخش دیگری از توضیحات آمده، «حق استفاده از حریم هوایی بریتانیا برای پرواز به مقصد کشورهای ثالث تحت پوشش توافقنامه بین‌المللی خدمات هوایی قرار دارد که بریتانیا و ایران هر دو عضو این توافقنامه هستند.»

وزارت خارجه بریتانیا همچنین به اظهارات پیشین دیوید لمی وزیر خارجه انگلیس اشاره کرده و گفته بریتانیا به صراحت اعلام کرده است که ایران باید حمایت خود را از «حملات بی رحمانه و از پیش برنامه ریزی شده و غیرموجه پوتین علیه یک کشور مستقل و دموکراتیک متوقف کند.»

بریتانیا تأکید کرده که به همراه متحدان خود بطور مکرر به ایران هشدار داده که هرگونه انتقال موشک‌های بالستیک به روسیه برای استفاده در جنگ غیرقانونی این کشور در اوکراین باعث تشدید اوضاع شده و با واکنش جامعه بین‌المللی مواجه خواهد شد.

دولت‌های غربی از افزایش تهدیدات جمهوری اسلامی در زمینه اتمی، موشکی و همچنین پشتیبانی از تروریسم بین‌المللی ابراز نگرانی می‌کنند.

پایگاه خبری بلومبرگ روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریور) گزارش داد، همکاری محرمانه روسیه و جمهوری اسلامی در زمینه اطلاعات و فناوری اتمی در ازای انتقال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه، باعث نگرانی شدید آمریکا و بریتانیا شده است. در این گزارش آمده، روسیه «دانش اتمی» خود را با جمهوری اسلامی ایران به اشتراک می‌گذارد که این می‌تواند توانایی تهران در ساخت سلاح اتمی را افزایش دهد. همزمان کشورهای عضو «گروه هفت» در یک بیانیه به جمهوری اسلامی هشدار دادند اگر به ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه ادامه دهد، با «اقدامات جدید و قابل توجه» از سوی جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد.

در این بیانیه که جمعه ۱۵ مارس (۲۵ اسفندماه) صادر شد، آمده «با به شدت نگران گزارش‌هایی هستیم مبنی بر اینکه ایران در حال بررسی انتقال موشک‌های بالستیک و فناوری مرتبط با آن به روسیه پس از تأمین پهبادهای رژیم روسیه است که در حملات بی‌امان علیه مردم غیرنظامی در اوکراین استفاده می‌شوند.»

در بخش دیگری از بیانیه آمده «ما از [رژیم] ایران می‌خواهیم از این عمل صرف نظر کند، زیرا به بی‌ثباتی در منطقه می‌افزاید و نشان‌دهنده افزایش قابل ملاحظه و اساسی در پشتیبانی از جنگ روسیه در اوکراین است، تجاوزی که نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل به شمار می‌رود.»

افزایش تحریم‌های بریتانیا علیه صنایع نظامی جمهوری اسلامی؛ اعلام جزئیات در باره تحریم «ایران ایر»



نمایش خیابانی موشک‌های سپاه و ارتش در تهران

● در واکنش به گزارش‌هایی در مورد انتقال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از ایران به روسیه، دولت بریتانیا در بیانیه‌ای اعلام کرد که تحریم‌های جدیدی علیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی وضع کرده است.

● **وبسایت وزارت بازرگانی و تجارت انگلیس روز دوشنبه ۱۶ سپتامبر (۲۶ شهریورماه) گزارش داد، تحریم‌های جدید «کالاها و فناوری‌هایی» را هدف قرار می‌دهد که لندن نسبت به آنها نگرانی‌های استراتژیک دارد.**

● **به این ترتیب صادرات، تأمین، تحویل و یا در دسترس قرار دادن این کالاها و فناوری‌ها برای ایران در کنار ارائه کمک‌های فنی، خدمات مالی یا وجوه مربوط به آنها ممنوع است.**

● **وزارت بازرگانی و تجارت انگلیس همچنین اعلام کرد، این اقدامات تولید و عرضه پهباد و موشک‌های ایران را مختل و فشار بر صنایع نظامی ایران را بیشتر می‌کند.**

- **وزارت خارجه بریتانیا نیز در توضیح نحوه اجرای تحریم شرکت «ایران ایر» توضیح داد که به مدیران این شرکت اخطار «۱۲ ماهه» داده شده و بعد از آن تمامی توافقاتی که هوایی بین دو کشور لغو خواهد شد.**

در واکنش به گزارش‌هایی در مورد انتقال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از ایران به روسیه، دولت بریتانیا در بیانیه‌ای اعلام کرد که تحریم‌های جدیدی علیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی وضع کرده است.

→ **تحریم‌ها علیه حکومت ایران در پاسخ به پرسشی درباره «قانون مهسا» و اینکه هنوز گزارشی در اینباره به کنگره ارائه نشده است توضیح داد: «در چند هفته گذشته، تحریم‌های بیشتری علیه نهادها و افراد ایرانی اعلام کردیم. برخی از این تحریم‌ها به دلیل نقض حقوق بشر بوده؛ نقض‌های مکرر حقوق بشر؛ و فکر می‌کنم شما الگوی ثابتی را دیده‌اید که نشان‌دهنده سوابق ما در این زمینه است. اما نمی‌خواهیم اقدامات آتی را پیش‌بینی کنیم.»**

همزمان با دومین سالگرد خیزش ۱۴۰۱ جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا برخی اختیارات مربوط به تحریم‌های حکومت ایران را به وزارت خارجه، خزانه‌داری و دفاع ایالات متحده تفویض کرد.

طبق گزارش وبسایت کاخ سفید، جو بایدن ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) دستور داد «قانون توقف خرید نفت ایران» شامل «مسدود کردن دارایی‌ها و سود ناشی از اموال اشخاص خارجی تحریم شده در آمریکا» اجرا شود.

همچنین بر اساس این دستور، اجرای «قانون مبارزه و مقابله با صادرات گسترده موشک‌های ایران» نیز به وزیر خزانه‌داری تفویض شد که این بخش شامل «اعمال تحریم‌ها بر صادرات قطعات و فناوری به ایران» است.

بر اساس «قانون مهسا» علی‌خامنه‌ای و عوامل دفتر او نیز در فهرست تحریم‌ها قرار خواهند گرفت، هرچند این اقدام هنوز انجام نشده است.

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» ۲۴ آوریل (پنجم اردیبهشت) گزارش داد که دستگاه اجرایی «بایدن-هریس» مهلت ۹۰ روزه برای ارائه گزارش درباره نحوه اجرای «قانون مهسا» را که بر اساس آن مقامات ارشد جمهوری اسلامی به دلیل نقض حقوق بشریت باید مورد تحریم قرار بگیرند نقض کرده است.

کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد درباره ایران روز ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) با انتشار گزارشی تحت عنوان به‌روزرسانی درباره وضعیت زنان و دختران در ارتباط با اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ و جنبش «زن، زندگی، آزادی» نوشت: «در دومین سالگرد مرگ خانم امینی و اعتراضاتی که در پی آن رخ دادند، هم‌چنان تغییرات نهادی معنادار و پاسخگویی در قبال نقض‌های جدی حقوق بشر و جنایات طبق قوانین بین‌المللی، از جمله جنایات علیه بشریت، برای قربانیان و بازماندگان، به‌ویژه زنان و کودکان، دست‌نیافتنی باقی مانده است.»

بخش دیگری از صحبت‌های میلر درباره وضعیت کمک‌های آمریکا به اوکراین و همچنین انتقال موشک و تسلیحات از ایران به روسیه بود. وی در پاسخ یکی از خبرنگاران گفت: «ما قبل از تهاجم ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین کمک‌های امنیتی می‌کردیم و [تاکنون] ده‌ها میلیارد دلار کمک کردیم که ادامه دارد.» او اشاره کرد که بخشی از این کمک‌ها شامل تقویت سیستم پدافندی اوکراین برای مقابله با موشک‌های بالستیک یا پهبادهای ارسالی جمهوری اسلامی است.

وی توضیح داد، موشک‌های کوتاه‌برد که [رژیم] ایران به روسیه ارائه داده، این قابلیت را دارند که روس‌ها از فاصله نزدیک‌تر با هدف، زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را هدف قرار بدهند.

وزرای خارجه هفت قدرت صنعتی موسوم به «گروه هفت» (G7) و همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز شنبه ۱۴ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) در بیانیه‌ای مشترک ارسال موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه را به «شدیدترین وجه ممکن» محکوم کردند.

گزارش میدانی؛ آغاز سال تحصیلی جدید با حسرت و گرانی؛ از پرداخت قسطی شهریه تا پوشیدن شورواشور پوشاک مدرسه

زندگی می‌کند توضیح می‌دهد: «هزینه سرویس مدرسه و احیاناً غذا باید جداگانه پرداخت شود، امسال هزینه‌ها نسبت به سال گذشته تقریباً دو برابر شده؛ تازه هنوز به سراغ لوازم تحریر نرفتیم.»

بازنشسته‌ای با حقوق ۱۰ میلیون تومان مستقیم سر اصل مطلب رفت: «خیلی از پدر و مادرها برای تأمین هزینه ثبت نام مدارس به مشکل برمی‌خورند اما برای یک عده که دست‌شان به دهن‌شان می‌رسد فرقی نمی‌کند، امسال هزینه‌های ثبت نام خیلی بیشتر شده، هرچند می‌توانیم تا اسفند به صورت اقساطی با مدرسه تسویه حساب کنیم ولی باید از هزینه‌های قسط و خورد و خوراک و درمان بگذریم.»

او با تعجب ادامه می‌دهد: «بدبختی اینجاست هر کس

«فصل مدارس که شروع می‌شود، هزینه خانواده‌ها چند برابر افزایش پیدا می‌کند.» این مطلب را کارمند یک شرکت خصوصی می‌گوید و با ناراحتی توضیح می‌دهد: «جدا از شهریه مدرسه، مهم‌ترین هزینه، سرویس مدرسه است که امسال از من ۱۲ میلیون گرفتند.»

او در ادامه با بغض از سیر تا پیاز هزینه‌های مدرسه دخترش را حساب کرد و گفت: «خانم، دست روی دم نگذارید امسال شهریه دخترم برای کلاس سوم دبستان، بدون هزینه ناهار و سرویس شده ۶ میلیون، حالا جدای شهریه، نگاهی بیندازید به هزینه‌های دیگر، ۱ میلیون تومان لباس مدرسه، ۱ میلیون و ۵۰۰ لباس ورزشی، یک میلیون تومان کفش، دو میلیون کیف، ۳ میلیون خردریزها، نزدیک ۱۰ میلیون هزینه رفتن یک بچه کلاس سومی!»

این روزها اغلب دانش‌آموزان برای داشتن لوازم تحریر، کیف، کفش و روپوش نو، ذوق و شوق زیادی دارند بجز پدر و مادرها که توان مالی برای هزینه‌های مدرسه فرزندان خود ندارند به‌خصوص خانواده‌های دارای چند فرزند که شرایط اسفناکی دارند.

یک مادر: «مدارس دولتی علاوه بر اینکه هیچ امکانات و رسیدگی ندارند، بدترین میز و صندلی و تخته سیاه‌های کهنه را دارند، به خاطر افت کیفی و کمی مدارس دولتی برخی پدر مادرها ترجیح می‌دهند فرزندان خود را در مدارس غیرانتفاعی ثبت نام کنند البته غیرانتفاعی‌ها هم تحفه‌ای نیستند، بابت هر مسئله‌ای از اولیا پول می‌گیرند حتی برای تعمیر حیاط مدرسه!»

یک مدیر مدرسه: هر کس باید در محدوده خودش ثبت نام کند «اما کلاس‌های ما محدودند از هر پایه‌ای دو تا کلاس داریم، بابت هر کلاس، ظرفیتی که به ما داده‌اند ۴۰ نفر است، با اینکه کلاس‌های ۴۰ نفره را ثبت نام کرده‌ایم دوباره برای ثبت نام مراجعه کرده‌اند ولی جا نداریم ثبت نام کنیم.»

«امسال تعداد دانش‌آموزان افغانستانی در مدرسه ما به نسبت پارسان، تقریباً دو برابر شده مثلاً کلاسی که پارسال ۷ دختر افغان داشت امسال پذیرای ۱۴ دختر بچه افغانستانی خواهد بود. آنها هم موظف به پرداخت هزینه ثبت نام هستند، بیشتر آنها مشکلی برای پرداخت هزینه‌ها ندارند و شنیده‌ام که خانواده‌های فقیر افغان از سوی زمینداران متمول افغان ساکن در برخی شهرهای بزرگ حمایت می‌شوند.»

فیروزه نوردستروم - کمتر از دو هفته به بازگشایی مدارس باقی مانده است، اما آثار مشکلات اقتصادی و افزایش شکاف طبقاتی در شهریورماه امسال، خود را پررنگ‌تر از سال‌های گذشته نشان می‌دهد.

این روزها اغلب دانش‌آموزان برای داشتن لوازم تحریر، کیف، کفش و روپوش نو، ذوق و شوق زیادی دارند بجز پدر و مادرها که توان مالی برای هزینه‌های مدرسه فرزندان خود ندارند به‌خصوص خانواده‌های دارای چند فرزند که شرایط اسفناکی دارند.

کیهان لندن در این گزارش میدانی به بررسی هزینه‌های اقتصادی در آستانه‌ی بازگشایی مدارس پرداخته است.

یک کارمند بازنشسته شکایت خود را از مخارج سال تحصیلی به طرف حکومت نشانه می‌گیرد: «حق همه کودکان، آموزش و پرورش رایگان است مثل اغلب کشورها، یاد دوران طلایی پهلوی به‌خیر، جدا از اینکه آموزش رایگان و اجباری بود تغذیه هم رایگان بود مثل شیرهای پاکتی، اما حالا تمام مدارس برای ثبت نام پول می‌گیرند، از مدارس غیرانتفاعی و مدارس نمونه دولتی تا هیات امنا! حتی برخی سفارت‌های خارجی یکسری مدارس خصوصی راه انداخته‌اند و شهریه‌های میلیاردی دریافت می‌کنند، این در حالیست که آموزش و پرورش بارها ادعا کرده که والدین برای ثبت نام فرزندان‌شان در مدارس دولتی نباید هزینه‌ای پرداخت کنند.» او در ادامه می‌گوید: «چند روز قبل به خیال خریدن یک کفش ورزشی برای آخرین نوهام داخل مغازه‌ای شدم، فکر کردم ۸۰ هزار تومان قیمت دارد، اما ۸۰۰ هزار تومان قیمت خورده بود!»



که در ایران دست‌ش به دهان‌اش نمی‌رسد از همه بیشتر بچه می‌آورد، این بچه‌ها باید مدرسه بروند، لباس و کیف و کفش می‌خواهند، این چه عقیده‌ای است وقتی خودشان نان برای خوردن ندارند بعد از یک بچه، چهار پنج تا بچه قد و نیم قد پس می‌اندازند؟!»

این شهروند بازنشسته در میان گلایه‌هایش اضافه می‌کند: «هر مدرسه جایی را برای خرید روپوش مدرسه معرفی می‌کند، ولی پارچه‌های بی‌کیفیت، البته روپوش‌های مرغوب، قیمت بالاتری دارند، مثلاً هزینه مانتو شلوار نوهام شد یک میلیون تومان، تازه بدون مقنعه، حساب کنید بچه‌ها در رشد هستند، قدشان بلند می‌شود، مجبوریم یک شلوار دیگر بخریم ولی آنقدر هزینه‌ها را بالا آورده‌اند که مادرها امسال مانتو شلوار و لباس فرم بچه‌ها را بلندتر می‌گیرند البته برخی پدر و مادرها پارچه می‌خرند و به خیاط می‌دهند، اما این راه ارزانی نیست، همه توان پرداخت دستمزد خیاط و خرید پارچه با کیفیت را ندارند.»

یک شهروند اصفهانی نیز می‌گوید: «من هر سال در شهریورماه یک کمکی به دو سه خانواده بچه‌دار

یک زن جوان که همسرش را در دوران اپیدمی کرونا از دست داده‌ای از سر حسرت کشیده و می‌گوید: «خانم، انگار، نفس‌تان از جای گرم، بلند می‌شود! ما بیشتر شب‌ها سر بی‌شام زمین می‌گذاریم و با املت و سیب‌زمینی شکم بچه‌هایمان را سیر می‌کنیم، امسال ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای روپوش و شلوار و مقنعه و یک بلوز و شلوار ورزشی، مدرسه پول دادم.»

او ادامه می‌دهد: «برای خرید روپوش، مدرسه معرفی‌نامه می‌دهد، به هر جا قرارداد دارند، برای خرید روپوش می‌رویم، اما با بدترین کیفیت، پارچه‌های پارسل طوری بودند که دخترم فقط یکبار در مدرسه زمین خورد و سر زانوی شلوارش پاره شد و مجبور شدم یک شلوار دیگر بپوشم بخرم ولی با قیمت‌های بسیار بالا، هر سال این قیمت‌ها بالا می‌روند. تازه پول کتاب را حساب نکردم، ولی در مجموع، هزینه‌های مدارس، بسیار بالا رفته، خیلی‌ها حتی توان خرید یک دفتر مشق را برای بچه‌های خود ندارند.»

به سراغ خانمی می‌روم که مادر یک پسر کلاس اول و یک دختر کلاس پنجم است. او که در شهرک پردیس دماوند

ناراحت می‌شوند که وظیفه شماسست ثبت نام کنید در حالی که سیستم ظرفیت ندارد. البته اولیا هم حق دارند می‌گویند خانه ما در همین محدوده است باید بچه ما را در همین مدرسه ثبت نام کنید.»

بک مادر جوان ساکن شهر رشت هم به این گفتگو پیوسته و می‌گوید: «دخترم امسال به کلاس اول دبستان می‌رود. سال گذشته پیش دبستانی بود. امسال برای او چیزی نخریدیم با اینکه به مدرسه دولتی می‌رود، فقط یک مقنعه خریدیم که بتواند شورواشور استفاده کند.»

او توضیح می‌دهد: «مثل آموغچه‌ها که ما به مدرسه می‌رفتم نیست که فروشگاه‌ها برای کتاب و دفتر تخفیف گذاشته باشند. الان خبری از تخفیف نیست؛ قیمت دفتر دو برابر پارسال شده؛ مدارنگی مثل قدیم با کیفیت نیست؛ جنس مدارنگی‌ها افتضاح شده؛ اگر بخوای جنس بهتر بخری همه چینی هستند که قیمت‌اش با جنس ایرانی تفاوت چندانی ندارد.»

به گفته این مادر جوان، «امسال پردامدرها خیلی کمتر خرید می‌کنند. اول هزینه‌های مدرسه را می‌پردازند، مثل هر سال، به بچه‌ها می‌گویند کیف و کفش پارسالت را استفاده کن، اقتصاد خانواده‌ها به شدت خراب شده، مردم دیگر نمی‌توانند گوشت و مرغ بخرند، بچه هم که نمی‌تواند صبر کند تا سال بعد کفش نو بپوشد، چون پای او در حال رشد است. یک کفش ایرانی زهواردررفته که تا دو سال پیش ۱۵۰ هزار تومان بود الان زیر ۷۰۰-۶۰۰ هزار تومان نیست.» او اضافه می‌کند: «مدارس دولتی الان حدود دو تا سه میلیون تومان بابت هزینه ثبت‌نام دریافت می‌کنند، پسر امسال به کلاس ششم می‌رود. در یک مدرسه هیات امنایی امسال برای ثبت‌نام‌اش ۸ میلیون تومان پرداخت کردیم. مدرسه غیرانتفاعی هم که سرسام‌آور است، هزینه ثبت‌نام به‌ترین مدارس غیرانتفاعی بالای ۱۰۰ میلیون تومان است، مخصوصا دبیرستان‌های غیرانتفاعی بسیار گران هستند، قیمت دبستان‌های غیرانتفاعی هم از ۹۰ میلیون تومان شروع می‌شود.»

به گفته وی، ثبت‌نام مدارس مثل سال‌های گذشته انجام می‌شود، هر مدرسه‌ای در محدوده خودش ثبت‌نام می‌کند، کسانی که نمی‌توانند ثبت‌نام کنند مجبورند به بنگاه مشاور املاک، پولی بپردازند و یک اجاره نامه تهیه کنند و تحویل مدرسه دهند تا نشان دهند در محدوده مدرسه زندگی می‌کنند تا فرزند خود را در آن مدرسه ثبت نام کنند. در مدارس غیرانتفاعی هم هر کس که پول هزینه ثبت‌نام مدرسه را بپردازد حتما ثبت‌نام می‌کنند.

از مدیر مدرسه ساکن در استان البرز در مورد دانش‌آموزان اتباع پرسیدم؛ می‌گوید: «امسال تعداد دانش‌آموزان افغانستانی در مدرسه ما به نسبت پارسال، تقریبا دو برابر شده مثلا کلاسی که پارسال ۷ دختر افغان داشت امسال پذیرای ۱۴ دختر بچه افغانستانی خواهد بود. آنها هم موظف به پرداخت هزینه ثبت‌نام هستند، بیشتر آنها مشکلی برای پرداخت هزینه‌ها ندارند و شنیده‌ام که خانواده‌های فقیر افغان از سوی زمینداران متمول افغان ساکن در برخی شهرهای بزرگ حمایت می‌شوند.»

در همین ارتباط گفته می‌شود «بنیاد شهید» زمین‌های فراوانی را به اعضای لشکر «فاطمیون» و خانواده‌های آنها که افغانستانی‌هایی هستند که جمهوری اسلامی از سال‌ها پیش آنها را با دادن امتیازات متعدد برای جنگ در سوریه به خدمت گرفته و مدت‌هاست بسیاری از آنها ساکن پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ ایران هستند بخشیده که به پشتوانه‌ی کمک‌های حکومت از وضعیت مالی خوبی برخوردار هستند.

کس برای ثبت نام می‌آید کمک به مدرسه را همین اول سال پرداخت کند، اما به کسانی که چند تا بچه دارند فشار زیادی می‌آید، هزینه لوازم تحریر و روپوش بالاست و مبلغی هم به عنوان کمک به مدرسه واقعا خیلی سخت است.»

این مدیر مدرسه اضافه می‌کند: «برای مانتو خیلی سخت نگرفته‌ایم، گفتیم اگر بچه‌ها مانتوهای پارسال اندازه‌شان هست می‌توانند بپوشند اما اگر کسی می‌خواهد مانتوی نو بخرد رنگش تغییر کرده برود فلانجا؛ آدرس می‌دهیم که از آنها تهیه کند.»

او ادامه می‌دهد: «مسئله‌ای که در یکی دو سال اخیر شاهد آن بوده‌ایم این است که هیچ همدلی بین اولیا نیست، انگار خودمان به خودمان رحم نمی‌کنیم، وقتی برای بچه‌های کلاس اولی جشن شکوفه‌ها برگزار می‌کنیم، سعی می‌کنیم هزینه‌ها را پایین بیاوریم با حداقل امکانات، اما یکسری از اولیا می‌گویند باید یک جشن مفصل بگیریم. با ۲۰۰ هزار تومان تمام می‌شود، آن پدر و مادری که دو تا سه تا بچه دارد، می‌گویند نمی‌توانم این هزینه را بپردازم اما اولیای دیگر می‌گویند بچه‌ها را نفرست! فکر نمی‌کنند بچه‌ها ذوق

می‌کنم، امسال، یکی از آنها با خجالت به من زنگ زد که ممکنه بیشتر کمک کنید؟ لوازم تحریر و لباس بچه‌ها می‌شود، ۱۰ میلیون تومان، مستاصل مانده‌ام. دو تا بچه که مثلا به مدرسه دولتی می‌روند. بعد مسئولان مرتب توصیه می‌کنند بچه بیاورید!»

در ادامه مادری با لحنی نگران می‌گوید: «مدارس دولتی علاوه بر اینکه هیچ امکانات و رسیدگی ندارند، بدترین میز و صندلی و تخته سیاه‌های کهنه را دارند، به خاطر افت کیفی و کمی مدارس دولتی برخی پدر مادرها ترجیح می‌دهند فرزندان خود را در مدارس غیرانتفاعی ثبت‌نام کنند البته غیرانتفاعی‌ها هم تحفه‌ای نیستند، بابت هر مسئله‌ای از اولیا پول می‌گیرند حتی برای تعمیر حیاط مدرسه!»

او بغض‌آلود ادامه می‌دهد: «پارسال از آنجا که حیاط مدرسه را تعمیر نکردند یکبار دخترم زمین خورد و پای او چنان عفونتی کرد که تا سه هفته مجبور به مصرف آنتی‌بیوتیک بود.»

در طول تهیه این گزارش با چند نفر از شهروندان طبقه مرغه نیز صحبت کردم.

به گفته خانمی ساکن منطقه جردن تهران، امسال دخترش



دارند و دل‌شان می‌خواهد در این جشن شرکت کنند. این در حالیست که چندین سال قبل، اگر چنین مسائلی پیش می‌آمد چند نفر از اولیا با یکدیگر پول روی هم می‌گذاشتند و هزینه جشن یک دانش‌آموز بی‌بضاعت را تقبل می‌کردند ولی الان این همدلی اتفاق نمی‌افتد! خیلی راحت می‌گویند هر کس ندارد بچه‌اش را به جشن نیاورد! اعتراض نکنید چون ما دوست داریم جشن‌مان خوب برگزار شود!»

به گفته این مدیر مدرسه، هر کس باید در محدوده خودش ثبت‌نام کند «اما کلاس‌های ما محدودند از هر پایه‌ای دو تا کلاس داریم، بابت هر کلاس، ظرفیتی که به ما داده‌اند ۴۰ نفر است، با اینکه کلاس‌های ۴۰ نفره را ثبت نام کرده‌ایم دوباره برای ثبت نام مراجعه کرده‌اند ولی جا نداریم ثبت‌نام کنیم و اختصاص دادن تعداد بچه‌ها در کلاس، سیستمی شده، یعنی اداره مشخص می‌کند که هر کلاس، ظرفیت ۴۰ دانش‌آموز دارد. هرچند کنترل و آموزش ۴۰ بچه کلاس اولی خیلی دشوار است.»

او توضیح می‌دهد: «با اینکه تمام کلاس‌های ۴۰ نفره ما پر شده اما باز هم مراجعه‌کننده داریم و جا نداریم؛ اولیا هم

در کلاس ششم یک مدرسه در خیابان «ولیعصر» (پهلوی) همان منطقه ثبت‌نام شده. او سال گذشته ۸۰ میلیون تومان برای ثبت‌نام پرداخت و امسال ۱۷۰ میلیون تومان!

مادر دو پسر دبستانی ساکن خیابان نفت منطقه میرداماد تهران به این گفتگو ملحق می‌شود و می‌گوید: «مبلغ ۴ میلیون تومان برای هر فرزندم بابت پول روپوش مدرسه دادم. تهیه روپوش بر عهده خود مدرسه است و فقط اندازه بچه‌ها را در زمان ثبت‌نام می‌گیرند. مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بابت ثبت‌نام هر کدام از بچه‌هایم پرداخت کردم.»

مدیر یک دبستان واقع در استان البرز هم به گفتگوی ما می‌پیوندد و می‌گوید: «مشکلات مدارس به خاطر شرایط اقتصادی بهتر که نشده، بدتر هم شده، مثلا موتورخانه مدرسه ما چند سال است که مشکل دارد، ولی قابل تعمیر نیست. پارسال تعمیرکار گفته بود احتمالا مشکل از منبع است و روشن کردنش خیلی خطرناک است، به همین دلیل باید تابستان آن را تعمیر کنیم اما در حساب مدرسه که پولی نیست، اداره هم که هیچ کمکی نمی‌کند، تنها امیدمان کمک‌های مردمی است. به همین دلیل اعلام کرده‌ایم هر

گزارش «دیلی میل» درباره «رایان روث» مظنون سوء قصد علیه ترامپ که جمهوری اسلامی را تشویق به ترور ترامپ کرده است



می‌شد اگر دنیا توسط زنان اداره می‌شد زیرا به نظر می‌رسد که کل مشکلات جهان حول مردانی با حجم عظیمی از احساس ناامنی و با سطح هوش و رفتار کودکانه می‌چرخد.»

پست‌های متعددی از او در شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با نبرد اوکراین و سایر منازعات منتشر شده و وبسایتی نیز راه‌اندازی کرده که به واسطه آن به دنبال گردآوری پول برای استخدام نیروی داوطلب جنگی برای کی‌یف بوده است.

تصویری که روث از خود در این وبسایت منتشر کرده او را لبخند زنان با موهای پریشان و تی‌شرت و ژاکتی مزین به پرچم آمریکا نشان می‌دهد.

او در فوریه ۲۰۲۳ در پستی در حساب کاربری خود در ارتباط با جنگ اوکراین نوشته «بجنگ و بمیر تا تهاجم را متوقف کنی!» و همچنین «همه باید [از این تهاجم] خشمگین باشند و کمک کنند.»

روث در ویدئویی که وایرال نیز شده می‌گوید: «این یک نبرد بین خیر و شر است.» وی در توییتی هم نوشته «من برای اوکراین می‌جنگم و می‌میرم.»

ویدئویی که توسط آسوشیتد پرس تهیه شده، روث را در یک تظاهرات کوچک در میدان استقلال کی‌یف در آوریل ۲۰۲۲ دو ماه پس از فرمان حمله پوتین رئیس‌جمهور روسیه به اوکراین نشان می‌دهد.

روی پلاکاردی که او در دست داشت نوشته بود: «ما نمی‌توانیم ۵۰ سال دیگر فساد و شرارت را تحمل کنیم. به خاطر بچه‌های خود کار روسیه را یکسره کنیم.»

او یک حلیقه آبی مزین به پرچم آمریکا در پشت آن به تن داشت. در همان روز، او همچنین از یک بنای یادبود موقت برای اتباع خارجی که توسط پوتین کشته شدند بازدید کرد.

الکساندر شاهوری از اداره هماهنگی اتباع خارجی فرماندهی نیروی زمینی اوکراین گفت، روث هرگز نه در ارتش اوکراین خدمت کرده و نه با ارتش آن همکاری داشته است. شاهوری به آسوشیتد پرس گفت که روث گاهی با لژیون بین‌المللی اوکراین برای آنچه به گفته او «ارائه ایده‌های بی‌معنا» بود، تماس‌هایی داشته که در بهترین حالت می‌توان آنها را «توهم» نامید.

در ویدئویی که از روث منتشر شده او را در حالی

شده، نشان‌دهنده چرخش نظرات او از چپ به راست و برعکس است؛ از حمایت از برنی سندرز و تولسی گابارد گرفته تا نیکی هیلی و همچنین ترامپ.

سوابق نشان می‌دهد که او در سال ۲۰۱۲ به عنوان یک رأی‌دهنده (غیروابسته) و مستقل در کارولینای شمالی ثبت نام کرده و اخیراً در ماه مارس بطور حضوری در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات رأی داده است.

بر اساس سوابق مالی فدرال، کمپین روث از سال ۲۰۱۹ در مجموع ۱۹ مرتبه به مبلغ ۱۴۰ دلار به «اکت بلو» (ActBlue) که یک کمیته اقدام سیاسی حامی نامزدهای دموکرات‌هاست کمک کرده است.

در ژوئن ۲۰۲۰، پس از قتل جرج فلوید توسط پلیس، روث در توییتی نوشت که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا می‌تواند با صدور فرمان اجرایی برای پیگرد تخلفات پلیس، در انتخابات مجدد پیروز شود.

با این حال به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر سمت و سوی او در مخالفت با دونالد ترامپ و حمایت از جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی و معاونش کامالا هریس که نامزد کنونی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری است، تغییر کرده است. او در ماه آوریل در حمایت از جو بایدن نوشت: «دموکراسی از صندوق رأی می‌گذرد و ما نمی‌توانیم ببازیم.»

روث به دنبال سوء قصد ماه ژوئیه به ترامپ در تجمعی در پنسیلوانیا، در پستی در حساب کاربری «ایکس» از جو بایدن و کامالا هریس خواست تا با مجروحان تیراندازی دیدار کرده و در مراسم تشییع جنازه آتش‌نشان کشته شده شرکت کنند. روث همچنین با بیان اینکه ترامپ هیچ کاری برای آنها کاری نخواهد کرد نوشت «معنی شفقت و انسانیت را به دنیا نشان بدهید.»

خبرگزاری آسوشیتد پرس با مروری بر کتاب روث که در فهرست کتاب‌های «آمازون» آمده است، به نقل از آن نوشت: «از اینکه مردم دائماً از من سوال می‌کنند که آیا دموکرات هستم یا جمهوریخواه خسته و بیزار بوده و از قرار گرفتن در یک دسته امتناع می‌کنم.»

او در کتاب خود که لینک آن در وبسایت و حساب کاربری «ایکس» خود وی نیز موجود است می‌نویسد: «چه خوب

● «دیلی میل» می‌نویسد، رایان روث در شبکه‌های اجتماعی خود را به عنوان مردی که برای افراد بی‌خانمان در هاوایی مسکن ساخته و سعی کرده نیروهایی را برای جبهه اوکراین در دفاع از کشور خود در برابر روسیه استخدام کند، معرفی کرده و توضیحاتی از حمایت ابتدایی خود از ترامپ و ناامیدی که بعدها دچار آن شده داده است بطوری که حتی از جمهوری اسلامی ایران خواسته که او را به قتل برساند.

● خبرگزاری آسوشیتد پرس با مروری بر کتاب روث که در فهرست کتاب‌های «آمازون» آمده است، به نقل از آن نوشت: «از اینکه مردم دائماً از من سوال می‌کنند که آیا دموکرات هستم یا جمهوریخواه خسته و بیزار بوده و از قرار گرفتن در یک دسته امتناع می‌کنم.»

● یک مقام مسئول از اداره هماهنگی اتباع خارجی فرماندهی نیروی زمینی اوکراین به آسوشیتد پرس گفت، روث هرگز نه در ارتش اوکراین خدمت کرده و نه با ارتش آن همکاری داشته است. او گاهی با لژیون بین‌المللی اوکراین برای آنچه به گفته‌ی این مقام اوکراینی، «ارائه ایده‌های بی‌معنا» بود، تماس‌هایی داشته که در بهترین حالت می‌توان آنها را «توهم» نامید.

رایان روث در شبکه‌های اجتماعی خود را به عنوان مردی که برای افراد بی‌خانمان در هاوایی مسکن ساخته و سعی کرده نیروهایی را برای جبهه اوکراین در دفاع از کشور خود در برابر روسیه استخدام کند، معرفی کرده و توضیحاتی از حمایت ابتدایی خود از ترامپ و ناامیدی که بعدها دچار آن شده داده است بطوری که حتی از جمهوری اسلامی ایران خواسته که او را به قتل برساند.

روث در کتابی که در سال ۲۰۲۳ با عنوان «جنگ پیروز نشدنی اوکراین» منتشر کرده و در آن رئیس‌جمهور سابق آمریکا را به دلیل حوادث ششم ژانویه ۲۰۲۱ «احمق» و «ابله» خطاب کرده و خروج ایالات متحده آمریکا از توافق اتمی موسوم به برجام را «اشتباهی بزرگ» توصیف کرده، نوشته است: «شما آزاد هستید که ترامپ را ترور کنید!»

او نوشته زمانی به دونالد ترامپ رأی داده و باید بخشی از مسئولیت انتخاب دوران «کودکی» خود را که زمانی به عنوان رئیس‌جمهور خود انتخاب کرده و «فرد بی‌عقلی از آب درآمد» بپذیرد.

روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴ به دنبال تلاش روث ۵۸ ساله برای ترور نامزد جمهوریخواه ایالات متحده آمریکا در نزدیکی باشگاه گلف در وست پام‌بیچ فلوریدا با استفاده از یک تفنگ AK-۴۷، سرویس مخفی ایالات متحده از دستگیری او خبر داد.

سه تن از مقاماتی که روث را شناسایی کرده و نخواسته‌اند نام‌شان به دلیل در جریان بودن تحقیقات پرونده و انگیزه ضارب فاش شود با «آسوشیتد پرس» گفتگو کرده‌اند.

بر اساس اطلاعات زیادی که روث در شبکه‌های اجتماعی از خود به اشتراک گذاشته و نیز سوابق عمومی او از قبیل مصاحبه‌های خبری و ویدئوهای منتشر شده، مشخص شده که او فردی با سابقه مجرمانه، یاغی و دارای چرخش‌های سیاسی بسیار بوده است.

بیش از ۵۰۰ پست او که در شبکه «ایکس» منتشر

چگونه می توان از ارسال موشک های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه جلوگیری کرد؟



جدید تبدیل کند.

پس جو بایدن یا جانشین او چگونه باید از فروش موشک های بالستیک ایران جلوگیری کنند؟ شاید یک دکترین مؤثر این باشد که اعلام شود ایالات متحده یا متحدانش در واکنش به هرگونه استفاده از موشک های بالستیک ایران، صرف نظر از اینکه چه کسی دستور پرتاب آنها را داده باشد، دست به اقدام تلافی جویانه علیه تأسیسات و پایگاه های نظامی جمهوری اسلامی خواهند زد.

به این معنی که تهران می تواند تسلیحات خود را بفروشد، اما واشنگتن اعلام کند که نه مشتریان تسلیحات ارسال شده بلکه تهران مسئول هرگونه حمله با استفاده از این تسلیحات خواهد بود. برای مثال، اگر ارتش روسیه به بندر اودسا در اوکراین موشک پرتاب کند، ایالات متحده یا بریتانیا می توانند با هدف قرار دادن تأسیساتی در بندرعباس واکنش نشان دهند. و یا اگر ارتش روسیه موشک های خود را به سمت کاخ ماریینسکی، اقامتگاه رسمی زلینسکی پرتاب کند، متحدان غربی می توانند اقامتگاه رسمی رهبر انقلاب اسلامی یعنی علی خامنه ای را هدف قرار دهند.

درست همانطور که دولت های ایالات متحده پی در پی رهبران کارتل ها را هدف قرار داده اند و نه واسطه های فروش و توزیع کنندگان مواد مخدر و یا خریداران را! به همین دلیل است که هدف قرار دادن سازندگان و تهیه کنندگان تسلیحات موشکی بجای کسانی که آنها را برای منافع خود شلیک می کنند، ضروریست.

کاخ سفید شاید بر این باور است که تصویب قطعنامه های سازمان ملل یا محکوم کردن فروش موشک های ایران اقدامی کارآمد است، اما لفاظی به تهاپی هرگز نتوانسته موجب مهار رژیم ایران شود.

ایجاد بازدارندگی آسان نیست، اما ضروری است. رهبران جمهوری اسلامی ایران باید بدانند که شخصاً مسئول هرگونه سلاحی هستند که در اختیار نیابتی ها، تروریست ها و نیروهای متخاصم قرار می دهند.

*منبع: میدل ایست فوروم

*نویسنده: مایکل روبین

*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع زاده

● حکومت ایران با ارسال موشک های بالستیک به روسیه نشان می دهد که مایل است و می تواند دامنه بی ثباتی را به فراتر از منطقه خاورمیانه بگستراند.

● یک دکترین مؤثر این باشد که اعلام شود ایالات متحده یا متحدانش در واکنش به هرگونه استفاده از موشک های بالستیک ایران، صرف نظر از اینکه چه کسی دستور پرتاب آنها را داده باشد، دست به اقدام تلافی جویانه علیه تأسیسات و پایگاه های نظامی جمهوری اسلامی خواهند زد. به این معنی که تهران می تواند تسلیحات خود را بفروشد، اما واشنگتن اعلام کند که نه مشتریان تسلیحات ارسال شده بلکه تهران مسئول هرگونه حمله با استفاده از این تسلیحات خواهد بود.

● درست همانطور که دولت های ایالات متحده پی در پی رهبران کارتل ها را هدف قرار داده اند و نه واسطه های فروش و توزیع کنندگان مواد مخدر و یا خریداران را!

مایکل روبین (میدل ایست فوروم) - هشتم سپتامبر شای خطیری از موسسه یورک تاون طی گزارشی اذعان داشت که علیرغم دیپلماسی انکار حکومت ایران، جمهوری اسلامی در واقع موشک های بالستیک را برای استفاده احتمالی در جنگ علیه اوکراین به روسیه ارسال کرده است.

شاید ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه امیدوار است که موشک های ایران بتوانند برتری نظامی کیفی مورد نظر روسیه را که جت های جنگنده، پهپادها و موشک های خودش از آن عاجز بوده اند فراهم سازد. پوتین همچنین به مبارزان کیفی امیدوار است که بتواند ضعف عملکرد ارتش روسیه را پرده پوشی کرده و مانع از پیشروی اوکراین شود. از این گذشته، در حالی که نیروهای اوکراین و روسیه دست کم در دونباس نبرد فرسایشی بی نتیجه ای داشته اند، مرگ پوتین یا ولودیمیر زلینسکی، رئیس جمهور اوکراین شاید بتواند پیشرفتی را که می تواند منجر به پایان جنگ هر دو کشور شود، به دست آورد.

در همین حال، به گمان رهبران جمهوری اسلامی صادرات موشک حق آنها بوده و از اینکه دنیای خارج به دنبال فناوری های آنان است به خود می بالند. پس از سالها تحریم، رژیم ایران از سرمایه های خارجی که بتواند در واردات مواد غذایی و نیز تأمین نیروهای نیابتی «محور مقاومت» مورد استفاده قرار بگیرد، بهره می برد.

اما اجازه دادن به جمهوری اسلامی ایران برای فروش موشک های بالستیک، موجی از درگیری و بی ثباتی در سرتاسر جهان را در پی خواهد داشت.

حکومت ایران با ارسال موشک های بالستیک به روسیه نشان می دهد که مایل است و می تواند دامنه بی ثباتی را به فراتر از منطقه خاورمیانه بگستراند. برای مثال می توان تصور کرد که رژیم ایران می تواند در داخل کشتی های باری خود که اکنون در ونزوئلا پهلو می گیرند، موشک های بالستیک را در اختیار رژیم مادورو قرار دهد که به واسطه آن کشور همسایه خود گویان و یا نیروها و منافع ایالات متحده در دریای کارائیب را مورد تهدید قرار داده و علیه آنان به کار برد.

بطور خلاصه، سودآوری ناشی از گسترش تسلیحات هسته ای ایران می تواند آن را به پاکستان یا یک کره شمالی

→ که در مقابل ساختمان کنگره ایالات متحده ایستاده و نارضایتی خود را از عدم پذیرش تکاورهای افغان برای اوکراین که او سعی در استخدام آنها داشته اعلام می کند. وی در سال ۲۰۲۳ به وبسایت خبری سمافور Semafor گفت: «آنها می ترسند که مبادا این افراد جاسوس های روسیه باشند.»

اوایل امسال، او حتی در تویییتی از برونو مارس و دیو ماتیوز خواست تا کنسرتی به سبک We Are The World برای کی یف سازماندهی کنند.

او نوشت: «برای ادای احترام به اوکراین و به عنوان نقطه پشتیبان به یک ترانه احساسی نیاز داریم. من شعر و موسیقی اش را دارم.»

روث همچنین در تویییتی خطاب به دنیس رادمن ستاره سابق بسکتبال خواستار کمک برای رفع تحریم ها علیه کره شمالی برای کاهش تنش با این کشور شد. او در تویییتی دیگری از صدها معترض هنگ کنگی دعوت می کند تا برای فرار از سرکوب چین در خانه هایی که در هاوایی ساخته سکونت گزینند.

روث بیشتر عمر خود را در گرینزبورو واقع در کارولینای شمالی گذرانده است؛ جایی که در سال ۲۰۰۲ به دلیل داشتن سلاح کشتار جمعی مجرم شناخته شد.

در حالی که سوابق دادگاه جزئیاتی در مورد این پرونده ارائه نمی دهد، گزارش یک روزنامه در آن زمان نشان می دهد که او طی درگیری سه ساعته با پلیس وقتی مشغول کار در بام یک ساختمان بوده دستگیر شده است. در اسناد دولتی از او به عنوان مالک یاد شده است. سوابق همچنین نشان می دهد که روث در سال ۲۰۱۰ به جرمی همچون نگهداشتن کالاهای مسروقه و همچنین حمل غیرقانونی سلاح مخفی، تصادف و فرار از صحنه، سرعت غیرمجاز و رانندگی با گواهینامه لغوشده محکوم شده است.

قاضی مربوطه در هر پرونده، روث را به حبس مشروط یا تعلیقی محکوم می کرده و به او فرصت فرار از محکومیت زندان را می داده است. هنوز مشخص نیست که روث چگونه توانسته اسلحه به دست آورد.

در اکثر ایالت های آمریکا خرید یا داشتن سلاح گرم برای شخصی که به جرائم جنایی محکوم شده، بطور کلی ممنوع است. در سال ۲۰۱۸ روث به شهر کوچک کاوا در هاوایی که از هونولولو ۴۵ دقیقه فاصله دارد نقل مکان کرده و به همراه پسر بزرگ خود کسب و کار ساخت سوله های چوبی را راه اندازی می کند.

بر اساس آنچه در صفحه «لینکدین» او عنوان شده، این ساختمان ها مناسب کسانی هستند که به دلیل بزرگ شدن طبقه متوسط به میزان گسترده ای بی خانمان شده اند.

او در سال ۲۰۱۹ به «Star-Advertiser» رسانه ی هونولولو گفت که «همه ما از دیدن افراد بی خانمان در سراسر جزیره که جایی برای رفتن ندارند خسته شده ایم.»

روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر، روزی که وی به اتهام سوء قصد به ترامپ دستگیر شد، هیچکس در خانه گچی آبی رنگ، در نزدیکی ساحل، که با نقش ماهی های چوبی رنگارنگ تزئین شده نبود. در حیاط خانه یک وانت سفید با برچسب «بایدن/هریس» بر روی سپر و لاستیک پنجرش دیده می شد.

کریستوفر تام، همسایه ی روث، گفته که وی فردی خوددار، محترم، صمیمی و مهربان بوده است. تام از این اقدام همسایه اش بسیار تعجب کرده و گفته اگر ثابت شود که او قصد چنین کاری را داشته، برای ما بسیار باورنکردنی و تکان دهنده خواهد بود.

*منبع: دیلی میل

*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع زاده

جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و اروپا؛ «مدیریت» درگیری‌ها و نه پایان دادن به آن!

منتشر شده در شبکه «بی‌بی‌سی» بریتانیا، «اینفو» سوئیس، «المجله» یا روزنامه‌های آلمانی و فرانسوی و یا حتی خود رسانه‌های ایران که بسته شدن بسیاری از مراکز خود در آلمان، فرانسه و بریتانیا را تایید کردند، نظری انداخت تا به خطر بزرگ این رژیم پی برد اما با این حال رابطه کشورهای اروپایی با تهران همچنان ادامه دارد.

رژیم ایران پشت حملات حوثی‌ها قرار دارد که آبراه‌های بین‌المللی و تجارت جهانی را تهدید می‌کنند. همچنین رژیم ایران محکم پشت سر حماس ایستاده که اکنون با اقدامات اسرائیل در نوار غزه که در واکنش به حمله ۷ اکتبر انجام می‌شود، شریک و مسئول بزرگترین و وحشتناک‌ترین نسل‌کشی بشر در تاریخ معاصر است.

فارس شکست خورده است؟ آیا آمریکا و اروپا توانسته‌اند فعالیت‌های تروریستی و تهدیدآمیز جمهوری اسلامی را که در خارج از منطقه مانند آنچه در اروپا انجام شد از بین ببرند؟ اروپا و ایالات متحده واقعا چه انتظاری از رژیم ایران دارند؟

ارزش رژیم ایران برای آمریکا و اروپا در چیست که با وجود همه اختلافات ظاهری بین آنها و با وجود تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال می‌کنند هنوز بر حفظ روابط نزدیک خود با تهران تاکید دارند؟

در پاسخ به این پرسش‌ها می‌بینیم با اینکه تهران هر کاری که طبق عرف و قوانین و حقوق بین‌الملل ممنوع است مرتکب می‌شود اما مورد حمله یا مستقیماً در معرض خطر

ارزش رژیم ایران برای آمریکا و اروپا در چیست که با وجود همه اختلافات ظاهری بین آنها و با وجود تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال می‌کنند هنوز بر حفظ روابط نزدیک خود با تهران تاکید دارند؟

کدام رژیم در جهان وجود دارد که اینهمه تهدید علیه امنیت بین‌المللی کرده و مرتکب اقداماتی شده که با حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی مغایرت دارد؟ کدام رژیم در جهان به این اندازه عامل تداوم درگیری‌ها و آشفتگی‌ها در منطقه خاورمیانه شده یا کدام رژیم در جهان اینهمه تهدید علیه جامعه بین‌المللی و منطقه‌ای یکجا به نمایش می‌گذارد؟ اگر کسی به این خطرات و تهدیدهای رژیم تهران که باعث ادامه آشوب، جنگ و ویرانی در منطقه



رژیم ایران پشت حملات جناح‌های فرقه‌ای «حشد الشعبی» به شهروندان آمریکایی در عراق و حملات موشکی به اسرائیل و ارتکاب جنایات هولناک علیه گروه‌های سنی عراق قرار دارد.

رژیم ایران حامی اصلی حزب‌الله لبنان است که در سطح بین‌المللی به عنوان یک سازمان تروریستی طبقه‌بندی شده و امنیت لبنان و کشورهای عربی را از طریق قاچاق بزرگترین محموله‌های مواد مخدر، پولشویی و ذخیره مواد منفجره در مناطق غیرنظامی، تهدید می‌کند.

رژیم ایران در داخل نیز مرتکب انواع تروریسم و کشتار، سرکوب و اعدام، و سرکوب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و فردی ایرانی‌ها شده است. آنچه رژیم در داخل ایران مرتکب می‌شود کاملاً مخالف ارزش‌های تمدنی کشورهای غربی است که همواره آمریکا و اروپا خواهان پایبندی دیگران به آنها هستند اما می‌بینیم در مقابل بزرگترین ناقض این

قرار نگرفته است برخلاف اسرائیل که مورد حمله قرار گرفت و حق دفاع از خود به آن داده شد. جمهوری اسلامی ایران مانند اسرائیل توجیه یا پوششی برای اقدامات خود در خارج از مرزهایش ندارد تا از آنچه مرتکب می‌شود چشم‌پوشی کنند اما با این حال، روابط غرب با رژیم ایران همچنان به درجات مختلف ادامه دارد.

بر اساس گزارش‌های اطلاعاتی فرانسه، آلمان و بریتانیا، رژیم ایران مراکزی برای حمایت از تروریسم در اروپا ایجاد کرده است.

تهران سلاح و مهمات را در این مراکز در قلب اروپا ذخیره کرده و مخالفان خود را در اروپا ترور می‌کند احزاب و شبه‌نظامیان تروریستی را برای جاسوسی و ترور به کار گرفته و از طریق تاسیس مراکز فرهنگی و مذهبی در کشورهای اروپایی فعالیت بی‌ثبات‌کننده را در همه مناطق جهان به راه انداخته است کافی است که به گزارش‌های

است پی‌برد گمان خواهد کرد سرنگونی آن از طریق تصمیم و توافق کامل بین‌المللی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

وضعیت موجود و تلاقی منافع بین کشورهای غربی ثابت می‌کند که «مدیریت» درگیری نه «حل و فصل» آن بلکه سیاستی است که همه غربی‌ها بر آن توافق کرده‌اند. حالا کاملاً هریس پیروز انتخابات شود یا دونالد ترامپ فرقی نمی‌کند؛ آنها همچنان رشته ارتباط خود را با رژیم ایران حفظ خواهند کرد و البته محدودیت‌هایی از قبیل تحریم‌های غیرموثر باقی خواهد ماند تا این رژیم را زنده نگه دارند.

سوسن الشاعر (شرق الاوسط) - آیا ایالات متحده آمریکا در از بین بردن تروریسم تحت حمایت رژیم ایران شکست خورده است؟ آیا در محافظت از متحدان خود شکست خورده؟ آیا اروپا در کمک به متحدانش برای پایان دادن به درگیری‌ها، به ویژه درگیر جمهوری اسلامی در خلیج

مجتبی امانی سفیر جمهوری اسلامی در بیروت در انفجار زنجیره‌ای بیسیم اعضای حزب الله زخمی شد

برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند، به شدت مجروح شدند. خبرنگاری رویترز به نقل از یک مقام حزب الله که نخواست نامش فاش شود، نوشت انفجار بیسیم‌ها «بزرگترین ضعف امنیتی» است که این گروه طی نزدیک به یک سال جنگ با اسرائیل در معرض آن قرار گرفته است.

هرچند گفته می‌شود تدارکات این عملیات از سوی اسرائیل بوده اما مقامات این کشور هنوز واکنشی به این انفجارها نشان نداده‌اند.

بر اساس گزارش شبکه الجزیره، تا حدود ساعت ۱۷:۰۰ به وقت تهران تعداد زخمی‌ها در بین نیروهای حزب الله در این عملیات بی‌سابقه به بیش از ۱۲۰۰ نفر رسید.

بر اساس تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است بیمارستان‌های لبنان پر شده از اعضای حزب الله که از این بیسیم برای ارتباطات خود استفاده می‌کردند.

طی این انفجارها برخی از اعضای حزب الله از ناحیه دست و صورت مجروح شدند و برخی از ناحیه میانی و تناسلی

● در این حمله بی‌سابقه که روز سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریورماه) صورت گرفت بیسیم صدها نفر از اعضای حزب الله در لبنان و همچنین سوریه به صورت همزمان منفجر شدند.

● نرگس قدیانی همسر مجتبی امانی سفیر جمهوری اسلامی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «همسرم دکتر مجتبی امانی در حادثه انفجار پیجر در بیروت کمی زخمی شدند اما الحمدلله حالشان خوب است و به خیر گذشته است».

● بر اساس تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، بیمارستان‌های لبنان پر شده از اعضای حزب الله که از این بیسیم برای ارتباطات خود استفاده می‌کنند.

● طی این انفجارها برخی از اعضای حزب الله از ناحیه دست و صورت مجروح شدند و برخی از ناحیه میانی و تناسلی زیرا بیسیم داخل جیب شلوارشان قرار داشت. ویدیوهای زیادی از دوربین‌های مداربسته در شهر بیروت



مجتبی امانی سفیر جمهوری اسلامی در لبنان

زیرا بیسیم داخل جیب شلوارشان قرار داشت. ویدیوهای زیادی از دوربین‌های مداربسته در شهر بیروت منتشر شده که لحظه انفجار بیسیم‌های اعضای حزب الله را نشان می‌دهند.

علی شعیب خبرنگار مشهور حزب الله از مردم لبنان در پی انفجارهای سریالی در بیروت خواسته است تا نام مجروحین را به اشتراک نگذارند و در مورد مکان‌ها صحبت نکنند و با اعضای حزب الله تماس نگیرند چرا که «دشمن صهیونیستی در حال نظاره کردن است!»

اینکه سفیر جمهوری اسلامی نیز از همان نوع بیسیم‌هایی استفاده می‌کند که در اختیار اعضای حزب الله است، از یکسو بیانگر پیوندهای عمیق رژیم ایران با این گروه تروریستی است که فرزندخوانده‌ی آن نیز به شمار می‌رود و از سوی دیگر حاکی از ضعف امنیتی عمیق سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی است.

منتشر شده که لحظه انفجار بیسیم‌های اعضای حزب الله را نشان می‌دهند.

مجتبی امانی سفیر جمهوری اسلامی در لبنان طی حمله گسترده سایبری منتسب به اسرائیل زخمی شده است.

در این حمله بی‌سابقه که روز سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریورماه) صورت گرفت بیسیم صدها نفر از اعضای حزب الله در لبنان و همچنین سوریه به صورت همزمان منفجر شدند.

نرگس قدیانی همسر سفیر جمهوری اسلامی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «همسرم دکتر مجتبی امانی در حادثه انفجار پیجر در بیروت کمی زخمی شدند اما الحمدلله حالشان خوب است و به خیر گذشته است.»

در یک اقدام پیچیده عملیاتی و بی‌سابقه، صدها نفر از اعضای حزب الله لبنان، روز سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریورماه) بر اثر انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌هایی که از آنها

→ ارزش‌ها که بطور علنی و بدون واژه اقدام به اعدام انسان‌ها در میادین عمومی می‌کند، رابطه برقرار می‌کنند. کدام رژیم در جهان وجود دارد که اینهمه تهدید علیه امنیت بین‌المللی کرده و مرتکب اقداماتی شده که با حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی مغایرت دارد؟

کدام رژیم در جهان به این اندازه عامل تداوم درگیری‌ها و آشفتگی‌ها در منطقه خاورمیانه شده یا کدام رژیم در جهان اینهمه تهدید علیه جامعه بین‌المللی و منطقه‌ای یکجا به غمیش می‌گذارد؟ اگر کسی به این خطرات و تهدیدهای رژیم تهران که باعث ادامه آشوب، جنگ و ویرانی در منطقه است پی‌برد گمان خواهد کرد سرنگونی آن از طریق تصمیم و توافق کامل بین‌المللی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

اما آنچه بیش از ۴ دهه اتفاق می‌افتد این است که همه کشورهای غربی علاقمند به حفظ این رژیم و نگه داشتن شبه‌نظامیان آن در منطقه هستند، حتی اگر مجبور شوند گاهی آن را مجازاتی محدود کنند تا حملات نیروهای نیابتی اش دفع شود.

برنامه‌های همه احزاب چپ و راست آمریکا، بر اصل «حفظ رژیم تهران» و به اصطلاح محدود کردن تهدیدات بین‌المللی و منطقه‌ای آن مبتنی است و تقریباً همه طیف‌های موثر در تصمیم‌گیری بر این توافق هستند. آمریکایی‌ها و غربی‌ها موافقت کردند که با جنایات بین‌المللی این رژیم به صورت فردی مدارا کنند و تنها افراد را ظاهراً بازخواست یا تحریم کنند اما کلیت رژیم را هرگز بازخواست نمی‌کنند تا همچنان قادر به ادامه حیات خود باشد.

تنها ما کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیستیم که از این وضعیت شگفت‌زده‌ایم، بلکه حتی کارمندان نهادهای و سازمان‌های حقوق بشری اروپایی و آمریکایی که مسئول تهیه گزارش درباره فعالیت‌های این رژیم هستند و یا بخشی از تیم‌های مذاکره‌کننده‌اند که مستقیم با رژیم تهران تماس دارند، همواره شواهدی را مبنی بر اینکه رژیم تهران حامی اصلی تروریسم، تهدیدی برای امنیت بین‌المللی و خطری برای منطقه خاورمیانه و تجارت بین‌الملل است فاش می‌کنند و می‌گویند که دولت‌های اروپایی از شواهد ملموس آگاهند اما تلافی منافع بین آنها باعث شده که جامعه جهانی تا جایی که امکان دارد به حفظ رژیم برای مدت طولانی‌تر ادامه دهد.

وضعیت موجود و تلافی منافع بین کشورهای غربی ثابت می‌کند که «مدیریت» درگیری نه «حل و فصل» آن بلکه سیاستی است که همه غربی‌ها بر آن توافق کرده‌اند. حالا کاملاً هریس پیروز انتخابات شود یا دونالد ترامپ فرقی نمی‌کند؛ آنها همچنان رشته ارتباط خود را با رژیم ایران حفظ خواهند کرد و البته محدودیت‌هایی از قبیل تحریم‌های غیرموثر باقی خواهد ماند تا این رژیم را زنده نگه دارند.

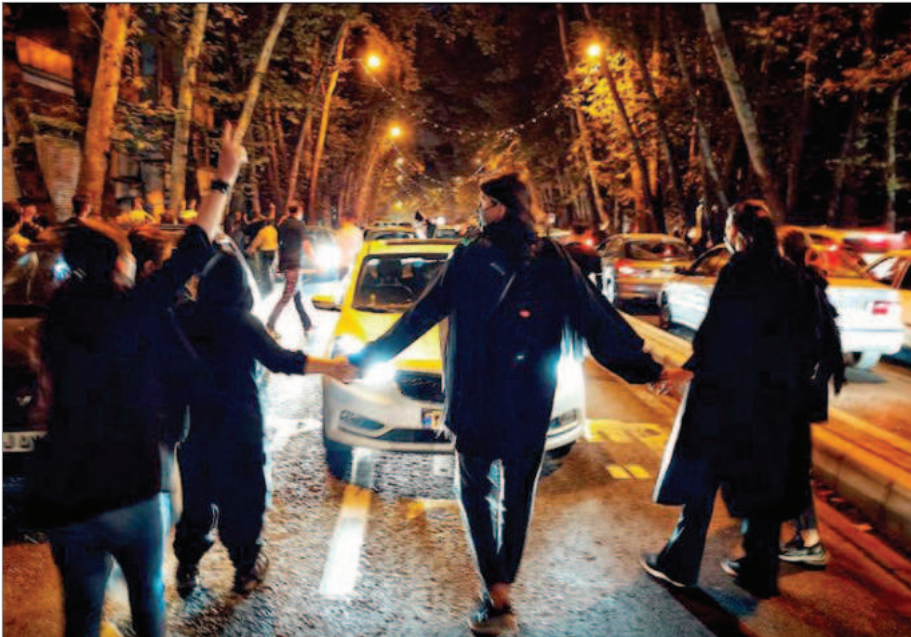
پرسشی که در نهایت برای همه مطرح می‌شود این است که آیا رژیم جمهوری اسلامی از تمایل آمریکا و اروپا برای مدیریت درگیری‌ها و نه پایان دادن به آن، سود می‌برد؟ پاسخ چنین است: بله! رژیم ایران تا حد زیادی از این وضعیت به سود خود استفاده می‌کند.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: سوسن الشاعر روزنامه‌نگار بحرینی و فارغ‌التحصیل دانشگاه بیروت و تحلیلگر روزنامه‌های بحرینی «الوطن»، «بوابه العين» و روزنامه فرمانطقه‌ای «الشرق الاوسط» و همچنین عضو هیئت امنای جایزه روزنامه‌نگاری جهان عرب و مجری چند برنامه تلویزیونی است.

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

هشدار به اپوزیسیون دموکرات در دومین سالگرد جنبش مهسا: اکنون یا هرگز!



اعتراضات شبانه در تهران / پاییز ۱۴۰۱

متهم کردن یکدیگر و درگیر شدن در بحث‌های بی‌نتیجه پرداخته‌اند. برخی از این نیروها به علت ناکارآمدی در همبستگی و همکاری، نتوانستند در قالب یک صف واحد علیه رژیم به مبارزه بپردازند و همین امر به ناکامی جنبش انجامید.

باید تأکید کرد که در تمامی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، شکست‌ها بخشی از فرآیند مبارزه‌اند. اما شکست‌ها نباید به یأس و سرخوردگی منجر شوند. بلکه باید از این تجربه‌ها درس گرفت و آنها را به توشه‌ای برای اقدامات آینده تبدیل کرد. مهم‌تر از همه، باید فهمید که زمان برای ایجاد تغییرات اساسی در ایران محدود است.

لحظه سرنوشت‌ساز: مرگ خامنه‌ای و فرصت از دست رفته
شاید برای بسیاری اینگونه به نظر برسد که با مرگ علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، فرصتی دیگر برای تغییرات اساسی فراهم خواهد شد. اما واقعیت این است که در فردای مرگ دیکتاتور اعظم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هیچ وجه قدرت را به نیروی دیگری تفویض یا با آن تقسیم نخواهد کرد. این یک خیال‌پردازی است که تصور کنیم پس از مرگ او، قدرت به سادگی به نیروهای دموکراتیک منتقل خواهد شد. سپاه پاسداران همه اهرم‌ها و برنامه‌ریزی لازم را در دست دارد تا افکار عمومی داخل و خارج را به بازی بگیرد و حتی از طریق رفم‌های رونیایی، (مورد پسند قشر خاکستری و اکثریت مردم در داخل کشور) قدرت را حفظ کرده و قشر بزرگی از جامعه را به دنبال خود بکشاند. این سناریو می‌تواند حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی را نیز به دنبال داشته باشد. چرا که آنها به دنبال نظامی مسئولیت‌پذیر در منطقه‌اند و نه لزوماً حکومتی دموکراتیک.

آنچه مردم ایران از دست خواهند داد، رویای

افراطیون کمونیست که در حسرت به دست گرفتن قدرت در انقلاب ۵۷ باقی مانده‌اند، مخاطبان این بحث من نیستند.



بهرام فرخی

صحت از آندسته نیروهاست که با پشت سر گذاشتن رژیم شوم اسلامی، به دنبال آزادی، عدالت و دموکراسی واقعی برای وطن و هموطنان‌شان هستند.

ناکامی در بهره‌برداری از فرصت‌ها: دلایل و پیامدها

نیروهای دموکراتیک اپوزیسیون فرصت طلایی‌ای را که تاریخ به آنها هدیه کرد، در جریان انقلاب «زن، زندگی، آزادی» از دست دادند. چرا چنین شد؟ دلایل این ناکامی بسیار است. در یک سال گذشته، شاهد بودیم که گروه‌های مختلف اپوزیسیون، بجای تمرکز بر دشمن مشترک، به

نیروهای دموکراتیک اپوزیسیون فرصت طلایی‌ای را که تاریخ به آنها هدیه کرد، در جریان انقلاب «زن، زندگی، آزادی» از دست دادند. چرا چنین شد؟ دلایل این ناکامی بسیار است. در یک سال گذشته، شاهد بودیم که گروه‌های مختلف اپوزیسیون، بجای تمرکز بر دشمن مشترک، به متهم کردن یکدیگر و درگیر شدن در بحث‌های بی‌نتیجه پرداخته‌اند. برخی از این نیروها به علت ناکارآمدی در همبستگی و همکاری، نتوانستند در قالب یک صف واحد علیه رژیم به مبارزه بپردازند و همین امر به ناکامی جنبش انجامید.

آنچه مردم ایران از دست خواهند داد، رویای دموکراسی و آزادی است. از این رو، نیروهای دموکراتیک ایران باید به خوبی دریابند که زمان برای آنان به سرعت در حال پایان است. شاید فقط چند ماه باقی مانده باشد. و در این مدت کوتاه، اپوزیسیون باید با تمام توان به مقابله بپردازد. اگر نتواند بر اختلافات درونی فائق آید و صفوف متحدی در برابر رژیم تشکیل دهند، فرصت‌های اندک باقی مانده نیز از دست خواهد رفت.

بهرام فرخی - دومین سالگرد جنبش «زن، زندگی، آزادی» فرارسیده است؛ جنبشی که با خون و جان هزاران نفر از دلیران این سرزمین آبیاری شد و به نمادی از مقاومت بی‌پایان مردم ایران در برابر استبداد جمهوری اسلامی تبدیل شد. جنبشی که به روشنی نشان داد روح آزادیخواهی و عدالت‌طلبی در رگ‌های ملت ایران جاری است و هرگز زیر بار ظلم و ستم سر فرود نمی‌آورد. این جنبش یک فرصت تاریخی و تکرارنشده برای تمامی نیروهای مخالف جمهوری اسلامی بود تا با بهره‌برداری از انرژی عظیم مردم و همبستگی بی‌نظیر آنان، به سرکوب و استبداد پایان دهند. اما اکنون، در دومین سالگرد این جنبش، جایگاه و عملکرد اپوزیسیون دموکراتیک نیاز به بازنگری جدی دارد. چرا این نیروها، با وجود این فرصت طلایی، هنوز نتوانسته‌اند به هدف نهایی نزدیک شوند؟

اپوزیسیون دموکرات: فرصت‌سوزی یا فرصت‌سازی؟

جنبش مهسا فرصتی بی‌بدیل برای تمامی نیروهای دموکراتیک ایران فراهم کرد تا خود را به عنوان آلت‌ناتیبو قدرتمندی برای رژیم جمهوری اسلامی معرفی کنند. با این حال، در طول این دو سال، بیش از هر چیز شاهد تشتت و تفرقه میان گروه‌های مختلف اپوزیسیون بودیم. نیروهایی که ادعای دفاع از دموکراسی و حقوق بشر در ایران دارند، بجای همبستگی و اتحاد در برابر دشمن مشترک، درگیر رقابت‌ها و منازعات درونی و بی‌پایان شدند. طرف صحبت من در این مقاله، نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک هستند؛ نیروهایی که با باور به آزادی، دموکراسی، و حقوق بشر، خواستار پایان دادن به جمهوری اسلامی و برپایی حکومتی مبتنی بر عدالت و برابری در ایران‌اند.

در این مقاله من با سازمان مجاهدین خلق که ماهیت فرقه‌ای آن و تمایل به برپایی نوعی دیگر از حکومت مذهبی، آن‌هم از نوعی که ممکن است بدتر از وضع موجود باشد، کاری ندارم. افراطیون سلطنت‌طلب نیز که همچنان در آرزوی تعویض عمامه با تاج سلطنتی بسر می‌برند و

گریستین وبر شهروند اتریشی از زندان مرکزی ارومیه آزاد شد؛

قوه قضائیه: با استفاده از نهادهای ارفاقی و رأفت اسلامی بود!



حضور سفر اتریش در دفتر دادگستری استان آذربایجان غربی

یکی از شهروندانش به دلایلی «غیرمرتبط با اعتراضات» پس از کشته شدن مهسا امینی، در ایران بازداشت شده است. مشخص نیست فرد آزاد شده همان شهروند است یا فرد دیگریست.

گریستین وبر در زندان مرکزی شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی در بازداشت بسر می‌برد.

خبرگزاری‌های داخلی به نقل از سفیر اتریش نوشتند که امکان تماس و دیدار خانواده این شهروند با او فراهم شده است.

سفیر اتریش پیش از این در اوایل اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۳ نیز با رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی دیدار کرده بود.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با همکاری وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) سال‌هاست که ده‌ها تبعه خارجی را به اتهامات واهی از جمله جاسوسی یا ادعای ارتکاب جرم به گروگان گرفته‌اند و با هدف بهره‌برداری‌های سیاسی و امتیاز گرفتن از کشورهای غربی آنها را در زندان محبوس نگه می‌دارند.

یکی از ابزارهای جمهوری اسلامی برای باج‌خواهی از دولت‌های غربی بازداشت شهروندان آنها با اتهامات امنیتی در ایران است. این در حالیست که دولت‌های غربی بارها در مورد خطرات سفر به ایران به شهروندان خود هشدار داده‌اند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، خرداد ۱۴۰۳ فهرستی از ۱۰۳ فرد با تابعیت خارجی یا تابعیت دوگانه تهیه کرده بود که از سال ۱۳۸۲ تا کنون توسط نهادهای امنیتی در ایران بازداشت شده‌اند.

● به گزارش خبرگزاری «میزان» (وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی) این شهروند اتریشی با نام «گریستین وبر» پس از آزادی به سفیر اتریش که در دفتر رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی حضور پیدا کرده بود، تحویل داده شد تا مراحل خروج و انتقال او انجام شود.

● در گزارش‌ها اشاره‌ای به اتهام این تبعه اتریش نشده اما رئیس دادگستری استان آذربایجان غربی گفته به «به دلیل ارتکاب جرایمی» در بازداشت بوده است.

● وزارت خارجه اتریش در سال ۲۰۲۲ تأیید کرده بود که یکی از شهروندانش به دلایلی «غیرمرتبط با اعتراضات» پس از کشته شدن مهسا امینی، در ایران بازداشت شده است. مشخص نیست فرد آزاد شده همان شهروند است یا فرد دیگریست.

ناصر عتباتی رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی روز سه‌شنبه ۲۷ شهریورماه خبر داد که یک شهروند اتریشی که در این استان زندانی بود، با استفاده از «نهادهای ارفاقی و رأفت اسلامی» آزاد شد.

به گزارش خبرگزاری «میزان» (وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی) این شهروند اتریشی به نام «گریستین وبر» پس از آزادی به سفیر اتریش که در دفتر رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی حضور پیدا کرده بود، تحویل داده شد تا مراحل خروج و انتقال او انجام شود.

در گزارش‌ها اشاره‌ای به اتهام این تبعه اتریش نشده اما رئیس دادگستری استان آذربایجان غربی گفته به «به دلیل ارتکاب جرایمی» در بازداشت بوده است. وزارت خارجه اتریش در سال ۲۰۲۲ تأیید کرده بود که

→ **دموکراسی و آزادی است.** از این رو، نیروهای دموکراتیک ایران باید به خوبی دریابند که زمان برای آنان به سرعت در حال پایان است. شاید فقط چند ماه باقی مانده باشد. و در این مدت کوتاه، اپوزیسیون باید با تمام توان به مقابله بپردازد. اگر نتواند بر اختلافات درونی فائق آید و صفوف متحدی در برابر رژیم تشکیل دهند، فرصت‌های اندک باقی‌مانده نیز از دست خواهد رفت.

اتحاد یا شکست! تنها گزینه پیش روی اپوزیسیون دموکراتیک
در این شرایط بحرانی، تنها راه مقابله، اتحاد و یکپارچگی است. اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی در هر جنبشی وجود دارد، اما زمانی که یک رژیم سرکوبگر و استبدادی با تمام توان و ابزارهای خود به سرکوب و نابودی هرگونه صدای مخالف برای چند دهه می‌پردازد، دیگر جایی برای اختلافات و جدایی‌ها نیست. اپوزیسیون دموکراتیک ایران باید به یک اصل بنیادین پایبند باشد: «اتحاد برای پیروزی». اگر گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف اپوزیسیون دموکراتیک نتوانند به تفاهم و همبستگی برسند، تاریخ بار دیگر شاهد تکرار چرخه‌ای از ناکامی‌ها و فرصت‌های از دست‌رفته خواهد بود.

نقش جامعه جهانی: حمایت مشروط یا فشار برای دموکراسی؟

نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که جامعه جهانی و به ویژه کشورهای دموکراتیک غربی نقش مهمی در حمایت از اپوزیسیون دموکراتیک ایران دارند. این کشورها می‌توانند با فشارهای دیپلماتیک، اقتصادی و حقوق بشری بر رژیم جمهوری اسلامی، فرصت‌های بیشتری برای اپوزیسیون و ملت ایران فراهم کنند. اما این حمایت‌ها تنها زمانی به بار خواهند نشست که اپوزیسیون دموکراتیک ایران خود را از هرگونه تفرقه و اختلافات درونی پاک کند و به یک صف واحد در برابر استبداد تبدیل شود.

و در نهایت نه تنها به حمایت کشورهای دموکراتیک، بلکه به توان داخلی و اراده ملت ایران برای تغییر اتکا کنیم.

آینده‌ای که باید ساخت: اکنون و یا شاید هرگز!

آینده ایران در گرو اقدام‌های امروز ماست. نیروهای دموکراتیک باید به این نکته اساسی توجه کنند که تاریخ بارها نشان داده است که فرصت‌های طلایی به سادگی از دست می‌روند و بازگشتی در کار نیست. اکنون، در این لحظه حساس تاریخی، تمامی احزاب، انجمن‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی که به واقع خواستار آزادی و دموکراسی در ایران هستند، باید از «من‌ها گذشته و اینهمه «من» را تبدیل به «ما» کنند. این تنها فرصتی است که ممکن است دیگر هرگز به دست نیاید.

زمان برای یک جنبش متحد و شجاعانه فرا رسیده است؛ جنبشی که بتواند از پراکندگی و تفرقه گذشته و به سوی پیروزی در برابر دیکتاتوری و استبداد گام بردارد. اگر این فرصت از دست برود، نه تنها نسل‌های کنونی، بلکه نسل‌های آینده ایران نیز بهای سنگینی برای آن خواهند پرداخت. جنبش مهسا نشان داد که مردم ایران شجاع و آماده‌اند. اکنون نوبت اپوزیسیون دموکراتیک است که نشان دهد آیا به راستی آمادگی و قابلیت رهبری این ملت به سوی آزادی و دموکراسی را دارد یا نه؟ زمان بسیار محدود است. اکنون و یا شاید هرگز!

* بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

اعتصاب غذای ۳۴ زندانی زن در دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی

● در دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا فضای امنیتی در نقاط مختلف ایران به ویژه در استان کردستان تشدید شد.

● تحریم‌های جدید آمریکا، استرالیا، کانادا و بریتانیا علیه ناقضان حقوق بشر در ایران اجرا می‌شود.

نرگس محمدی زندانی سیاسی و برنده جایزه نوبل صلح، اعلام کرد که در روز یکشنبه، ۳۴ زندانی زن در زندان اوین به مناسبت دومین سالگرد آغاز اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در ایران دست به اعتصاب غذا زدند.

وی در اکانتهایی که به نام وی در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند نوشت که ۳۴ زندانی سیاسی زن در زندان اوین به مناسبت دومین سالگرد جنبش «زن، زندگی، آزادی» و در یادبود مهسا (ژینا) امینی که پس از بازداشت توسط گشت ارشاد اسلامی در تهران جان خود را از دست داد، اعتصاب غذا کردند.

مهسا امینی دختر جوان ایرانی اهل سقز که پس از دستگیری به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری، به قتل رسید، اعتراضات گسترده‌ای را در سراسر ایران برانگیخت.

همزمان با سالگرد کشته شدن مهسا امینی، گزارش‌هایی مبنی بر محاصره و محدودیت خانواده او منتشر شده است. بر اساس این گزارش‌ها، وزارت اطلاعات با تماس تلفنی به امجد امینی پدر مهسا، هشدار داد که در صورت خروج او یا همسرش از منزل، هر دو بازداشت خواهند شد.

خانواده امینی قصد داشتند مراسم دومین سالگرد درگذشت دخترشان را در آرامستان آچی سقز برگزار کنند. این خانواده پیش از این اعلام کرده بودند که مراسم یادبود در این محل برگزار خواهد شد، اما به آنها اطلاع داده شد که حق خروج از خانه را ندارند و همچنین از مراجعه خویشاوندان به خانه آنها نیز جلوگیری شد.

در سالگرد اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» که پس از قتل حکومتی مهسا امینی از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در تهران آغاز شد و ماه‌ها ادامه داشت، گزارش‌های متعددی از تشدید فضای امنیتی و دستگیری‌ها در مناطق مختلف به ویژه در استان کردستان منتشر شده است.

گزارش‌های دیگری نیز حاکی از آن است که مسئولان در روز شنبه، دسترسی آرامستان آچی سقز محل دفن مهسا امینی را محدود کردند.

این در حالیست که همزمان با سالگرد قتل مهسا امینی و آغاز جنبش ملی ۴۰۱ اعتصاب عمومی در شهرهای استان کردستان و دیگر نقاط کشور شکل گرفت.

همچنین در آستانه سالگرد قتل مهسا امینی، وزارت خزانه داری آمریکا، جمعه ۲۴ شهریور، تحریم‌های جدیدی علیه ۲۹ فرد و نهاد رسمی رژیم ایران را در ارتباط با «سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات سراسری مردم ایران» اعلام کرده است.

به گزارش وزارت خزانه داری آمریکا، تحریم‌شدگان، «اعضای کلیدی نیروهای امنیتی رژیم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی، رئیس سازمان زندان‌های ایران، سه فرد و یک شرکت در ارتباط با سانوسر سیستماتیک اخبار و مسدود کردن دسترسی به اینترنت و سه رسانه تحت کنترل سپاه و رژیم شامل خبرگزاری فارس، تسنیم، پرس‌تی‌وی و سه مقام ارشد دیگر هستند.»

برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، در اینباره گفت: «ایالات متحده



درخواست‌های مردم ایران پاسخ داده و یک کارزار دیپلماتیک بی‌سابقه را سازماندهی نموده که منجر به حذف دولت ایران از کمیسیون زنان سازمان ملل متحد و ایجاد یک هیئت حقیقت‌یاب در سازمان ملل برای بررسی نقض موارد حقوق بشر شده است.»

بایدن اضافه کرد: «ما به تعداد فزاینده‌ای از فعالان حقوق بشر کمک کرده‌ایم تا پناهگاهی امن در ایالات متحده پیدا کنند، ما دسترسی ایرانیان به اینترنت را آسان‌تر کردیم، در اوج اعتراضات، ۳۰ میلیون ایرانی از ابزارهای ضد سانوسر مورد حمایت ایالات متحده استفاده می‌کردند. ما همچنین بیش از ۷۰ فرد و نهاد ایرانی را که مسئول حمایت از ظلم رژیم بر مردم هستند، تحریم کرده‌ایم و امروز، تحریم‌های بیشتری را اعلام می‌کنیم که برخی از فاحش‌ترین ناقضان حقوق بشر در ایران را هدف قرار می‌دهد.»

بایدن در پایان گفت: «امروز در حالی که مرگ دلخراش مهسا را به یاد می‌آوریم، بر تعهد خود نسبت به مردم شجاع ایران که راه او را ادامه می‌دهند، تاکید می‌کنیم. آنها با انعطاف و عزم خود به جهان الهام می‌بخشند و ما همراه با متحدان و شرکای خود، در کنار آنها هستیم.»

همزمان جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا نیز روز جمعه، با تاکید بر «رشادتهای مردم ایران» پس از گذشت یک سال از مرگ مهسا امینی، از اعمال تحریم‌های هماهنگ شده از سوی بریتانیا، آمریکا، کانادا و استرالیا علیه مقامات و نهادهای ایرانی خبر داد.

به گفته او، تحریم‌های بریتانیا بر تصمیم‌گیرندگان ارشد رژیم ایران که مسئول تهیه و اجرای قانون حجاب اجباری ایران هستند، متمرکز است.

محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدحاشمی معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علیرضا زاکانی شهردار تهران و سعید منتظرالمهدی سخنگوی پلیس جمهوری اسلامی جزو افرادی هستند که تحت تحریم‌های جدید بریتانیا قرار گرفته‌اند.

در کنار بریتانیا، کانادا، استرالیا و دیگر متحدان و شرکای بین‌المللی خود، به اقدامات جمعی علیه کسانی که با خشونت، حبس جمعی و اختلال سیستماتیک اینترنت، حقوق بشر را نقض و سرکوب می‌کنند، ادامه خواهند داد.»

تحریم‌های روز جمعه، سیزدهمین دور از محدودیت‌های دولت آمریکا علیه افراد و نهادهای وابسته به حکومت ایران، در ارتباط با اعتراضاتی است که در سپتامبر ۲۰۲۲ آغاز شد.

همزمان وزارت خارجه آمریکا جمعه ۲۴ شهریور اعلام کرد محدودیت‌های روادید را برای ۱۳ مقام ایرانی «به دلیل دست داشتن در بازداشت یا کشتن معترضان و ممانعت از حقوق آنها برای آزادی بیان یا تجمع، از جمله از طریق سانوسر و قطع اینترنت در سراسر این کشور»، اعمال کرده است.

از زمان قتل مهسا امینی و اعتراضات پس از آن، وزارت خارجه ایالات متحده، برای ۴۰ مقام رژیم ایران «به دلیل دست داشتن در اقداماتی که معترضان مسالمت‌آمیز را هدف قرار می‌دهند»، محدودیت‌های ویزا وضع کرده است.

جو بایدن رئیس جمهوری ایالات متحده نیز جمعه ۲۴ شهریور با صدور بیانه‌ای با تاکید بر اینکه «ما اجرای مهسا به مرگ وحشیانه او ختم نشد»، وی را «الهام‌بخش جنبش تاریخی زن، زندگی، آزادی» دانست «که بر ایران و افرادی در سراسر جهان که خستگی‌ناپذیر از برابری جنسیتی و احترام به حقوق بشر دفاع می‌کنند، تاثیر گذاشته است.»

بایدن با اعلام اینکه در مواجهه با تداوم ظلم و خشونت، «شهروندان ایران همچنان به این جنبش و مبارزه خود برای آینده‌ای آزاد و دموکراتیک متعهد هستند»، افزود که «ایرانیان به تنهایی سرنوشت کشورشان را تعیین خواهند کرد، اما آمریکا همچنان متعهد به ایستادن در کنار آنها، از جمله فراهم کردن ابزارهایی برای حمایت از توانایی ایرانیان برای دفاع از آینده خودشان است.»

او یادآور شد: «طی سال گذشته، ایالات متحده به

تست موشک بالستیک «قائم ۱۰۰» در پوشش پرتاب ماهواره تحقیقاتی «چمران ۱»



لانچر پرتاب موشک «قائم ۱۰۰» ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / عکس: مهر

است. اقدامی که برای دولت‌های پیشین به عنوان یک دستاورد عظیم تبلیغ می‌شد اما منشاء این عملیات‌ها نه دولت‌ها بلکه همگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هستند.

ساعاتی پس از اعلام خبر پرتاب این ماهواره برخی منابع ادعا کردند سیگنال‌های آن در زمین دریافت شد.

دست‌کم تا لحظه تنظیم این گزارش منابع داخلی اعلام نکردند که این موشک از کدام سایت به فضا پرتاب شده است. هیچ فیلم یا تصویری نیز از لحظه پرتاب این موشک منتشر نشده. این در حالیست که در گذشته رسانه‌های حکومتی همزمان با اعلام خبر ارسال ماهواره به فضا، عملیات مرتبط با پرتاب آن را نیز پوشش می‌دادند.

به گفته علی جعفرآبادی فرمانده فضایی هوافضای سپاه پاسداران موشک «قائم ۱۰۰» اولین پله از نقشه راه سپاه پاسداران در توسعه سری ماهواره‌برهای «قائم» است که از «قائم ۱۰۰» شروع شده و سپس ۱۰۵، ۱۱۰ و بعد هم «قائم ۱۲۰» است که قرار است به مدار ۳۶ هزار کیلومتری زمین برود! منابع اطلاعاتی غربی می‌گویند حکومت ایران در پوشش پرتاب ماهواره‌های تحقیقاتی و علمی موشک‌های بالستیک با بُرد بلند را تست می‌کند.

خبرگزاری «آسوشیتدپرس» با اشاره به پرتاب این ماهواره با موشک‌های سپاه، نوشت: «ارزیابی تهدید جهانی جامعه اطلاعاتی آمریکا در سال جاری می‌گوید که توسعه ماهواره‌های ایران زمان تقویت موشک بالستیک قاره‌پیما را کوتاه می‌کند زیرا از همان فناوری استفاده می‌کنند.»

در این گزارش تأکید شده که می‌توان از موشک‌های بالستیک قاره‌پیما برای حمل سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرد. جمهوری اسلامی ایران اکنون پس از فروپاشی توافق هسته‌ای (برجام) در حال تولید اورانیوم نزدیک به سطح تسلیحات است. رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها هشدار داده است که تهران اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت چند سلاح اتمی در اختیار دارد.

● در شرایطی که دولت‌های غربی نسبت به توسعه موشکی جمهوری اسلامی و ارسال هزاران فروند پهپاد انتحاری و موشک کوتاه‌برد به روسیه به شدت ابراز نگرانی می‌کنند، گروه فضایی صنایع الکترونیک ایران (صایران) وابسته به صنایع دفاع با استفاده از موشک ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک ماهواره به فضا پرتاب کرد.

● خبرگزاری‌های داخلی روز ۲۴ شهریورماه گزارش دادند، این ماهواره با عنوان «چمران ۱» یک ماهواره تحقیقاتی است که توسط گروه فضایی صنایع الکترونیک ایران (صایران) با همکاری و مشارکت پژوهشگاه هوافضا و شرکت‌های خصوصی دانش‌بنیان طراحی و ساخته شده است.

● منابع اطلاعاتی غربی می‌گویند حکومت ایران در پوشش پرتاب ماهواره‌های تحقیقاتی و علمی موشک‌های بالستیک با بُرد بلند را تست می‌کند.

● خبرگزاری «آسوشیتدپرس» با اشاره به پرتاب این ماهواره با موشک‌های سپاه نوشت: «ارزیابی تهدید جهانی جامعه اطلاعاتی آمریکا در سال جاری می‌گوید که توسعه ماهواره‌های ایران زمان تقویت موشک بالستیک قاره‌پیما را کوتاه می‌کند زیرا از همان فناوری استفاده می‌کنند.»

● در این گزارش تأکید شده که می‌توان از موشک‌های بالستیک قاره‌پیما برای حمل سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرد.

در شرایطی که دولت‌های غربی نسبت به توسعه موشکی جمهوری اسلامی و ارسال هزاران فروند پهپاد انتحاری و موشک کوتاه‌برد به روسیه به شدت ابراز نگرانی می‌کنند، گروه فضایی صنایع الکترونیک ایران (صایران) وابسته به صنایع دفاع با استفاده از موشک ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک ماهواره به فضا پرتاب کرد.

خبرگزاری‌های داخلی روز ۲۴ شهریورماه گزارش دادند، این ماهواره با عنوان «چمران ۱» یک ماهواره تحقیقاتی است که توسط گروه فضایی صنایع الکترونیک ایران (صایران) با همکاری و مشارکت پژوهشگاه هوافضا و شرکت‌های خصوصی دانش‌بنیان طراحی و ساخته شده است.

این ماهواره حدود ۶۰ کیلوگرم وزن دارد و ادعا شد که «مأموریت اصلی آن تست سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای اثبات فناوری مانور مداری در ارتفاع و فاز است.»

منابع حکومتی در توضیحاتی مبهم عنوان کردند که از دیگر مأموریت‌های این ماهواره «ارزیابی زیرسامانه پیرانشان گاز سرد در سامانه‌های فضایی و عملکرد زیرسامانه‌های ناوبری و کنترل وضعیت» است. شرکت صنایع الکترونیک ایران (صایران) به دلیل پشتیبانی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و گروه‌های شبه‌نظامی در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد.

ماهواره چمران با موشک سوخت جامد «قائم ۱۰۰» که توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساخته شده به فضا پرتاب شده است. گفته شد که این پرتاب دومین عملیات مداری است که با این موشک انجام شد.

خبرگزاری «تسنیم» نوشته مدارگذاری ماهواره «چمران ۱» در ارتفاع ۵۵۰ کیلومتری با موفقیت انجام شد. این نخستین پرتاب ماهواره در دولت مسعود پزشکیان

تهدید خانواده مهسا امینی توسط مأموران امنیتی؛ فضای پادگانی شهر سقز در دومین سالگرد خیزش ملی

● نیروهای امنیتی از برگزاری مراسم سوگواری خانواده مهسا امینی بر مزار فرزندشان جلوگیری کردند.

● فضای شهر سقز زادگاه مهسا امینی در دومین سالگرد قتل او در بازداشتگاه گشت ارشاد اسلامی شبیه حکومت نظامی شد.

● نیروهای امنیتی در نقاط مختلف شهر مستقر شده‌اند و لباس شخصی‌ها با موتور و ماشین در اطراف منزل مهسا امینی گشت زده و در مسیرهای منتهی به آرامستان «آیچی» سقز نیز ایست بازرسی مستقر شده است و تردد بسیار محدود است.

منابع محلی گزارش دادند که مأموران امنیتی خانواده مهسا امینی را تهدید کردند که در صورت رفتن بر سر مزار دخترشان، آنها را بازداشت خواهند کرد.

فضای شهر سقز زادگاه مهسا امینی در دومین سالگرد قتل او در بازداشتگاه گشت ارشاد اسلامی شبیه حکومت نظامی شده است. نیروهای امنیتی در نقاط مختلف شهر مستقر شده‌اند و لباس شخصی‌ها با موتور و ماشین در اطراف منزل مهسا امینی گشت زده و در مسیرهای منتهی به آرامستان «آیچی» سقز نیز ایست بازرسی مستقر شده است و تردد بسیار محدود است.

همچنین گفته شد که پدر و مادر مهسا حتا اجازه خروج از منزل را هم ندارند و مأموران اجازه ورود خویشاوندان را هم به خانه آنها نداده‌اند.

بر اساس ویدیویی‌های که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، کسبه و بازاریان در چندین شهر از جمله سقز، سنندج، بوکان، اشنویه، میروان و دیواندره دست به اعتصاب زده‌اند. از ساعات اولیه روز هلی‌کوپترهای نظامی بارها در آسمان شهر پرواز کردند. همچنین گزارش‌هایی از اختلال شدید اینترنت و مکالمه با تلفن همراه در برخی از شهرهای ایران به ویژه در مناطق کردنشین منتشر شده است.

اینها تنها بخشی از اقدامات حکومت برای جلوگیری از برگزاری مراسم سالگرد مهسا امینی است. وبسایت «هه‌نگاو» روز شنبه گزارش داد که مأموران امنیتی با رها ساختن آب سرد «چراغ ویس» بر بستر رودخانه سقز، همچون سال گذشته بخشی از مسیرهای دسترسی به آرامستان آیچی و مزار مهسا امینی را مسدود کردند. همزمان روز شنبه و یکشنبه ایرانیان در شهرهای مختلف دنیا به یاد جانباختگان خیزش ۱۴۰۱ گردهمایی‌هایی برگزار کردند.

اعتصاب کسبه در شهرهای غربی ایران در سالگرد قتل مهسا، در رسانه‌های خارجی از جمله در تلویزیون دولتی ترکیه (TRT) بازتاب پیدا کرد. در این گزارش اشاره شد که نیروهای امنیتی از حضور مردم بر مزار مهسا امینی جلوگیری کردند.

نیویورک تایمز: اسرائیل در پیچره‌های اعضای حزب‌الله مواد منفجره کار گذاشته بود



انفجار پیچره‌ها صدها نفر از نیروهای حزب‌الله را روانه بیمارستان کرد

پرتاب موشک بالمستیک از یمن به اسرائیل؛ شبه‌نظامیان حوثی: «این تازه آغاز راه است!»

● شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران، روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۵ شهریورماه) تعدادی موشک بالمستیک به سمت اسرائیل پرتاب کردند.

● منابع اسرائیلی گزارش دادند، پدافند هوایی این موشک‌ها را رهگیری کرد با اینهمه به دنبال انفجار یکی از این موشک‌ها در آسمان لاشه و قطعات آن در چند نقطه از شهر تل‌آویو سقوط کرد.

● منابع ارتش اسرائیل پذیرفتند که سامانه دفاعی «Ar-3 row» (پیکان) ممکن است در رهگیری موشک خارج از حریم هوایی اسرائیل ناموفق عمل کرده باشد اما سامانه «Arrow 2» آن را در دومین تلاش بر فراز حریم هوایی اسرائیل ساقط کرده است. ارتش اسرائیل اعلام کرد در حال بررسی این موضوع است.

● یمن حدود ۱۶۰۰ کیلومتر با اسرائیل فاصله دارد. منابع غیررسمی می‌گویند موشک از یمن پرتاب شد و مسیر خود را بر فراز عربستان سعودی و اردن طی کرده تا به اسرائیل رسیده است.

● دو مقام ارشد حوثی ساعاتی پیش از پرتاب موشک به اسرائیل در پیامی به مناسبت ولادت پیامبر مسلمانان تهدید کرده بودند، «غافلگیری‌هایی برای صهیونیست‌ها داریم که تصور شما را هم نمی‌کنند و آنها را از تجاوز به یمن پشیمان خواهیم کرد».

شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران، روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۵ شهریورماه) تعدادی موشک بالمستیک به سمت اسرائیل پرتاب کردند.

منابع اسرائیلی گزارش دادند، پدافند هوایی این موشک‌ها را رهگیری کرد با اینهمه به دنبال انفجار یکی از این موشک‌ها در آسمان لاشه و قطعات آن در چند نقطه از شهر تل‌آویو سقوط کرد.

قطعات موشک بالمستیک که در آسمان منهدم شد در چهار منطقه به زمین اصابت کرد و خساراتی برجای گذاشت. گزارش شد که ۹ نفر هنگام دویدن به سمت پناهگاه زخمی شدند. امدادگران اورژانس مجروحان را به بیمارستان منتقل کردند.

برخی منابع نیز گزارش دادند یک موشک حوثی‌ها به منطقه‌ای در مرکز اسرائیل در حومه تل‌آویو اصابت کرده است. ارتش اسرائیل می‌گوید موشک شلیک شده از یمن در «یک منطقه باز» سقوط کرد و هیچ کشته یا مجروحی نداشت.

روزنامه «اورشلیم پست» نوشته سقوط قطعات موشک در شهر تل‌آویو نشان داد که پدافند هوایی در ساقط کردن موشک خارج از حریم هوایی پایتخت موفق عمل نکرده است. منابع ارتش اسرائیل پذیرفتند که سامانه دفاعی «Arrow 3» (پیکان) ممکن است در رهگیری موشک خارج

فعال کرد. وزیر بهداشت لبنان به رسانه‌های دولتی گفت که دست کم ۹ نفر کشته و بیش از ۲۸۰۰ نفر زخمی شدند. به گفته سه نفر از مقامات، این دستگاه‌ها برای چند ثانیه قبل از انفجار برنامه‌ریزی شده بودند.

در این میان، حزب‌الله تهدید کرده انتقام این عملیات را خواهد گرفت. مقامات اسرائیل هنوز درباره این حمله اظهار نظری نکرده و نگفته‌اند که آیا این کشور پشت این عملیات قرار داشته است یا نه.

کارشناسان مستقل امنیت سایبری که فیلم‌های این حملات را مطالعه کرده‌اند، می‌گویند واضح است که قدرت و سرعت انفجارها ناشی از یک نوع مواد منفجره بوده است.

میکو هیبونن متخصص تحقیقات در شرکت نرم‌افزار WithSecure و مشاور جرائم سایبری یورپول گفت: «این پیچره‌ها احتمالاً به نحوی دستکاری شده‌اند تا این نوع انفجارها را ایجاد کنند، اندازه و قدرت انفجار نشان می‌دهد که فقط ناشی از منفجر شدن باتری نبوده است.»

کرن العزازی تحلیلگر و محقق امنیت سایبری اسرائیل در دانشگاه تل‌آویو گفت که این حملات حزب‌الله را در جایی که آسیب‌پذیرتر است هدف قرار داد.

به گفته برخی مقامات و همچنین کارشناسان امنیتی، در اوایل سال ۲۰۲۴ حسن نصرالله رهبر حزب‌الله استفاده از تلفن‌های همراه را به شدت محدود کرد زیرا نگران بود که اسرائیل از طریق رصد تلفن‌ها به محل این افراد پی برد.

العزازی می‌گوید: «این حمله در واقع پاشنه آشیل آنها را هدف قرار داد، زیرا یک وسیله ارتباطی مرکزی حزب‌الله را هدف قرار داد. ما قبلاً این نوع دستگاه‌ها و پیچره‌ها را دیده‌ایم که مورد هدف قرار گرفته‌اند، اما نه در حمله‌ای به این گستردگی و در این سطح.»

چند نفر از مقامات گفتند که بیش از سه هزار پیچر از شرکت Gold Apollo در تایوان سفارش داده شده بود. حزب‌الله پیچره‌ها را بین اعضای خود در سراسر لبنان توزیع کرد و برخی از آنها به متحدان حزب‌الله در ایران و سوریه نیز رسید. حمله اسرائیل بر پیچره‌هایی تأثیر داشت که روشن و فعال بوده و پیام دریافت می‌کردند.

● روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از مقامات آمریکایی و دیگر مقامات مطلع گزارش داد پیچره‌هایی که در آنها مواد منفجره جاسازی شده بود ساخت تایوان بود که به تازگی به لبنان وارد شده بودند.

● گفته شده که حزب‌الله پنج هزار دستگاه پیچر ساخت یک شرکت تایوانی به نام «گلد آپولو» را سفارش داده بود. اما این شرکت می‌گوید که پیچره‌ها را تولید نکرده بلکه یک شرکت اروپایی با حق استفاده از برند این شرکت، اقدام به ساخت و تولید آنها کرده است.

● برخی مقامات گفته‌اند اغلب پیچره‌ها مدل AP924 بودند و پس از تولید در تایوان و قبل از رسیدن به لبنان دستکاری شده بودند.

منابع امنیتی گزارش می‌دهند اسرائیل در عملیات بی‌سابقه خود علیه حزب‌الله در پیچره‌های اعضای این گروه مواد منفجره جاسازی کرده بود.

روزنامه «نیویورک تایمز» روز ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریورماه) به نقل از مقامات آمریکایی و دیگر مقامات مطلع گزارش داد پیچره‌هایی که در آنها مواد منفجره جاسازی شده بود ساخت تایوان بود که به تازگی به لبنان وارد شده بودند.

گفته شده که حزب‌الله پنج هزار دستگاه پیچر ساخت یک شرکت تایوانی به نام «گلد آپولو» را سفارش داده بود اما این شرکت می‌گوید که پیچره‌ها را تولید نکرده بلکه یک شرکت اروپایی با حق استفاده از برند این شرکت، اقدام به ساخت و تولید آنها کرده است.

برخی مقامات گفته‌اند اغلب پیچره‌ها مدل AP924 بوده و پس از تولید در تایوان و قبل از رسیدن به لبنان دستکاری شده بودند.

دو نفر از مقامات گفته‌اند که مواد منفجره، به اندازه یک تا دو اونس، در کنار باتری در هر پیچر جاسازی شده بود. یک سوئیچ نیز تعبیه شده بود که می‌توانست از راه دور برای منفجر کردن مواد منفجره فعال شود.

بر اساس گزارش دو مقام لبنانی، ساعت ۰۳:۳۰ ظهر، پیچره‌ها پیامی دریافت کردند که به نظر می‌رسید از سوی رهبری حزب‌الله آمده است. ولی این پیام مواد منفجره را

الشرق الاوسط:

اسماعیل قآنی برای «رفع اختلاف» بین نخست وزیر عراق و گروه‌های شیعه به بغداد رفته است



اسماعیل قآنی فرمانده سپاه قدس

رئیس سازمان بدر و قیس الخزعلی دبیرکل جنبش عصاب اهل الحق دیدار کرد.

منابع «الشرق الاوسط» به این روزنامه گفته‌اند که سیاستمداران عراقی قبل از پایان سفر مسعود پزشکیان به عراق در هفته گذشته از سفر قآنی مطلع بودند. یک منبع ارشد در نیروهای «چارچوب هماهنگی» اظهار کرد که مشکلات درون این نیروها و یافتن راه حل برای آنها در راس اولویت‌های سفر قآنی قرار دارد.

«چارچوب هماهنگی» متشکل از احزاب شیعه نزدیک به رژیم ایران است.

یک منبع به «الشرق الاوسط» گفت: آنچه این روزها در نیروهای چارچوب اتفاق می‌افتد مانند آتشفشانی در شرف انفجار است که نیاز به دخالت متحد ایرانی دارد.

این منبع تأکید کرد که «قآنی اغلب در این نوع بحران داخلی مداخله می‌کند و هدف آن حل و فصل آن یکبار برای همیشه است.»

موضوع «شوند» که اخیراً افشا شد، باعث ایجاد شکاف در اعتماد بین رهبران «چارچوب هماهنگی» و نخست‌وزیر محمد السوداني شد.

اختلاف بین محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر و نوری المالکی رهبر ائتلاف دولت قانون، در مورد ماهیت رقابت در پارلمان آینده نیز بالا گرفته است.

الشرق الاوسط همچنین ادعا کرد، «قآنی دستورالعمل‌های کاری جدیدی برای گروه‌های مسلح وفادار به تهران به همراه دارد.»

● روزنامه «الشرق الاوسط» مدعی شده اسماعیل قآنی فرمانده «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای «رفع اختلاف» بین نخست وزیر عراق و سران گروه‌های وابسته به جریان‌های سیاسی- نظامی شیعه موسوم به «چارچوب هماهنگی نیروهای سیاسی شیعه» به بغداد سفر کرده است.

● رسانه‌های محلی گزارش دادند که قآنی در بدو ورود به بغداد با هادی العامری رئیس سازمان بدر و قیس الخزعلی دبیرکل جنبش عصاب اهل الحق دیدار کرد.

● منابع «الشرق الاوسط» به این روزنامه گفته‌اند که سیاستمداران عراقی قبل از پایان سفر مسعود پزشکیان به عراق در هفته گذشته از سفر قآنی مطلع بودند. یک منبع ارشد در نیروهای «چارچوب هماهنگی» اظهار کرد که مشکلات درون این نیروها و یافتن راه حل برای آنها در راس اولویت‌های سفر قآنی قرار دارد.

روزنامه «الشرق الاوسط» مدعی شده اسماعیل قآنی فرمانده «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای «رفع اختلاف» بین نخست وزیر عراق و سران گروه‌های وابسته به جریان‌های سیاسی- نظامی شیعه موسوم به «چارچوب هماهنگی نیروهای سیاسی شیعه» به بغداد سفر کرده است.

منابع سیاسی ورود اسماعیل قآنی فرمانده سپاه قدس ایران به بغداد را تأیید کرده‌اند و رسانه‌های محلی گزارش دادند که قآنی در بدو ورود به بغداد با هادی العامری

از حریم هوایی اسرائیل ناموفق عمل کرده باشد اما سامانه «Arrow 2» آن را در دومین تلاش بر فراز حریم هوایی اسرائیل ساقط کرده است. ارتش اسرائیل اعلام کرد در حال بررسی این موضوع است.

یمن حدود ۱۶۰۰ کیلومتر با اسرائیل فاصله دارد. منابع غیررسمی می‌گویند موشک از یمن پرتاب شد و مسیر خود



سقوط لاشه موشک حوثی‌ها در چند نقطه از تل‌آویو

را بر فراز عربستان سعودی و اردن طی کرده تا به اسرائیل رسیده است.

روزنامه «اورشلیم پست» می‌نویسد این یکی از محدود دفعاتی بود که در چند ماه گذشته موشک‌هایی به تل‌آویو و مناطق مرکزی اسرائیل شلیک شد.

دو مقام ارشد حوثی ساعاتی پیش از پرتاب موشک به اسرائیل در پیامی به مناسبت ولادت پیامبر مسلمانان تهدید کرده بودند، «غافلگیری‌هایی برای صهیونیست‌ها داریم که تصورش را هم نمی‌کنند و آنها را از تجاوز به یمن پشیمان خواهیم کرد.»

در این پیام آمده بود، «نیروهای مسلح یمن با مشت آهنین پاسخ دشمن صهیونیستی را خواهند داد و رژیم اشغالگر را از تجاوزات خود به یمن پشیمان می‌کنند.» اشاره آنها به حمله اخیر اسرائیل به پالایشگاه الحدیده است که بسیاری از امکانات آنها را نابود کرد.

در بخش دیگری از این پیام نیز آمده بود: «به دشمنان امت اسلامی و محور شرّ آمریکا، انگلیس و اسرائیل اطمینان می‌دهیم آنچه در انتظار آنهاست بسیار شدیدتر و سخت‌تر از چیزی است که در گذشته دیده‌اند... دشمنان ما طعم شکست را در دریاها چشیدند و آنچه را در دریا دیدند، به زودی در زمین خواهند دید.»

نصرالدین عامر یکی از رهبران ارشد انصارالله پس از پرتاب موشک به سمت اسرائیل تهدید کرد «این تازه آغاز و در چارچوب مسیری است که ادامه خواهد داشت و برای اینکه دشمن را مجبور به توقف جنگ علیه مردم فلسطین کنیم، تنش افزایش خواهد یافت.»

بر اساس گزارش منابع غربی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش اساسی در تأمین تسلیحاتی حوثی‌های یمن دارد هرچند مقامات نظام ارسال سلاح برای یمنی‌ها را انکار می‌کنند.

استخدام اوباش و تبهکاران توسط جمهوری اسلامی برای ربودن یا ترور مخالفان حکومت در اروپا و آمریکا

توطئه قرار گرفته است، یکی از این ادعاها درباره ربودن او از نیویورک و بردن او به ونزوئلا با قایق بود.

او به روزنامه «واشنگتن پست» گفت: «افراد زیادی در اروپای شرقی و جاهای دیگر هستند و گرفتن ویزا برای آنها بسیار آسان است و می‌توانند به اینجا بیایند و کار را تمام کنند.» گزارش شده است که تهران همچنین ترور و ربودن برخی افراد را به یک قاچاقچی مواد مخدر ایرانی به نام ناجی شریفی زیندشتی سپرده است. از این تبهکار به عنوان «قاچاقچی مواد مخدر شبیه پابلو اسکوبار» نام برده می‌شود.

در نمونه‌ای دیگر فعال سیاسی حبیب چعب، که در سوئد مستقر بود، در سال ۲۰۲۰ در جریان سفری به ترکیه ربوده شد. او توسط عوامل شریفی زیندشتی به ایران منتقل شد، جایی که او را شکنجه کردند و در سال ۲۰۲۳ اعدام شد.

ناجی شریفی زیندشتی همچنین متهم به مذاکره بر سر قراردادی به ارزش ۳۵۰ هزار دلار با دو عضو هلز انجلز در کانادا برای کشتن یک فراری ایرانی و همسرش است که با هویت جعلی در مرینلد مخفی شده بودند.

این فراری نامش فاش نشده اما به عنوان یک افسر سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به عنوان خبرچین برای سازمان سیا کار می‌کرده، شناخته شده است.

شخص اصلی در طرح شکست‌خورده برای هدف قرار دادن فراری ایرانی به نام دامیون رایان، ۴۳ ساله، معرفی شده است که دارای سوابق جنایی طولانی در کانادا است. او متهم به استخدام آدم آر. پیرسون، ۲۹ ساله، است که برای فرار از دستگیری به اتهام قتل در کانادا در مینیاپولیس مخفی شده بود.

مقامات آلمانی می‌گویند که تهران رئیس فراری گروه «هلز انجلز» به نام رامین یکتاپرست را برای سازماندهی و اجرای حملات تروریستی علیه کنیسه‌ها استخدام کرده است. در میانه‌ی جنگ غزه، تهران همچنان با توطئه‌هایی علیه مقامات آمریکایی و اسرائیلی در فرانسه و آلمان در ارتباط بوده است.

به گزارش روزنامه «واشنگتن پست»، رژیم‌های استبدادی دیگر نیز در سراسر جهان شروع به استفاده از استراتژی تهران برای استخدام مجرمان در غرب کرده‌اند.

یک فعال سیک سال گذشته در کانادا کشته شد و دیگری در نیویورک توسط مجرمان استخدام شده توسط سرویس‌های امنیتی هند هدف قرار گرفت.

در همین حال، روسیه سال گذشته اوباشی را در اسپانیا استخدام کرد تا یک خلبان نظامی را که به اوکراین پناهنده شده و در مدیترانه مستقر شده بود به قتل برسانند. جمهوری اسلامی در پاسخ به گزارش روزنامه «واشنگتن پست» همه این اتهامات را رد کرد.

هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای گفت: «ایران هیچ قصد یا برنامه‌ای برای درگیر شدن در عملیات ترور یا آدم‌ربایی، چه در غرب و چه در هیچ کشور دیگری، ندارد.»

در این بیانیه تأکید شد، «این داستان‌سازی‌ها ساخته و پرداخته رژیم صهیونیستی، فرقه تروریستی مجاهدین خلق مستقر در آلبانی و برخی سرویس‌های اطلاعاتی غربی، از جمله سرویس‌های ایالات متحده، است تا توجه‌ها را از جنایات رژیم اسرائیل منحرف کنند.»



اعضای گروه موتورسواران «هلز انجلز» (فرشتگان جهنم)

خود در غرب است.

پلیس متروپولیتن لندن معتقد است که تهران برای انجام این حمله مجرمان اروپای شرقی را نیز استخدام کرده است. کارآگاهان گفتند که مجرمان به مدت چند روز زراعتی را تحت نظر داشتند و تنها چند ساعت پس از حمله با یک پرواز از کشور گریختند. مقامات بر این باورند که مهاجمان ممکن است قصدشان این بود که زراعتی در این جاقوکشی زنده بماند تا او را برتسانند اما از یک رسوایی بین‌المللی جلوگیری کنند. مهاجمان زراعتی هنوز دستگیر نشده‌اند.

در گزارش روزنامه «واشنگتن پست» تأکید شده که سرویس امنیتی بریتانیا «MI5» و پلیس متروپولیتن طی دو سال گذشته بیش از ۱۶ توطئه از سوی جمهوری اسلامی را ردیابی کرده‌اند.

به گفته مؤسسه واشنگتن، طی پنج سال گذشته ۸۸ توطئه از جمله ترور، آدم‌ربایی و خشونت‌های دیگر مرتبط با حکومت ایران ثبت شده است. دست‌کم در ۱۴ مورد از این توطئه‌ها، پای گروه‌های جنایتکار در میان بوده است. وزارت دادگستری در ایالات متحده، ماه گذشته علیه یک مرد پاکستانی با روابطی با رژیم ایران که ظاهراً به دنبال استخدام یک آدمکش برای قتل سیاستمداران، از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق بوده، اتهاماتی را مطرح کرد.

مقامات سابق آمریکا مانند ترامپ، مایک پمپئو و جان بولتون در توطئه‌های تهران به عنوان انتقام برای کشتن قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، هدف قرار گرفته‌اند.

در بروکلین مقامات ایالات متحده توطئه‌ای را که برای قتل مسیح گلینزاد خبرنگار ایرانی-آمریکایی، با مشارکت خالد مهدی‌یف، عضو گروه «دزدان» قانونمند که دور و بر خانه وی می‌پلکید، ناکام گذاشتند. طبق ادعای این رسانه‌ها، گلینزاد حداقل سه بار هدف

● رژیم تهران برای ربودن و ترور مخالفان حکومت در کشورهای دموکراتیک از جمله ایالات متحده، آلمان و بریتانیا ارادل و اوباش را استخدام می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد رژیم‌های استبدادی دیگر نیز در سراسر جهان شروع به استفاده از این استراتژی جمهوری اسلامی برای استخدام مجرمان در غرب کرده‌اند.

● روزنامه «واشنگتن پست» روز ۱۲ سپتامبر (۲۲ شهریورماه) به نقل از منابع آگاه گزارش داد، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، عملیات‌های مرگبار و آدم‌ربایی علیه مخالفان خود را به گروه‌های مختلف جنایتکار برون‌سپاری کرده و این اقدامات روند افزایشی داشته است.

● در همین ارتباط «دیلی میل» روز ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) نوشت که حکومت ایران در حال استخدام اعضای گروه موتورسواران «هلز انجلز» (فرشتگان جهنم) و سایر گروه‌های جنایتکار مستقر در کشورهای غربی برای هدف قرار دادن مخالفان سیاسی رژیم است.

● طبق همین گزارش‌ها، گروه روسی «دزدان قانونمند»، یک گروه قاچاقچی مواد مخدر ایرانی و گروه‌های خشن از اسکاندیناوی تا آمریکای جنوبی توسط حاکمان ایران برای اجرای دستورات آنها استخدام شده‌اند.

جمهوری اسلامی به دنبال استخدام تبهکاران و اعضای باندهای خلافکار در کشورهای غربی برای هدف قرار دادن مخالفان خود و فعالان رسانه‌ای و حقوق بشری ایرانی است. روزنامه «واشنگتن پست» روز ۱۲ سپتامبر (۲۲ شهریورماه) به نقل از منابع آگاه گزارش داد، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، عملیات‌های مرگبار و آدم‌ربایی علیه مخالفان خود را به گروه‌های مختلف جنایتکار برون‌سپاری کرده و این اقدامات روند افزایشی داشته است.

در همین ارتباط «دیلی میل» روز ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) نوشت حکومت ایران در حال استخدام اعضای گروه موتورسواران «هلز انجلز» (فرشتگان جهنم) و سایر گروه‌های جنایتکار مستقر در کشورهای غربی برای هدف قرار دادن مخالفان سیاسی رژیم است.

در گزارش روزنامه «واشنگتن پست» گفته شد که تهران برای ربودن و ترور مخالفان حکومت در کشورهای دموکراتیک از جمله ایالات متحده، آلمان و بریتانیا ارادل و اوباش را استخدام می‌کند.

طبق همین گزارش‌ها، گروه روسی «دزدان قانونمند»، یک گروه قاچاقچی مواد مخدر ایرانی و گروه‌های خشن از اسکاندیناوی تا آمریکای جنوبی توسط حاکمان ایران برای اجرای دستورات آنها استخدام شده‌اند.

یک افسر سابق ارتش ایران که در مرینلد ساکن است، یک خبرنگار ایرانی-آمریکایی در بروکلین و یک مخالف سیاسی در لندن از جمله ایرانیانی هستند که توسط رژیم ایران در کشورهای غرب هدف قرار گرفته‌اند.

پوریا زراعتی خبرنگار ایرانی که شهروند بریتانیا است، در تاریخ ۲۹ مارس در ویمبلدون، یکی از مناطق لندن، در پیاده‌روی بیرون از خانه‌اش چهار بار با چاقو مورد حمله قرار گرفت. این حمله پس از سال‌ها تهدید و ارباب رخ داد که او را وادار کرد برای مدتی به خانه‌های امن منتقل شود. جمهوری اسلامی در حال جذب اعضای گروه «هلز انجلز» و دیگر گروه‌های جنایتکار برای هدف قرار دادن منتقدان

مجید گلپور: اروپا به دنبال شکست روسیه در اوکراین است



صحبت از معامله تهاتری و ارسال ذرت، سویا و گندم به ایران می‌کند. البته برخی نیز معتقدند که روسیه بهای این موشک‌ها را با ارز دیجیتال و شمش طلا پرداخت خواهد کرد.

اوکراین در حال بررسی قطع روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی است و این کشور را شریک روسیه در جنایات تلقی می‌کند. دادستان کل اوکراین، عباس موسی شریفی مولاسرابی از فرماندها سپاه پاسداران را که در راس هیاتی جهت آموزش نظامیان روسی برای استفاده از پهپادها و موشک‌های جمهوری اسلامی به کریمه اشغالی رفته بود در دادخواستی متهم به «جنایت علیه» بشریت کرده است.

احمد رأفت با مجید گلپور مشاور نهادهای اروپایی در بروکسل گفتگویی انجام داده است.

با فروش و ارسال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد «فتح-۳۶» به روسیه، جمهوری اسلامی به متحد اصلی این کشور در تجاوز به اوکراین تبدیل شده است. کشورهای اروپایی همکاری نظامی جمهوری اسلامی با روسیه و فروش موشک‌های بالستیک به این کشور را خطری جدی برای امنیت خود ارزیابی می‌کنند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و هفت کشور صنعتی جهان موسوم به «ج۷» ضمن ابراز نگرانی از همکاری تهران با مسکو در تجاوز علیه اوکراین، نام برخی از نهادها و شخصیت‌های حقیقی جمهوری اسلامی را فهرست تحریم‌های خود ثبت کردند.

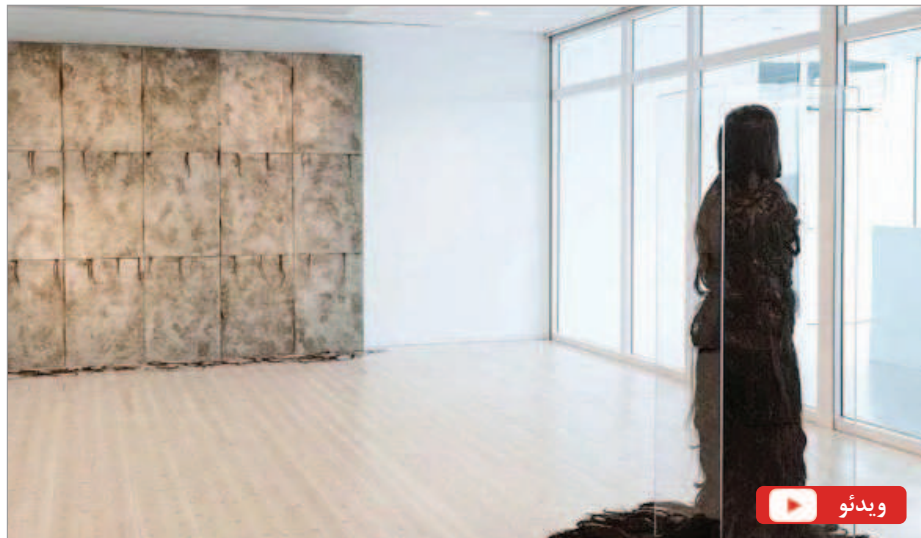
منابع خبری بین‌المللی ادعا می‌کنند که روسیه قرار است در ازای دریافت موشک‌های «فتح-۳۶» فناوری هسته‌ای پیشرفته در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد. منابع ایرانی

زنگزور و حکومت ملایان بی‌زور



تا پیش از ۵۷ تنها نیروی مقتدر آب‌های خلیج فارس، ارتش شاهنشاهی ایران بود. ارتشی متشکل از نیروهای ماهر و پیشرفته‌ترین ادوات نظامی جهان که نه تنها از شمال تا جنوب کشور دسیسه‌ی سرسپردگان تجزیه‌طلب را خنثی می‌کرد، بلکه هیچ نیرو و عامل خارجی نیز جرأت دست‌درازی به منافع ملی ایران را نداشت. پس از پایان جنگ دوم قره باغ، جمهوری آذربایجان، کشوری که نام خود را از استان‌های شمال غرب ایران عاریه گرفته به همراه ترکیه، طرح «کریدور زنگزور» را ترویج می‌کنند که در صورت اجرا، این گذرگاه کشور آذربایجان را از طریق استان سیونیک ارمنستان به جمهوری خودمختار نخجوان متصل خواهد کرد. اجرای این دالان ترابری بدون نظارت و کنترل ارمنستان در خاک آن کشور مجاور با مرز با ایران با مخالفت ارمنستان روبرو شده، اما آذربایجان می‌گوید اگر ارمنستان آن را نخواهد، آذربایجان با زور در مورد آن تصمیم خواهد گرفت!

نمایشگاه «زن، زندگی، آزادی» ماندانا مقدم در سوئد



ماندانا مقدم هنرمند ایرانی- سوئدی، امسال نیز چون سال گذشته نمایشگاهی در این کشور اسکاندیناوی به مناسبت دومین سالگرد قتل مهسا (ژینا) امینی و خیزش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» برگزار کرده است. وی که در سال ۲۰۰۵ با یکی دیگر از آثارش در رابطه با زنان در دوسالانه یا بینال هنر و نیز حضور داشت، تا کنون نمایشگاه‌های بسیاری در ایران و در کشورهای مختلف در رابطه با زنان و مهاجرت داشته است.

پدر این هنرمند ایرانی- سوئدی که از نظامیان ارتش شاهنشاهی بود در ابتدای انقلاب اعدام شد و خانواده‌اش در زمان جنگ ایران و عراق به سوئد مهاجرت کردند و در شهر گوتنبرگ مستقر شدند. مریم مقدم، خواهر ماندانا، که پس از سال‌های فعالیت در تئاتر ملی سوئد به ایران بازگشت، ابتدا به عنوان هنرپیشه و بعد فیلمنامه‌نویس و کارگردان سرگرم کار شد. مریم مقدم پس از آخرین فیلم‌اش «کیک محبوب من» که همراه با بهتاش صناعی‌ها کارگردانی کرده است، ممنوع الخروج شد.

نخستین نشست خبری پزشک‌یان؛ از حضور دوباره «آقا داماد» تا «اصلا ما موشک هوا کردیم!»



مسعود پزشکیان با ظاهر غیررسمی و در حالیکه کاپشن به تن داشت در نشست خبری حضور پیدا کرد

«کسانی که در پاکستان و ترکمنستان و افغانستان و عراق هستند باید به راحتی بتوانند بین هم سفر کنند. ما باید با حفظ اقتدار و امنیت کشورهایمان به عنوان یک واحد عمل کنیم. سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشیم.»

در حالی که جمهوری خلق چین در سال‌های گذشته بارها جمهوری اسلامی را در روابط منطقه‌ای نادیده گرفته و دور زده، اما مسعود پزشکیان در پاسخ به سوالی درباره روابط جمهوری اسلامی با چین کمونیست، این دولت را «شریک کاملاً همراه و استراتژیک» خواند و گفت: «بیشتر ارتباطات ما با چین و روسیه و کشورهای همسایه است. کاری که چین در خصوص میانجیگری بین ما و عربستان سعودی انجام داد برای حل اختلافات یک گام مثبت برای تقویت ارتباطات منطقه‌ای بود. موافقتنامه مشترک ۲۵ ساله بین ایران و چین یکی از جاهایی است که باید متمرکز شده و اجرایی شود.»

او در ادامه افزود که «من به عنوان رئیس جمهور مصمم هستم آنچه نوشته شده و قرار بود اجرایی شود عملیاتی کنیم. راه‌های ارتباطی بین کشورهای منطقه شکل گرفته و می‌تواند هدف چین در دسترسی به بازار ما و ارتباط ما با چین را تکمیل کند. ما شاهره‌هایی را می‌خواهیم ایجاد کنیم که در جاده ابریشم بود. ما با چین یک شریک کاملاً همراه و استراتژیک خواهیم بود و آن را تقویت خواهیم کرد. تلاش می‌کنیم آنچه نوشته شده را عملیاتی کنیم و همکاری افزایش پیدا کند.»

او همچنین در رابطه با سیاست داخلی باز هم به دستورات علی خامنه‌ای اشاره کرد و مدعی شد به دنبال ایجاد «وفاق ملی» است. با اینهمه وقتی موضوع به بازگشت دانشجویانی که تعلیق و اخراج شده‌اند رسید، تأکید کرد که «توطئه‌گرها» به دانشگاه برنخواهند گشت!

او همچنین در سخنانی متناقض گفت «اخیراً در

او البته در پاسخ دیگری تأکید کرد که برنامه موشکی جمهوری اسلامی تداوم خواهد داشت: «اگر موشک نداشته باشیم مثل غزه هر وقت دلشان بخواهد بمب روی سر ما می‌ریزند.»

مسعود پزشکیان درباره دیدار احتمالی با دونالد ترامپ که از سوی خبرنگار وبسایت «عصر ایران» مطرح شد گفت: «اول برادری خود را ثابت کنند بعد از ما اریه بخواهند.» وی افزود که «اول آنچه نوشتیم و گفتیم ما پاره نکنند، بگذارند زندگی کنیم و نشان دهند که ما با دشمنی ندارند، بعد.»

رئیس دولت چهاردهم در بخش دیگری از این نشست خبری در پاسخ به سوال خبرنگار آسوشیتد پرس درباره هشدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به تولید اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد گفت: «بارها گفتیم ما نمی‌خواهیم این کار را کنیم. ما نیاز تکنیکی و علمی خود را دنبال می‌کنیم و به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. ما به چهارچوب برجام پایبند بودیم و باز هم به دنبال حفظ تعهدات هستیم. آنها پاره کردند، ما در چهارچوب سازمان انرژی اتمی کار خود را پیش می‌بریم. آنها به تعهدی که نوشتند پایبند باشند ما هم به تعهدات خود پایبند می‌شویم.»

مسعود پزشکیان همچنین مدعی شد که اسرائیل با اقداماتی مانند ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس به دنبال کشاندن جمهوری اسلامی به جنگ است.

او در بخش دیگری از پاسخ‌هایش گفت: «چاره‌ای جز حل بحث اف‌ای‌تی‌اف نداریم. حتما در اینبار نامه‌ای به مجمع تشخیص می‌نویسم تا این مسئله دوباره در دستور کار این مجمع قرار بگیرد تا بتوانیم حلش کنیم و باید حلش کنیم.» در ابتدای این نشست مسعود پزشکیان در پاسخ به پرسشی درباره چگونگی اجرای ایده تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی که در سفر اخیر پزشکیان به عراق از سوی ارائه شد، گفت: «من از جوانی به این ایده فکر می‌کردم.» او گفت

● مسعود پزشکیان در بخشی از نشست در پاسخ به سوال شبکه الجزیره درباره نقش رژیم ایران در شلیک موشک اخیر هایپرسونیک از یمن به اسرائیل در جملاتی که اصلاً نمی‌توان آنها را جدی گرفت گفت: «الان نیروی انسانی به یمن برود یک هفته طول می‌کشد. باید از چند کانال رد بشود. چطور این موشک به آنجا رفته است و نفهمیدند؟!»

● خبرنگار الجزیره به پزشکیان یادآوری کرد که جمهوری اسلامی موشک هایپرسونیک در اختیار دارد، و پزشکیان که خودش هم می‌داند او را مجبور به «دیپلماسی» کرده‌اند، «هول» شد و با عجله گفت: «دارد اما از آن نوع ندارد!» و بعد در جمله‌ای مضحک گفت: «اصلاً ما موشک «هوا» کردیم ...!» در این قسمت پزشکیان سکوت کرد و همراهانش به او تذکر دادند که از واژه «پرتاب» بجای «هوا کردن» استفاده کند!

● حسن مجیدی داماد مسعود پزشکیان نیز با اینکه در هیئت دولت سمتی ندارد و خبرنگار و فیلمبردار و عکاس هم نیست، در نشست خبری امروز مسعود پزشکیان حضور داشت. پسر و دختر و داماد مسعود پزشکیان هفته گذشته و در سفر رسمی او به عراق نیز جزو هیئتی بودند که با بودجه دولت به این سفر رفتند.

● یکی از حاشیه‌های نخستین کنفرانس خبری مسعود پزشکیان، چُرت‌های پی در پی عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد بود که توسط دوربین رسانه‌ها شکار شد. همچنین پوشش غیررسمی و شلخته‌ی مسعود پزشکیان که با کاپشن در نشست خبری حضور پیدا کرده بود نیز مورد توجه قرار گرفته است.

نخستین نشست خبری مسعود پزشکیان با گذشت دو ماه از نخستین نشست وی که لغو شد، امروز دوشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۳ در سالن «اجلاس سران» در تهران برگزار شد. فعالیت موشکی جمهوری اسلامی، تحریم‌های بین‌المللی و اف‌ای‌تی‌اف، و همچنین موضوع گشت ارشاد اسلامی و مشکلات معیشتی از جمله موضوعات مطرح شده در این نشست بود.

مسعود پزشکیان در بخشی از نشست در پاسخ به سوال شبکه الجزیره درباره نقش رژیم ایران در شلیک موشک اخیر هایپرسونیک از یمن به اسرائیل در جملاتی که اصلاً نمی‌توان آنها را جدی گرفت گفت: «الان نیروی انسانی به یمن برود یک هفته طول می‌کشد. باید از چند کانال رد بشود. چطور این موشک به آنجا رفته است و نفهمیدند؟ بعد هم ما از این موشک اصلاً نداریم.»

خبرنگار الجزیره به پزشکیان یادآوری کرد که جمهوری اسلامی موشک هایپرسونیک در اختیار دارد، و پزشکیان که خودش هم می‌داند او را مجبور به «دیپلماسی» کرده‌اند، «هول» شد و با عجله گفت: «دارد اما از آن نوع ندارد!» و بعد در جمله‌ای مضحک گفت: «اصلاً ما موشک «هوا» کردیم ...!» در این قسمت پزشکیان سکوت کرد و همراهانش به او تذکر دادند که از واژه «پرتاب» بجای «هوا کردن» استفاده کند!

پزشکیان سپس ادامه داد: «ما ماهواره به آسمان می‌فرستیم و قدرت موشکی داریم. اما به حوثی‌ها نداده‌ایم. قبل از جنگ غزه خودشان به تکنولوژی موشک دست یافته‌اند. اما باهم در ارتباطیم و اشتراک نظر داریم.»

اینبار توضیحی ارائه نکرده‌اند که چرا باید اعضای خانواده پزشکیان با بودجه عمومی همراه او به سفر رسمی و چند روزه بروند!

همچنین پوشش غیررسمی و سلخته‌ی مسعود پزشکیان که با کاپشن در نشست خبری حضور پیدا کرده بود نیز مورد توجه قرار گرفته است.

گفتنی است نخستین نشست خبری مسعود پزشکیان قرار بود روز شنبه ۱۶ تیرماه و ساعتی پس از اعلام نام او به عنوان پیروز چهاردهمین دوره انتخابات نمایشی ریاست جمهوری در سالن آمفی تئاتر ۳۰۰ نفره مرکز اجلاس سران برگزار شود اما به خبرنگاران اعلام شد این نشست در محل قبر خمینی خواهد بود و در نهایت هم ستاد انتخاباتی او از لغو نشست خبر داد.

همزمان با لغو آن نشست خبری مسعود پزشکیان به دفتر علی خامنه‌ای رفت و با او دیدار کرد. همان زمان مطرح شد علی خامنه‌ای با دستور لغو این نشست، نخستین ضرب شست را به پزشکیان نشان داده است.

در کنفرانس خبری امروز، مسعود پزشکیان درباره علت لغو نشست خبری تیرماه گفته که برای هماهنگی بیشتر میان تیم دولت بوده که این کنفرانس دیرتر برگزار شد. این در حالیست که ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در خرداد ۱۴۰۰ بلافاصله پس از مشخص شدن نتیجه انتخابات نمایشی در کنفرانس خبری حضور یافت.

قانون برخورد شود.»

در سالن محل برگزاری این نشست که گفته شد ۳۰۰ خبرنگار داخلی و خارجی حضور داشتند، بزنی دیده می‌شد که روی آن جمله مسعود پزشکیان که به نقل از «نهیج البلاغه» گفته بود «گردنم را در گرو وعده‌هایم می‌گذارم» آمده بود.

هادی حیدری از فعالان اصلاح‌طلب و کارتون‌نویست که پیشتر از جمله زندانیان مرتبط با اعتراضات انتخاباتی سال ۸۸ بود، اجرای این نشست را بر عهده داشت.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه، عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد، سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامرضا نوری قزلقچه وزیر جهاد کشاورزی، محمد اتابک وزیر صمت، محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی رئیس‌جمهور و محسن حاجی‌میرزایی مسئول دفتر ریاست جمهوری نیز در این نشست خبری حضور داشتند.

یکی از حاشیه‌های نخستین کنفرانس خبری مسعود پزشکیان، چرت‌های پی در پی عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد بود که توسط دوربین رسانه‌ها شکار شد.

همچنین حسن مجیدی داماد مسعود پزشکیان نیز با اینکه در هیئت دولت سمتی ندارد و خبرنگار و فیلمبردار و عکاس هم نیست، در نشست خبری امروز مسعود پزشکیان حضور داشت. پسر و دختر و داماد مسعود پزشکیان هفته گذشته و در سفر رسمی او به عراق نیز جزو هیئتی بودند که با بودجه دولت به این سفر رفتند. مقامات دولتی هنوز در

صداوسیما برنامه‌ای پخش شد که گروهی از این دانشجویان را توطئه‌گر خواندند و اینجا می‌گوئیم اگر توطئه‌ای صورت گرفته باید قوه قضائیه به آن برخورد کند و در غیر اینصورت باید پاسخ دانشجو را داد و اگر نمی‌توانیم این پاسخ را بدهیم باید خود را اصلاح کنیم.»

مسعود پزشکیان در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه «کیهان» چاپ تهران که پرسید «آیا از انتصاب افراد زاویه‌دار و دارای سابقه در فتنه ۸۸ در دولت‌تان خبر دارید؟» گفت که «ابتدا آیه و احادیثی که خواندم را به این دلیل خواندم. شما در یک صف اعتراض کردید و من در صف دیگری. شما فکر می‌کنید حق با شماست آنها فکر می‌کنند حق با آنهاست هرکسی خیال می‌کند حق با او است. ما که همدیگر را نکشیم. در جریان شما یک انتظار داشتید و آنها انتظار دیگری داشتند که همسو هم نبودند. اصلا حق با شما است اما این فرد توأمند است که حالا می‌خواهد کمک کند به او بگوئیم نه برو کنار چون در گذشته این اشکال را داشتی؟ پس تکلیف وفاق چه می‌شود هر انسانی که کار می‌کند اشتباه می‌کند قرار نیست به دلیل اشتباه افراد را کنار بزنیم. ما الان به دنبال وفاق ملی هستیم، قانون هم مشخص است.»

مسعود پزشکیان با این پاسخ و درست در سالروز اعتراضات سال ۱۴۰۱ که صدها نفر در آن اعتراضات در پی سرکوب مأموران حکومتی کشته و زخمی و نقص عضو و همچنین هزاران نفر بازداشت شدند، نشان داد در ذهن مقامات جمهوری اسلامی مرز پرننگی میان «خودی»ها و «مردم» وجود دارد و در حالی که اختلاف و اعتراض «خودی»ها قابل چشم‌پوشی است اما اعتراض مردم باید با گلوله پاسخ داده شود!

او در بخش دیگری از این نشست در واکنش به سخنان زن خبرنگاری که گفته بود از کوچه و پس‌کوچه به محل برگزاری نشست آمده تا گیر گشت ارشاد اسلامی نیفتد، مدعی شد قرار نبود دیگر با زنان برخورد شود و موضوع را پیگیری خواهد کرد. او همچنین درباره رفع فیلترینگ اینترنت نیز وعده سر خرمن داد و گفت این موضوع را پیگیری خواهد کرد.

رئیس دولت چهاردهم با اشاره به «ناترازی پول و بنزین و برق و محیط زیست» و مشکلات اقتصادی گفت: «هر چقدر پول چاپ کنیم تا ناترازی را حل کنیم سفره مردم کوچک‌تر و مردم فقیرتر می‌شوند» و «بدهی گندمکاران و حقوق باننشستگان را داشتیم و تلاش می‌کنیم حل کنیم. اینها به ما به ارث رسیده است.»

مسعود پزشکیان مدعی شد که «در کمیسیون اقتصادی و سازمان برنامه و بودجه دنبال این هستیم و برنامه‌ریزی می‌کنیم که سفره مردم و حداقل قوت حداقل زندگی آنها دچار مشکل نشود.»

او همچنین بطور ضمنی از ایده «انتقال پایتخت» دفاع کرد و با بیان اینکه «ادامه شرایط فعلی در تهران امکان‌پذیر نیست» گفت «آب‌های زیرزمینی در تهران در حال اتمام است، باران نیاید و سدها خالی شود با بحران روبرو خواهیم شد.»

او افزود «امکانات و شرایطی در سواحل جنوب داریم که خیلی از کشورها حسرت آن را می‌خورند» و «باید تمرکز را از مراکز به سمت جایی هدایت کرد که امکان ماندن هست.» مسعود پزشکیان همچنین درباره مهاجران افغانستانی گفت برنامه دولت بازگرداندن «با احترام» این مهاجران است و افزود که «درمورد افغانی‌ها سه جلسه در شورای عالی امنیت گذاشته‌ایم. یک عده پاسپورت دارند، با آنها یک برخورد می‌شود. یک عده با خلاف آمدند، باید در چارچوب

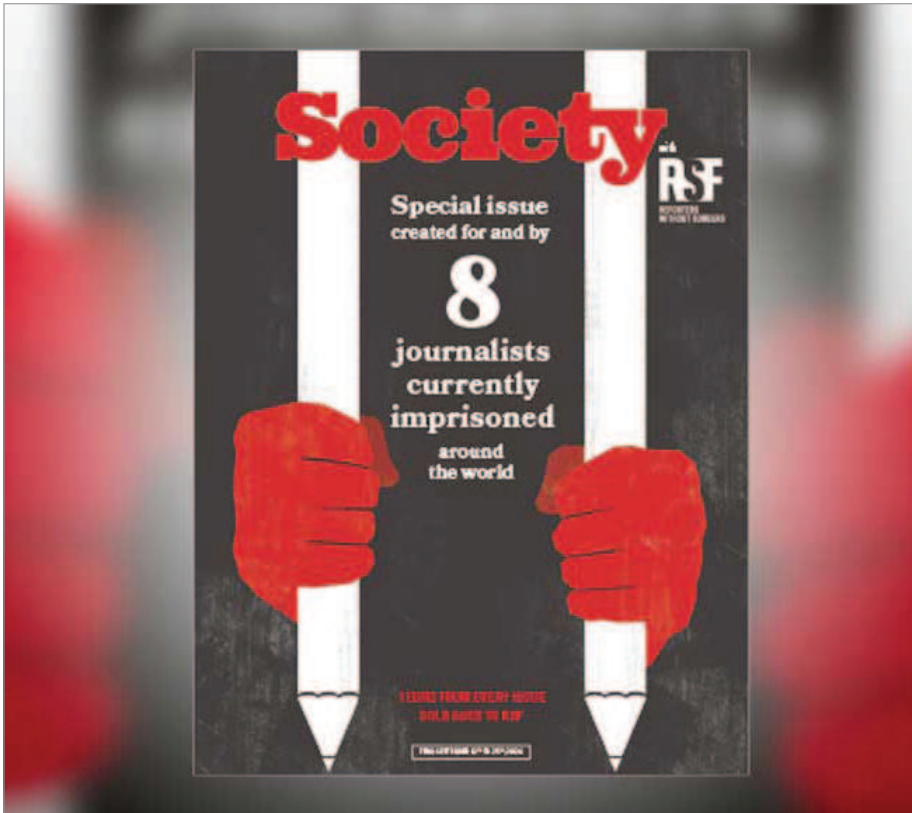
نشست «برپایی دموکراسی و دفاع از آن»؛ بزرگداشت مهسا امینی و نقش جنبش آزادیخواهی ایران در جهان



ایالتی هامبورگ و ناتالی امیری ژورنالیست آلمانی ایرانی‌تبار در محل «جامعه میهن‌پرست» این شهر برگزار شد. اختر قاسمی خبرنگار آزاد از این نشست در گفتگو با دانیال ایلخانی‌پور گزارشی تهیه کرده است.

۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴ برابر با ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ به مناسبت دومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و شکل گرفتن خیزش ملی برای آزادی در ایران، یک نشست با شرکت پتر چنجر شهردار هامبورگ، دانیال ایلخانی‌پور نماینده پارلمان

ویژه‌نامه مجله فرانسوی «سوسایتی» درباره روزنامه‌نگاران زندانی؛ مطالبی از نرگس محمدی و هفت روزنامه‌نگار از سراسر جهان



بانوان و عدالت جنسیتی را نمایان کند و به تعمیق گفتگوها بین‌المللی در این زمینه کمک کند.

در یک گفتگو، نرگس محمدی، فعال سیاسی و حقوق بشر، از شیرین عبادی نخستین بانوی ایرانی برنده جایزه صلح نوبل که تجربه‌های فراوانی از رویارویی با چالش‌های سیاسی و اجتماعی در ایران را داشته، پرسیده که با چه مسائل، مشکلات و فرصت‌هایی در ایران و در صحنه بین‌المللی با آن مواجه شده و چگونه این موفقیت بر تلاش‌های بعدی او در زمینه حقوق بشر و برابری جنسیتی تأثیر گذاشته است؟ عبادی، به بررسی تأثیر موفقیتش در دریافت جایزه صلح نوبل بر تلاش‌های بعدی خود پرداخته است. او اظهار داشته که این افتخار باعث تقویت اراده‌اش برای ادامه کار در زمینه‌های حقوق بشر و برابری جنسیتی شده و نقشی مهم در الهام بخشیدن به دیگران در جهت تغییر و بهبود شرایط انسانی در ایران و جهان داشته است.

گفتگوی نرگس محمدی با شیرین عبادی نشان می‌دهد که این فعال حقوق بشر به طور مداوم در تحقق اهداف اجتماعی و حقوقی خود پافشاری می‌کند و از نبرد برای عدالت و برابری در همه زمینه‌ها دست بر نمی‌دارد.

خانم عبادی با اشاره به اینکه پول جایزه نوبل را برای خرید یک دفتر در ایران برای سازمانی که خود بنیانگذار و مدیر آن بود، استفاده کرده، گفته «این دفتر تبدیل به مرکزی شد که بسیاری از وکلای جوان را به خود جذب کرده است.» او در ادامه به فعالیت‌های دیگر این مرکز از جمله دفاع رایگان از زندانیان سیاسی، و ارسال ماهانه گزارش‌هایی درباره نقض حقوق بشر در ایران به سازمان ملل

می‌تواند منبعی از آرامش و قوت قلب برای زنانی باشد که در برابر بی‌عدالتی‌ها می‌جنگند. این درخواست بر اهمیت اقدام جمعی در برابر نابرابری‌های جنسیتی در هر نقطه از جهان تأکید دارد.

او که به عنوان فعال حقوق زنان و برنده جایزه صلح نوبل شناخته می‌شود، با طرح این پرسش از جامعه جهانی خواستار حمایت واکنش‌های قوی‌تری در برابر آپارتاید جنسیتی شده است. او از فعالان حقوق بشر، روشنفکران، و دفاع‌کنندگان از دموکراسی و صلح در جهان خواسته تا از سازمان ملل برای جرم‌انگاری آپارتاید بر پایه جنسیت، حمایت کنند.

این فراخوان از سوی نرگس محمدی در زمانی ارائه شده که نگرانی‌ها از ظلم و تبعیض بر پایه جنسیت به ویژه در مناطقی از جهان به اوج خود رسیده است. زندانیان سیاسی و فعالان حقوق زنان، از جمله نرگس محمدی، به شدت با آپارتاید جنسیتی مخالفت می‌کنند و از جامعه بین‌المللی خواسته‌اند تا با اقدامات موثری، این نوع از تبعیض را محکوم و متوقف کنند.

با اعلام این فراخوان، نرگس محمدی انتظار دارد که روشنفکران و مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان، به توافق برسند تا سازمان ملل برای جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی را به عنوان یک اولویت بین‌المللی قرار دهند. این اقدام به نظر وی، قدمی مهم به سوی عدالت اجتماعی و تساوی جنسیتی است که نیازمند پشتیبانی قوی از جامعه بین‌المللی است. در حال حاضر، انتظار می‌رود که واکنش‌ها و پاسخ‌های جهانی به این فراخوان، میزان تعهد بین‌المللی به حقوق

● مجله «سوسایتی» به مدت ۹ ماه از طریق نزدیکان و وکلای برخی روزنامه‌نگاران زندانی، با آنان تماس گرفته و با همکاری سازمان گزارشگران بدون مرز، ویژه‌نامه‌ای از وضعیت روزنامه‌نگاران زندانی منتشر کرده است.

● نرگس محمدی زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین نیز یکی از هشت روزنامه‌نگاری است که مطالب آنان در این ویژه‌نامه منتشر شده است.

● این ویژه‌نامه که به کریستف دولوآر دبیر کل فقید سازمان گزارشگران بدون مرز تقدیم شده به هفت روزنامه‌نگار زندانی دیگر هم مطالبی را اختصاص داده است.

مجله فرانسوی «سوسایتی» روز پنجشنبه دوازدهم سپتامبر با ارائه گزارشی از روزنامه‌نگاران زندانی نوشته در حال حاضر ۵۸۱ روزنامه‌نگار در سراسر دنیا صرفاً به دلیل انجام حرفه خود زندانی هستند.

مجله «سوسایتی» به مدت ۹ ماه از طریق نزدیکان و وکلای برخی روزنامه‌نگاران زندانی، با آنان تماس گرفته و گزارش وضعیت این روزنامه‌نگاران را در یک ویژه‌نامه منتشر کرده است.

این مجله با همکاری سازمان گزارشگران بدون مرز این ویژه‌نامه را به روزنامه‌نگاران زندانی در جهان اختصاص داده تا صدای آنها باشد. نرگس محمدی زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین نیز یکی از هشت روزنامه‌نگاری است که مطالب آنان در این ویژه‌نامه منتشر شده است.

گزارشگران بدون مرز در بیانیه‌ای که به مناسبت انتشار این ویژه‌نامه صادر کرده نرگس محمدی را یکی از چهره‌های شناخته شده مبارزه برای مطبوعات آزاد و حقوق زنان معرفی کرده و نوشته که او چند ماه پیش در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل خواستار جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی شده بوده است.

این زندانی سیاسی و برنده جایزه نوبل صلح در مطلبی که در «سوسایتی» منتشر شده با تأکید دوباره بر تبعیض جنسیتی علیه زنان در جمهوری اسلامی و ذکر مواردی از این تبعیض‌ها، سوالاتی را در اینباره با هفت بانوی شناخته شده در نقاط مختلف جهان مطرح کرده است.

نرگس محمدی با اشاره به قوانین تبعیض‌آمیز جمهوری اسلامی از جمله چندهمسری، حجاب اجباری، حق حضانت برای مردان و لزوم کسب اجازه همسر برای خروج از کشور، از بانوان جهان می‌خواهد که خود را در چنین شرایطی تصور کنند.

این فعال حقوق بشر همچنین از بانوان دعوت می‌کند تا تصور کنند اگر این قوانین بر زندگی آنها حاکم بود و آنان به این نابرابری‌ها، ظلم‌ها و سلطه بر زنان اعتراض می‌کردند، چه می‌شد؟

او از آنان می‌خواهد بیاندیشند که اگر به خاطر این اعتراضات بازداشت، به سلول انفرادی فرستاده و به حبس طولانی مدت محکوم می‌شدند، چه نوع حمایتی از جانب مردم در سراسر جهان می‌توانست از درد و رنجشان بکاهد و به آنان حس همبستگی و تنها نبودن در این مسیر دشوار را ببخشند؟

نرگس محمدی تأکید کرده آگاهی و حمایت بین‌المللی

→ اشاره می‌کند.

الکساندر لوکاشنکو می‌گوید در روابط بلاروس و ایران اولویت با «مسائل امنیتی» است



دیدار الکساندر لوکاشنکو با دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در مینسک / شهریور ۱۴۰۳

لوکاشنکو همچنین در این دیدار گفت: «در این وضعیت نظامی و سیاسی متشنج در غرب آسیا و در مرزهای بلاروس، در این منطقه از اروپا ما فقط به رایزنی نیاز نداریم، بلکه نیازمند اقدامات مشترک با کشور شما هستیم. ما در حال حرکت به سمت جهانی چندقطبی هستیم. این مسیری بسیار دشوار است. خوشبختانه، هم ایران و هم دیگر کشورها این موضوع را به خوبی درک می‌کنند.»

لوکاشنکو درباره روابط اقتصادی بلاروس با ایران گفت: «ما شاهد افزایش تعاملات تجاری میان دو کشور هستیم. مهم‌ترین چیز این است که نباید اجازه دهیم وضعیت روابط اقتصادی و تجاری ضعیف شود. چراکه این مبنای اقدامات و روابط ماست.»

وی افزود، «ضرورت دارد به طور جدی برای نشست‌ها در تمامی حوزه‌ها آماده شویم... تا جایی که می‌دانم، هیچ موضوع ممنوعه‌ای میان ما وجود ندارد.»

او افزود که سازمان‌هایی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای که بلاروس اخیراً به عضویت کامل آن درآمده، با جدیت، فعالیت‌های خود را شتاب بخشیده‌اند. لوکاشنکو گفت: «در این زمینه، مایلیم از حمایت بزرگ ایران هنگام پیوستنمان به بریکس تشکر کنیم.»

لوکاشنکو خطاب به احمدیان گفت: «لطف کنید و آرزوها و تریک مرا به رئیس‌جمهور، و سلام و تبریکات صمیمانه‌ام را به آقای خامنه‌ای رهبر ایران ابلاغ کنید.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی که برای شرکت در نشست اعضای «بریکس» به روسیه سفر کرده بود، بعد از دیدار با ولادیمیر پوتین از مسکو به مینسک رفت و با الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهوری بلاروس دیدار کرد.

در این دیدار که روز جمعه ۲۳ شهریورماه صورت گرفت، لوکاشنکو از مسعود پزشکیان دعوت کرد که به بلاروس برود. براساس گزارش خبرگزاری ایسنا، لوکاشنکو درباره روابط تهران-مینسک به علی‌اکبر احمدیان گفت: «ما با ایران در وضعیت یکسانی قرار داریم و از این بابت پشیمان نیستیم. آنها [غرب] تلاش می‌کنند در رسانه‌ها به ما افترا بزنند. ما با تجربه‌ایم و متوجه این موضوع هستیم؛ یک مقابله اطلاعاتی، حتی شاید با ابزارهای جنگ اطلاعاتی در جریان است. با این حال، ما در مقابل تحریم‌ها و دیگر فشارها ایستاده‌ایم.»

رئیس‌جمهوری بلاروس که از وی به عنوان آخرین دیکتاتور اروپا نام برده می‌شود در این دیدار عنوان کرد که «بلاروس همواره شریک قابل اعتماد ایران بوده است». او همچنین گفت: «در وضعیت دشواری که با وجود تقابل‌ها وجود دارد، مسائل امنیتی در اولویت قرار می‌گیرند.»

● علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی که برای شرکت در نشست اعضای «بریکس» به روسیه سفر کرده بود، بعد از دیدار با ولادیمیر پوتین از مسکو به مینسک رفت و با الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهوری بلاروس دیدار کرد.

● لوکاشنکو درباره روابط تهران-مینسک به علی‌اکبر احمدیان گفت: «ما با ایران در وضعیت یکسانی قرار داریم و از این بابت پشیمان نیستیم.»

● رئیس‌جمهوری بلاروس که از وی به عنوان آخرین دیکتاتور اروپا نام برده می‌شود در این دیدار عنوان کرد که «بلاروس همواره شریک قابل اعتماد ایران بوده است». او همچنین گفت: «در وضعیت دشواری که با وجود تقابل‌ها وجود دارد، مسائل امنیتی در اولویت قرار می‌گیرند.»

● لوکاشنکو خطاب به احمدیان گفت: «لطف کنید و آرزوها و تریک مرا به رئیس‌جمهور، و سلام و تبریکات صمیمانه‌ام را به آقای خامنه‌ای رهبر ایران ابلاغ کنید.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی که برای شرکت در نشست اعضای «بریکس» به روسیه سفر کرده بود، بعد از دیدار با ولادیمیر پوتین از مسکو به مینسک رفت و با الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهوری بلاروس دیدار کرد.

در این دیدار که روز جمعه ۲۳ شهریورماه صورت گرفت، لوکاشنکو از مسعود پزشکیان دعوت کرد که به بلاروس برود. براساس گزارش خبرگزاری ایسنا، لوکاشنکو درباره روابط تهران-مینسک به علی‌اکبر احمدیان گفت: «ما با ایران در وضعیت یکسانی قرار داریم و از این بابت پشیمان نیستیم. آنها [غرب] تلاش می‌کنند در رسانه‌ها به ما افترا بزنند. ما با تجربه‌ایم و متوجه این موضوع هستیم؛ یک مقابله اطلاعاتی، حتی شاید با ابزارهای جنگ اطلاعاتی در جریان است. با این حال، ما در مقابل تحریم‌ها و دیگر فشارها ایستاده‌ایم.»

رئیس‌جمهوری بلاروس که از وی به عنوان آخرین دیکتاتور اروپا نام برده می‌شود در این دیدار عنوان کرد که «بلاروس همواره شریک قابل اعتماد ایران بوده است». او همچنین گفت: «در وضعیت دشواری که با وجود تقابل‌ها وجود دارد، مسائل امنیتی در اولویت قرار می‌گیرند.»

وی در پاسخ به پرسش دیگر نرگس محمدی درباره موانع برقراری برابری زنان و مردان در جهان گفته: «زنان در سراسر جهان باید بدانند که دلیل اصلی تبعیضاتی که با آن مواجه هستند فرهنگ مردسالاری است.»

او افزوده که این فرهنگ مردسالارانه از هر ابزاری برای توجیه خود بهره می‌برد.

شیرین عبادی با ابراز این نظر، به اهمیت شناخت و مقابله با این ساختارهای فرهنگی تأکید می‌کند که مانع از رسیدن به برابری جنسیتی و انصاف اجتماعی می‌شوند. او به زنان در سراسر دنیا توصیه می‌کند که آگاه شوند و با توانمندسازی خود و اتحاد با یکدیگر، به مبارزه با این فرهنگ مردسالاری بپردازند، تا تغییراتی بنیادی و جامع در زمینه حقوق زنان و برابری جنسیتی را به وجود آورند.

او با اشاره به دو کشور ایران و افغانستان که در آنها «ظلم و تبعیض اغلب به نام اسلام انجام می‌شود» می‌گوید که «علت اصلی آن فرهنگ مردسالاری است.»

وی تأکید کرده «مهمترین وظیفه زنان، این است که منشأ تبعیض را ارزیابی کنند و بدانند که اولین قدم در این فرآیند، آگاهی و آموزش است.»

نرگس محمدی گفتگویی نیز با آنیس کلامار دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل داشته و در پرسش نخست خود از او پرسیده که چگونه جامعه بین‌المللی می‌تواند به مسئله آپارتاید جنسیتی، به ویژه در کشورهایی مانند ایران، رسیدگی کند در حالی که شاهد «سرکوب غیرقابل تصور» زنان و «واکنش ناکافی» جهان به این وضعیت هستیم؟

آنیس کلامار با اشاره به پیوستن این سازمان به درخواست‌های بانوان مبارز و پیشگام در ایران، افغانستان و فراتر از آن از جامعه بین‌المللی برای به رسمیت شناختن آپارتاید مبتنی بر جنسیت در قوانین بین‌المللی، بر اهمیت اقدامات جهانی در مقابله با آپارتاید جنسیتی تأکید کرد و مسئله تبعیض و سرکوب زنان به این «شکل زشت» از «تبعیض و ظلم نهادینه»، به ویژه در کشورهایی که از قوانین و فرهنگ‌های مردسالاری استفاده می‌کنند، را نیازمند توجه جامعه جهانی و فشارهای بین‌المللی برای تغییر دانست.

گفتگوی نرگس محمدی با آنیس کلامار نشان می‌دهد که مسئله حقوق زنان و تبعیض جنسیتی بطور جدی در دستور کار جامعه بین‌المللی قرار دارد و نیازمند اقدامات موثر و هماهنگ بین‌المللی برای تحقق عدالت و برابری است.

خانم کلامار از همه کشورها خواست تا به این درخواست توجه کنند تا «امکان تحقیق و تعقیب عاملان آپارتاید مبتنی بر جنسیت» تحقق پذیرد و مجازات کسانی که دست به چنین اعمالی می‌زنند باید امکان‌پذیر شود.

اولکساندرا ماتویچوک، وکیل حقوق بشر اوکراینی و برنده جایزه نوبل صلح در سال ۲۰۲۲، آن لولیه، فیزیکدان سرشناس فرانسوی-سوئدی و برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۲۰۲۳، جین گودال بریتانیایی، تاتیانا موکانیر باندالیر، فعال و هماهنگ کننده جنبش ملی بازماندگان خشونت جنسی در جمهوری دموکراتیک کنگو، پینار سلک، جامعه شناس، نویسنده و فعال از ترکیه و بنیانگذار انجمن آمارگی، که به ویژه به مبارزه با خشونت علیه زنان می‌پردازد، دیگر کسانی هستند که نرگس محمدی در مطلب خود در مجله سوسایتی پرسش‌هایی را با آنان مطرح کرده است.

گفتنی است، این ویژه‌نامه که به کریستف دولوآر دبیر کل فقید سازمان گزارشگران بدون مرز تقدیم شده به هفت روزنامه‌نگار زندانی دیگر هم مطالبی را اختصاص داده است. روزنامه‌نگارانی که از اریتره، بلاروس، کامرون، گواتمالا، هندوستان، هنگ کنگ و مصر هستند.

محدودیت ورود مقامات حکومت ایران به کانادا به دلیل نقض حقوق بشر گسترده‌تر شد

● وبسایت آژانس خدمات مرزی و امنیت عمومی کانادا، یکشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۵ شهریورماه) با انتشار قانون جدید دولت کانادا مبنی بر محدودیت ورود مقامات حکومت ایران به این کشور آن را واکنش به استمرار اقدامات فاحش جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر دانست.

● بر اساس این قانون، تمامی افرادی که از دوم تیرماه ۱۳۸۲ به بعد در حکومت ایران خدمت کرده باشند برای ورود به کانادا یا ادامه حضور در آن مشمول اقدامات اجرایی از قبیل رد درخواست ویزا یا اخراج می‌شوند.

● این تاریخ مرتبط با بازداشت زهرا (زیبا) کاظمی خبرنگار ایرانی-کانادایی در دوم تیرماه ۱۳۸۲ است. این روزنامه‌نگار در اثر شکنجه در زندان هنگام بازجویی به قتل رسید. کاظمی به دلیل عکاسی از اعضای خانواده دانشجویان بازداشت شده در مقابل زندان اوین، دستگیر و زندانی شده بود.

دولت کانادا منع ورود مقامات جمهوری اسلامی به این کشور را گسترش داده و اعلام کرده است که این اقدام «واکنش به استمرار اقدامات فاحش جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر» است.

بود. کانادا برای نخستین بار در سال ۲۰۲۲ مقامات جمهوری اسلامی را که از ۱۵ نوامبر سال ۲۰۱۹ (۲۴ آبان ۱۳۹۸) در حکومت نقش داشته‌اند، به دلیل تروریسم و نقض فاحش حقوق بشر از ورود به کانادا منع کرد.

دولت کانادا مبنای محدودیت جدید اعلام شده را «قانون مهاجرت و حمایت از پناهندگان» اعلام کرده و گفته است: «کانادا پناهگاه امن اعضای ارشد رژیم که دست به تروریسم و نقض سیستماتیک و فاحش حقوق بشر می‌زند نخواهد بود.»

در قسمتی از بیانیه مطبوعاتی دولت کانادا آمده است «مقامات جمهوری اسلامی علاوه بر ممنوعیت ورود به کانادا مشمول اقداماتی خواهند شد که ممکن است از وضعیت اقامت موقت یا دائم در کانادا محروم شوند.»

در یک سال گذشته شماری از مقامات سابق جمهوری اسلامی که در کانادا ساکن بودند از این کشور اخراج شدند. یکی از آنها مجید ایرافتنش مدیرکل سابق فناوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری است.

یکی دیگر از مسئولان نظام که موضوع اخراج وی از



تظاهرات ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در کانادا

کانادا مطرح شد، سید سلمان سامانی است اما هنوز تکلیف پرنده وی مشخص نیست.

همزمان اخراج ایرانی‌های متهم به همکاری با حکومت که در دوزدن تحریم‌ها دخالت داشتند نیز سرعت گرفت. روح‌الله فیروزانم یکی از آنهاست که به اتهام «مشارکت در جنایت علیه بشریت» محاکمه شد. وی برای نهادهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی لوازم الکترونیک و دوربین‌های نظارتی تهیه می‌کرد.

با فشار جامعه ایرانی مقیم کانادا و با فشارهای سیاسی حزب محافظه‌کار (حزب رقیب دولت لیبرال جاستین ترودو) برای اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی، دولت لیبرال در عوض تصمیم گرفت از طریق قوانین مهاجرت اقداماتی علیه جمهوری اسلامی انجام دهد.

وبسایت آژانس خدمات مرزی و امنیت عمومی کانادا، یکشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۵ شهریورماه) با انتشار قانون جدید دولت کانادا مبنی بر محدودیت ورود مقامات حکومت ایران به این کشور آن را واکنش به استمرار اقدامات فاحش جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر دانست.

● بر اساس این قانون، تمامی افرادی که از دوم تیرماه ۱۳۸۲ به بعد در حکومت ایران خدمت کرده باشند برای ورود به کانادا یا ادامه حضور در آن مشمول اقدامات اجرایی از قبیل رد درخواست ویزا یا اخراج می‌شوند.

● این تاریخ مرتبط با بازداشت زهرا (زیبا) کاظمی خبرنگار ایرانی-کانادایی در دوم تیرماه ۱۳۸۲ است. این روزنامه‌نگار در اثر شکنجه در زندان هنگام بازجویی به قتل رسید. کاظمی به دلیل عکاسی از اعضای خانواده دانشجویان بازداشت شده در مقابل زندان اوین، دستگیر و زندانی شده

جایگزینی مهاجران غالباً غیرمتخصص افغانستانی بجای نخبگان و نیروی کار متخصص مهاجر از ایران؟

● عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفته با توجه به گستردگی مهاجرت نخبگان، پزشکان و جوانان ایرانی به خارج کشور، برخی از مقامات بی‌علاقه نیستند که اتباع را جایگزین نخبگان و جوانان کنند.

● علی فرهادی سخنگوی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده که در برخی نقاط تعداد دانش‌آموزان اتباع بیش از ۲۰ درصد حد مجاز ثبت نام این دانش‌آموزان است.

● ابوالفضل ابوترابی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته پیش‌بینی می‌شود که حدود ۷ میلیارد دلار یارانه از یارانه کالا و خدمات به این مهاجران تعلق می‌گیرد.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید با توجه به گستردگی مهاجرت نخبگان، پزشکان و جوانان ایرانی به خارج کشور، برخی مقامات حکومتی علاقه دارند مهاجران افغانستانی را جایگزین نخبگان و جوانان ایرانی کنند. شمار مهاجران افغانستانی قانونی و غیرقانونی در ایران آنقدر زیاد است که «اتباع قانونی» ۲۰ درصد از ظرفیت‌های کلاس‌های درس در سال جدید تحصیلی را از آن خود کرده و یارانه‌ای بالغ بر هفت میلیارد دلار برای مهاجران افغانستانی هزینه می‌شود!

بی‌سامانی میلیون‌ها مهاجر افغانستانی که طی سه سال و نیم گذشته و پس از استقرار طالبان در قدرت و تشکیل دولت اسلامی افغانستان راهی ایران شده‌اند، هر روز ابعاد جدیدتری پیدا می‌کند؛ ابعادی که هشدارهای کارشناسان را در پی داشته و همچنان با بی‌تدبیری مقامات حکومتی روبروست.

احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در رابطه با وضعیت ساماندهی مهاجران افغانستانی در ایران گفته «سناریوهایی در خصوص حجم مهاجرین در ایران شنیده می‌شود که یکی از این سناریوها این است که با توجه به گستردگی مهاجرت نخبگان، پزشکان و جوانان ایرانی به خارج از کشور، برخی از مقامات ما بی‌علاقه نیستند که اتباع را جایگزین نخبگان و جوانان ما کنند.»

این نماینده مجلس با انتقاد از این موضوع که نمی‌توان مهاجرین را جایگزین متخصصین کشور کرد، گفته «شاید با اتباع افغانستانی بتوان جمعیتی را یکسان کرد اما از لحاظ تخصص قابل مقایسه نیستند.»

او با اشاره به نظر مثبت برخی مقامات که به دنبال جایگزین کردن نیروی انسانی غالباً غیرمتخصص مهاجران افغانستانی با نیروهای انسانی دانش‌آموخته و ←



خواهند بود و تأکید کرده «آمار اتباع خارجی غیرمجاز در کشور مشخص شده، اما باید این آمار نهایی را سازمان اتباع وزارت کشور اعلام کند.»

محمد صالح جوکار رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی اعلام کرده «طرح اصلاح قانون مربوط به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران» تا پایان امسال تعیین تکلیف و تبدیل به قانون خواهد شد.

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی افزوده «درباره کفالت اتباع خارجی، باید کسی که به نیروی کار نیاز دارد مسائل امنیتی، اجتماعی، آموزشی و بهداشتی اتباع را در زمان به کارگیری بر عهده گیرد.»

اشتغال اتباع افغانستانی بدون قرارداد و با حقوق‌هایی کمتر از رقم رسمی حداقل دستمزد یکی از مواردی است که به شدت از سوی کارگران ایرانی مورد انتقاد قرار گرفته است. آنها می‌گویند کارفرمایان بدون قرارداد و بدون پرداخت مزایای شغلی، اتباع افغانستانی را استخدام می‌کنند و به این ترتیب فرصت‌های کاری برای نیروی کار ایرانی کاهش پیدا می‌کند.

اکنون به گفته محمد صالح جوکار در بخشی از طرح جدید مجلس شورای اسلامی آمده که اتباع خارجی باید کفیل ایرانی داشته باشند که این کفیل می‌تواند کارفرمای او باشد که مسائل این افراد را حل کند و همچنین مسئولیت‌های قانونی مربوط به کارفرما و کفیل را انجام دهد.

همچنین در این طرح آمده هر فردی که با «علم و اطلاع» اتباع بیگانه غیرمجاز را که «وارد کشور شده یا در آن اقامت گزیده‌اند» به کار بگیرد علاوه بر مجازات‌های مقرر به ازای هر نفر تبعه بیگانه نیز به حداکثر جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود.

از سوی دیگر بر اساس این طرح، دستگاه‌های اجرایی از قبیل وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه آنها و شهرداری‌ها موظفند هزینه تمام شده خدمات ارائه شده به اتباع بیگانه را اخذ نمایند. در خصوص خدمات ارائه شده در شهرستان‌ها، تعیین قیمت تمام شده خدمات ارائه شده به اتباع خارجی توسط کمیته برنامه‌ریزی شهرستان در ابتدای هر سال تعیین و توسط نهادهای مربوطه اخذ می‌شود.

مشاوران املاک نیز موظف هستند در تنظیم قراردادی که یکی از طرفین آن اتباع خارجی باشد «اسناد اقامتی تبعه بیگانه را احراز نمایند» و در صورت «عدم احراز یا عدم ثبت قرارداد» در سامانه معاملات املاک و مستغلات کشور، به «جزای نقدی درجه پنج» محکوم می‌شود.

مرزی مخصوصاً مرزهای شرقی ناامنی وجود دارد. و ناامنی وارد کشور می‌شود. طرح انسداد مرزی آغاز شده است ولی باید سرعت داده شود.»

او همچنین گفت «امیدوارم منابع لازم برای این طرح پیش‌بینی شود. بخشی از طرح انسداد مرزی، دیوارکشی است و بخشی از آن با کنترل‌های راداری، اپتیکی، الکترونیکی انجام شود و بخشی هم سیم خاردار است ولی وقتی این انسداد انجام می‌شود که کل مرزها یکپارچه پوشش داده شود تا به این اطمینان برسیم که امکان تردد غیرمجاز از مرزها وجود ندارد.»

وزیر کشور جمهوری اسلامی همچنین به در دست نبودن آمار دقیق اشاره کرد و گفت «الان آمارهای مختلفی از تعداد اتباع خارجی مطرح می‌شود که قرار است پیمایشی انجام شده و آمار قابل اطمینان به دست آید.»

او همچنین گفت «قرار نیست یک دفعه تصمیمات سخت بگیریم، اما تسریع داده می‌شود. اولویت با آنهاست که غیرقانونی و غیرمجاز وارد می‌شوند. در همه دنیا همین است و مهاجران باید به ساز و کار کشور میزبان احترام بگذارند.»

سردار اسکندر مومنی تأکید کرد که «این حجم از مهاجر دیگر برای کشور قابل تحمل نیست و فرصت‌های شغلی زیادی گرفته می‌شود. از افغانستانی‌ها انتظار داریم به کشور خود بروند و آنجا را بسازند.»

این سخنان از سوی وزیر کشور جمهوری اسلامی چند روز پس از آن مطرح شده که طرح ساماندهی اتباع خارجی با عنوان «طرح اصلاح قانون مربوط به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران» در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است که در صورت تصویب وزارت کشور جمهوری اسلامی یک ماه فرصت خواهد داشت که نسبت به برخورد قانونی «با کلیه اتباع غیرمجاز ساکن در ایران و طرد آنها به کشور متبوع خود اقدام نماید.»

هرچند این طرح هنوز در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته و به رأی گذاشته نشده اما در آسوی به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی برای خارج کردن افغانستانی‌هایی که به صورت غیرقانونی در ایران حضور دارند انجام شده و به اجرا گذاشته شده است.

در همین رابطه سردار احمدرضا رادان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی وعده بازگرداندن دو میلیون افغانستانی به افغانستان را تا پایان سال داده است.

رادان گفته این دو میلیون نفر شامل «اتباع غیرقانونی»

نخه‌ی مهاجرت کرده از کشور، گفته برخی مسئولان فکر می‌کنند این مهاجران «چون این افراد از لحاظ سطح تحصیل، پایین تر هستند، می‌توانند پیرو باشند.» او توضیح نداده که این مهاجران دقیقاً قرار است «پیرو» چه چیزی باشند اما به نظر می‌رسد منظور او مسائل امنیتی و نداشتن پتانسیل اعتراضی که در میان مردم ایران و از جمله جوانان و نخبگان وجود دارد، با مهاجران افغانستانی بوده است.

احمد بخشایش گفته «با توجه به اینکه افغانستان هم جزو ایران بوده لذا شاید عده‌ای این تحلیل را خطاب به جوانانی که مهاجرت کردند، عنوان کنند که قرار است این مهاجرین جایگزین شما شوند اما ما این سناریو را نمی‌پذیریم چرا که تمام دنیا افراد با کیفیت و متخصص را به عنوان مهاجر می‌پذیرند.»

او همچنین گفته «ما باید اتباع را ساماندهی کنیم و اجازه ندهیم هر کسی وارد کشور شود؛ اما این را هم نباید فراموش کرد که یکسری کارها در ایران مثل کارگری بیشتر توسط اتباع انجام می‌شود و ایرانیان خصوصاً جوانان، آنها را انجام نمی‌دهند؛ بنابراین اگر کلاً جلوی مهاجرت اتباع افغانستانی را هم بگیریم در تأمین نیرو در این بخش‌ها با مشکل مواجه خواهیم شد.»

بخشی از مهاجران افغانستانی به صورت قانونی وارد ایران شده و بخش قابل توجهی نیز به صورت غیرقانونی از مرزها عبور کرده و در نقاط مختلف ایران ساکن شده‌اند. جمهوری اسلامی بیش از سه سال مرزهای کشور را رها کرده بود و اکنون نه تنها آماری از تعداد دقیق مهاجران حاضر در کشور ندارد بلکه حتی آندسته از مهاجران که به صورت قانونی به ایران وارد شدند نیز به درستی ساماندهی نشده‌اند.

حضور تعداد بالای مهاجران افغانستانی در بخش‌هایی مانند مسکن، اشتغال و آموزش اختلالاتی شدید ایجاد کرده و همچنین بخش قابل توجهی از یارانه‌های دولتی برای کالاها و خدمات نیز به این مهاجران تعلق می‌گیرد بدون اینکه مشارکت فعال و رسمی اقتصادی در ایران داشته باشند. برای نمونه در حالی که ساختار آموزش و پرورش ایران با مشکلاتی جدی روبروست و کلاس‌های درس کنونی پاسخگوی شمار دانش‌آموزان ایرانی نیست اما حدود یک پنجم نیمکت‌های مدارس توسط دانش‌آموزان افغانستانی اشغال شده است.

علی‌فراهی سخنگوی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده که در برخی نقاط تعداد دانش‌آموزان اتباع بیش از ۲۰ درصد حد مجاز ثبت نام این دانش‌آموزان است.

ابوالفضل ابوترابی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی با در نظر گرفتن جمعیت شش تا هفت میلیونی مهاجران افغانستانی گفته پیش‌بینی می‌شود که حدود ۷ میلیارد دلار یارانه از یارانه کالا و خدمات به این مهاجران تعلق می‌گیرد.

او همچنین گفته مهاجران سالانه ۷ میلیارد دلار پول از بابت درآمد در ایران اخذ کرده‌اند که بجای وارد کردن در اقتصاد کشور، به خارج از ایران ارسال می‌کنند.

هفته گذشته سردار اسکندر مومنی وزیر کشور جمهوری اسلامی در سخنانی درباره مهاجران افغانستانی گفت: «آنها اشتراکات زیادی با ما دارند که رنج‌های زیادی دیده‌اند و چند بار در کشور آنها جنگ رخ داده است. آنها افراد با فرهنگ هستند ولی کشور ما توان پذیرش آنقدر مهاجر را ندارد. این حجم از ورود مهاجران افغان تحمل‌اش برای کشور ما سخت است.»

وزیر کشور دولت چهاردهم افزود «در برخی مناطق

دو عملیات فنی - امنیتی اسرائیل علیه حزب الله لبنان؛ اسرائیل از سال ۱۹۶۷ از برتری تکنولوژی برخوردار است



یک پیجر منفجرشده / لبنان/ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴ / رویترز

پیشرفت است. اما در مقابل حزب الله لبنان نیز مانند رژیم ایران، قدرت خود را در تمایل برای قربانی کردن اعضایش و البته خریدن افراد ارزان قیمت از لبنان، عراق، افغانستان و یمن می بیند و دل خود را به اقتباس از سلاح های کپی شده از موشک های روسیه و چین و نامیدن آنها با اسامی مانند «شاهد»، «فاتح»، «القسام» و «زلزال» خوش می کند. حزب الله لبنان نیز مانند گروه القاعده بر شجاعت و آمادگی ایدئولوژیک برای فداکاری متکی است. این استراتژی حتی برای جنگ های باستانی نیز مناسب نبود! یکی از تحلیلگران درباره شوک و خسارات انسانی عظیم در صفوف حزب الله لبنان در نتیجه انفجار پیجرها توسط اطلاعات اسرائیل می گوید: «شما نمی توانید با فناوری پیشرفته با ابزار ایدئولوژی مبارزه کنید!» البته درباره ایدئولوژی همه ی کشته شدگان از هر دو طرف، حزب الله و اسرائیل، هر دو، معتقدند که به بهشت می روند، اما مهمترین چیز در جنگ ها این است که چه کسی برنده جنگ می شود!

به نظر می رسد این جنگ ها بدون نتیجه قطعی برای مدت زیادی ادامه خواهند داشت زیرا یک طرف یعنی اسرائیل برای توسعه توانایی های خود سخت تلاش می کند و از جنگ با مخالفان خود به عنوان میدانی برای آزمایش فناوری های خود سود می برد و طرف دیگر یعنی حزب الله لبنان غرق در امور ماوراء طبیعی است و هیچ ارزشی برای جان انسان هایی که در صفوف خود از دست می دهد قائل نیست.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

برابر شده و ایده تغییر این معادله با نیروی مسلح اگر ساده لوحانه نباشد، تقریباً غیرممکن شده است. در طول تاریخ نیز فناوری نقش تعیین کننده در جنگ ها و برتری یک امپراتوری بر امپراتوری دیگر داشته است. مغول ها کمان های مرکب را طراحی کردند که به سوارکار جنگجو اجازه می داد سوار بر اسب تیرهای خود را با دقت و بدون توقف شلیک کند و مغول ها را قادر ساخت تا نیمی از جهان آن دوران را با سرعتی بی سابقه فتح کنند. پس از اختراع سلاح های آتش زار، اعراب با استفاده از آنها توانستند قاره ها را درنوردند و پس از اختراع توپ های گول پیکر بود که عثمانی ها این امکان را یافتند تا قلعه های تسخیرناپذیری مانند قسطنطنیه را ویران کنند. بریتانیا، آن جزیره کوچک و دورافتاده، با استفاده از فناوری توپ ها در کشتی هایی که قلعه ها را در دریا ویران می کردند، جهان را فتح کرد و با کشتی های زرهی و راه آهن بود که توانست حمل و نقل تدارکات و سربازان را تسریع کند.

در این میان، هب هسته ای را فراموش نکنیم که پیروزی جنگ جهانی دوم را برای ایالات متحده و متفقین رقم زد و هنوز هم این برتری به آنها تعلق دارد. تعالی و پیشرفت دانش همواره رمز پیروزی های بشریت بوده و توسعه ماشین های جنگی نتیجه توسعه نهادها و جوامع است.

آنچه اسرائیل را برتر می سازد، علاقه اش به خلاقیت ذهن در زمینه فناوری [برای حفاظت از موجودیت خود] است که تا امروز در صلح و جنگ به آن پیروزی مستمر بخشیده و با وجود کوچک بودن بازاریابی در اقتصاد در این زمینه از دیگران متمایز است. این کشور در زمینه های امنیت سایبری، تولید نظامی، هوش مصنوعی، وسایل نقلیه الکتریکی، فناوری پزشکی و فناوری آبیاری و کشاورزی مرتب در حال

● ما در جنگ تکنولوژی بسر می بریم و نه شجاعت! مفهوم نبردهای کنونی، درگیری «تمدنی» است نه تاریخی! تلفن و سایر وسایل ارتباطی، کامپیوتر، تلویزیون، اتومبیل های الکتریکی و پهپادها همه اینها سلاح های بالقوه هستند که می توانند در این جنگ به کار گرفته شوند.

● آنچه اسرائیل را برتر می سازد، علاقه اش به خلاقیت ذهن در زمینه فناوری [برای حفاظت از موجودیت خود] است که تا امروز در صلح و جنگ به آن پیروزی مستمر بخشیده و با وجود کوچک بودن بازاریابی در اقتصاد در این زمینه از دیگران متمایز است. این کشور در زمینه های امنیت سایبری، تولید نظامی، هوش مصنوعی، وسایل نقلیه الکتریکی، فناوری پزشکی و فناوری آبیاری و کشاورزی مرتب در حال پیشرفت است.

● اما در مقابل حزب الله لبنان نیز مانند رژیم ایران، قدرت خود را در تمایل برای قربانی کردن اعضایش و البته خریدن افراد ارزان قیمت از لبنان، عراق، افغانستان و یمن می بیند و دل خود را به اقتباس از سلاح های کپی شده از موشک های روسیه و چین و نامیدن آنها با اسامی مانند «شاهد»، «فاتح»، «القسام» و «زلزال» خوش می کند.

عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط) - وقتی از جمال عبدالناصر رئیس جمهوری فقید مصر پرسیده شد که چرا در جنگ ۱۹۶۷ شکست خوردی، او گفت: «اسرائیل بر ما برتری هوایی دارد و به همین دلیل بود که همزمان با همه ما، مصر، سوریه و اردن، می جنگید». و وقتی روزنامه نگار گفت، اما مصر نیز ناوگان بزرگی از هواپیماهای جنگی دارد، عبدالناصر پاسخ داد: «آنها از مصر خلبانان بیشتری دارند، برای هر جنگنده سه خلبان اسرائیلی وجود دارد، یعنی روزی چند بار می توانند با یک جنگنده بجنگند».

استدلال رئیس جمهوری مصر تا حدودی درست بود. اما برتری اسرائیل تنها بر داشتن هواپیماهای پیشرفته محدود نمی شد، بلکه توسعه کل تشکیلات نظامی اسرائیل و مؤسساتی که از آن حمایت می کردند، مبتنی بر برنامه های پیشرفته بود که به صورت مرحله ای عمل می کردند.

بیش از چهار هزار نفر در دو عملیات فنی و کیفی اسرائیل علیه حزب الله لبنان که با استفاده از منفجر کردن پیجرهای دریافت پیام و دستگاه های بیسیم کشته و زخمی شدند.

ما در جنگ تکنولوژی بسر می بریم و نه شجاعت! مفهوم نبردهای کنونی، درگیری «تمدنی» است نه تاریخی! تلفن و سایر وسایل ارتباطی، کامپیوتر، تلویزیون، اتومبیل های الکتریکی و پهپادها همه اینها سلاح های بالقوه هستند که می توانند در این جنگ به کار گرفته شوند.

یک اتومبیل برقی مانند «تسلا» مجهز به هشت دوربین است. یک هکر می تواند هر آنچه را در داخل و خارج آن است تحت نظر داشته باشد و حتی می تواند آن را از یک کشور دور «هک» کند و به کنترل درآورد و آن را به یک سلاح تبدیل سازد.

استفاده از بیسیم و پیجر به عنوان سلاح های کشتار، فاصله ی رویارویی مستقیم را افزایش می دهد و پیروزی از طریق درگیری در جنگهای نظامی را غیرممکن می کند.

عبدالناصر بیش از نیم قرن پیش از برتری فنی و تکنولوژی اسرائیل دلخور بود. امروز سطح و فاصله برتری اسرائیل دو

ده‌ها زخمی در انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌ها و لوازم الکترونیک اعضای حزب‌الله در دومین روز متوالی



بیمارستان‌های بیروت پر از نیروهای زخمی حزب‌الله شده است

می‌گویند ده‌ها نفر را دیده‌اند که زخمی شده‌اند و یا با آمبولانس در حال انتقال به بیمارستان‌ها بوده‌اند. ویدیوهایی در شبکه‌های اجتماعی از وضعیت بیروت و چند شهر دیگر به اشتراک گذاشته که نشان می‌دهد چند مرکز وابسته به حزب‌الله، تعدادی خانه و ماشین در اثر انفجار دچار آتش‌سوزی شده‌اند.

بعضی از بیسیم‌ها در مراسم تشییع جنازه نیروهایی منفجر شد که روز قبل در انفجار زنجیره‌ای کشته شده بودند. گفته می‌شود پیچرها ساخت شرکت تایوانی «گولد آپولو» (Gold Apollo) بوده اما روز چهارشنبه ۲۸ شهریورماه مدیران این شرکت اعلام کردند پیچرهای منفجرشده در لبنان توسط شرکت Back Consulting KFT در مجارستان ساخته شده و آنها مسئول این اتفاقات هستند.

پایگاه خبری «المانیاتور» گزارش داد در روزهای اخیر دو نفر از نیروهای حزب‌الله به پیچرهای جدید مشکوک شده بودند که این مطلب موجب نگرانی مقامات اسرائیلی شده بود. همچنین شایعه شده که تعدادی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در انفجارهای اول کشته و زخمی شدند اما علی‌محمد نائینی سخنگوی سپاه پاسداران به «تسنیم» گفته است: «خبرسازی برخی رسانه‌ها مبنی بر شهادت اعضای سپاه پاسداران در لبنان در ماجرای حمله تروریستی با پیچرها کذب است.»

مسعود پزشکیان صبح روز چهارشنبه در واکنش به دور اول انفجارها چنین رخدادی را «ماه شرمساری کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا» دانست که «از هیچ امکانی برای پیشبرد اهداف غیرانسانی خود فروگذار نمی‌کنند.» در انفجارهای نخست، دست‌کم ۱۱ نفر کشته و بیش از ۲۸۰۰ نفر زخمی شدند. یکی از زخمی‌ها مجتبی امانی سفیر جمهوری اسلامی در بیروت است که برخی منابع ادعا کرده‌اند چشم وی به شدت آسیب دیده است.

خبرنگار خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از بیروت گزارش داد که «چندین انفجار در داخل منازل و دفاتر اداری در بیروت و سایر مناطق لبنان رخ داده که ناشی از انفجار تجهیزات الکترونیکی بوده است.» بیشتر این انفجارها در منطقه «ضاحیه» رخ داده که



عمدتاً طرفداران حزب‌الله در آنجا ساکن هستند. هاشم صفی‌الدین رئیس شورای اجرایی حزب‌الله با اشاره به انفجارهای همزمان پیچرها در لبنان تهدید کرد، «مقاومت اسلامی لبنان با الگوی جدیدی با دشمن صهیونیستی مواجه خواهد شد.» تا زمان تنظیم این گزارش تعداد دقیقی تا تقریبی تلفات احتمالی این انفجارها مشخص نیست اما منابع محلی

● در لبنان عصر چهارشنبه ۱۸ سپتامبر (۲۸ شهریورماه) برای دومین روز پیاپی بیسیم، پیچر و لوازم الکترونیک ده‌ها نفر از اعضای حزب‌الله لبنان منفجر شدند.

-آنطور که از شواهد پیداست انفجارهای روز دوم شدیدتر از انفجارهای روز نخست بود زیرا بر اساس ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، شدت انفجارها حتا باعث آتش‌سوزی در بعضی مراکز وابسته به حزب‌الله و منازل و پایگاه‌های آنها شده است.

● خبرنگار خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از بیروت گزارش داد که «چندین انفجار در داخل منازل و دفاتر اداری در بیروت و سایر مناطق لبنان رخ داده که ناشی از انفجار تجهیزات الکترونیکی بوده است.»

● بیشتر این انفجارها در منطقه «ضاحیه» رخ داده که عمدتاً طرفداران حزب‌الله در آنجا ساکن هستند.

-هاشم صفی‌الدین رئیس شورای اجرایی حزب‌الله با اشاره به انفجارهای همزمان پیچرها در لبنان تهدید کرد، «مقاومت اسلامی لبنان با الگوی جدیدی با دشمن صهیونیستی مواجه خواهد شد.»

● همچنین شایعه شده است که تعدادی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در انفجارهای اول کشته و زخمی شدند اما علی‌محمد نائینی سخنگوی سپاه به «تسنیم» گفته است: «خبرسازی برخی رسانه‌ها مبنی بر شهادت اعضای سپاه پاسداران در لبنان در ماجرای حمله تروریستی با پیچرها کذب است.»

در لبنان عصر چهارشنبه ۱۸ سپتامبر (۲۸ شهریورماه) برای



دومین روز پیاپی بیسیم، پیچر و لوازم الکترونیک ده‌ها نفر از اعضای حزب‌الله لبنان منفجر شدند.

آنطور که از شواهد پیداست انفجارهای روز دوم شدیدتر از انفجارهای روز نخست بود زیرا بر اساس ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، شدت انفجارها حتا باعث آتش‌سوزی در بعضی مراکز وابسته به حزب‌الله و منازل و پایگاه‌های آنها شده است.

پدیده «کنشگران واسطین ازدواج»؛ ۲۰۰ هزار تومان بده، همسر «همسان سازی شده» بگیر!



● برای ثبت نام در این مراکز ۱۵۰ هزار تومان از هر فرد و به ازای معرفی با هوش مصنوعی یا سنتی هر فرد همسان برای ازدواج نیز ۵۰ هزار تومان دریافت می شود.

● دبیر شورای بررسی صلاحیت مراکز همسان‌گزینی گفته مردم به این مراکز اعتماد ندارند و نگرانند «در دام ازدواج» افتاده یا اطلاعات فردی و خصوصی آنها مورد سوء استفاده قرار بگیرد!

● شیوه فعالیت مراکز همسان‌گزینی الگوبرداری شده از وبسایت‌های دوست‌یابی در دیگر کشورها است که فعالیت آنها در ایران از سوی جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است.

«مراکز همسان‌گزینی» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی از جدیدترین اقدامات جمهوری اسلامی هستند که با مجوز دولت فعال شده‌اند تا بخشی از سیاست «افزایش جمعیت» را پیش ببرند. برای ثبت نام در این مراکز ۱۵۰ هزار تومان از هر فرد و به ازای معرفی با هوش مصنوعی یا سنتی هر فرد همسان برای ازدواج نیز ۵۰ هزار تومان دریافت می شود. همچنین دلالاتی تحت عنوان «کنشگران واسطین ازدواج» در این مراکز فعال شده‌اند تا در پیدا کردن مورد مناسب ازدواج، متقاضیان را هدایت کنند!

در حالی که از سال‌ها پیش گزارش‌هایی از فعالیت افراد حکومتی در رابطه با معرفی زنان برای «صبغه» و «ازدواج موقت» منتشر شده بود، اکنون مراکزی تحت عنوان «مراکز همسان‌گزینی» زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی و با مجوز دولت راه‌اندازی شده‌اند تا متقاضیان «ازدواج دائم» را به یکدیگر معرفی کند. همچنین عده‌ای دلال نیز با عنوان «کنشگران واسطین ازدواج» در این مراکز فعالیت می کنند. بر اساس اعلام محمد مرّاور دبیر شورای بررسی صلاحیت مراکز همسان‌گزینی سازمان تبلیغات اسلامی، در حال حاضر ۱۷۴ مرکز همسان‌گزینی در سطح کشور فعالیت می کنند؛ خط قرمز این مراکز «ازدواج موقت و صبغه» عنوان شده است.

محمد مرّاور گفته بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس درخصوص عوامل افزایش سن ازدواج جوانان نشان می دهد که مهم‌ترین عامل فرهنگی در تأخیر در ازدواج جوانان، پیدا نکردن همسر مناسب است و شاید همین موضوع به دلیل کم‌رنگ شدن واسطه‌گران ازدواج باشد.

او در ادامه افزوده در پی نتایج گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تصویب «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در سال ۱۴۰۰، برای ترویج و تسهیل در امر ازدواج، سازمان تبلیغات اسلامی مکلف شد تا «از طریق مؤسسات فرهنگی، مساجد و روحانیون و دیگر ظرفیت‌های مردمی به توسعه فرهنگ واسطه‌گری در امر انتخاب همسر، با محوریت و مشارکت خانواده‌ها و رعایت موازین قانونی و شرعی بپردازد».

همچنین بر اساس این قانون، وزارت ورزش و جوانان هم با تأیید سازمان تبلیغات اسلامی مجوز مراکز فعال در امر انتخاب همسر را صادر کند. به گفته دبیر شورای بررسی صلاحیت مراکز همسان‌گزینی سازمان تبلیغات اسلامی، پیگیری ازدواج موقت در مراکز همسان‌گزینی زیر چتر قانون، خط قرمز سازمان تبلیغات اسلامی است و اگر کنشگری در مرکز همسان‌گزینی اقدام به این امر کند مجوز

سوالات شامل سوالات شخصی، خانوادگی، وضعیت شغلی و تحصیلی و اجتماعی و علاقه‌مندی‌ها و... مطرح شده هم برای دختران و هم برای پسران مشترک است. این ۲۰ درصد باقی‌مانده نیز به دلیل بافت فرهنگی و اجتماعی هر مرکز استان و شهرستان‌های مختلف، متفاوت است. در مرحله دوم نیز فرمی درخصوص علاقه‌مندی‌ها مبنی بر اینکه افراد به دنبال چه فرد با چه نوع مشخصات و علایقی هستند، وضعیت اجتماعی، سطح درآمد و... آنها چیست باید توسط مراجعه‌کننده تکمیل شود. در نهایت براساس این پرسشنامه‌های تکمیلی، یکسری تست‌های روانشناسی نیز در صورت تشخیص مرکز برای افراد انجام می شود.

او افزوده که «در این زمان هیچ ارتباط مستقیمی میان طرفین صورت نمی گیرد، بلکه کنشگر ورود کرده و به خانم یا آقا اعلام می شود که برای شما یک کیس پیدا شده است. در صورت تمایل طرفین، یک جلسه مشترک با حضور کنشگر مرکز (فرد صاحب تجربه و آموزش دیده) و نماینده مرکز برگزار می شود. معمولاً ۲ تا ۵ جلسه آشنایی حسب تشخیص مرکز برگزار می شود تا در صورت بروز اختلاف، آن را به حداقل برسانند. پس از آن کنشگران براساس تجربه و توانایی، اگر به این نتیجه رسیدند که طرفین مورد مناسبی برای ازدواج با یکدیگر هستند، خانواده‌هایشان را از موضوع مطلع خواهند کرد.»

در چنین شرایطی به نظر می رسد این مراکز دختران و پسران را بدون اطلاع خانواده‌ها به یکدیگر معرفی و با هم آشنا می کند.

این مراکز اگرچه بر اساس «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» راه‌اندازی شده و اجرای این قانون نیز از بودجه عمومی کشور سهم دارد، اما این مراکز از متقاضیان نیز وجوهی را دریافت می کنند. به گفته محمد ←

او ابطال و مدیر مرکز بازخواست خواهد شد چراکه ماده ۳۷ پوشش‌دهنده واسطه‌گری ازدواج موقت نیست و یکی از دلایل این قانون ساماندهی کنشگران است تا افرادی که به دنبال واسطه‌گری در امر ازدواج موقت هستند از این گردونه خارج شوند.

نکته قابل توجه اینکه محمد مرّاور اعتراف کرده که مردم به این مراکز اعتماد ندارند و نگرانند «در دام ازدواج» افتاده یا اطلاعات فردی و خصوصی آنها مورد سوءاستفاده قرار بگیرد!

او همچنین مدعی شده که سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت ورزش و جوانان با انجام تبلیغات صحیح به دنبال گسترش و معرفی مراکز همسان‌گزینی هستند

از سوی دیگر بر اساس توضیحات دبیر شورای بررسی صلاحیت مراکز همسان‌گزینی برخی از مراکز به صورت بین‌المللی نیز فعالیت دارند و مواردی از کشورهای خارجی را به متقاضیان معرفی می کنند!

او گفته «مراکزی که به صورت آنلاین فعالیت می کنند باید همانند مراکز سنتی، حتما دارای فضای فیزیکی نیز باشند. برخی از مراکزی که به صورت آنلاین فعالیت می کنند، به دلیل گسترش فعالیت‌شان در سطح بین‌المللی، از کشورهای خارجی نیز برای معرفی کیس ازدواج متقاضی دارند.»

توضیحات محمد مرّاور نشان می دهد شیوه فعالیت این مراکز الگوبرداری شده از وبسایت‌های دوست‌یابی در دیگر کشورها است که فعالیت آنها در ایران از سوی جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است.

او توضیح داده که «در مرحله اول متقاضیان درخواست خود را به صورت آنلاین یا حضوری ثبت می کنند. پس از آن، فرد برای احراز هویت (هویت شخصی و...) باید یکسری پرسشنامه را تکمیل کند که البته باتوجه به عدم اعمال وحدت رویه در همه مراکز، ۸۰ درصد محتوای

بهاره هدایت: دختران امروز ایران نه رام شدنی هستند و نه چیزی را به آسانی می‌پذیرند



بهاره هدایت

● «این روزها دخترهای ایرانی حاضرند بپایند اما حجاب نداشته باشند.»

● به گفته‌ی بهاره هدایت، برای عاملان این خیزش حجاب اجباری به هیچ وجه جانی نیست. بلکه مسئله‌ی اصلی و کانونی است و به شدت به مبارزه با رژیم ملاحا پیوند خورده است. دختران امروز مبارزه علیه حجاب اجباری را به مبارزه‌ی خود علیه ساختار جمهوری اسلامی گره زده‌اند و این دو مبارزه را مانند دوقلوهای بهم چسبیده از یکدیگر جدا نمی‌دانند.

بهاره هدایت، فعال سیاسی و مدافع حقوق زنان که هفت بار توسط رژیم اسلامی ایران زندانی شده در گفتگو با روزنامه فرانسوی «فیگارو» به مناسبت دومین سالگرد خیزش ملی مهسا و شعار «زن، زندگی، آزادی» گفته: «پس از مرگ مهسا امینی که آغازگر این خیزش بود، مبارزه علیه حجاب اجباری و رژیم اسلامی در ایران از یکدیگر غیرقابل تفکیک شده‌اند و در نتیجه‌ی سرکوب‌های جمهوری اسلامی، خواست‌ها و نسل جدیدی که در حال آمدن است به مراتب رادیکال‌تر و مصمم‌تر از نسل امروز خواهند بود.»

بهاره هدایت در این مصاحبه شهادت و اعتماد به نفس بی‌نظیر نسل کنونی زنان و دختران جوان ایران را باورنکردنی و ستودنی خوانده و افزوده: «دختران امروز ایران نه رام‌شدنی هستند و نه چیزی را به آسانی می‌پذیرند.» به گفته‌ی این فعال سیاسی، «نسل کنونی دختران ایران از هیچ سرمشق سیاسی پیروی نمی‌کند. هیچ اقتداری را به رسمیت نمی‌شناسد و هر چیز ناخوشایندی را به کلی طرد می‌کند.»

نسل کنونی به نظر او هیچ شباهتی به نسل پیشین فعالان حقوق زنان و به اصطلاح روشنفکران ندارد که حتی قادر نبودند بر سر نفی حجاب اجباری با یکدیگر به توافق برسند و بعضاً آن را مسئله‌ای ثانوی و منحصر به طبقات متوسط یا بورژوا می‌دانستند.

به عقیده‌ی وی، خیزش «زن، زندگی، آزادی» این تلقی باطل را پشت سر نهاده است. برای عاملان این خیزش حجاب اجباری به هیچ وجه جانی نیست. بلکه مسئله‌ی اصلی و کانونی است و به شدت به مبارزه با رژیم ملاحا پیوند خورده است. دختران امروز مبارزه علیه حجاب اجباری را به مبارزه‌ی خود علیه ساختار جمهوری اسلامی گره زده‌اند و این دو مبارزه را مانند دوقلوهای بهم چسبیده از یکدیگر جدا نمی‌دانند.

بهاره هدایت سپس تأکید کرده: «زنان ایران با مجموعه‌ای از ممنوعیت‌ها و اجبارهای مرتبط با قوانین ارتجاعی روبرو هستند، نظیر قانون شهادت زنان در دادگاه، مسئله سرپرستی کودکان، دیه و دیگر قوانین قصاص». اما، به گفته‌ی او، ابزار اصلی این سرکوب‌ها حجاب اسلامی است. با حجاب اجباری، زنان از کودکی یاد می‌گیرند که در زندانی محبوس هستند که از آن گریزی نیست. حجاب از کودکی در ذهن دختران مستقر و به مانعی فیزیکی و روحی در مقابل آنان بدل می‌شود.

بهاره هدایت ادامه داده که نسل کنونی دختران حاضر به مذاکره و سازش بر سر حجاب اجباری نیست. وی گفته: «دختران امروز حاضرند بپایند اما حجاب را نپذیرند.» او از نسل کنونی با عنوان «نسل Z» یاد کرده که نیروی

مراور، طبق تعرفه اعلامی در حال حاضر سقف ۱۵۰ هزار تومان از هر فرد برای تشکیل پرونده و ثبت‌نام دریافت می‌شود و به ازای معرفی هر فرد همسان شده برای ازدواج نیز ۵۰ هزار تومان دریافت می‌شود که این مبلغ دریافتی نیز بابت همسان‌سازی است که یا از طریق هوش مصنوعی و یا به صورت سنتی انجام می‌شود.

علی خامنه‌ای از مرداد سال ۱۳۹۰ بطور مکرر خواهان افزایش جمعیت ایران به دست‌کم ۱۵۰ میلیون نفر شده است. او در همان سال طی سخنانی گفت: «معتقدم کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد و هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون نفری شدن کشور انجام بگیرد.»

علی خامنه‌ای سپس در مهرماه سال ۱۳۹۱ نیز سیاست دهه هفتاد برای کنترل جمعیت را خطا خواند و افزود: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم این بوده که تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. مسئولان در این‌باره اشتباه کردند و خودم هم سهیم هستم.»

هرچند از آن پس افزایش نرخ ازدواج و فرزندآوری در دستور کار دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گرفته اما آمارها نشان می‌دهد نه تنها نرخ ازدواج و فرزندآوری با کاهش روبرو بوده بلکه نرخ طلاق نیز در ایران رو به افزایش بوده است.

محمدجواد محمودی رئیس موسسه تحقیقات جمعیتی کشور با استناد به آمارهای سال ۱۴۰۲ از افزایش ۳/۹ سال و ۴ سال به میانگین سن مردان و زنان در زمان اولین طلاق خبر داده است.

فاینشال تایمز نیز چندی پیش در گزارشی از کاهش تمایل جوانان ایرانی به ازدواج خبر داد و نوشت: «در یک دهه گذشته موارد سالانه ازدواج از ۸۰۰ به ۴۸۰ هزار مورد کاهش یافته است.»

بر اساس این گزارش، از هر ۵ ازدواج دو مورد به طلاق منجر می‌شود. همچنین ۵ درصد از زنان بالای ۴۰ سال دیگر ازدواج نمی‌کنند؛ این رقم در دهه ۱۹۸۰ تنها ۲ درصد بود.

اینهمه درحالیست که نرخ باروری در سال ۲۰۱۷ به ۲/۰۹ به ازای هر زن کاهش یافت، اما اکنون تا ۱/۷ درصد پایین آمده است. از سوی دیگر نرخ ازدواج سفید در شهرهایی مثل تهران، اراک، اصفهان و مشهد، به ۷ تا ۱۴ درصد کل زوج‌ها رسیده است.

در همین ارتباط رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق نیز در ۳۱ تیرماه از افزایش آمار طلاق و کاهش ازدواج در ایران خبر داده و به خبرگزاری ایسنا گفته بود: «در حال حاضر به ازای پنج مورد ازدواج در ایران دو مورد طلاق ثبت می‌شود و از هر ۵ ازدواج ۲ مورد منجر به طلاق می‌شود.»

ابوالقاسم حسینی ابهری با بیان اینکه ثبت وقایع طلاق و ازدواج برای دفاتر سهمیه‌ای شده است اضافه کرده بود: «اکنون طلاق فراوان و ازدواج کم است و تهران و خراسان دارای بیشترین طلاق و یزد کمترین طلاق را دارد.»

موضوع آشنایی شهروندان با یکدیگر برای زندگی مشترک و همچنین ازدواج پدیده تازه‌ای نیست و در ایران پیش از ۵۷ نیز «مرکز یون ایران» از طریق مطبوعات اقدام به این کار می‌کرد. اما تفاوت و نکته قابل توجه این است که هیچ دولت و یا نهادهای دولتی و همچنین زیر نظر حکومت اقدام به این کار نمی‌کنند و این فعالیت در بخش خصوصی و منطبق بر قوانین جاری هر کشور صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی اما موضوع صیغه و ازدواج را نیز به یکی از منابع مالی خود تبدیل کرده و سود این دلالی به خانواده‌ها و محافل مافیایی نظام می‌رسد.

محرکی است که اکنون به بلوغ و آگاهی سیاسی دست یافته و از ابهامات گذشته بیرون آمده است. به گفته‌ی هدایت، بینش این نسل کاملاً روشن است. این نسل گفتار اصلاح‌طلبانه‌ی گذشته را پشت سر نهاده و صریحاً و بطور آشکار خواستار سرنگونی رژیم ولایت فقیه است.

جوانان امروز، به عقیده او، هرگونه سازش با جمهوری اسلامی را رد می‌کنند. جنبش آنان از مسئله‌ی جنسیت نیز فراتر رفته و مخالف هرگونه تبعیض است، حال می‌خواهد تبعیض جنسیتی باشد یا تبعیض مذهبی، قومی و اجتماعی. تازگی دیگر این جنبش این است که مردان نیز از آن پشتیبانی می‌کنند.

بهاره هدایت در جای دیگری از مصاحبه‌اش با «فیگارو» از وضعیت غم‌انگیز امروز جامعه ایران، وضعیت روزانه‌ی زندگی در کشور و تبعید ناخواسته‌ی روشنفکران و کسانی که هیچ امیدی به آینده در کشور ندارند، ابراز تاسف و اندوه نموده است.

او گفته است که در نتیجه‌ی سیاست‌های اشتباه علی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی امروز نیمی از جمعیت جامعه زیر خط فقر زندگی می‌کند و در این شرایط آندوهبار، حجاب به ابزار سرکوب حکومت و وسیله فرو کوفتن جسم و افکار و سرنوشت زنان و مردان بدل گشته است.

بهاره هدایت از قدرت‌های غربی خواسته که معامله با جمهوری اسلامی ایران را متوقف کنند، نظیر آنچه اخیراً در خصوص حمید نوری انجام گرفت. او گفته است که معامله و مامشات غرب با رژیم ملایان، مانع رسیدن زنان و مردان ایران به خواست‌ها و حقوق خود است.

او از قدرت‌های غربی خواسته است که واقعیت جامعه ایران، انرژی باورنکردنی مردم این کشور را ببینند و درک کنند که اگر رژیم ولایت فقیه سرکوب می‌کند، علت‌اش ترس است و هدف‌اش وقت خریدن.

با این حال، به گفته‌ی بهاره هدایت، با وجود سرکوب، خواست‌های بی‌پاسخ مانده‌ی مردم شدیدتر از گذشته و در اشکال نوین بازتولید می‌شوند. به همین علت، نسل تازه‌ای که، به گفته‌ی وی، از راه می‌رسد به مراتب رادیکال‌تر و مصمم‌تر از نسل امروز دختران و جوانان است.

زیان گسترده صنایع به دلیل قطع برق؛ بدهی دولت به صنعت برق مهمترین علت ناترازی



موارد این نگران کننده و نیاز به توجه می‌باشد. در هفته‌ای که گذشت هم کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران گزارش «نتایج اندازه‌گیری تکانه ناشی از قطع برق بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشور» را منتشر کرده است. بر اساس این گزارش اولویت‌گذاری قطع برق باید بر اساس سهم متفاوت بخش‌های مختلف اقتصادی در ایجاد ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی باشد. در این گزارش آمده است که مقایسه شدت تکانه قطع برق به کل اقتصاد در سطح بخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که شدت تکانه وارده بر اقتصاد ناشی از قطع برق بخش «صنعت» سه هزار و ۶۹۷ برابر شدت تکانه وارده بر اقتصاد ناشی از قطع برق «فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی» است.

همچنین قطع برق بخش «صنعت» ۹۳۸ برابر قطع برق بخش «فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا»، ۱۱۷ برابر قطع برق بخش «آموزش»، ۱۰۱ برابر قطع برق بخش «ساختمان»، ۳۳ برابر قطع برق بخش «استخراج معدن»، ۲۳ برابر تکانه قطع برق بخش «عمده‌فروشی و خرده‌فروشی»، ۱۵ برابر قطع برق بخش «کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری» موجب کاهش تولید ناخالص داخلی کشور می‌شود. بر اساس این گزارش، قطع برق حتی در میان رشته فعالیت‌های مختلف صنعتی نیز آثار و تبعات یکسانی ندارد به طوری که رشته فعالیت‌های «تولید فلزات پایه»، «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی»، «تولید محصولات غذایی»، «تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی»، «تولید محصولات فلزی ساخته شده»، «تولید چوب و محصولات چوبی»، «تولید منسوجات و «تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی» بیشترین تکانه قطع برق را به اقتصاد وارد می‌کنند. در این گزارش تأکید شده که نظام تصمیم‌گیری کشور، به جای اعمال فشار کمبود برق به بخش صنعت، مدیریت مصرف این نهاد را بر اساس درجات آسیب‌پذیری بخش‌های مختلف اقتصادی مدیریت کند تا بخش صنعت به واسطه اهمیت آن در ایجاد ارزش افزوده اقتصادی، کمترین تأثیر و خسارت را از قطع برق داشته باشد.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با تأکید بر لزوم «سرمایه‌گذاری» برای جبران کسری تولید برق، نوشته که «سرمایه دولت برای حل این ناترازی کافی نیست و اصلاً سرمایه‌ای برای حل این موضوع ندارد. در نتیجه باید زمینه‌سازی به گونه‌ای انجام شود که بخش خصوصی سرمایه مورد نیاز جذب و توسعه را انجام دهد.»

اینهمه در حالیست که کمبود برق سبب شده از ابتدای امسال برق صنایع جیره‌بندی و محدودیت برق برای این بخش طی شش ماه گذشته افزایش یابد. در همین رابطه امیر طباطباییان مدیر انرژی و سیالات شرکت فولاد مبارکه اصفهان روز شنبه ۱۷ شهریورماه به خبرنگاری «ایلنا» گفت که «ناترازی انرژی» یکی از چالش‌های بزرگ صنعت فولاد در کشور است و گریبانگیر این حوزه شده است. مدیر انرژی و سیالات شرکت فولاد مبارکه اصفهان افزود: «به علت قطعی برق، تولید ما دچار افت ۶۰ درصدی شده است.»

رشید عزیززاده نائب رئیس کمیسیون صنایع غذایی اتاق بازرگانی ایران نیز اعلام کرده که «کمبود گاز، برق و آب صنعت غذا را هم مانند صنایع دیگر کشور متضرر می‌کند، در روزهای گرمی که پشت سر گذاشتیم کارخانه‌های تولید مواد غذایی با سه روز تعطیلی در هفته تولید را پیش می‌بردند، این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که مواد اولیه تولید در صنعت غذا فسادپذیر است و اختلال در فرآیند تولید، نگهداری و توزیع را هم مختل می‌کند.»

وبسایت «برق نیوز» نیز در گزارشی با اشاره به خسارت‌های گسترده قطع برق به بخش صنعت، نوشته که معضل قطعی برق در شهرک‌های صنعتی موجب آن شده است که تولیدکنندگان و کارآفرینان بخش خصوصی با چالش جدیدی در مسیر تولید مواجه شوند و در این مواجهه شاهد انبوهی از مشکلات مانند ضایعات، کاهش تولید، تعدیل کارکنان و کارمندان و از بین رفتن اشتغال پایدار، کاهش تراکناشات و مبادلات مالی، اختلال در مسیر تولید، عدم توانایی کافی جهت پاسخ تعهدات ارزی و ریالی و همچنین کاهش انگیزه و امید برای توسعه صنایع که این

دیوان محاسبات کل کشور اعلام کرده بدهی دولت به صنعت برق به ۶۳ همت رسیده و سالانه در حال افزایش است؛ در نتیجه بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری در صنعت برق ندارد و تولید کاهش یافته است.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران گزارش داده که حدود ۲۰ درصد از ظرفیت پست‌های شبکه دچار فرسودگی و عمر بالای ۳۰ سال دارند. ۱۵/۳ درصد از آن نیز عمر بالای ۳۵ سال را دارد.

رقم بدهی دولت به صنعت برق معادل ۶۳ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. این رقم در حالی بیانگر علت عقب‌ماندگی توسعه صنعت برق و ایجاد ناترازی در این صنعت است که گزارش‌ها از زیان گسترده صنایع مختلف به دلیل کمبود برق حکایت دارند.

دیوان محاسبات کل کشور در گزارشی اعلام کرده که بدهی دولت به صنعت برق به ۶۳ همت رسیده و سالانه در حال افزایش است. در چنین شرایطی، بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری در صنعت برق ندارد و همین امر منجر به کاهش تولید شده است.

دیوان محاسبات کشور افزوده که مهمترین دلیل ناترازی در صنعت برق، عدم اجرای ماده ۶ قانون حمایت از صنعت برق - مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۸ قانون رفع موانع صنعت برق مصوب ۱۴۰۱ مبنی بر پرداخت بدهی دولت به وزارت نیرو ناشی از مابه‌التفاوت قیمت تمام شده و قیمت تکلیفی فروش برق است. دیوان محاسبات کشور تأکید کرده که به منظور حل مشکل ناترازی و جلوگیری از بحران در آینده نزدیک، دولت می‌بایست هرچه سریع‌تر نسبت به تسویه کامل بدهی خود به وزارت نیرو اقدام نماید تا این وزارت بتواند در راستای کاهش ناترازی، بدهی‌های خود به تولیدکنندگان برق را پرداخت و فضای مناسب‌تری را برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم کند.

گزارش دیوان محاسبات مهمترین عامل ناترازی برق در کشور را مشخص کرده است. بارها کارشناسان اعلام کرده‌اند عدم سرمایه‌گذاری در صنعت برق سبب عقب‌ماندگی صنعت برق شده و از یکسو تولید را کاهش داده و از سوی دیگر سبب هدررفتگی برق در مسیر توزیع شده است. مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در گزارشی جدید اعلام کرده ۱۵ درصد از ظرفیت نیروگاهی کشور با عمر بالای ۳۰ سال در حال بهره‌برداری است و ۳ درصد از ظرفیت برق نیز از نیروگاه‌هایی با عمر بالای ۴۰ سال تأمین می‌شود و این نیروگاه‌ها نرخ خروج اضطراری بسیار بالاتری نسبت به سایر نیروگاه‌ها دارند و امکان بهره‌برداری مستمر از آنها وجود ندارد. با این حساب اگر عمر مفید یک نیروگاه ۳۰ سال در نظر گرفته شود می‌توان گفت که ۱۵ درصد از ظرفیت نیروگاهی ایران از کارافتاده است. گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران اضافه می‌کند که حدود ۲۰ درصد از ظرفیت پست‌های شبکه دچار فرسودگی و عمر بالای ۳۰ سال دارند. ۱۵/۳ درصد از آن نیز عمر بالای ۳۵ سال را دارد.

از سوی دیگر خطوط انتقال برق که برق تولیدی نیروگاه را به محدوده‌های شهری و صنعتی منتقل می‌کند با دو آسیب جدی عمر بالا، اشباع شدید و عدم کفایت ظرفیت خطوط، مواجه است. حدود ۲۹ درصد از عمر خطوط انتقال برق، بالای ۲۰ سال است و بالغ بر ۲۱/۴ درصد از آن عمر بالای ۳۵ سال را دارد.»

صدور احکام سارقان صندوق امانات بانک ملی؛ قطع انگشتان دست، شلاق و زندان



● دو متهم اصلی این پرونده، هر یک به جرم «تحصیل مال مسروقه» به «۷۴ ضربه شلاق و قطع انگشتان دست» محکوم شدند.

● چهار تن دیگر از متهمان هر کدام به «تحمل ۷۴ ضربه شلاق و مجازات حبس» محکوم شدند. دیگر متهمان این پرونده نیز احکام زندان دریافت کردند.

● دو متهم اصلی خارج از کشور بودند که بعد از دستگیری توسط اینترپل، ۷ ماه در زندان ترکیه بسر بردند و سپس به زندان تهران بزرگ منتقل شدند.

● این سرقت بزرگ نیمه شب پنجشنبه در نخستین ساعات ۱۳ خرداد و همزمان با تعطیلات سالگرد روح‌الله خمینی (۱۴ خرداد) رهبر انقلاب ۵۷ و بنیانگذار جمهوری اسلامی و سالگرد غائله‌اش در ۱۵ خرداد ۴۲ اتفاق افتاد.

● این سرقت به موبایل رئیس بانک پیامک شد اما از آنجا که این سامانه در گذشته بارها به اشتباه هشدار می‌داده، رئیس بانک به این پیامک اعتنایی نکرد و فکر کرد مانند دفعات قبلی پیامک اشتباه است!

در گذشته بارها به اشتباه هشدار می‌داده، رئیس بانک به این پیامک اعتنایی نکرد و فکر کرد مانند دفعات قبلی پیامک اشتباه است!

این پرونده از ابتدا با اتهاماتی روبرو بود. برای نمونه در حالی گفته شده که اکثر متهمان در ترکیه بازداشت شدند اما حسین رحیمی فرمانده پلیس تهران اطلاعات متناقضی را در همان تاریخ ارائه داد. او روز جمعه ۲۰ خرداد ۱۴۰۱ در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی ادعا کرده بود که «تمام سارقین و مرتبطين آنها» در «کمتر از ۴۸ ساعت» شناسایی و بازداشت شده و اکثر اموال ربوده شده از صندوق‌های امانات نیز کشف و ضبط شده است.

سردار حسین رحیمی مدعی شده بود که با تشکیل تیم‌های متعدد فنی در کمتر از ۴۸ ساعت عناصر اصلی سرقت را شناسایی کردیم و از ۲۴ ساعت نخست به بعد کار ما برای شناسایی، بازداشت مجرمان و کشف اموال آغاز شد. به گفته‌ی وی مجرمان در تهران و برخی شهرستان‌ها بعضاً با تیراندازی بازداشت شده بودند و حتی برخی از سارقان مجروح شدند، بخشی از سارقان بعد از سرقت به خارج از کشور متواری شدند که با اقدام به‌موقع و سریع اینترپل درخواست اعلان قرمز برای آنها صادر شده است.

فرمانده پلیس تهران حتی گفته بود که «سه سارق در خارج از کشور و در ترکیه بازداشت شده و به زودی توسط اینترپل فراجا به کشور منتقل می‌شوند.»

او همچنین افزوده «این سارقان در سرقت قبلی از بانک تجارت در خیابان فلسطین با موانع سخت مخزن مواجه شده و ناموفق بودند و تخصص‌های همچون هواپرش، کامپیوتر و... داشتند و یک تیم کامل بودند.»

روابط عمومی بانک ملی چند روز پس از این سرقت اعلام کرد که در پی وقوع این سرقت بزرگ، با حکم مدیرعامل بانک ملی، رئیس شعبه مربوطه و معاون ریالی آن از سمت خود برکنار شدند.

در نهایت دو متهم اصلی این پرونده، هر یک به جرم «تحصیل مال مسروقه» به «۷۴ ضربه شلاق و قطع انگشتان دست» و چهار تن دیگر از متهمان هر کدام به «تحمل ۷۴ ضربه شلاق و مجازات حبس» محکوم شدند. دیگر متهمان این پرونده نیز احکام زندان دریافت کردند.

خبرگزاری «هرانا» با انتشار خبر احکام صادره برای این متهمان نوشته «حکم قطع دست و شلاق از جمله مواردی است که نافی اصل کرامت انسانی است. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً استفاده از مجازات‌های غیرانسانی و موهن را منع کرده است، اما جمهوری اسلامی بدون توجه به اعتراضات داخلی و بین‌المللی گه‌گاهان به صدور و اجرای چنین مجازات‌هایی ادامه می‌دهد.»

این سرقت بزرگ نیمه‌شب پنجشنبه در نخستین ساعات ۱۳ خرداد و همزمان با تعطیلات سالگرد روح‌الله خمینی (۱۴ خرداد) رهبر انقلاب ۵۷ و بنیانگذار جمهوری اسلامی و سالگرد غائله‌اش در ۱۵ خرداد ۴۲ اتفاق افتاد. سارقان از نخستین روز تعطیلی استفاده کردند تا کارکنان بانک و پلیس دیرتر از سرقت با خبر شوند. آنها با ورود به شعبه ممتاز بانک ملی روبروی دانشگاه تهران به حدود ۲۵۰ صندوق امانات این شعبه دستبرد زده و محتوای ۱۶۸ صندوق را با خود بردند.

بر اساس گزارش‌ها، سارقان از طریق در پشتی با تخریب و بریدن قفل وارد ساختمان شده و بعد از برش دادن در گاوصندوقی بزرگ و بر هم زدن رمز آن به محوطه صندوق امانات بانک وارد شدند. همچنین سارقان با ورود به اتاق سرور و مانیتورینگ، تمام سیستم دوربین‌های مراقبتی را مختل و حافظه‌ی آنها را جمع‌آوری کردند.

همچنین گفته شده بود که سیستم هشدار بانک که باید هم به موبایل رئیس بانک و هم به سامانه پلیس متصل باشد، فقط به موبایل رئیس بانک متصل بوده و این سرقت به موبایل رئیس بانک پیامک شد اما از آنجا که این سامانه

دو متهم ردیف اول پرونده سرقت از صندوق امانات بانک ملی به «تحمل شلاق و زندان» و «قطع انگشتان دست» محکوم شدند و حکم ۱۳ متهم دیگر نیز شلاق و زندان اعلام شده است. این سرقت بزرگ با همکاری دست‌کم ۱۵ نفر در خرداد ۱۴۰۱ در تهران رخ داد.

به گزارش رسانه‌های داخلی، حکم متهمان پرونده سرقت اموال موجود در ۱۶۸ صندوق امانات بانک ملی که خرداد ۱۴۰۱ در تهران رخ داده بود صادر شد.

بر اساس گزارشی که از این پرونده منتشر شده، در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد عده‌ای ناشناس با ورود به بانک اموال موجود در ۱۵۵ صندوق را ربودند. چهار روز بعد از سرقت ۱۳ نفر از سارقان در خارج کشور دستگیر شده و به کشور بازگردانده شدند.

دو متهم اصلی خارج از کشور بودند که بعد از دستگیری توسط اینترپل، ۷ ماه در زندان ترکیه بسر بردند و سپس به زندان تهران بزرگ منتقل شدند.

سرانجام شمار متهمان دستگیر شده به ۳۷ نفر رسید که عده‌ای از آنان در جریان سرقت نقش داشته و تعدادی نیز در فروش یا نگهداری اموال مسروقه فعالیت داشتند. رسیدگی به این پرونده در شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ ویژه سرقت مسلحانه در جریان روال قضایی قرار گرفت.

دو متهم اصلی این پرونده به اتهام «افساد فی الارض» به قطع انگشتان دست و تحمل زندان و شلاق محکوم شدند. ۱۳ متهم دیگر پرونده به حبس یا رد مال محکوم شدند.

آرمین و هاتف، دو متهم اصلی این پرونده هستند که در تعطیلات ۱۴ و ۱۵ خرداد سال ۱۴۰۱، از مخزن صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشگاه تهران سرقت کردند.

این متهمان که بعد از سرقت به خارج کشور فرار کرده بودند، توسط پلیس ترکیه بازداشت و به ایران بازگردانده شدند. پرونده آنها سپس جهت رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری تهران ارسال گشت و چندی بعد جلسه دادگاه برگزار شد.

هشدار رسانه‌های «خودی» درباره «زنگ خطر گسترش فقر»



راه مبارزه با فقر «آه و ناله» نیست: «متأسفانه مسئولان تصور درستی از راه‌های جلوگیری از رشد فقر، فاصله طبقاتی و برقراری عدالت در جامعه ندارند. آنها فقط بر لزوم افزایش حقوق و دستمزد متمرکز می‌شوند و تصورشان اینست که بیشتر شدن حقوق و دستمزد به کمتر شدن فقر و فاصله طبقاتی منجر خواهد شد.»

در ادامه این مطب آمده «تیم دولت چهاردهم نیز تا کنون فقط از نامساعد بودن شرایط اقتصادی کشور حرف زده و راهکار روشنی ارائه نداده است. راه مبارزه با فقر و فاصله طبقاتی، نه آه و ناله کردن از وضعیت موجود است و نه بالا بردن حقوق و دستمزد. مسئولان اقتصادی دولت باید ملاحظات را کنار بگذارند و موانع اصلی پدید آمدن بحران اقتصادی و راه‌های برطرف کردن آنها را با مسئولان نظام در میان بگذارند.»

گسترش فقر در ابعاد مختلفی آثار خود را در سطح جامعه ایران نمایان کرده و سبک زندگی را در سطح عمومی با دگرگونی روبرو کرده است. در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» در مطلبی با عنوان «سفرهای فقیرانه» نوشته «ترافیک چادرهای مسافرتی» در دومین سال تعطیلات تابستانی که به صورت چشمگیری افزایش یافته، بار دیگر موضوع سفرهای فقیرانه را برجسته کرد.

در این گزارش آمده که «ترافیک‌های طولانی و هجمه مسافران در سفرهای تابستانی به‌ویژه به سمت شمال کشور توأم با تغییر شکل اقامتی مسافران به سمت چادرخوابی در معابر شهری و روستایی بار دیگر نشان داد، صنعت گردشگری ایران نه تنها در مسیر رشد و پایداری همگام با جهان پیش نرفته، بلکه همچنان با سه گانه «فقر زمان»، «فقر کیفیت» و «فقر مالی» دست و پنجه نرم می‌کند.»

«دنیای اقتصاد» افزوده «اگر چه فقر تعطیلات عامل اصلی هجمه ناگهانی مسافران به مقاصد توریست‌پذیر همچون شمال کشور محسوب می‌شود، اما دو عنصر فقر کیفیت و فقر مالی از موانع مهم پیش روی بازار توریسم کشور به‌شمار می‌رود. حتی این دو عنصر بیشتر از سفرهای تابستان گذشته خود را نشان داده و نبود زیرساخت‌های لازم و کافی نه تنها در بازار گردشگری بلکه در همه

اساس آخرین محاسبات انجام‌شده، عدد برآوردی خط فقر یک خانوار ۳ نفره در شهر تهران در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۰ میلیون تومان است.

گزارش «تسنیم» با اشاره به رقم ناچیز رقم حداقل دستمزد که برای سال جاری حدود ۱۱ میلیون تومان است، نوشته حرکت به سوی رشد اقتصادی پایدار و ایجاد مشاغل متنوع و باکیفیت یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش نرخ فقر در کشور است؛ با این حال پرسش‌های مختلفی در زمینه کیفیت فقر در ایران و راهکارهای کوتاه‌مدت مقابله با این پدیده وجود دارد.

علیرضا میرغفاری نماینده کارگران در شورای عالی کار درباره اینکه «در زمان حاضر رقم دستمزد چقدر از تورم عقب است؟» گفته که «ماده ۴۱ قانون کار، دو مورد صراحت دارد؛ در بند یک قانون کار آمده است که حداقل دستمزد با توجه به تورم افزایش پیدا کند، در بند ۲ هم آمده که حداقل دستمزد باید به‌میزانی افزایش پیدا کند که بدون در نظر گرفتن شرایط روحی، جسمی و جنسی بتواند نیازهای یک خانواده‌ای را که بُعد آن را مراکز رسمی اعلام می‌کنند، تأمین کند.»

نماینده کارگران در شورای عالی کار افزوده «اینکه تورم هر سال چقدر است، مشخص است و این افزایش‌هایی هم که داشتیم و کمتر از تورم طی سال‌های گذشته بوده است، همه نشان می‌دهد سفره کارگران روز به روز کوچک می‌شود و قدرت خریدشان کاهش پیدا می‌کند، اما عقب‌افتادگی از نیازها و سبب معیشت به حدی چشمگیر هست که دیگر امروزه با درصدی افزایش هم فکر نمی‌کنم بتوانیم عقب‌افتادگی را جبران کنیم.»

به گفته این فعال کارگری «حداقل رقم سبب معیشت کارگران در حدود ۲۳ میلیون تومان است و این در حالی است که حداقل دستمزد برای یک خانواده با بُعد ۲/۳ نفر، ۱۱ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است و این یعنی در حدود ۱۲ میلیون تومان، و ۶۰ درصد میان حداقل دستمزد با حداقل سبب معیشت کارگران فاصله است.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز در سرمقاله امروز دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ در گزارشی با انتقاد از دولت تأکید کرده

● **خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشته نرخ پایین دستمزدها در کنار نامشخص بودن تمدید قراردادهای موقت کار و نیز بیمه نکردن کارگران از سوی کارفرمایان سبب شده نیروی کار مولد به سمت مشاغل کاذب برود.**

● **داوود سوری اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی اعلام کرده که ۶۰ درصد جامعه ایران فقیر هستند و نمی‌توانند ۲۱۰۰ کالری در روز مصرف کنند، یعنی بیش از ۵۰ میلیون فقیر داریم.**

گسترش فقر در ایران نه تنها دیگر از سوی مقامات و رسانه‌های حکومتی قابل انکار نیست بلکه بسیاری از رسانه‌ها درباره پدیده فقر در ایران به دولت هشدار می‌دهند. خبرگزاری «تسنیم» در گزارشی نوشته نرخ پایین دستمزدها در کنار نامشخص بودن تمدید قراردادهای موقت کار و نیز بیمه نکردن کارگران از سوی کارفرمایان سبب شده نیروی کار مولد به سمت مشاغل کاذب برود.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی از زنگ خطر گسترش فقر در کشور خبر داده و نوشته افزایش هزینه‌های زندگی و پایین بودن دستمزد مصوب شورای عالی کار باعث شده است به اعتقاد فعالان کارگری، جوانان تحصیلکرده و غیر تحصیلکرده تمایل چندانی به کار مولد در مراکز تولیدی نداشته باشند، به همین دلیل در برخی از فرصت‌های شغلی، کار هست اما نیروی کار نیست. جوانان جویای کار می‌گویند حقوق مصوب، کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد.

این گزارش افزوده نرخ پایین دستمزدها کنار نامشخص بودن تمدید قراردادهای موقت کار و نیز بیمه نکردن کارگران از سوی کارفرمایان، طبعاً باعث گریز کارگران از محیط‌های کارگری می‌شود و به جایی می‌رسد که نیروی کار به‌عنوان موتور مولد کشور، قید کارگری را بزند و سراغ شغل‌های دیگر برود که بسیاری از آنها مشاغل کاذب است. خبرگزاری «تسنیم» به نقل از زهرا کاویانی عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته از سال ۱۳۸۵ به بعد به مرور نرخ فقر دارای روند صعودی می‌شود و در سال ۱۳۹۰ به حدود ۲۰ درصد می‌رسد. بر

تأکید بر کسری بودجه هزار هزار میلیارد تومانی؛ مقدمه‌ای برای افزایش قیمت بنزین؟



همت و «کسری اقلام فرابودجه‌ای» به میزان ۵۵۷ همت برآورد شده است.

بر اساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس سقف منابع هدفمندی یارانه‌ها به ۳۰ درصد منابع عمومی رسیده است. به طوری که بودجه قانون هدفمندی یارانه‌ها خود به یک بودجه مجزا تبدیل شده است. همچنین بررسی‌ها حاکی از آن است که ناترازی این بودجه در سال‌های اخیر شدت گرفته و راه‌های نامناسب جهت تامین این کسری منجر به مشکلات زیادی در آینده می‌شود. یکی از این مشکلات تورم است.

در سال گذشته کسری منابع قانون هدفمندی یارانه معادل ۱۲۳ هزار میلیارد تومان بوده که اگر تعهدات ایفا نشده نیز به آن اضافه شود این کسری به ۲۴۸ هزار میلیارد تومان می‌رسد. از دلایل این امر می‌توان به جبران اثر رفاهی ناشی از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و ناترازی انرژی در کشور اشاره کرد که بار مالی سنگینی به بودجه سازمان هدفمندی یارانه‌ها اضافه کرده است.

دیوان محاسبات کشور نیز هفته گذشته در گزارشی درباره منابع و مصارف دولت از ابتدای فروردین‌ماه تا پایان مردادماه سال ۱۴۰۳ اعلام کرد که میزان کسری بودجه دولت در این مدت ۷۵/۵ همت بوده که این کسری با استفاده از ظرفیت‌های مدیریت منابع خزانه‌داری تأمین شده است.

کسری بودجه سبب شد دولت مسعود پزشکیان در نخستین روزهای آغاز به کار با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای معادل ۳۵۰ هزار میلیارد تومان برای هزینه‌های جاری دولت از صندوق توسعه ملی برداشت کند.

مسعود پزشکیان اعلام کرده این مبلغ برای پرداخت معوقات پرستاران، کشاورزان و معلمان و همچنین برای تأمین داروی مورد نیاز کشور هزینه خواهد شد.

در شرایطی که تحریم‌ها ادامه دارد و دولت نخواهد توانست به درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده در قانون بودجه دست پیدا کند، کسری بودجه در نیمه دوم سال افزایش پیدا خواهد کرد.

کسری بودجه سبب شده افزایش قیمت بنزین به عنوان گزینه‌ای در جهت کاهش هزینه‌های دولت و مدیریت کسری بودجه مطرح شود چون با افزایش قیمت بنزین دولت

● معاون اول مسعود پزشکیان گفته در اقتصاد با یک مسئله جدی ناترازی مواجه هستیم و تأکید کرده تا پایان نیمه نخست سال کسری عملیاتی بودجه ۱۴۰۳ به هزار هزار میلیارد تومان رسیده است.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر اعلام کرده بود که هزار و ۱۳۴ هزار میلیارد تومان کسری بودجه برای سال ۱۴۰۳ پیش‌بینی شده است.

● کسری بودجه سبب شده افزایش قیمت بنزین به عنوان گزینه‌ای در جهت کاهش هزینه‌های دولت و مدیریت کسری بودجه مطرح شود.

معاون اول مسعود پزشکیان از کسری هزار هزار میلیارد تومانی بودجه در شش ماه نخست سال خبر داده است. در حالی که کارشناسان معتقدند فشار کسری بودجه در نیمه دوم سال نمایان‌تر خواهد شد دولت پزشکیان در همان آغاز فعالیت خود، از منابع صندوق توسعه ملی ۳۵۰ هزار میلیارد تومان برای هزینه‌های جاری دولت برداشت کرده است.

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان امروز شنبه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۳ اعلام کرده در اقتصاد با یک مسئله جدی ناترازی مواجه هستیم. وی گفته است که تا پایان نیمه نخست سال کسری عملیاتی بودجه ۱۴۰۳ به هزار هزار میلیارد تومان رسیده است.

او همچنین تأکید کرده که در سال گذشته تراز تجاری کشور ۱۷ میلیارد دلار منفی بوده است

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر اعلام کرده بود که هزار و ۱۳۴ هزار میلیارد تومان کسری بودجه برای سال ۱۴۰۳ پیش‌بینی شده است. این رقم کسری به قاعده باید سبب تصویب نشدن لایحه بودجه می‌شد اما با چراغ سبز خامنه‌ای لایحه بودجه تصویب گشت.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود که کسری بودجه شامل «کسری تراز عملیاتی»، «کسری بودجه عمومی» و «کسری اقلام فرابودجه‌ای» است.

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی میزان «کسری تراز عملیاتی» در لایحه بودجه ۱۴۰۳ مبلغ ۳۰۵ هزار میلیارد تومان (همت) ذکر شده است. همچنین «کسری بودجه عمومی» در این لایحه به اندازه ۲۷۲.۵

بخش‌ها سیاستگذاری کشور همچون راه و شهرسازی ... خود را نشان داده است.»

این روزنامه تأکید کرده که «شاید ترافیک چادرها که به‌صورت قاچ‌گونه‌ای تقریباً در تمام خیابان‌های اصلی و معابر شهری و روستایی گسترش یافته است بیش از هر چیزی نشأت گرفته از فقر اقتصادی خانوارها است.»

داوود سوری اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی اعلام کرده که ۶۰ درصد جامعه ایران فقیر هستند و نمی‌توانند ۲۱۰۰ کالری در روز مصرف کنند، یعنی بیش از ۵۰ میلیون فقیر داریم. این آمار در حالی از سوی داوود سوری مطرح شده که پیشتر مقامات دولتی از زیر خط فقر قرار داشتن حدود ۳۰ درصد از جامعه خبر می‌دادند.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت چهاردهم به تازگی اعلام کرده که ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند.

وزیر کار دولت پزشکیان افزوده «کسانی که دچار فقر شدید هستند عمدتاً افراد بیکار هستند. در حالی که اغلب کسانی که به فقر مطلق دچارند، شغل و درآمد دارند، اما درآمد آنها کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. بر اساس داده‌های مرکز آمار، نرخ فقر شدید در کل ایران حدود ۶ درصد با جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر بود و برنامه‌هایی ریخته و منابعی داده شد که بتوانیم این را از بین ببریم.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده که آمار بالای خط فقر در ایران ناشی از ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. برای کاهش فقر، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و جامع از سوی دولت و سازمان‌های مرتبط است تا بتوان از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی، کنترل تورم، بهبود توزیع درآمد و اجرای برنامه‌های حمایتی مناسب، شرایط زندگی افراد زیر خط فقر را بهبود بخشید.

این گزارش افزوده که هر چند داده‌های رسمی درباره خط فقر هنوز منتشر نشده، اما بر اساس شرایط اقتصاد کلان، به نظر نمی‌رسد تغییر جدی در وضعیت رفاهی خانوار در سال ۱۴۰۳ رخ داده باشد و افقی برای بهبود وضعیت رفاهی مشاهده نمی‌شود. در بهترین شرایط می‌توان انتظار ثبات شرایط را داشت. با این حال در صورتی که در سال ۱۴۰۳ تورم مطابق پیش‌بینی‌ها، کنترل شده و بهبود در درآمدهای کشور ایجاد شود، می‌توان انتظار داشت که از سال ۱۴۰۴ به بعد روند بهبود آغاز شود.

وبسایت «اکوایران» نیز نوشته از نگاه پژوهشگران برخلاف سال‌های بعد از احیای برجام که امید فقرا برای ارتقای سطح زندگی و حرکت به سمت بالای خط فقر بیشتر شده بود اما در سه سال اخیر، با وجود آنکه تعداد فقرا زیرخط فقر بیشتر نشده اما وضعیت زندگی آنها بدتر شده به تعبیری دیگر فقیران ایران، فقیرتر شده‌اند.

فرشاد مومنی اقتصاددان نیز با اشاره به افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارها که سبب فقیرتر شدن جامعه شده گفته طبق بررسی آماری بانک جهانی طی یک دوره ۳۴ ساله رشد متوسط قیمت‌ها از ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۳ مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، رشد متوسط قیمت‌ها در این ۳۴ سال، در عربستان سعودی ۵۵ درصد، جمهوری آذربایجان ۳۱۲ درصد، در مصر که منحط‌ترین کارنامه‌ها را در آفریقا داشته ۸۹۷ درصد، در ایران بالغ بر ۱۲ هزار درصد بوده است.

فرشاد مومنی توضیح داده «زمانی که به تولید پشت می‌کنید و از طریق شوک‌درمانی و دست بردن پی‌درپی می‌خواهید برای دولت کسب درآمد کنید، تولید ضربه می‌بیند و فقر، نابرابری و وابستگی به دنیای خارج افزایش می‌یابد و ناپایداری ذاتی سیستمی هم گریبان کشور را می‌گیرد.»

➔ رقم کمتری برای یارانه بنزین هزینه خواهد کرد.

مسعود پزشکیان پس از آنکه به عنوان رئیس دولت چهاردهم و پیروز انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد، در گفتگویی با وبسایت علی خامنه‌ای به ناترازی بنزین اشاره کرده و گفته بود که «در حال حاضر برای خرید بنزین، هشت میلیارد دلار پول پرداخت می‌شود. یعنی بنزین را حدود ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم. خوب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟»

در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری نیز علی عبدالعلی‌زاده رئیس ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان در یک کنفرانس خبری در خبرگزاری «ایرنا» با اشاره به ارقام ۲۵ و ۵۰ هزار تومان برای هر لیتر بنزین، گفته بود «هر قیمتی که برای بنزین کارشناسی شود، خواهید دید که آنچنان با آرامش و همکاری مردم جا می‌افتد!»

پیشتر نیز دولت حسن روحانی نیز در آبان ۹۸ اقدام به افزایش قیمت بنزین کرد و اعلام این خبر سرآغاز اعتراضاتی شد که برای روزهای پیاپی در سراسر ایران تداوم یافت. یکی از دلایلی که طی سال‌های گذشته بنزین در ایران گران‌تر نشده، هراس حکومت از برگزاری اعتراضاتی شبیه اعتراضات سراسری سال ۹۸ است؛ بدین ترتیب افرادی در پیرامون دولت تلاش دارند افکار عمومی را برای افزایش قیمت بنزین آماده کنند.

دولت ابراهیم رئیسی نیز اقداماتی برای افزایش قیمت بنزین انجام داد اما عمر آن به اقدام نهایی برای افزایش قیمت بنزین قد نداد، یا اینکه ارزیابی نهادهای امنیتی حاکی از ایجاد اعتراضاتی گسترده در صورت افزایش قیمت بنزین بود و به همین دلیل دولت سیزدهم از افزایش قیمت‌ها خودداری کرده بود. برای نمونه در نخستین روزهای بهمن‌ماه ۱۴۰۲ دولت بدون اعلام قبلی و بطور ناگهانی سهمیه بنزین ۳۰۰۰ تومانی یا همان نرخ آزاد در کارت‌های سوخت شخصی را از ۱۵۰ لیتر به ۱۰۰ لیتر کاهش داد. همچنین ذخیره سهمیه بنزین ۱۵۰۰ تومانی که تا پیش از این، ۹ ماه و به‌میزان حداکثر ۵۴۰ لیتر بود، از این پس به ۶ ماه و حداکثر ۳۶۰ لیتر کاهش یافت.

چند روز بعد گزارش‌های غیررسمی از یک نرخ سوم برای بنزین با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان خبر دادند. خبرگزاری «ایرنا» هم همزمان در هفته نخست بهمن گزارش داد که «دولت بعد از دو گام حفظ بنزین سهمیه‌ای و محدودیت بنزین ۳۰۰۰ تومانی در نظر دارد تا با ایجاد یک نرخ سوم مصرف بنزین بیشتر از سهمیه (مجموع یارانه‌ای و آزاد) را به نرخ گران‌تری به پر مصرف‌ها عرضه کند.»

با اینهمه دولت سیزدهم طی سه سال فعالیت که با مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی پایان یافت، اقدام به افزایش قیمت بنزین نکرد. مهمترین علت آن نگرانی از بروز اعتراضات مردمی ارزیابی می‌شود. افزایش قیمت بنزین به طور مستقیم و غیرمستقیم بر گرانی همه کالاها و خدمات موثر است.

جمهوری اسلامی در سال ۹۸ و پس از افزایش قیمت بنزین توسط دولت حسن روحانی با موجی از اعتراضات سراسری مردم روبرو شد و کارشناسان معتقدند افزایش قیمت بنزین در شرایط وخیم معیشت مردم می‌تواند بار دیگر موجی از اعتراضات را ایجاد کند. مرتضی عزتی اقتصاددان از جمله کارشناسانی است که نسبت به افزایش قیمت بنزین در شرایط کنونی هشدار داده و گفته «این دولت نباید حداقل قبل از گذشت یک سال که تثبیت شده و موثر واقع شده، دست به آزادسازی قیمت‌ها بزند. در حال حاضر دولت باید تمام توان خود را روی به ثبات رساندن جامعه بگذارد.»

مرتضی عزتی افزوده که «قیمت‌ها و تورم را کنترل کند و حتی اگر موفق شود تورم را کاهش دهد که بهتر خواهد بود؛ بنابراین اگر دولت اقدام به افزایش ناگهانی قیمت

سوخت کند که قطعاً منجر به افزایش تورم می‌شود، به تمامی اقدامات بعدی خود آسیب زده و همراهی مردم را از دست می‌دهد.»

او افزوده که «این رفتار باعث می‌شود مردم در سایر تصمیم‌گیری‌های دولت همدلی نکنند. تاکید می‌کنم که هر که بر افزایش ناگهانی قیمت سوخت تاکید دارد در پی آسیب‌زنی به دولت است.»

پیشتر نیز وحید شقاقی شهری کارشناس و تحلیلگر اقتصادی تاکید کرده بود که «مسائل اقتصادی هیچوقت تک بُعدی نیستند و ساده‌سازی مسائل پیچیده اقتصادی، قابلیت حل مسائل کشور را فراهم نمی‌کند و بر معضلات و نگرانی‌ها در جامعه می‌افزاید.»

وحید شقاقی شهری همچنین گفته بود «بدون در نظر گرفتن متغیرها در رابطه با بنزین، راهکار افزایش قیمت بنزین به نتیجه نخواهد رسید و علاوه بر اینکه دل‌نگرانی‌ها در جامعه را خواهد افزود، قابلیت دفاع علمی نیز نخواهد داشت. از این منظر برای تعیین قیمت بنزین در اقتصاد ایران باید مدلی را طراحی کرد که شامل این متغیرها باشند و از حل این مدل چندمتغیره، باید به قیمت بنزین رسید.»

به عقیده این اقتصاددان «در مسئله بنزین باید متغیرهای کلیدی نظیر متغیر قیمت بنزین در جهان و همسایگان و تفاوت آن با قیمت داخل، کیفیت خودروهای داخلی و میزان مصرف سوخت خودروها، دستمزد پرداختی به مردم، قیمت سایر اقلام انرژی و جایگزین بنزین نظیر گاز، میزان بالای اشتغال‌آزایی از قیمت بنزین طی سال‌های اخیر نظیر افراد شاغل در اسنپ، سهم خانوارهایی برخوردار از خودرو و میزان مصرف بنزین آنها، تورم بالای ۴۰ درصدی ۷ سال اخیر و تضعیف شدید قدرت خرید ایرانیان، و نیز موضوع توزیع عادلانه یارانه انرژی در کشور، مدنظر قرار بگیرد.»

این تحلیلگر اقتصادی گفته بود «هرگونه جراحی اقتصادی نیازمند زمان شناسی، موقعیت شناسی و برآورد الزامات آن است. در حال حاضر که ۷ سال پی در پی، تورم‌های بالای ۴۰ درصدی به مردم بالاخص دهک‌های میانی به پایین تحمیل شده است و قدرت خرید مردم به شدت سقوط کرده، از طرف دیگر به دلیل عدم رشد اقتصادی مولد، بخش زیادی از مردم در مشاغل پایین دستی همچون رانندگی در اسنپ کسب درآمد دارند، به هیچ عنوان در این شرایط اقتصادی اقدام به جراحی اقتصادی نباید کرد.» نرسی قربان کارشناس انرژی نیز نسبت به تبعات اجتماعی افزایش قیمت بنزین هشدار داده و گفته «به دلیل اینکه نمی‌توان قیمت‌ها را افزایش داد مجبور به در پیش گرفتن راه کارهای غیر قیمتی هستیم، به عنوان مثال خودروهای برقی را جایگزین خودروهای بنزینی کنیم که به مدت زمان طولانی نیاز دارد.»

این کارشناس انرژی افزوده «افزایش تولید بنزین هم راهکار ساده ای نیست زیرا نیازمند سرمایه و تکنولوژی است و تنها راهکار سریع حل ناترازی بنزین افزایش قیمت است که آن هم به دلیل تبعات اجتماعی مد نظر نیست.» از سوی دیگر برخی کارشناسان معتقدند دولت در نهایت ناچار است قیمت بنزین را افزایش دهند. در اردیبهشت امسال ناترازی بنزین سبب شده دولت قراردادی با ارزش دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار با پتروشیمی‌ها برای تولید بنزین در سال جدید امضا کند. ورود بنزین پتروشیمی به چرخه سوخت در حالیکه این سوخت آلاینده‌ی شدید و خطرناکی دارد.

کارشناسان معتقدند با تداوم روند فعلی در زمینه تولید و مصرف بنزین، ایران در ۱۰ سال آینده نیازمند واردات روزانه ۱۱۰ میلیون لیتر بنزین و معادل سالانه ۲۵ میلیارد دلار از این محصول خواهد بود.

دور جدید دادگاه پرونده قتل مهرجویی؛ متهم ردیف اول: «ماهی ۴۰ میلیون تومان درآمد داشتیم نیازی نبود مرتکب قتل شوم!»

● کریم متهم ردیف اول پرونده اتهام قتل را رد کرده است. او مدت‌ها قبل از قتل مدتی برای داریوش مهرجویی کار می‌کرده است.

● مانوش منوچهری وکیل خانواده مهرجویی ایراداتی به پرونده وارد دانسته از جمله اینکه شهرک محل زندگی مهرجویی مجهز به دوربین مداربسته بوده، اما این دوربین‌ها بررسی نشده و اگر هم شده در پرونده موجود نیست.

● مانوش منوچهری گفته بود آنچه توجه مونا مهرجویی را از همان لحظه ورود به صحنه جرم جلب کرد لباسی رسمی بوده که پدر بر تن داشته و جز در مواقعی که مجبور بوده بر تن نمی‌کرده، چه برسد به خانه خودش در شامگاه!

چهار متهم پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش برای بار دوم پای میز محاکمه رفتند. متهم ردیف اول قتل داریوش مهرجویی و همسرش در این جلسه دادگاه منکر ارتکاب به قتل شده و گفته «ماهی ۴۰ میلیون تومان درآمد داشتیم نیازی نبود مرتکب قتل شوم.»

دور تازه‌ای از دادگاه رسیدگی به پرونده قتل داریوش مهرجویی فیلمساز معروف ایرانی و وحیده محمدی‌فر همسرش از روز یکشنبه ۲۵ شهریورماه «برای رفع ابهامات پرونده» آغاز شده است. دیوان عالی کشور دو ماه پیش ایرادهای وارد شده به پرونده از سوی وکلای خانواده مهرجویی را پذیرفته و پرونده را برای بررسی دوباره به دادسرای فردیس فرستاده بود.

روزنامه «اعتماد» هفته گذشته با اعلام خبر برگزاری دور جدید دادگاه رسیدگی به این پرونده نوشته بود که بر اساس «شنیده‌ها»، عوامل این جنایت توسط فرد یا افرادی اجیر شده بودند. این در حالیکه به پیشتر مقامات قضایی اعلام کرده بودند قاتلان با مهرجویی و همسرش خصوصت شخصی داشته‌اند.

«اعتماد» همچنین نوشته بود کریم، متهم اصلی این پرونده، در دادگاه پیشین منکر این جنایت شده و حتی حضورش در صحنه جرم است.

در جلسه جدیدی که برگزار شده نیز کریم متهم ردیف اول پرونده اتهام قتل را رد کرده است. او مدت‌ها قبل از قتل مدتی برای داریوش مهرجویی کار می‌کرد.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی از جلسه روز گذشته دادگاه نوشته وکلای اولیای دم یکبار دیگر ایراداتی را که بر



پرونده وارد کرده بودند تکرار کردند.

بر این اساس، مهمترین ایرادات وارد شده مساله «آمریت در این قتلها» به معنای فرد یا افرادی که دستور قتل را داده و قاتلان را اجیر کرده‌اند، و همچنین تفکیک نقش متهمان و وجود چاقوی سوم در قتلها، بوده است.

«اعتماد» نوشته وکلای اولیای دم همسر داریوش مهرجویی یکبار دیگر درباره مساله آمریت و بررسی نقش افراد احتمالی به عنوان آمر صحبت کردند که رئیس شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز و نماینده دادستان به این گفته‌ها پاسخ دادند.

نماینده دادستان در توضیح تحقیقات انجام شده گفت: «همه مظنونی که از سوی طرف پرونده معرفی شدند مورد تحقیق و بازجویی قرار گرفتند اما برای همه آنها قرار منع تعقب صادر شد.»

همچنین رئیس دادگاه نیز گفته که «طبق تحقیقات گسترده انجام شده حضور نفر پنجم در این پرونده منتفی است و آمریتی وجود نداشته و مظنونان همگی رد اتهام شده‌اند.»

همچنین بررسی‌هایی نیز درباره وجود چاقوی سوم در محل قتل انجام شده است که با توجه به نظریه پزشکی قانونی این احتمال نیز به صورت قوی رد شد.

مانوش منوچهری وکیل خانواده مهرجویی ۹ ایراد بر این پرونده وارد دانسته بود از جمله اینکه «شهرک محل زندگی مرحوم مهرجویی دارای در ورود و نگهداری و مجهز به دوربین مداربسته بوده، اما این دوربین‌ها بررسی نشده و اگر هم شده در پرونده موجود نیست.»

همچنین آلات قتاله در نزدیکی محل کار یکی از متهمان با راهنمایی خود متهم کشف شده که یکی از آنها خونی و دیگری پاک بوده و در آزمایش‌های صورت گرفته در پلیس آگاهی فراجا و اداره پزشکی قانونی، خون مهرجویی بر هیچیک از آنها پیدا نشده و تنها خون وحیده محمدی‌فر بر آن باقی مانده که طبق نظریه همان ادارات احتمال وجود چاقوی دیگری متصور است.

به گفته وکیل پرونده، اختفای آلت قتاله خونی در زیر خاک در حالیست که دستکش‌های پلاستیکی که متهمان اظهار کردند در دست داشتند به گفته خود ایشان سوزانده شده و معلوم نیست چرا آلت قتاله را معدوم کرده‌اند. از سوی دیگر بنا بر اظهارات متهمان، تنها سه نفر از ایشان دستکش به دست داشته و یک نفر از آنها که اتفاقاً بنا به گفته خودش با قصد قتل به دلیل کدورت پیشین به خانه مهرجویی‌ها رفته بود، دستکش به دست نداشته است.

مانوش منوچهری گفته بود آنچه توجه مونا مهرجویی را از همان لحظه ورود به قتلگاه پدر و مادرش جلب کرده، لباسی بوده که پدر بر تن داشته و لباسی رسمی بوده و جز در مواقعی که مجبور بوده بر تن نمی‌کرده، چه برسد به خانه خودش در شامگاه.

او افزوده بود عدم واکنش کارگران مستقر در کانکس مجاور محل زندگی مهرجویی که پس از انجام تحقیقات، گفته بودند در ساعت بین ۹ و ۱۰ شب خواب بوده‌اند و چیزی متوجه نشده‌اند نیز مبهم است.

این وکیل دادگستری افزوده بود بنا بر محتویات پرونده، اپلیکشن‌های تلگرام و واتس‌آپ و اینستاگرام خانم محمدی‌فر به رغم استفاده از آن تا ساعات پایانی زندگی‌اش و ارسال پیام به مونا یا دوستان دیگرش، بلافاصله پس از وقوع جنایت پاک شده که حتی بخشی از پیام‌های مونا در آستانه ورود به ویلا نیز دریافت نشده که با وجود کشف گوشی تلفن به همراه آلت قتاله، بررسی‌های کافی جهت بازگرداندن این اپلیکشن‌ها و بررسی اطلاعات آن انجام نشده است.



من به عنوان وکیل آگاه هستم انگیزه دلیل قتل نیست، اما محرک اقدام به قتل می‌تواند باشد. کریم انگیزه قوی برای قتل نداشته است.»

این وکیل دادگستری با اشاره به شخصیت موکل‌اش گفته بود «کریم ۱۰ روز در منزل آقای مهرجویی زندگی و از خانه او مراقبت کرده است. جالب است بدانید در این ۱۰ روز حتی یک قطره از آب منزل آقای مهرجویی استفاده نکرده و با خودش آب معدنی می‌برده است. منظورم این است که کریم تا این حد فرد مقیدی است. البته باز هم تاکید می‌کنم مسئله من رد یا تایید اتهام کریم نیست، چون ممکن است فردی انگیزه کافی برای قتل نداشته باشد اما مرتکب قتل شود یا فردی انگیزه کافی داشته باشد اما مرتکب قتل نشود.»

او همچنین گفته بود «بعضی از اتفاقات در این پرونده واقعاً قابل حل نیست. مثلاً چطور می‌شود برای دزدی به محل جرم وارد شد ولیکن گوشی آیفون و تبلت دست نخورده باقی بماند؟ در یک شهرک اقدام به قتل کنی ولی در همان محل به کار ادامه بدهی؟ مشکل می‌رویس با مرحوم مهرجویی برای سه سال قبل از قتل است، چرا باید سه سال کینه را نگه دارد و بعد اقدام کند؟ از کجا می‌دانسته دوربین‌ها خراب است و هنوز تعمیر نشده است؟ تفاوت ساعت خروج کریم از ویلا و محل کار و ورود به ویلا مرحوم چگونه توجیه می‌شود؟»

این وکیل دادگستری به ابهامات دیگری اشاره کرده بود از جمله اینکه «چطور می‌شود که قاتل بعد از قتل دست‌های خود را بشوید، ولیکن چاقو و آلت قتاله را خیر؟ چقدر زمان داشته که در گوشی مقتولان وارد شود و نرم‌افزارهای اجتماعی را پاک کند؟ چه دلیلی داشته‌اند و منطق آن چیست؟»

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی‌فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلا شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت مرگ آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.

با اینهمه بسیاری موضوع «قتل حکومتی» را با توجه به مواضع اخیر داریوش مهرجویی درباره حکومت و مسائلی چون حجاب محتمل می‌دانند.

بر اساس اطلاعات وکیل پرونده دزدی جاروبرقی یا طلب ۳۰ میلیون تومانی، هیچیک منطبق بر پرونده نیست و در مورد انگیزه متهمان برای جنایت کذب محض است.

مانوش منوچهری همچنین گفته بود که «شتابزدگی در صدور رأی» نیز یکی دیگر از ایرادات و ابهامات در این پرونده است!

یک ماه پس از اعلام پذیرش ایرادات پرونده از سوی دیوان عالی کشور، وکیل متهم ردیف اول این پرونده نیز از تناقضات و ابهاماتی در پرونده خبر داد. ابهامات مطرح شده فرضیه «حکومتی» بودن قتل داریوش مهرجویی و همسرش را تقویت می‌کند.

امیر موسی‌خانی وکیل دادگستری و وکیل «کریم» متهم ردیف اول پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته بود از لحظه‌ای که او وکالت «کریم» را به عهده گرفته و برای نخستین بار او را دیده تا کنون، این جوان افغانستانی «به شدت منکر انجام این اعمال بوده، حتی در ملاقات زندان نیز مدعی بود کلیه اظهارات ناشی از فشارها بوده است.»

به گفته وکیل «کریم» ابهاماتی در این پرونده وجود دارد و «یک پرونده بسیار پیچیده است که شاید هیچوقت ابهامات در آن حل نشود.»

او گفته بود «مهمترین مسئله‌ای که من به آن اشاره کردم بحث مترجم بود و دیگری ارائه صوت بازجویی‌های انجام‌شده و اعترافات کریم در مرحله بازجویی که هیچیک مورد توجه قرار نگرفت. هر چهار متهم مسئله مترجم داشتند، هرچند آنها توانایی صحبت به زبان فارسی را داشتند ولی زبان مادری متهمان کاملاً غیرقابل فهم برای فارسی‌زبانان است. حتی یکی از متهمان نیز در پرونده اعلام کرده که کریم به زبان محلی در آگاهی با آنان صحبت کرده است، یعنی زبان محلی آنان با زبان فارسی تفاوت داشته است. معنای بعضی کلمات افغانی و محلی در این پرونده با معنای کلمات فارسی ایرانی تفاوت داشت. هر چهار متهم به لحاظ گفتاری و شنیداری فارسی را خوب بلد نبودند و این نقص در فهم معنای کلمات و معنای جملات به خوبی در جلسات مشهود بود. به نظرم قانوناً باید مترجم در کنار آنها می‌بود.»

او همچنین به «انگیزه قتل» اشاره کرده و گفته بود «البته

داستان دنباله دار ناترازی؛ کمبود برق، بنزین، گاز و گازوئیل در زمستان امسال

قانون برنامه برای رفع ناترازی باید سید سوخت متنوع شده و از ال پی جی استفاده شود از رئیس جمهور که همواره بر اجرای برنامه هفتم تاکید دارد، درخواست دارم که قانون برنامه هفتم توسعه را در این زمینه اجرایی کند چرا که اگر ال پی جی و سی ان جی و خودروی برقی اعمال شود نیاز کشور به ۲۰ تا ۳۰ درصد واردات بنزین مرتفع می‌شود. مالک شریعتی از قانون بودجه‌ای سخن می‌گوید که در نیمه سال با کسری هزار هزار میلیارد تومانی روبروست و کارشناسان معتقدند این کسری درآمدها در نیمه دوم سال برجسته‌تر خواهد شد!

از سوی دیگر در دیگر بخش‌های انرژی از برق تا گاز و گازوئیل نیز ناترازی وجود دارد و خبرها از تداوم کمبود شدید برق و گاز در پاییز و زمستان آتی حکایت دارد.

علی نیکبخت رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی نیروگاه‌های کشور به تازگی اعلام کرده که در صورت ادامه روند فعلی و عدم چاره‌اندیشی، میزان ناترازی برق در تابستان ۱۴۰۴ حداقل ۲۶ هزار مگاوات خواهد بود.

به گفته علی نیکبخت «اگر وزارت نیرو امروز برای بهسازی و اجرای پروژه‌های جبران آفت تولید امروز اقدام کند، می‌تواند با تخصیص ۹۰۰ میلیون دلار تا یک میلیارد دلار بودجه، ۲۷۰۰ مگاوات در نیروگاه‌های بخاری و ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مگاوات در نیروگاه‌های گازی فعلی، به تولید عملی برق حرارتی بیفزاید و با این کار، حداقل ناترازی در حد ۲۰ هزار مگاوات سال جاری باقی بماند.»

علی نیکبخت گفته بود که با تأکید بر اینکه عمده هزینه‌های یک نیروگاه ارزی است و حدود ۱۸۰ میلیارد تومان هزینه برای نگهداری یک واحد نیروگاهی لازم است، گفت: «نیروگاهی که اکنون به دلیل تعمیرات متوقف شده در ایجاد ناترازی موثر است، باید برای آن تدبیر و از دو سال قبل قطعات آن سفارش داده می‌شد که این اتفاق نیفتاده است و همین موضوع به ناترازی برق دامن زده است.»

او افزوده بود که با سرمایه‌گذاری ۹۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار در بهسازی نیروگاه‌های فعلی، می‌توان تا ۴۲۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید برق افزود و ناترازی را تا حدی کنترل کرد.

علی نیکبخت ناترازی امسال را ۱۹ تا ۲۰ هزار مگاوات عنوان کرده و گفته بود که اگر از همین حالا چاره‌ای اندیشیده نشود، سال آینده با کسری ۲۶ هزار مگاواتی برق روبرو خواهیم شد. این رقم دو برابر کل تولید برق سه کشور بزرگ صادرکننده برق در منطقه است.

همچنین محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان از کسری گاز در زمستان امسال خبر داده و گفته «از الان مشخص است که زمستان با ناترازی گاز روبرو خواهیم شد. بعد از آن هم در تابستان ناترازی برق خواهیم داشت. اگر بخواهیم مشکلات و ناترازی‌های فراوان کشور را صرفاً از طریق دولت حل کنیم خیلی نمی‌توانیم موفق باشیم. نخبگان و دلسوزان راهکار بدهند.»

محسن پاکنژاد وزیر نفت دولت چهاردهم نیز کسری گاز در زمستان امسال را ۲۵۰ میلیون مترمکعب عنوان کرده است.

رقم کسری گاز اعلام شده از سوی وزیر نفت ۵۰ میلیون مترمکعب از کسری سال گذشته بیشتر است و این موضوع بیانگر تشدید بحران کسری انرژی است که هر ساله میزان ناترازی را نسبت به سال پیشتر افزایش می‌دهد.



پالایشگاه «هاشمی‌نژاد» سرخس

میلیون لیتر بوده اما طی چند ماه به ۱۱۷ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است. او گفته پیش‌بینی می‌شود مصرف تا ۱۵۰ میلیون لیتر در روز نیز افزایش یافته و تأکید کرده که «ناترازی سوخت به ویژه سوخت بنزین از آنچه تصور می‌کنیم به ما نزدیک‌تر است و اگر مدیریت نشود قطعاً به واردکننده بنزین تبدیل خواهیم شد.»

او گفت با وجود در دست بودن امکان برنامه‌ریزی‌های میان‌بلندمدت برای رفع ناترازی سوخت، فرصت‌سوزی‌های زیادی رخ داده بطوری که اجرای طرح‌های پتروپالایشگاهی پیشرفت مطلوبی نداشته و هیچگونه سختی با برنامه زمان‌بندی شده ندارد.

محمدصادق محبی نظر افزود که «درمان ناترازی سوخت باید در بخش‌های مختلف تولید، انتقال، تخصیص و توزیع صورت پذیرد و اعمال سیاست‌های یکجانبه، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه به صورت بار مضاعف سایر قسمت‌های چرخه سوخت را تحت فشار قرار می‌دهد.»

کارشناسان معتقدند به دلیل عدم سرمایه‌گذاری مناسب ناترازی بنزین با تولید بنزین امکان‌پذیر نیست، در نتیجه دولت راهکاری جز افزایش قیمت نخواهد داشت مگر اینکه منابع ارزی کافی در دست دولت باشد تا بتواند بنزین وارد کند.

مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی البته معتقد است که نیاز به افزایش قیمت بنزین برای رفع ناترازی نیست و فقط دولت باید به قانون بودجه امسال توجه کند. او توضیح داده که صنعت سی ان جی و خودروی برقی رها شده است علاوه بر این سالانه صدها هزار تن گاز مایع یا ال پی جی که در پالایشگاه‌های نفت و گاز تولید می‌شود، در مشعل سوزانده می‌شوند بعد همین‌ها را نمی‌گذارند در اختیار خودروها قرار گرفته و صنعت اتوگاز رونق بگیرد؛ هر یک ال پی جی در یک سال برای یک خودرو کفایت می‌کند.

به گفته عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی طبق

● مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی گفته پالایشگاه ستاره خلیج فارس توانایی تولید بنزین سوپر را دارد اما به دلیل ناترازی دولت دستور داده بنزین با اکتان ۸۷ و ارزان تولید کند.

● به گفته مدیر عامل تایپکو شرکت پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس این پالایشگاه رقمی معادل ۶۰ هزار میلیارد تومان در ازای فروش بنزین از دولت طلبکار است. ● علی نیکبخت رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی نیروگاه‌های کشور به تازگی اعلام کرده که در صورت ادامه روند فعلی و عدم چاره‌اندیشی، میزان ناترازی برق در تابستان ۱۴۰۴ حداقل ۲۶ هزار مگاوات خواهد بود.

● محسن پاکنژاد وزیر نفت دولت چهاردهم نیز کسری گاز در زمستان امسال را ۲۵۰ میلیون مترمکعب عنوان کرده است.

ناترازی انرژی در ایران مرزهای هشدار را هم رد کرده اما همچنان از سوی دولت هیچ برنامه مشخص و کارآمدی برای جبران ناترازی از برق و گاز، تا بنزین ارائه نمی‌شود.

بابک افقهی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی روز گذشته اعلام کرد پالایشگاه ستاره خلیج فارس توانایی تولید بنزین با اکتان بالا و بنزین سوپر را دارد اما به دلیل ناترازی دولت دستور داده بنزین با اکتان ۸۷ و ارزان قیمت تولید کند.

او با بیان اینکه با تأمین خوراک و میعانات که دولت در اختیار ما قرار دهد در یک فاز توسعه‌ای می‌توانیم میزان تولید را از ۴۲ میلیون لیتر افزایش دهیم، گفته که «دولت به دلیل ناترازی بنزین شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی را وادار به تولید بنزین با اکتان پایین‌تر کرد.»

بابک افقهی گفته تولید بنزین با کیفیت پایین طی مصوبه دولت از دی‌ماه ۱۴۰۲ به این پالایشگاه تحمیل شده و در نتیجه بجای بنزین سوپر بنزین با اکتان ۸۷ تولید می‌کند.

به گفته مدیرعامل تایپکو شرکت پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس این پالایشگاه رقمی معادل ۶۰ هزار میلیارد تومان در ازای فروش بنزین از دولت طلبکار است که رقم بالایی به شمار می‌رود.

این در حالیست که بر اساس ادعای جمهوری اسلامی برای ساخت پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس ۴ میلیارد دلار هزینه شده و قرار بود نفت فوق سبک و میعانات گازی تولید شده از میدان گازی پارس جنوبی که کیفیت بالایی دارد را به بنزین و گازوئیل با استاندارد یورو ۵ تبدیل کند.

آمارهای وزارت نفت حاکی از آن است که پالایشگاه‌های کشور روزانه ظرفیت تولید ۹۷ میلیون لیتر بنزین را دارند اما با افزودن مواد غیرمرغوب حجم تولید را به ۱۱۸ میلیون لیتر می‌رساند. با اینهمه تولید بنزین در ایران پاسخگوی نیاز داخلی کشور نیست و مدت‌هاست ناترازی بنزین سبب اختلال در سوخت‌رسانی شده است.

محمدصادق محبی نظر رئیس کمیسیون انرژی مجمع مشورتی نظام مسائل کشور هفته گذشته با بیان اینکه سالانه ۱۰ درصد افزایش مصرف سوخت مایع در ایران وجود دارد گفت «شرایط تولید و توزیع بنزین و گازوئیل به گونه‌ای است که مسیر این چرخه را هر لحظه ممکن است نامتوازن کند و در صورت عدم چاره‌اندیشی عاجل تبعات متعددی را در پی خواهد داشت.»

رئیس کمیسیون انرژی مجمع مشورتی نظام مسائل کشور، توضیح داد که مصرف بنزین در ابتدای سال روزانه ۱۱۰

۶۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر؛ سوق دادن جامعه به سمت «هندی شدن»

ساله رشد متوسط قیمت‌ها از ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۳ مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، رشد متوسط قیمت‌ها در این ۳۴ سال، در عربستان سعودی ۵۵ درصد، جمهوری آذربایجان ۳۱۲ درصد، در مصر که منحصرترین کارنامه‌ها را در آفریقا داشته ۸۹۷ درصد، در ایران بالغ بر ۱۲ هزار درصد بوده است. فرشاد مومنی توضیح داده «زمانی که به تولید پشت می‌کنید و از طریق شوک‌درمانی و دست بردن پی‌درپی می‌خواهید برای دولت کسب درآمد کنید، تولید ضربه می‌بندد و فقر، نابرابری و وابستگی به دنیای خارج افزایش می‌یابد و ناپایداری ذاتی سیستمی هم‌گریبان کشور را می‌گیرد.»

محمد اسماعیل مطلق رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی نیز به تازگی اعلام کرده که ۸ استان کشور از نظر تغذیه نیاز به توجه بیشتری دارند.

این استان‌ها شامل کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان، بوشهر، ایلام هستند و از نظر اقتصادی نیز استان‌های کم‌برخوردار به شمار می‌روند. در این استان‌ها وضعیت شاخص‌های تغذیه که با درآمد نسبت مستقیم دارد نیز دچار بحران است.

افزایش جمعیت فقرا در ایران شرایط ویژه‌ای در حوزه جامعه و فرهنگ ایجاد می‌کند. در همین رابطه غلام‌حیدر ابراهیم‌بای سلامی جامعه‌شناس گردشگری گفته که «سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اشتباه در ایران، موجب کاهش ارزش پول ملی و مستولی شدن فقر و فلاکت در جامعه شده است. این شرایط، جامعه را به سمت «هندی شدن» سوق می‌دهد و ما مصادیق این روند را طی سال‌های اخیر شاهد بودیم و هستیم؛ چادر زدن در پارک‌ها یا اقامت در حاشیه خیابان‌های شهرهای توریستی یکی از این موارد است.»

به عقیده این جامعه‌شناس «روی آوردن به موتورسواری، به‌جای استفاده از ماشین‌های مناسب یا حتی گران‌قیمت نیز تصویر شهری ما را به خیابان‌های هندوستان تشبیه می‌کند که در آن، جمعیت موتور سیکلت سواران بیشتر از اتومبیل‌سواران است.»

او تأکید کرده که «طی یک دهه گذشته، اقلیت ثروتمند جامعه روز به روز بزرگتر و طبقه متوسط روز به روز به طبقه ضعیف نزدیکتر شد؛ تا جایی که می‌توان گفت امروزه طبقه متوسط از تقسیم‌بندی‌های ما محو شده است. این دو قطبی فقیر-غنی، زاینده تفکر غلط و برنامه‌ریزی غیرعلمی در اقتصاد است.»

مقصود فراستخواه جامعه‌شناس و استاد دانشگاه نیز به تازگی اعلام کرده که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ حدود ۱۰ میلیون نفر به جمعیت فقرا در ایران اضافه شده و این آمار را «مهییب» خوانده است. مقصود فراستخواه معتقد است که جامعه ایران به سمت «فقیر شدن همگانی می‌رود چرا که علاوه بر نداشتن رشد اقتصادی، «نرخ تورم بالایی» در کشور وجود دارد و «بیماری‌های مزمن اقتصادی باعث می‌شود فقر همگانی شود.»

این جامعه‌شناس یکی از نتایج فقیر شدن همگانی در جامعه ایران را در بازار مسکن ارزیابی کرده و گفته بر اساس گزارش‌های رسمی «دهک‌های یک تا سه جامعه مطلقاً دیگر نمی‌توانند مسکن تهیه کنند و دهک‌های سه تا پنج هم به میزان قابل توجهی نمی‌توانند مسکن تهیه کنند». او افزوده چنین آماري به این معناست که «پنج، شش دهک در ایران از بازار مسکن اخراج شده‌اند.»



و هدفمندی که به بیان واقعی به افزایش توان معیشتی بیانجامد امیدوار بود. هادی موسوی‌نیک پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده که عدد برآوردی خط فقر برای یک خانوار ۳ نفره در شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بر اساس آخرین محاسبات انجام‌شده، حدود ۲۰ میلیون تومان اعلام شده است؛ در حالی که حداقل دستمزد در سال جاری چیزی کمتر از ۱۰ میلیون تومان است. وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده که آمار بالای خط فقر در ایران ناشی از ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. برای کاهش فقر، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و جامع از سوی دولت و سازمان‌های مرتبط است تا بتوان از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی، کنترل تورم، بهبود توزیع درآمد و اجرای برنامه‌های حمایتی مناسب، شرایط زندگی افراد زیر خط فقر را بهبود بخشید.

این گزارش افزوده که هر چند داده‌های رسمی درباره خط فقر هنوز منتشر نشده، اما بر اساس شرایط اقتصاد کلان، به نظر نمی‌رسد تغییر جدی در وضعیت رفاهی خانوار در سال ۱۴۰۳ رخ داده باشد و افقی برای بهبود وضعیت رفاهی مشاهده نمی‌شود. در بهترین شرایط می‌توان انتظار ثبات شرایط را داشت. با این حال در صورتی که در سال ۱۴۰۳ تورم مطابق پیش‌بینی‌ها، کنترل شده و بهبود در درآمد‌های کشور ایجاد شود، می‌توان انتظار داشت که از سال ۱۴۰۴ به بعد روند بهبود آغاز شود.

وبسایت «اکوایران» نیز نوشته از نگاه پژوهشگران برخلاف سال‌های بعد از احیای برجام که امید فقرا برای ارتقای سطح زندگی و حرکت به سمت بالای خط فقر بیشتر شده بود اما در سه سال اخیر، با وجود آنکه تعداد فقرا زیرخط فقر بیشتر نشده اما وضعیت زندگی آنها بدتر شده به تعبیری دیگر فقیران ایران، فقیرتر شده‌اند.

فرشاد مومنی اقتصاددان نیز با اشاره به افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارها که سبب فقیرتر شدن جامعه شده گفته طبق بررسی آماری بانک جهانی طی یک دوره ۳۴

داوود سوری اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی اعلام کرده که ۶۰ درصد جامعه ایران فقیر هستند و نمی‌توانند ۲۱۰۰ کالری در روز مصرف کنند، یعنی بیش از ۵۰ میلیون فقیر داریم.

برآورد خط فقر برای یک خانوار ۳ نفره در شهر تهران در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۰ میلیون تومان اعلام شده؛ در حالی که حداقل دستمزد در سال جاری چیزی کمتر از ۱۰ میلیون تومان است. یک جامعه‌شناس معتقد است جامعه ایران به سمت «هندی شدن» رفته و مصادیق این روند مواردی مانند چادر زدن در پارک‌ها یا اقامت در حاشیه خیابان‌های شهرهای توریستی است.

در حالیکه مقامات دولتی از زیر خط فقر قرار داشتن ۳۰ درصد از جمعیت کشور می‌گویند، یک اقتصاددان اعلام کرده که ۶۰ درصد جامعه ایران معادل بیش از ۵۰ میلیون نفر فقیر هستند و توان تأمین کالری غذایی مورد نیاز روزانه را ندارند. داوود سوری اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی اعلام کرده که ۶۰ درصد جامعه ایران فقیر هستند و نمی‌توانند ۲۱۰۰ کالری در روز مصرف کنند، یعنی بیش از ۵۰ میلیون فقیر داریم.

این آمار در حالی از سوی داوود سوری مطرح شده که پیشتر مقامات دولتی از زیر خط فقر قرار داشتن حدود ۳۰ درصد از جامعه خبر می‌دادند.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت چهاردهم به تازگی اعلام کرده که ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند.

وزیر کار دولت پزشکیان افزوده «کسانی که دچار فقر شدید هستند عمدتاً افراد بیکار هستند. در حالی که اغلب کسانی که به فقر مطلق دچارند، شغل و درآمد دارند، اما درآمد آنها کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. بر اساس داده‌های مرکز آمار، نرخ فقر شدید در کل ایران حدود ۶ درصد با جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر بود و برنامه‌هایی ریخته و منابعی داده شد که بتوانیم این را از بین ببریم.»

او در ادامه به آمارهای مرکز آمار ایران اشاره کرده و گفته «تا اواسط دهه ۸۰ حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد فقر مطلق داشتیم که بعد از موج اول تحریم‌ها تا میانه دهه ۹۰ به حدود ۲۰ درصد رسید، اما با شروع موج دوم تحریم‌ها و تورم شدید، از سال ۱۳۹۷ با شیب تندتری افزایش پیدا کرده و به ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۸ رسید. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ نرخ فقر نسبتاً ثابت و حدود ۳۰ درصد یا ۲۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بوده است.»

وزیر کار دولت چهاردهم از بین بردن «فقر مطلق» را فرآیند پیچیده‌ای خوانده و گفته بدون تردید شرایط اقتصاد کلان، یعنی تورم و رشد اقتصادی، دو متغیری است که در موفقیت آن نقش پررنگی دارد. ولی صرف رشد اقتصادی خوب و کنترل تورم، فقر مطلق را از بین نمی‌برد و نباید منتظر ماند که رشد اقتصادی خیلی بالایی اتفاق بیفتد، بلکه ما باید برای کاهش فقر اقدامات متفاوتی را انجام بدهیم.»

وزیر کار جمهوری اسلامی اما درباره برنامه‌های دولت در رابطه با فقرزدایی به «کلی‌گویی» پرداخته و گفته «همانگی بین نهادهای عمومی دولتی، غیر دولتی و مؤسسات خیریه برای هم‌افزایی» یکی از اقدامات برای کاهش فقر است. اظهارات وزیر کار نشان می‌دهد در دولت پزشکیان نیز نمی‌توان به اجرای برنامه‌های کارآمد

بار دیگر جنجال «تعطیلات آخر هفته»؛ کمیسیون اجتماعی به تعطیلی پنجشنبه رأی داد!

مشکل می‌شوند. مواردی مانند صدور گواهی مبدا که به سازمان توسعه تجارت و وزارت صمت مربوط و نیاز بود که در تهران پیگیری شود به دلیل تعطیلی پنجشنبه متوقف می‌شد؛ با تصویب تعطیلی شنبه، ادارات روز پنجشنبه فعال خواهند بود که این موضوع در حوزه‌های مرتبط با تجارت خارجی قطعاً موثر است.

مجلس شورای اسلامی پیش از این با تعطیلی روز شنبه به عنوان دومین روز تعطیل موافقت کرده بود. اما شورای نگهبان ۱۳ مردادماه، تعطیلی روز شنبه در لایحه افزایش تعطیلات آخر هفته را خلاف موازین شرع دانست و با آن مخالفت کرد. هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان روز شنبه ۱۲ خردادماه ۱۴۰۳ درباره لایحه تعطیلی روزهای شنبه گفته بود «مصوبه تعطیلی شنبه‌ها در نوبت بررسی است و به محض اتمام، اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

ساعاتی بعد اما خبر دیگری در رسانه‌های داخلی ایران منتشر شد که «هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام با تعطیلی شنبه‌ها مخالفت کرد.»

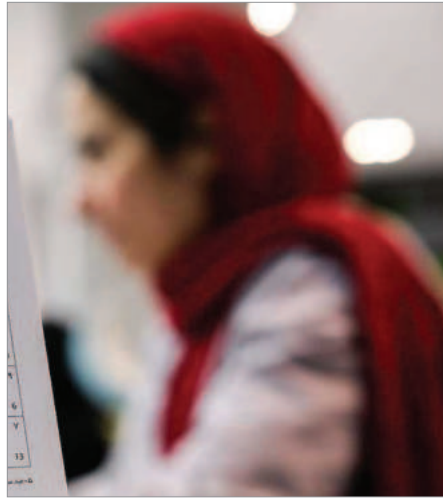
هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده بود که پس از بررسی مصوبه مجلس درباره تعطیلی شنبه، این مصوبه را مغایر با سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری دانسته است.

احمد کیمیایی عضو اتاق بازرگانی تهران در واکنش به مخالفت مجمع تشخیص مصلحت نظام با تعطیلی روزهای شنبه گفته «از روز اولی که بحث کاهش ساعت کار و تعطیلی مطرح شد، بخش خصوصی طی جلسات متعدد، روز شنبه را مطرح کرد. نامه‌هایی برای توجیه مسئولین هم نوشته شد. مجلس نیز متقاعد شد که تعطیلی شنبه به نفع فعالیت اقتصادی است. متأسفانه بعد از آن حمله‌هایی به افراد شد و قبل از اینکه شورای نگهبان آن را رد کند، در اقدامی نادر مجمع تشخیص آن را رد کرد. تعطیلی شنبه‌ها به نظر می‌رسد که دیگر منتفی باشد.»

این عضو اتاق بازرگانی افزوده «کشورهای اروپایی شنبه و یکشنبه تعطیل بوده‌اند. کشورهای حاشیه خلیج فارس تعطیلی‌شان شنبه و جمعه است. گمان کنم کشوری نیست که تعطیلی آن روز پنجشنبه باشد. فقط جیبوتی پنجشنبه‌ها را در بازه‌ای تعطیل کرد. تعطیلی در کشورهای مسلمان جمعه و شنبه ملاک تعطیلی است. تعطیل شدن پنجشنبه‌ها در ایران باعث می‌شود در جهان تنها شویم. پیشنهاد ما این است که کل طرح مسکوت بماند تا با گفتگوهای جدید، تعطیلی شنبه مطرح شود.»

بخشی از مقامات حکومتی اما معتقدند همزمان بودن روزهای شنبه با مراسم «شب‌ات» یهودیان غیرقابل پذیرش است و حتی چنین درخواستی از سوی فعالان اقتصادی و بخشی از نمایندگان مجلس را به عنوان توطئه‌ای از سوی صهیونیست‌ها ارزیابی کرده بودند.

تصمیمات نادرست مقامات حکومتی مدت‌هاست ناراضیاتی بخش خصوصی فعال در اقتصاد را افزایش داده است. بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های یک‌شبه و ناگهانی، توزیع رانت بین «خودی‌ها» و همچنین نگاه ایدئولوژیک به مناسبت بین‌المللی و تجارت خارجی، در عمل بخش خصوصی در ایران را فلج کرده است.



و هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام به مصوبه افزایش تعطیلات آخر هفته وارد کرده‌اند، بررسی و اصلاح شود.»

نماینده کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی همچنین گفته که «قرار بر این شد که اصلاحیه متنی مصوبه مربوط به تعطیلات آخر هفته را انجام دهیم تا ایرادات شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام رفع شود.» در واکنش به مصوبه تعطیلی پنجشنبه‌ها در کمیسیون اجتماعی مجلس، محمود نجفی عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران گفته وقتی دولت از تعطیلی پنج شنبه صحبت می‌کند این امر در وضعیت کسب و کارها هم تأثیر می‌گذارد و این برای تولیدکنندگان بخش خصوصی ایجاد هزینه می‌کند. رئیس اتاق بازرگانی تهران توضیح داده که «همه کشورهای دنیا غیر از جیبوتی که جمعه تعطیل است، شنبه و یکشنبه تعطیل هستند حتی افغانستان و عراق هم جمعه و شنبه تعطیل هستند و اتاق بازرگانی هم تعطیلی شنبه را پیشنهاد کرد، اما در نهایت در مجمع تشخیص مصلحت ما هم گفتیم پس پنج شنبه را تعطیل نکنید و مجمع هم نپذیرفت و شورای نگهبان هم دو دلیل برای رد تعطیلی شنبه آوردند؛ یکی تعارض با سیاست‌های ابلاغی و دیگری هم به دلیل تعارض با شرع مقدس.»

محمود نجفی عرب تأکید کرده که «دستگاه حاکمیت اصلاً حرف بخش خصوصی را گوش نمی‌دهد، ده سال است که نفهمیدیم چرا رابطه بانکی ما با جهان قطع است. با این حال ناامید نیستیم و باید این مملکت را بسازیم، اما با این روند بعید به نظر می‌رسد به رشد هشت درصدی برسیم.» محمدرضا غفراللهی عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران نیز پیشتر اعلام کرده بود که تعطیلی پنجشنبه‌ها ضرر غیرقابل جبرانی را برای می‌گذاشت و حالا با تعطیلی روز شنبه، یک روز تعطیلی ما با سایر کشورها به ویژه کشورهای همسایه مانند عراق و ترکیه که با آنها تبادلات تجاری بالایی داریم، مشترک می‌شود.

این فعال صنفی افزوده بود که با تعطیلی پایتخت در روز پنجشنبه عملاً خیلی از فعالیت‌ها متوقف می‌شود و افرادی که در زمینه واردات و صادرات فعال هستند دچار

● فضل‌الله رنجبر عضو هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی: مصوب شد که جمعه‌ها تعطیل باشد و روز پنجشنبه نیز خدمات اداری ارائه نشود که به معنای همان تعطیلی است.

● تجار و فعالان اقتصادی می‌گویند باید شنبه‌ها تعطیل شود و در صورت تعطیلی پنجشنبه ارتباط اداری و بانکی آنها از چهارشنبه بعد از ظهر تا دوشنبه صبح که در کشورهای دیگر شنبه و یکشنبه تعطیل است، با دنیا قطع خواهد شد و زیان‌های هنگفت به بار می‌آورد.

● رئیس اتاق بازرگانی تهران: دستگاه حاکمیت اصلاً حرف بخش خصوصی را گوش نمی‌دهد، ده سال است که نفهمیدیم چرا رابطه بانکی ما با جهان قطع است.

● برخی نیروهای رژیم تعطیلی شنبه‌ها را به دلیل همزمانی با «شب‌ات» یهودیان غیرقابل قبول می‌دانند!

در حالی که پیشتر اعلام شده بود تعطیلی دو روز در هفته در تقویم ایران منتفی است، کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی به تعطیلی روزهای پنجشنبه رأی مثبت داد. تجار و فعالان اقتصادی می‌گویند در اینصورت ارتباط اداری و بانکی آنها از چهارشنبه بعد از ظهر تا دوشنبه صبح با دنیا قطع خواهد شد.

پس از ماه‌ها از تعلیق طرحی که تعطیلی آخر هفته ایران را بطور رسمی از یک روز به دو روز افزایش می‌داد، کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی این طرح را دوباره بررسی و با تعطیلی روزهای پنجشنبه موافقت کرده است. پیش از این و در دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی طرح دیگری برای اعلام تعطیلی روزهای شنبه مطرح بود که با استقبال تجار و فعالان اقتصادی روبرو شده بود اما برخی نیروهای رژیم تعطیلی شنبه‌ها را به دلیل همزمانی با «شب‌ات» یهودیان غیرقابل قبول می‌دانند. در مقابل فعالان اقتصادی معتقدند در صورت تعطیلی روزهای پنجشنبه ارتباط اداری و بانکی آنها از چهارشنبه بعد از ظهر تا دوشنبه صبح که در کشورهای دیگر شنبه و یکشنبه تعطیل است، با دنیا قطع خواهد شد و این موضوع خسارات اقتصادی و اعتباری زیادی به همراه دارد.

طرح افزایش تعطیلات آخر هفته در نهایت به دلیل اختلاف نظرها معلق ماند و حتا گفته شد که منتفی شده اما در اقدامی ناگهانی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی طرح را در دستور کار دوباره قرار داده و با تعطیلی روزهای پنجشنبه موافقت کرده است.

فضل‌الله رنجبر عضو هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در اینبار توضیح داده که «مصوب شد که جمعه‌ها تعطیل باشد و روز پنجشنبه نیز خدمات اداری ارائه نشود که به معنای همان تعطیلی است.»

عضو هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی افزوده که «سقف ساعت کاری اداری در طول هفته ۴۰ ساعت در نظر گرفته شد که این موضوع در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی رأی آورد.»

نماینده مردم کرمانشاه همچنین گفته «البته بررسی درباره جزئیات این موضوع به جلسه روز سه‌شنبه هفته جاری کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی موکول شد، همچنین قرار شد روز سه‌شنبه ایراداتی که شورای نگهبان

رویای جمهوری اسلامی برای رشد هشت درصدی اقتصاد؛ با قطع انرژی، نبود سرمایه و قوانین ناکارآمد؟

محمود نجفی عرب افزوده «دستگاه حاکمیت اصلا حرف بخش خصوصی را گوش نمی‌دهد، ده سال است که نفهمیدیم چرا رابطه بانکی ما با جهان قطع است با این حال ناامید نیستیم و باید این مملکت را بسازیم، اما با این روند بعید به نظر می‌رسد به رشد هشت درصدی برسیم.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی به مشکلات مختلف برای دستیابی به رشد اقتصادی هشت درصد پرداخته و نوشته «تسلط اقتصاد دولتی بر کشور، قدیمی بودن سیستم‌های مدیریتی، تکنولوژی و ماشین‌آلات مستهلک، عدم فرهنگ‌سازی مناسب در مصرف و بهره‌وری بسیار پایین به اقتصاد ملی صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرده است.»

این گزارش برای نمونه به حوزه کشاورزی اشاره کرده و نوشته بر اساس آمارهای وزارت جهادکشاورزی به ازای هر متر مکعب آب ۱/۲ تا ۱/۳ کیلوگرم محصول در ایران تولید می‌شود؛ در حالیکه این رقم در کشورهای پیشرفته بالای ۳ کیلوگرم و متوسط دنیا ۲ کیلوگرم است که نشان می‌دهد در بحث بهره‌وری ایران چقدر از دنیا عقب است و این موضوع را می‌توان به وضعیت صنعت و معدن هم تعمیم داد.

همچنین «دنیای اقتصاد» نوشته بود که بر اساس اعلام سازمان ملی بهره‌وری، سهم بهره‌وری سالانه از رشد اقتصادی در برنامه چهارم معادل ۲/۵ درصد، در برنامه پنجم معادل ۲/۶۴ درصد و در برنامه ششم معادل ۲/۸ درصد پیش بینی شده بود، ولی آنچه در عمل حاصل شده در برنامه چهارم معادل ۰/۶ درصد، در برنامه پنجم معادل منفی ۰/۵ درصد و در برنامه ششم معادل منفی ۳/۷ درصد بوده است؛ آمارهایی که به خوبی نشان می‌دهد تحقق رشد ۲/۸ درصدی از طریق بهره‌وری در شرایط کنونی و در طول برنامه هفتم چقدر کار پیچیده‌ای برای دولت آینده خواهد بود.

در جریان تبلیغات چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که همه نامزدها، از جمله مسعود پزشکیان، بر رشد اقتصادی هشت درصدی تأکید می‌کردند، مرتضی افقه، اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز گفته بود دستیابی به چنین رشدی به هیچ وجه طی چهار سال آینده امکانپذیر نخواهد بود.

او تأکید کرده بود که «اگر تحریم‌ها و مسئله اف‌ای‌تی‌اف را حل کنیم، ممکن است به شکل موقت، ظرفیت‌های خالی تولید هم پر شوند» و افزوده بود که «لازم است که ساختارهای موجود عوض شوند چون ساختارهای فعلی ناکارآمد و علیل شده‌اند نمی‌توانند ۸ درصد رشد داشته باشند. بنابراین برنامه‌های پزشکیان و پورمحمدی، بسترها را برای رشد اقتصادی در بلند مدت ایجاد می‌کند.»

او همچنین گفته بود مشکل برنامه‌های توسعه‌ای از جمله برنامه هفتم توسعه نیست بلکه «مسئله ساختارهایی است که تنها محدود به دولت هم نمی‌شود؛ دولت در اجرایی شدن این برنامه‌ها تنها ۳۰ درصد مقصر است. بقیه ارکان و نهادهای رسمی و غیررسمی هم در شکل‌گیری این وضعیت نقش زیادی داشته‌اند. به خصوص که بخشی از اقتصاد کشور نیازمند آرامش اقتصادی و بهبود روابط بین‌المللی است. اگر این موارد اجرا شود، برنامه‌ها نیز عملیاتی خواهد شد. در غیر این صورت، برنامه‌های توسعه ۴ و ۵ و ۶ نیز دولت را ملزم به تحقق رشد ۸ درصدی کرده بودند، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد.»



آنها با هزینه‌های زندگی تناسب ندارد و در برخی استان‌ها کمبود نیروی کار به مرز بحران رسیده است. در نتیجه شرکت‌های تولیدی با متوسط ظرفیت ۴۱ درصد مشغول به کار هستند.»

رئیس اتاق بازرگانی تهران دو روز پیش نیز با یادآوری به داده‌های مرکز آمار که نشان می‌دهد در برنامه‌های چهارم تا ششم، رشد تولید ناخالص داخلی کشور حدود ۳/۵ درصد بوده، گفته «آنچه مانع دستیابی به رشد مطلوب شده کمبود منابع ارزی، ضعف شدید جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، نامساعد بودن فضای کسب و کار، ناترازی آب و برق و گاز، کمبود منابع مالی و استهلاک سرمایه و منفی بودن نرخ سرمایه‌گذاری در ۱۱ سال گذشته بوده است.»

محمود نجفی عرب برای رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی نیاز به حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی است، اما با توجه به تحریم و شرایط اقتصادی سیاسی و اجتماعی جذب این رقم بعید به نظر می‌رسد. همچنین در برنامه هفتم توسعه به سرمایه‌گذاری برای ۳۰ هزار مگاوات برق نیاز داریم تا ناترازی برق را جبران کنیم این برابر با صرف هزینه ۳۵ میلیارد دلاری است.

او همچنین افزوده که «در زمینه بهره‌وری هم اوضاع خوبی نداریم و بنا بر اعلام وزارت جهاد کشاورزی در حوزه آب به ازای هر مترمکعب آب یک و نیم کیلو محصول تولید می‌کنیم این رقم در کشورهای پیشرفته معادل سه کیلوگرم است. در برنامه چهارم قرار بود ۲/۵ درصد سهم ما از بهره‌وری در رشد اقتصادی باشد، در برنامه پنجم این رقم ۲/۶۴ درصد و در برنامه ششم ۲/۶۸ درصد و در برنامه هفتم هم ۲/۸ درصد باشد، اما هیچ کدام از این رقم‌ها محقق نشد و رشد بهره‌وری حتی به یک درصد هم در این سال‌ها نرسید.»

رئیس اتاق بازرگانی مصوبات و تصمیمات غیرکارشناسی را نیز مانع دیگری برای افزایش رشد اقتصادی کشور و ایجاد رونق در اقتصاد دانسته است. او با اشاره به تصویب تعطیلی روزهای پنجشنبه در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفته «وقتی دولت از تعطیلی پنجشنبه صحبت می‌کند این امر در وضعیت کسب و کارها هم تأثیر می‌گذارد و این برای تولیدکنندگان بخش خصوصی ایجاد هزینه می‌کند.»

● فعالان اقتصادی معتقدند موانع ایجاد شده از سوی دولت برای فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی، از جمله قطع برق و گاز، در عمل رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی را غیرممکن می‌کند.

● کارشناسان معتقدند کمبود منابع ارزی، ضعف شدید جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، نامساعد بودن فضای کسب و کار، ناترازی آب و برق و گاز، کمبود منابع مالی و استهلاک سرمایه و منفی بودن نرخ سرمایه‌گذاری نیز از عواملی هستند که دست یافتن به رشد اقتصادی هشت درصدی را ناممکن می‌سازد.

● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نیز پیشتر گفته بود دستیابی به رشد اقتصادی هشت درصد به هیچ وجه طی چهار سال آینده امکانپذیر نخواهد بود.

دست یافتن به رشد اقتصادی هشت درصدی از جمله اهداف اقتصادی برنامه هفتم توسعه است. فعالان اقتصادی اما می‌گویند با وجود کمبود شدید انرژی که سبب قطع گاز و برق و گازوئیل واحدهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی می‌شود و دیگر موانعی مانند عدم همکاری بانک‌ها، نبود سرمایه و قوانین ناکارآمد و بازدارنده، رسیدن به چنین رشدی امکانپذیر نیست.

بر اساس برنامه هفتم توسعه باید از امسال تا پنج سال دیگر، تولید ناخالص داخلی کشور سالانه معادل ۸ درصد افزایش پیدا کند؛ از این هشت درصد ۵/۲ درصد از رشد سرمایه و ۲/۸ نیز از بهره‌وری باید حاصل شود.

جدا از محدودیت‌های ایجاد شده به دلیل تحریم و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF، فعالان اقتصادی معتقدند موانع ایجاد شده از سوی دولت برای فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی، در عمل رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی را ناممکن می‌سازد. محمود نجفی عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران امروز سه‌شنبه ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۳ اعلام کرده که قطع بیش از دو روز در هفته برق کارخانجات در حالی صورت گرفته که به آنها گازوئیل هم اختصاص پیدا نکرده و این امر هم باعث کاهش تولید و هم آسیب به تجهیزات و مواد اولیه شده است.

رئیس اتاق بازرگانی تهران تأکید کرده که قطع برق نیز به عنوان یکی از عوامل محدودکننده رشد صنعت در ماه مرداد به عنوان یک الگوی تکراری معنادار تبدیل شده است و نشان دهنده مزمن شدن مشکل است. او برای نمونه به سخنان مدیر اجرایی انجمن فولاد اشاره کرده که گفته کمبود برق و گاز سبب شده این بخش حیاتی کشور از رشد تولید سالانه ۳۸ میلیونی تنی در سال باز بماند.

تولیدکنندگان و صنعتگران و تجار مشکلات دیگری نیز دارند که تخصیص ارز یکی از آنهاست. محمود نجفی عرب در اینباره گفته «مدت زمان انتظار برای تخصیص ارز از سی روز در سال گذشته به حدود ۱۲۰ روز در سال جاری افزایش یافته است و کمبود نقدینگی باعث شده که براساس اعلام سازمان صمت استان کرمان ۴۸ درصد واحدهای استان نیمه فعال و ۱۸ درصد آنها راکد و غیرفعال هستند و بیشترین تشکل این واحدها کمبود نقدینگی است.»

او همچنین افزوده که «نیروی انسانی به ماندن در شرکت‌ها تمایل ندارد؛ هزینه‌های زندگی بالا رفته و دستمزد

یک و نیم قرن انتظار برای خرید خانه؛ جوانان حقوق‌بگیر ایرانی تا آخر عمر توان خرید خانه ندارند!



در سید هزینه‌های خانوارهای شهری ایرانی سهمی ۵۰/۸ درصدی دارد. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد سهم هزینه اجاره‌بهای مسکن از درآمد خانوار در برخی کلانشهرها و برای اقشار کم‌درآمد حتی تا ۷۰ درصد نیز افزایش پیدا می‌کند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» هم در مطلبی به وضعیت بازار مسکن در ایران پرداخته و نوشته خانوارهای ایرانی با رقم درآمد سال ۱۴۰۲ و میزان پس‌اندازشان می‌توانند بعد از ۵۹ سال صاحب‌خانه شوند؛ این رقم اما برای تهرانی‌ها ۱۵۲ سال است.

متوسط درآمد خانوارهای شهری کشور در سال گذشته به رقم ۱۶۷ میلیون تومان رسید که با توجه به متوسط هزینه ۱۳۷ میلیون تومانی زندگی در ۱۴۰۲، ایرانی‌های ساکن در مناطق شهری در بهترین حالت می‌توانند حدود ۱۸ درصد درآمدشان را پس‌انداز کنند.

شاخص جهانی «مدت انتظار برای صاحب مسکن شدن» که از نسبت قیمت آپارتمان ۱۰۰ مترمربعی به پس‌انداز سالانه بدست می‌آید، با ارقام درآمدی خانوارهای ایرانی در ۱۴۰۲، سنجش شده است.

آمارهای حکومتی نشان می‌دهد «ماراتن مسکن» در کشور از ۷۴ سال در سال ۱۴۰۱ به ۵۹ سال در ۱۴۰۲ رسیده اما اکنون به یک و نیم قرن افزایش یافته است.

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده که در تهران اما با آنکه درآمد متوسط خانوارها در سال گذشته بیش از ۲ برابر سطح کشوری بوده، «ماراتن مسکن» ۱/۵ قرن طول می‌کشد. مسیر نجومی تا کلید خانه‌اول در تهران در سال ۱۴۰۱، به ←

این میزان در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) که شامل کشورهای به‌طور میانگین حدود ۲۳ درصد و در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۴/۱ درصد است.

در بین کشورهای اروپایی، سهم مسکن در اسلوواکی با ۳۰/۴ درصد، بالاترین میزان را دارد. این مقدار ۱۲ واحد درصد کمتر از هزینه مسکن در ایران است. در فنلاند با ۲۹/۳ درصد، دانمارک با ۲۹، سوئیس با ۲۷، ایرلند با ۲۶/۳ و فرانسه با ۲۶/۲ درصد و جمهوری چک با ۲۶ درصد، مسکن به ترتیب بیشترین سهم را در هزینه‌های خانوارها دارد.

در پرتغال سهم مسکن از هزینه‌های خانوار ۱۷/۳ درصد بوده، این میزان در صربستان ۱۸/۲، در رومانی و بلغارستان ۱۸/۴ درصد، در اسلوانی و لهستان ۱۸/۹ درصد، در یونان ۱۹/۲ درصد و در لتونی و لوکزامبورگ این میزان حول و حوش ۲۱ درصد است.

در ایران شاخص «دسترس به مسکن» به شدت افزایش یافته و انتظار برای خرید مسکن تا یک و نیم قرن افزایش پیدا کرده است.

مدت اعلام شده برای «انتظار برای خرید مسکن» برای آن دسته از خانوارهایی است که بتوانند بخشی از درآمد خود را برای خرید مسکن پس‌انداز کنند؛ این در حالیست که در ایران به دلیل بالای تورم خانه‌های اجاره‌ای، خانوارها ناچارند بخش زیادی از درآمد خود را صرف پرداخت اجاره‌بها کنند و در نتیجه مبلغی از درآمدشان باقی نمی‌ماند که بخواهند آن را پس‌انداز کنند.

آمارها نشان می‌دهد مسکن و خدمات وابسته به آن

● سهم هزینه اجاره‌بهای مسکن از درآمد خانوارهای کم‌درآمد در برخی کلانشهرها تا ۷۰ درصد نیز افزایش پیدا می‌کند.

● شاخص جهانی «مدت انتظار برای صاحب مسکن شدن» از ۷۴ سال در سال ۱۴۰۱ به یک و نیم قرن در حال حاضر افزایش یافته است.

● دولت در حالی مدعی ساخت مسکن ارزان است که نه تنها پروژه‌های «نهیض ملی مسکن» در بسیاری از مناطق در حد کلنگ‌زنی باقی مانده‌اند، بلکه بانک‌ها نیز وام‌های قانونی برای این طرح را پرداخت نمی‌کنند.

● رکود عمیقی بر بازار مسکن حکمفرما است. از یکسو بر اثر تورم فزاینده، قیمت‌ها با سرعت افزایش می‌یابد و از سوی دیگر ساخت مسکن نیز با کاهش چشمگیر روبروست.

روشنک آسترکی - تازه‌ترین گزارش‌ها حکایت از آن دارد که انتظار برای خرید خانه در ایران تا یک و نیم قرن افزایش یافته و در عمل جوانان نمی‌توانند با پس‌انداز حتی تا آخر عمر صاحب‌خانه شوند. در آنسو رکود تورمی در بازار مسکن، مشکلات را تشدید کرده است.

شاخص «دسترس به مسکن» بر اساس نسبت «قیمت خرید یک خانه متعارف و مناسب (۱۰۰ مترمربعی)» به درآمد سالانه خانوار محاسبه می‌شود. عدد طبیعی این شاخص بر اساس تعریف دفتر اسکان بشر سازمان ملل (هیئات) زیر ۵ است؛ به این معنی که یک خانوار پس از حداکثر ۵ سال باید بتواند با درآمد سالانه‌اش، صاحب مسکن شود.

تحریم ۱۲ نفر از مقامات جمهوری اسلامی به علت سرکوب مردم، نقض حقوق بشر و آدم‌ربایی



اعتراضات ضدحکومتی در ایران مهرماه ۱۴۰۱

پس از قتل مهسا امینی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. این تحریم‌ها با هماهنگی کانادا و استرالیا اعمال شده است. طبق بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا برخی از تحریم‌شدگان نیز مسئول عملیات‌های مرگبار در خارج کشور هستند که مخالفان حکومت را هدف قرار دادند.

طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، حمید خرم‌دل فرمانده «سپاه فتح» استان کهگیلویه و بویراحمد، مصطفی بازوند فرمانده سپاه استان مازندران مستقر در بابلسر، علی ملک‌شاهکویی فرمانده سپاه استان گلستان، سعید بهشتی‌راد معاون هماهنگ کننده «سپاه نبی اکرم» استان کرمانشاه، علی عبدی مدیرکل زندان‌های استان خراسان جنوبی، علیرضا بابایی فارسانی مدیرکل زندان‌های استان اصفهان، احمدرضا آزاده رئیس زندان سپیدار (در استان خوزستان) و غلامرضا روشن مدیرکل زندان‌های استان خوزستان در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

بهشتی‌راد یک روز پیش از آنکه در فهرست تحریم‌ها قرار بگیرد در یک سخنرانی گفته بود «هدف دشمن آسیب به لایه‌های نگهدارنده انقلاب است».

یکی دیگر از عوامل حکومت که آمریکا او را تحریم کرد، یحیی حسینی پنجکی معاون وزیر اطلاعات در امور امنیت داخلی است. وی بر تلاش‌های رژیم ایران برای ترور مخالفان ایرانی در خارج از کشور نظارت می‌کند. طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا حسینی پنجکی هماهنگ‌کننده وزارت اطلاعات با قاچاقچیان مواد مخدر و گروه‌های تروریستی از جمله حزب الله است. وی در مپ‌گذاری در مجمع سازمان مجاهدین خلق در سال ۲۰۱۸ در پاریس نیز دخالت داشته است. جواد غفارحدادی رئیس بخش عملیات ویژه سازمان اطلاعات سپاه (ساس) نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته است. او متهم به دخالت در ربودن روح‌الله زم روزنامه‌نگار و پناهنده سیاسی مقیم فرانسه در سال ۲۰۱۹ است.

حمید زارعی جوسنگی معروف به حمید زراعتی عضو واحد بدنام ۸۴۰ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مسئولیت جذب نیرو برای سپاه را بر عهده دارد و در فعالیت‌های سایبری دخالت داشته نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته است.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری ایالات متحده (OFAC) روز چهارشنبه ۱۸ سپتامبر (۲۸ شهریورماه) ۱۲ نفر از مقامات جمهوری اسلامی را به علت دخالت در سرکوب خشونت‌آمیز مردم ایران در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

● طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، حمید خرم‌دل فرمانده «سپاه فتح» استان کهگیلویه و بویراحمد، مصطفی بازوند فرمانده سپاه استان مازندران مستقر در بابلسر، علی ملک‌شاهکویی فرمانده سپاه استان گلستان، سعید بهشتی‌راد معاون هماهنگ کننده «سپاه نبی اکرم» استان کرمانشاه و همچنین مدیرکل زندان‌های استان خراسان جنوبی، مدیرکل زندان‌های استان اصفهان، رئیس زندان سپیدار (در استان خوزستان) و مدیرکل زندان‌های استان خوزستان نیز در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

● یکی دیگر از عوامل حکومت که آمریکا او را تحریم کرد، یحیی حسینی پنجکی معاون وزیر اطلاعات در امور امنیت داخلی است. وی بر تلاش‌های رژیم ایران برای ترور مخالفان ایرانی در خارج از کشور نظارت می‌کند. طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، حسینی پنجکی هماهنگ‌کننده وزارت اطلاعات با قاچاقچیان مواد مخدر و گروه‌های تروریستی از جمله حزب الله است.

● جواد غفارحدادی رئیس بخش عملیات ویژه سازمان اطلاعات سپاه (ساس) نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته است. او متهم به دخالت در ربودن روح‌الله زم روزنامه‌نگار و پناهنده سیاسی مقیم فرانسه در سال ۲۰۱۹ است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری ایالات متحده (OFAC) روز چهارشنبه ۱۸ سپتامبر (۲۸ شهریورماه) ۱۲ نفر از مقامات جمهوری اسلامی را به علت دخالت در سرکوب خشونت‌آمیز مردم ایران در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

این افراد که شامل شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای زندان‌های ایران می‌شوند به دلیل نقض آنها در سرکوب اعتراضات از جمله خیزش ضدحکومتی

میزان ۱۱۲ سال بود و سال گذشته طولانی‌تر هم شد. این گزارش افزوده که در این میان، «رشد کمتر دستمزدها و درآمد سالانه تهرانی‌ها» از یک سو و «سقوط نرخ پس انداز خانوارهای تهرانی» از سوی دیگر (در سال ۱۴۰۲ نسبت به ۱۴۰۱) سبب شد «ماراتن کليدخانه در پایتخت» کار را برای خانه اولی‌ها «غیرممکن» کند؛ ۱/۵ قرن انتظار یعنی «مأموریت غیرممکن».

سالمات دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی راهکار حل بحران در بازار مسکن را اختصاص زمین رایگان و ساخت مسکن ارزان عنوان می‌کنند. چند طرح از جمله «مسکن مهر» در دولت محمود احمدی‌نژاد نیز اجرایی شده که در عمل نیمه‌کاره ماند و نتوانست به اهداف خود دست پیدا کند.

در دولت ابراهیم رئیسی نیز قانونی با عنوان «جهش تولید مسکن» تصویب و پیرو آن طرحی با کپی‌برداری از طرح «مسکن مهر» تصویب و اجرایی شد که همچنان در مراحل نخستین باقی‌مانده است. این طرح با عنوان «نهضت ملی مسکن» قرار بود با اختصاص زمین رایگان و ارائه وام به متقاضیانی که از افشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد بودند، بتواند خانوارهای کم‌درآمد و مستأجر را خانه‌دار کند.

طرح «نهضت ملی مسکن» هم با گذشت سه سال همچنان با ابهاماتی روبروست. بر اساس قانون «جهش تولید مسکن» دولت موظف بود نیاز سالانه مسکن کشور را بر اساس اعلام وزارت راه و شهرسازی تأمین کند و به نحوی برنامه‌ریزی و اقدام کند تا در چهارسال نخست اجرای این قانون، سالانه به طور متوسط حداقل یک میلیون واحد مسکونی در کشور تولید شود.

با اینهمه نه تنها پروژه‌های «نهضت ملی مسکن» در بسیاری از مناطق در حد کلنگ‌زنی باقی مانده‌اند، بلکه بانک‌ها نیز وام‌های قانونی برای این طرح را پرداخت نمی‌کنند.

قانون «جهش تولید مسکن» بانک‌ها را مکلف کرده است که حداقل ۲۰ درصد از کل تسهیلات خود را به نهضت ملی مسکن اختصاص دهند، که تازه‌ترین آمار از عملکرد نظام بانکی در این بخش نشان می‌دهد سهم ۱۷ بانک از پرداخت تسهیلات نهضت ملی مسکن همچنان صفر است.

بر این اساس بانک‌های مسکن، سپه، ملی، تجارت، ملت، صادرات، صنعت و معدن و توسعه صادرات تنها بانک‌هایی بودند که در تاریخ منتهی به ۳۱ تیر ماه امسال جمعاً ۷۴۸/۷۱۷ میلیارد ریال وام برای طرح «نهضت ملی مسکن» پرداخت کرده‌اند.

در آنسو اما رکود عمیقی بر بازار مسکن حکمفرما است. از یکسو بر اثر تورم فزاینده، قیمت‌ها با سرعت افزایش می‌یابد و از سوی دیگر ساخت مسکن نیز با کاهش چشمگیر روبروست.

حسن محتشم عضو هیئت مدیره انجمن انبوه‌سازان مسکن در اینبار گفته که «طی یک و دو سال و چند ماه اخیر شاهد یک رکود ترمی در بخش مسکن هستیم که البته کمتر از نرخ تورم بوده است. این موضوع باعث شده تا سطح معاملات در شهرها و کلان‌شهرها با توجه جمعیت آنها کاهش یابد.»

با این تفاسیر آینده بازار مسکن در نیمه دوم سال را راکد می‌بینیم و رکود تشدید خواهد شد. یکی از سیاست‌ها برای رونق تولید مسکن در کشور استفاده از منابع بانک‌ها و اجرای سیاست‌های دیگر مانند قرعه‌کشی خودرو است که می‌تواند از نقدینگی جذب شده برای این کار استفاده کرد. به این ترتیب مسکن می‌تواند در جایگاه واقعی خود قرار گیرد.

شهروندان ایرانی با سنین بالاتر نیز در مسیر طلاق افتاده‌اند

«اکنون طلاق فراوان و ازدواج کم است و تهران و خراسان دارای بیشترین طلاق و یزد کمترین طلاق را دارد.»

کاهش ۴۱ درصدی طلاق توافقی در تهران

در همین حال خبرگزاری ایسنا ۹ تیرماه به نقل از معاون دادگستری استان تهران نوشت: «در سال ۱۴۰۱ طلاق توافقی ۴ درصد کاهش و در سال ۱۴۰۲ میزان طلاق توافقی ۴۱ درصد کاهش داشته است و متأسفانه افراد به طلاق یکطرفه از سوی زوج یا زوجه روی آورده‌اند که آمارهای افزایشی نگران‌کننده است.»

بر پایه آمار ثبت‌احوال کشور، تعداد ۴۸۱ هزار و ۳۹۴ مورد ازدواج در کشور در سال ۱۴۰۲ به ثبت رسید که بیشترین میزان ازدواجها مربوط به استان تهران با تعداد ۶۳ هزار و ۹۷۳ مورد ازدواج و پس از آن نیز استان‌های خراسان رضوی با ۴۳ هزار و ۸۸۷ ازدواج، خوزستان با ۳۵ هزار و ۳۶۴ ازدواج، آذربایجان غربی با ۲۵ هزار و ۶۹۴ ازدواج و فارس نیز با ۲۵ هزار و ۱۶۶ مورد ازدواج قرار گرفته‌اند.

در سال ۱۴۰۲ تعداد ۲۰۲ هزار و ۱۸۳ طلاق در کل کشور به ثبت رسید که ۳۴ هزار و ۹۷ طلاق مربوط به استان تهران بود و پس از تهران استان‌های خراسان رضوی با ۲۱ هزار و ۶۴۳ مورد طلاق، خوزستان با ۱۱ هزار و ۵۶۶ طلاق، فارس با ۱۱ هزار و ۵۶ طلاق و اصفهان هم با ۱۱ هزار و ۳ مورد طلاق در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در آن سال بیشترین میزان ازدواجها مربوط به استان تهران با تعداد ۶۳/۹ هزار مورد ازدواج و پس از آن استان‌های خراسان رضوی با ۴۳/۸ هزار و خوزستان با ۳۵/۳ هزار مورد رتبه‌های بعدی هستند.

کمترین میزان ثبت ازدواج نیز مربوط به استان سمنان با تعداد ۳ هزار و ۶۸ مورد بوده است. همچنین پارسل ۳۴/۹ هزار طلاق مربوط به استان تهران بوده و پس از تهران استان‌های خراسان «رضوی» با ۲۱/۶ هزار طلاق و خوزستان با ۱۱/۵ هزار طلاق در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. کمترین طلاق ثبت‌شده در کشور نیز در سال گذشته متعلق به استان ایلام با یک هزار و ۹۶ مورد طلاق است.

در همین ارتباط سعید معیدفر جامعه‌شناس در دوم مرداد بخش زیادی از طلاق‌ها در کشور را ناشی از ناتوانی در تامین حداقل‌های زندگی دانسته و به وبسایت «فرارو» گفته بود: «ازدواج و ادامه زندگی به ویژه در شهرهای بزرگ عملاً برای برخی از بین رفته است.»

اقدامات دستوری و پلیسی جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت و اجبار زنان به فرزندآوری و حتی بسته‌های تشویقی برای فرزندآوری نیز نتوانسته رشد باروری در ایران را افزایش دهد و همچنان روند کاهشی در نرخ تولد ادامه دارد.

در راستای همین اقدامات دستوری، مجلس شورای اسلامی وزارت کشور را در آبان ۱۴۰۲ مکلف کرده بود که برنامه کنترل و کاهش طلاق را تکمیل کند. بر این اساس سازمان اجتماعی وزارت کشور مکلف است «برنامه کنترل و کاهش طلاق را ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ برنامه مبتنی بر موارد ذیل اصلاح و تکمیل نماید: اولویت‌بخشی به عناصر مهم تأثیرگذار بر طلاق از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن و برنامه‌ریزی در خصوص قبل، حین و پس از طلاق اصلاح و تکمیل نماید.»

با توجه به این اقدامات دستوری مقامات جمهوری اسلامی، آمار ازدواج در کشور ناپایدار است و از طرفی قوانینی که به دنبال افزایش نرخ ازدواج هستند، موفقیت چندانی کسب نمی‌کنند.



طلاق واقع شده در آن سال را نشان می‌دهد.»

وی اضافه کرد: «این نسبت تحت شرایطی به عنوان نشانگر وضعیت استحکام زندگی زناشویی معرفی شده است. این در حالیست که در واقع، این معیار، در شرایطی که روند ازدواج نزولی شده باشد (به خصوص به عنوان مخرج کسر «نسبت طلاق به ازدواج») و روند طلاق صعودی شده باشد، نشان‌دهنده آنچه در جامعه به عنوان وضعیت استحکام زندگی زناشویی انتظار می‌رود نیست، چرا که دو جامعه یا جمعیت متفاوت را مقایسه می‌کند و روند تغییرات حاصله از این نسبت، گمراه‌کننده خواهد بود.»

رئیس موسسه تحقیقات جمعیتی کشور با اشاره به اینکه شیب نرخ رشد طلاق در سال‌های اخیر نسبت به قبل کاهش یافته است، ادامه داد: «تعداد طلاق‌ها در ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ بطور پیوسته در حال افزایش بوده و از ۹۴ هزار طلاق در سال ۱۳۸۵ به حدود ۲۰۸ هزار در سال ۱۴۰۱ رسیده و در سال ۱۴۰۲ به میزان اندکی کاهش یافته و به حدود ۲۰۱ هزار رسیده است.»

در همین ارتباط فاینشال تایمز نیز چندی پیش در گزارشی از کاهش تمایل جوانان ایرانی به ازدواج خبر داد و نوشت: «در یک دهه گذشته موارد سالانه ازدواج از ۸۰۰ به ۴۸۰ هزار مورد کاهش یافته است.»

بر اساس این گزارش، از هر ۵ ازدواج دو مورد به طلاق منجر می‌شود. همچنین ۵ درصد از زنان بالای ۴۰ سال دیگر ازدواج نمی‌کنند؛ این رقم در دهه ۱۹۸۰ تنها ۲ درصد بود. اینهمه درحالیست که نرخ باروری در سال ۲۰۱۷ به ۲/۰۹ به ازای هر زن کاهش یافت، اما اکنون تا ۱/۷ درصد پایین آمده است. از سوی دیگر نرخ ازدواج سفید در شهرهایی مثل تهران، اراک، اصفهان و مشهد، به ۷ تا ۱۴ درصد کل زوج‌ها رسیده است.

در همین ارتباط رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق نیز در ۳۱ تیرماه از افزایش آمار طلاق و کاهش ازدواج در ایران خبر داده و به خبرگزاری ایسنا گفته بود: «در حال حاضر به ازای پنج مورد ازدواج در ایران دو مورد طلاق ثبت می‌شود و از هر ۵ ازدواج ۲ مورد منجر به طلاق می‌شود.»

ابوالقاسم حسینی ابهری با بیان اینکه ثبت وقایع طلاق و ازدواج برای دفاتر سهمیه‌ای شده است اضافه کرده بود:

● رئیس موسسه تحقیقات جمعیتی کشور با استناد به آمارهای سال ۱۴۰۲ از افزایش ۳/۹ سال و ۴ سال به میانگین سن مردان و زنان در زمان اولین طلاق خبر داد. وی با اشاره به اینکه در سال ۱۴۰۲ میانگین سن در زمان اولین طلاق برای مردان و زنان به ترتیب ۳۸/۶ و ۳۳/۹ سال بوده گفت: «این شاخص در سال ۱۳۹۲ به ترتیب ۳۴/۷ و ۲۹/۹ سال برای مردان و زنان بوده است. به عبارتی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ به ترتیب ۳/۹ سال و ۴ سال به میانگین سن مردان و زنان در زمان اولین طلاق افزوده شده که نشان از تجربه طلاق در سنین بالاتر است.»

● رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق پیشتر از افزایش آمار طلاق و کاهش ازدواج در ایران خبر داده و گفته بود: «در حال حاضر به ازای پنج مورد ازدواج در ایران دو مورد طلاق ثبت می‌شود و از هر ۵ ازدواج ۲ مورد منجر به طلاق می‌شود. اکنون طلاق فراوان و ازدواج کم است و تهران و خراسان دارای بیشترین طلاق و یزد کمترین طلاق را دارد.»

● در همین ارتباط فاینشال تایمز نیز چندی پیش در گزارشی از کاهش تمایل جوانان ایرانی به ازدواج خبر داد و نوشت: «در یک دهه گذشته موارد سالانه ازدواج از ۸۰۰ به ۴۸۰ هزار مورد کاهش یافته است.»

● از سوی دیگر، نرخ باروری نیز در سال ۲۰۱۷ به ۲/۰۹ به ازای هر زن کاهش یافت، اما اکنون تا ۱/۷ درصد پایین آمده است. از سوی دیگر نرخ ازدواج سفید در شهرهایی مثل تهران، اراک، اصفهان و مشهد، به ۷ تا ۱۴ درصد کل زوج‌ها رسیده است.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیتی کشور با استناد به آمارهای سال ۱۴۰۲ از افزایش ۳/۹ سال و ۴ سال به میانگین سن مردان و زنان در زمان اولین طلاق خبر داد.

محمدجواد محمودی با اشاره به اینکه در سال ۱۴۰۲ میانگین سن در زمان اولین طلاق برای مردان و زنان به ترتیب ۳۸/۶ و ۳۳/۹ سال بوده به خبرگزاری ایسنا گفت: «این شاخص در سال ۱۳۹۲ به ترتیب ۳۴/۷ و ۲۹/۹ سال برای مردان و زنان بوده است. به عبارتی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ به ترتیب ۳/۹ سال و ۴ سال به میانگین سن مردان و زنان در زمان اولین طلاق افزوده شده که نشان از تجربه طلاق در سنین بالاتر است.»

رئیس موسسه تحقیقات جمعیتی کشور تأکید کرد: «در مطالعه طولی انجام شده روی ازدواج‌های رخ داده در سال ۱۳۹۲ تحت عنوان «تحلیل ازدواج هم‌آغازهای ازدواج سال ۱۳۹۲» توسط متخصصان سازمان ثبت‌احوال کشور که مقاله آن نیز در فصلنامه جمعیت شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ چاپ شده است، تقریباً ۱۵ درصد خانواده‌های شکل گرفته در آن سال، تا دی ماه سال ۱۴۰۱ در اثر طلاق دچار از هم گسیختگی شدند؛ یعنی از هر ۷ ازدواج رخ داده در سال ۱۳۹۲ یکی تا دی ماه سال ۱۴۰۱ به طلاق منجر شده است حال آنکه اگر نسبت ازدواج به طلاق را در سال ۱۳۹۲ محاسبه می‌کردیم، به عدد کمتر از ۵ ازدواج در مقابل هر یک طلاق می‌رسیم.»

محمودی با استناد به آمارهای طلاق طی سال ۱۳۴۵ تا ۱۴۰۲ افزود: «یکی از متداول‌ترین شاخص‌ها برای مطالعه سطح و روند رویدادهای ازدواج و طلاق در ایران که اغلب توسط کاربران عمومی و حتی در متون تخصصی به کار می‌رود، نسبت ازدواج به طلاق است. این نسبت حاصل تقسیم تعداد ازدواج‌های یک سال بر تعداد طلاق‌ها در همان سال است که تعداد ازدواج‌های واقع شده به ازای هر

بیش از نیمی از مدارس تهران «ناایمن» هستند



۳۶ درصد مدارس تهران یا «باید تخریب شوند» یا «نیازمند مقاوم‌سازی» هستند. او گفته وضعیت کمبود مدرسه در چهار منطقه تهران «حاد» است.

بر اساس توضیحات عباس زارع «در استان تهران ۵۶۲۹ مدرسه دولتی و ۵۹۴۰۰ کلاس درس داریم که ۱۳/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند تخریب و بازسازی هستند و عمدتاً در شهر تهران در مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ در شهرستان‌های تهران در شهریار، شهرری، دماوند و پاکدشت قرار دارند.»

مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران افزوده که «۱۳۵۸۵ کلاس درس در استان تهران نیازمند مقاوم‌سازی هستند یعنی در مجموع ۲۲/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند مقاوم‌سازی هستند.»

او همچنین درباره کمبود کلاس درس در این استان گفته «سرانه فضای آموزشی در استان تهران ۴/۷۴ مترمربع است و در ۴ منطقه ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سرانه از این مقدار هم پایین‌تر است، ۱۳۴ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهر تهران و ۶۹۵ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهرستان‌های استان تهران نیاز داریم و در مجموع به ۸۲۹ مدرسه ۱۵ کلاسه برای رسیدن به سرانه متوسط ۴/۷۴ متر مربع با اعتبار ۲۴ هزار و ۸۷۰ میلیارد تومان نیاز داریم.»

به گفته عباس زارع، برای بازسازی ۸ هزار کلاس و احداث ۵۵۰ مدرسه، هر یک با ۱۵ کلاس، رقمی معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است.

ناایمن بودن کلاس‌های درس، کمبود سرانه آموزشی در سطح کشور و کمبود آموزگار طی سال‌های گذشته به بحران‌های مهم آموزش و پرورش تبدیل شده اما وزارت آموزش و پرورش بجای تمرکز بر حل این مشکلات به دنبال تدوین و اجرای طرح‌هایی برای شستشوی مغزی دانش‌آموزان و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت است.

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم دستور داده که روز اول مهر و همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید در ایران، در همه مدارس سرتاسر کشور نماز جماعت برگزار شود! در آنسو علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش گفته «باید نماز را به دغدغه اصلی دانش‌آموزان و معلمان تبدیل کنیم.»

همان‌طور که تمدید پروانه بیمارستان‌ها را منوط به تأییدیه آتش‌نشانی کرده است، ادامه فعالیت مدارس را هم منوط به اخذ تأییدیه ایمنی کند.

به گفته کارشناسان، باید سیستم اطفاء، اعلان حریق و... در تمامی مدارس تهران نصب شود. «هم‌میهن» نوشته که حفظ سلامت دانش‌آموزان در اولویت است و آموزش و پرورش باید سالانه بودجه لازم را برای ایمن‌سازی در نظر گرفته و با کمک خیرین نوسازی را آغاز کند.

بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تیرماه امسال در گزارشی درباره وضعیت مدارس گفته بود یکی از مهمترین چالش‌ها و کمبودهای آموزش و پرورش که در واقع بستری برای تمامی فرایندهای آموزشی و پرورشی است، فضاهای فیزیکی آموزشی است. در موارد متعددی نظام آموزش و پرورش با کمبود شدید در این حوزه مواجه است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت و عدالت آموزشی خواهد گذاشت.»

به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سرانه متوسط فضای آموزشی کل کشور ۵/۲۸ متر مربع است این در حالیست که سرانه استاندارد فضای آموزشی ۸/۵ متر مربع است و یازده استان یعنی ۳۳ درصد مناطق آموزشی نیز زیر متوسط سرانه فضای آموزشی قرار دارند.

او مسئله دیگر را استحکام فضای‌های آموزشی برشمرد و عنوان کرده است: «حدود ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور، معادل ۱۹/۲ درصد از کل کلاس‌های نظام آموزش و پرورش، نیازمند تخریب و بازسازی یا مقاوم‌سازی هستند. کردستان با ۳۸/۷ درصد، آذربایجان شرقی با ۳۸/۶ درصد و تهران با ۲۸/۱ درصد سه استانی هستند که بیشترین کلاس‌های ناامن را دارند.»

بابک نگاهداری در زمینه چالش سیستم‌های گرمایش و سرمایش مدارس، توضیح داده که «بر اساس آمارهای سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور بر اساس پیمایش‌های انجام‌شده در سال ۱۴۰۲، ۷۹ هزار کلاس نیازمند استاندارد سازی سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی هستند.» بیشتر و در خردادماه امسال مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران با ارائه آمار جدیدی از وضعیت مدارس پایتخت گفت

● رئیس سازمان آتش‌نشانی شهر تهران از ناایمن بودن بیش از ۵۰ درصد مدارس تهران خبر داده و گفته آموزش و پرورش برای ایمن‌سازی مدارس اقدامی انجام نداده است.

● رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران با اشاره به فرسودگی مدارس گفته که تمام موارد ناایمنی را ریزبه‌ریز اعلام کرده‌ایم» و منتظریم که مسئولان مربوطه اقدامات لازم را انجام دهند.

● خردادماه امسال مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران با ارائه آماری از وضعیت مدارس پایتخت گفت ۳۶ درصد مدارس تهران یا «باید تخریب شوند» یا «نیازمند مقاوم‌سازی» هستند.

چند روز مانده به بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید، رئیس سازمان آتش‌نشانی از ناایمن بودن بیش از نیمی از مدارس تهران خبر داده است. رئیس سازمان مدیریت بحران پایتخت هم می‌گوید همه موارد ناایمنی مدارس به آموزش و پرورش گزارش شده اما همچنان در انتظار اقدامی از سوی مسئولان است.

قدرت‌الله محمدی رئیس سازمان آتش‌نشانی شهر تهران از ناایمن بودن بیش از ۵۰ درصد مدارس تهران خبر داده و گفته آموزش و پرورش برای ایمن‌سازی مدارس اقدامی انجام نداده است.

علی نصیری رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران با اشاره به فرسودگی مدارس گفته که تمام موارد ناایمنی را ریزبه‌ریز اعلام کرده‌ایم» و منتظریم که مسئولان مربوطه اقدامات لازم را انجام دهند.

افزایش شمار مدارس ناایمن به یکی از بحران‌های ساختار آموزشی تبدیل شده اما همان‌طور که مقامات آتش‌نشانی و رئیس سازمان مدیریت بحران پایتخت اعلام کرده‌اند، آموزش و پرورش نتوانسته در ایمن‌سازی مدارس موفق عمل کند.

روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده که از سال گذشته موضوع ایمن‌سازی مدارس تهران در دستور کار آتش‌نشانی و سازمان مدیریت بحران شهر تهران قرار گرفت و تفاهم‌نامه‌ای هم در این زمینه با آموزش و پرورش تهران بسته شد.

بر اساس این گزارش از ۲۸۰۰ مدرسه تهران نیمی توسط سازمان مدیریت بحران از نظر سازه‌ای بررسی شده و تا پایان سال تمام مدارس مورد بررسی قرار می‌گیرند. رئیس سازمان آتش‌نشانی هم می‌گوید که از نظر ایمنی حریق هم مدارس را مورد بررسی قرار داده‌ایم اما «وضعیت خوبی ندارند» و از سال گذشته تاکنون حتی یک پرونده مبنی بر اینکه مدرسه‌ای اقدامات ایمن‌سازی را انجام داده به دست ما نرسیده است.

«هم‌میهن» همچنین نوشته شهرداری آموزش‌های ایمنی لازم را به مدارس ارائه می‌کند و به گفته مدیران شهری، اگر مالکان برای ایمن‌سازی اقدام کنند، شهرداری در صدور پروانه و ارائه مجوزهای لازم با آنها همکاری می‌کند.

علاوه بر ناایمنی مدارس، بیمارستان‌های پایتخت هم از نظر ایمنی وضعیت مناسبی ندارند و بخش عمده‌ای از آنها هنوز تأییدیه ایمنی از آتش‌نشانی دریافت نکرده‌اند.

نصرت حسینی کارشناس اجتماعی به «هم‌میهن» گفته که مدارس بودجه لازم برای ایمن‌سازی ندارند و حتی در پرداخت قبوض آب و برق خود دچار مشکل هستند.

حمید حدیدپور کارشناس ایمنی نیز گفته که بسیاری از مدارس غیردولتی هم که شهریه‌هایی بالایی دریافت می‌کنند برای ایمن‌سازی هزینه‌ای نمی‌کنند، آتش‌نشانی باید

مرکز اسلامی «فورستن والدالسلام» هم در آلمان تعطیل شد

وزارت داخله ایالت براندنبورگ در شرق آلمان روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۴ اعلام کرد که مرکز اسلامی «فورستن والدالسلام» در شهر فورستن والدیه تعطیل شده و دفاتر آن در این ایالت و برلین مورد تفتیش قرار گرفته است. دلیل تعطیلی این مرکز اسلامی ارتباطات آن با «اخوان المسلمین» و گروه تروریستی حماس اعلام شده است. این مرکز اسلامی که در سال ۲۰۱۸ در این شهر کوچک در ایالت براندنبورگ تأسیس شده بود و مدیریت مسجد «السلام» را در این شهر به عهده داشت، در سال ۲۰۲۳ از سوی اداره حفاظت از قانون اساسی آلمان به عنوان یک تشکیلات افراطی طبقه بندی شد.

شهبانو فرح پهلوی:

سرنوشت «زن زندگی آزادی» از سرنوشت ایران جدا نیست!

«دو سال از جان باختن مهسا امینی، دختر ایرانی، گذشت. مرگ او تاریخ ساز شد و در پیامد آن بهترین فرزندان ایران زمین، دختر و پسر جان باختند. سالگرد جان باختن مهسا امینی فرصت دوباره ای برای یادآوری این پیمان ملی است که نخواهیم گذاشت سرنوشت «زن، زندگی، آزادی» را از سرنوشت ایران جدا کنند. اینک ۴۵ سال است که تلاش حکومت استبداد دینی برای کم رنگ کردن و حذف تدریجی حضور و نقش زنان در جامعه ایران ناکام مانده است و تردیدی ندارم که باز هم خواهد ماند. در این چهار دهه، برعکس تمام تلاش های نظام، زن ایرانی در همه صحنه های علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، سیاسی و اجتماعی توان و حضور خود را به اثبات رسانده و البته هر تغییری که در وضعیت زنان رخ داده، حاصل مقاومت خود زنان بوده است. با اینهمه، رژیم حاکم از خشم مردم در وحشت است، چرا

دریاچه ارومیه و ۱۱ تالاب ایران خشک شدند

در تابستان امسال تالاب های انزلی، بامدژ، هامون، جازموریان، طشک، بختگان، گاوخونی، مهارلو، حوض سلطان و شیمبار خشک شدند. دریاچه ارومیه ابتدای سال ۱۴۰۳ به صورت فصلی و بخشی از آن در حدود یک میلیارد مترمکعب آبگیری شد ولی دوباره از ابتدای تابستان روند خشک شدن آن شدت گرفت و در شهریورماه بطور کامل خشک شد. هفته نخست شهریورماه امسال نیز سازمان محیط زیست مازنداران از خشکی بخشی از تالاب میانکاله و تصرف زمین های آن خبر داد. آمارها نشان می دهند که منابع آب تجدیدپذیر کشور از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب در دوره منتهی به سال ۱۳۷۳، به ۱۰۳ میلیارد مترمکعب در دوره منتهی به سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است.

فقط سه مدرسه از ۴۵۳۸ مدرسه تهران

تأییدیه آتش نشانی دارند

قدرت الله محمدی رئیس سازمان آتش نشانی شهرداری تهران اعلام کرده «در شهر تهران از ۴۵۳۸ مدرسه صرفاً سه مدرسه تأییدیه آتش نشانی دارند.» وی افزود: «طبق آمار در تهران ۴۵۳۸ مدرسه دولتی و غیردولتی وجود دارد که ۱۵۳۴ تا از آنها مهدکودک است که حساسیت کار را بالا می برد.» او گفته همه مراکز عمومی باید تأییدیه آتش نشانی را داشته باشند اما برای ایمن سازی ساختمان ها از نظر آتش سوزی، اول مراکز درمانی و سپس مراکز تجاری را در اولویت قرار داده و پس از آن مدارس! قدرت الله محمدی هفته گذشته از نایمن بودن بیش از ۵۰ درصد مدارس تهران خبر داده و گفته بود آموزش و پرورش برای ایمن ساختن مدارس اقدامی انجام نداده است.

شاهزاده رضا پهلوی در اجلاس ملی

«شورای اسرائیلی-آمریکایی»

شورای اسرائیلی-آمریکایی از ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۴ اجلاس ملی خود را در واشنگتن پایتخت ایالات متحده برگزار خواهد کرد. شاهزاده رضا پهلوی و دونالد ترامپ چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا و نامزد کنونی

خودسوزی کاظم علینژاد زندانی مشروطه خواه در زندان اوین

کاظم علینژاد فعال سیاسی مشروطه خواه روز سه شنبه ۲۰ شهریورماه در اعتراض به تراکم بالای جمعیت در زندان و عدم رعایت اصل تفکیک جرائم، اقدام به خودسوزی کرد. این زندانی سیاسی از ناحیه کمر، پهلو و دست دچار سوختگی شده است.

یاشار تبریزی فعال مشروطه خواه اعلام کرده که کاظم علینژاد به بیمارستان «مطهری» منتقل اما پس از پانسمان به زندان اوین بازگردانده شده است.

کاظم علینژاد که از مشکلات جسمانی همچون بیماری دیابت رنج می برد، پیشتر در اعتراض به عدم رسیدگی پزشکی به وضعیت خود در زندان، دست به اعتصاب زده بود.

کاظم علینژاد در تاریخ ۲۹ آبان ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی در «اسلامشهر» بازداشت و یک ماه بعد به بند چهار زندان اوین منتقل شد.

این فعال مشروطه خواه از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، به پنج سال حبس تعزیری محکوم شده است.

نقوش برجسته تخت جمشید «خاک»

می شوند

خبرگزاری فرانسه در گزارشی خبر داده که گل سنگ ها آرام آرام در حال از بین بردن بنای باستانی تخت جمشید هستند و تا کنون نیز تعدادی از نقوش برجسته آن از بین رفته و خاک شده است.

بر اساس این گزارش، شدت گسترش گل سنگ ها در تخت جمشید به حدی است که رنگ های قرمز و زرد گل سنگ ها از دور و به ویژه روی بسیاری از ستون های غول پیکر این بنای باستانی قابل مشاهده است.

شهرام رهبر ناظر مرمت تخت جمشید با هشدار درباره وضعیت این بنای تاریخی گفته است گل سنگ ها می توانند این



بنا را طی چند دهه به خاک تبدیل کنند. محمد سهرابی متخصص گل سنگ ها نیز گفته گسترش گل سنگ ها که مواد معدنی را حل می کنند و به عمق بیش از ۱/۵ سانتیمتری سنگ نفوذ می کنند، همراه با باران های اسیدی ناشی از فعالیت های صنعتی و آب و هوای بیابانی خطرناکی جدی برای تخت جمشید و همچنین بنای باستانی بیستون در کرمانشاه ایجاد کرده است.

حزب جمهوریخواه در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ شاخص ترین سخنرانان این اجلاس هستند. این نهاد آمریکایی-اسرائیلی با ده ها هزار عضو و فعال در سراسر ایالات متحده درباره خود می نویسد: «ما به عنوان آمریکایی های سرفراز، پیوند ناگسستنی بین ایالات متحده و اسرائیل را بر اساس ارزش های مشترک خود ارجح می گذاریم؛ پیوندی که باید برای همیشه فراتر از سیاست و اختلافات دوره ای پایدار بماند.»

که می داند که این حکومت از سوی ایرانیان میهن پرست و جهان آزاد مطرود و در انزواست. صدای انقلاب زن، زندگی، آزادی در سراسر دنیا شنیده شده و مردان غیور ایران به آوای زنان پیوسته اند. این تلاش با افتخار به مبارزه شجاعانه و تاریخی خود علیه هرگونه اجبار و تبعیض ادامه خواهد داد و در نهایت نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.»

سهراب وکیل منفرد پیشکسوت و قهرمان بوکس ایران درگذشت

سهراب وکیل منفرد پیشکسوت بوکس ایران و قهرمان آسیا در سال ۱۹۷۱، پس از سالها فعالیت درخشان در عرصه ورزش، چشم از جهان فرو بست. او یکی از چهره‌های تاثیرگذار و مطرح بوکس ایران بود که توانست با قهرمانی در مسابقات آسیایی، نام خود را در تاریخ این رشته ثبت کند. وکیل منفرد توانست به موفقیت‌های بزرگی در عرصه بوکس دست یابد و الگویی برای نسل‌های جوان ورزش بوکس در ایران باشد. او نه تنها به عنوان یک قهرمان در رینگ بوکس، بلکه به عنوان یک معلم و راهنما برای بوکسورهای جوان، نقشی مهم در توسعه و ترویج این ورزش در کشور داشت.

بیش از ۱۴۰۰ اعدام در دو سال پس از آغاز اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»

سازمان حقوق بشر ایران با اشاره به افزایش تقریباً برابری اعدام طی دو سال گذشته پس از قتل حکومتی مهسا امینی، خواستار توجه فوری جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری به استفاده جمهوری اسلامی از اعدام به عنوان ابزار سرکوب سیاسی است.

پرشش فاطمه سپهری از مسعود پزشکیان:

دو دست‌تان را در جیب ملت غارت شده ایران کرده‌اید و به دنبال چه می‌گردید؟

فاطمه سپهری زندانی سیاسی به مسعود پزشکیان: شما نیامده و نرسیده دو دست‌تان را در جیب ملت غارت شده ایران کرده‌اید و به دنبال چه می‌گردید؟! متی این پیام را اصغر سپهری برادر فاطمه سپهری با عنوان «سوال فاطمه سپهری از رئیس جمهور اسلامی» در شبکه «ایکس» منتشر کرده است. این زندانی سیاسی که همسرش از جانب‌اختگان جنگ ایران



بازداشت یک سوری در آلمان به اتهام برنامه‌ریزی برای حمله به سربازان با قمه!

دادستانی مونیخ روز پنجشنبه ۲۲ شهریورماه از بازداشت یک جوان سوری ۲۷ساله به اتهام برنامه‌ریزی برای حمله به سربازان ارتش آلمان خبر داد. این اسلام‌گرای افراطی دو قمه ۴۰ سانتیمتری خریداری کرده بود و قصد داشته موقع ناهار به سربازان در مرکز شهر «هوف» در ایالت بایرن حمله کند.

محاکمه یک افغان در مونیخ به اتهام آزار جنسی به یک جوان لهستانی در ایستگاه مترو!

یک جوان ۲۱ ساله افغان به اتهام حمله و آزار جنسی به یک توریست مرد لهستانی، جمعه ۲۳ شهریورماه، در مونیخ محاکمه شد.

منابع آلمانی گزارش دادند توریست جوان لهستانی که مست بوده، شبانه در ایستگاه مترو مورد تعرض قرار گرفت. این حادثه نه تنها در مونیخ سر و صدا به پا کرد، بلکه به تنش‌های دیپلماتیک بین آلمان و لهستان نیز منجر شد. فرد افغان پس از سرقت تلفن همراه پسر لهستانی پا به فرار گذاشته بود.

«ممنوعیت فروش نان» به اتباع خارجی در کرمان تصمیم «مقامات دولتی و انتظامی» بود!

در پی نصب یک بنر در شهرستان «بردسیر» در استان کرمان برای عدم فروش نان به «اتباع خارجی» دادستان بردسیر اعلام کرد این تصمیم را «مقامات دولتی و انتظامی» شهرستان گرفته‌اند. خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه جمعه ۲۳ شهریورماه به نقل از این مقام قضائی نوشت: «این تصمیم قضایی نبوده و این موضوع در شورای تأمین شهرستان بردسیر با حضور مقامات دولتی، انتظامی و... مصوب شده است.» دادستان بردسیر برای توجیه این اقدام غیرانسانی مدعی



افزایش مبتلایان به «تب دنگی» در ایران

شهنام عرشی رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت روز جمعه ۲۳ شهریورماه ۱۴۰۳ از شناسایی بیش از ۱۸۴ مورد ابتلا به «تب دنگی» تا هجدهم شهریورماه خبر داد. او با تأکید بر اینکه اکثر مبتلایان به خارج از کشور سفر داشته‌اند گفته ۱۳۱ نفر از مبتلایان، سابقه سفر به امارات متحده عربی، ۹ نفر سابقه سفر به پاکستان، یک نفر سابقه سفر به عمان و یک نفر سابقه سفر به کشور چین را دارند. این مقام وزارت بهداشت همچنین از شناسایی ۴۲ مورد «انتقال محلی» خبر داد که ۱۱ مورد در بندر لنگه استان هرمزگان و ۳۱ مورد در چابهار استان سیستان و بلوچستان شناسایی شده‌اند.

استارلینک، «لولو»ی جمهوری اسلامی!

روح‌الله مومن نسب دبیرکل جبهه انقلاب در فضای مجازی گفته «استارلینک لولویی است که می‌خواهد پیشرفت ما در فضای مجازی را به چالش بکشد!» او افزوده «استارلینک، نوع نوینی از سازماندهی کاربران بر مبنای فیلترینگ آمریکایی است که طراحان آن آرزو دارند تمام اینترنت را مانند اینستاگرام به کنترل صهیونیست‌های کودک‌کش در آورند و افکار آزاد را به شدت محدود و مسدود کرده است.» روح‌الله مومن نسب همچنین گفته «فضای مجازی مانند همه کشورهای مستقل جهان کنترل خواهد شد و دسترسی شبکه‌های درواقع ضداجتماعی و متجاوز آمریکایی به اطلاعات مردم ایران قطع خواهد ماند، مگر اینکه حاکمیت ملی ما را به رسمیت بشناسند.»

فشار دولت بایدن به نتانیاهو برای توقف عملیات احتمالی علیه حزب الله

پایگاه خبری «آکسیوس» روز سه‌شنبه ۲۷ شهریورماه گزارش داد خاموس هوشستاین فرستاده ارشد بایدن در دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نسبت به آغاز جنگ گسترده‌تر علیه لبنان هشدار داده است. این هشدار



در حالی صادر شد که تدارکات ارتش و صحبت‌های کابینه امنیتی اسرائیل احتمال جنگ علیه حزب‌الله لبنان را افزایش داده است. با اینهمه دفتر نخست وزیر اسرائیل اعلام کرد، «اسرائیل به اقدامات خود تا رسیدن به هدف نهایی ادامه خواهد داد.» یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل گفته «تنها راه بازگرداندن شهروندان ما به خانه هایشان در شمال، انجام عملیات نظامی علیه حزب الله است.»

شد، «با توجه ناراضی مردم از شلوغی صف‌های نانواپی (عرضه نان یارانه‌ای) در سطح شهر، دستوری صادر شده است که اتباع برای تهیه نان یارانه‌ای از نانواپی‌های تعیین شده در اردوگاه نگهداری اتباع که از آرد یارانه‌ای استفاده می‌کنند و به قیمت دولتی نان تهیه کنند.» اغلب اتباع خارجی که در کمپ‌ها یا شهرهای ایران ساکن‌اند افغان هستند.

و عراق است، به دلیل عقاید سیاسی خود که مخالفت با جمهوری اسلامی و دفاع از مشروطه و پهلوی است، بارها به زندان افتاده است. در آخرین مورد، وی ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ همزمان با آغاز جنبش ملی و سراسری ایران در خانه‌ی خود در مشهد دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد و اوایل اسفند همان سال با حکم دادگاه انقلاب اسلامی توسط قاضی منصوری در مجموع به ۱۸ سال زندان محکوم شد.



عکس هفته | نیکا...

۲۹ شهریور دو سال از ربودن و تعرض جنسی و قتل فجیع نیکا شاکرمی دختر ۱۶ ساله که در خیزش ملی ۴۰۱ برای دست یافتن به آزادی و حقوق انسانی به مردم معترض پیوسته بود، گذشت.